

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_232029

UNIVERSAL
LIBRARY

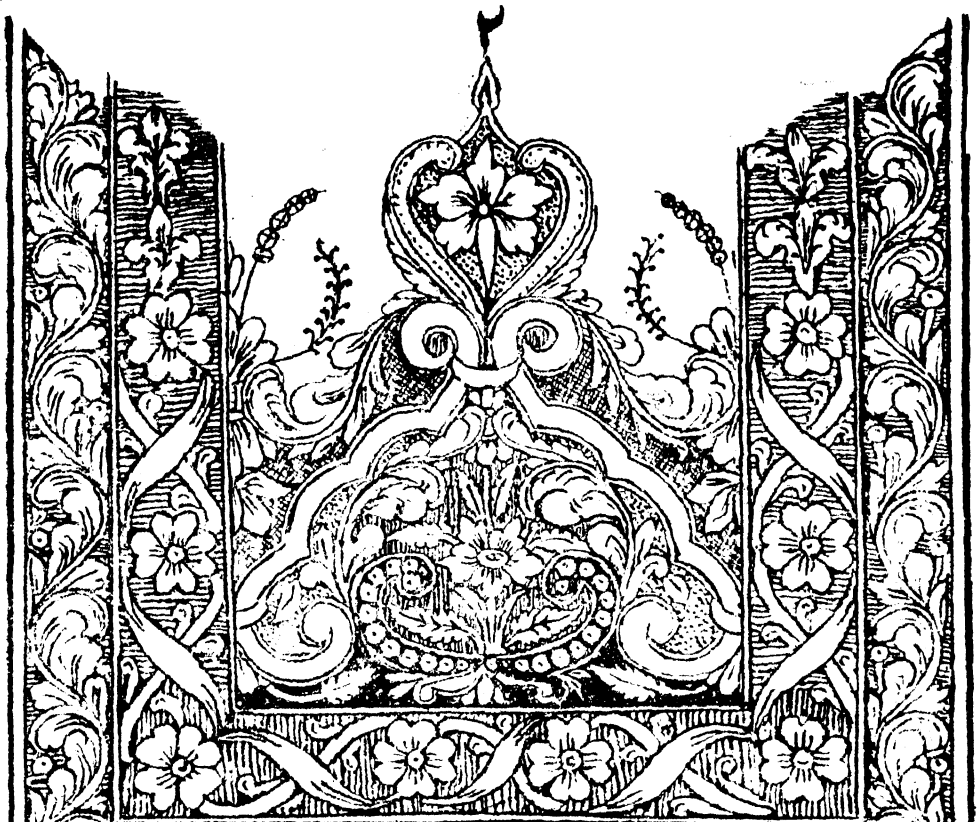
وَأَقْدَكَ مَنَابِي دَم

بمقتضى احكامي المحرمين سيد حسين المشتمل على الرزاق عم فقيه مسلمي
از نقاش حاجي محمود عظامي المشتمل على الرزاق عم فقيه مسلمي



باهتمام ملائذ الدين بن جواخان بهتم مطبع حيدري و صفدر في اقع بندر بلوچي

مَطْبَعُ صَفْدَرِ طَبْعُ شَد



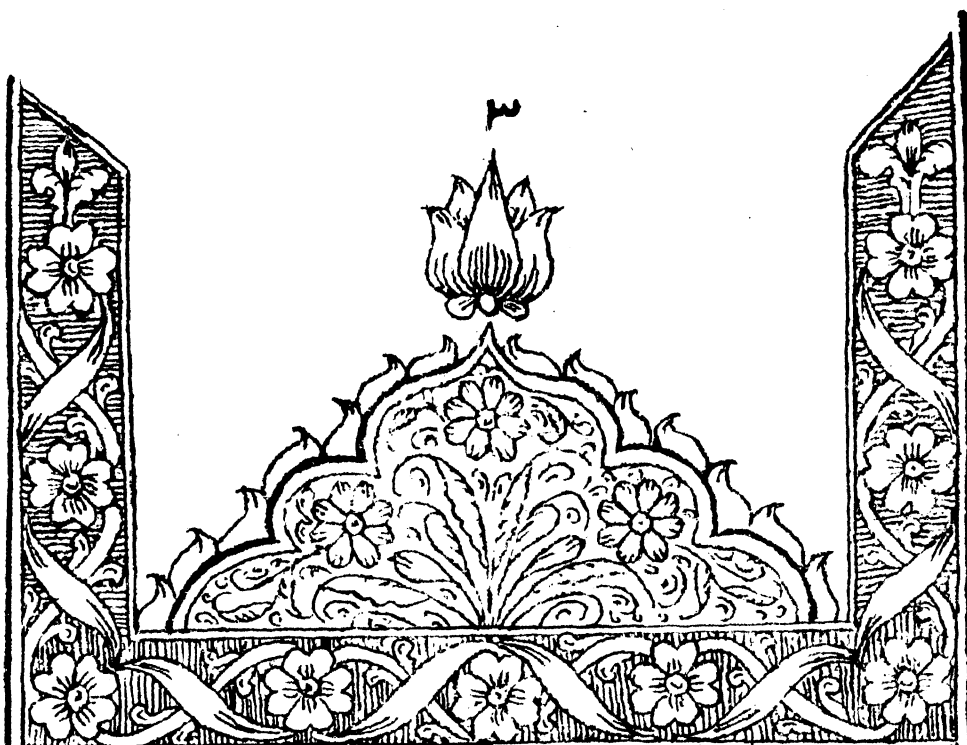
بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى

مِنْ الْجَنَّةِ

بِسْمِ اللَّهِ

أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا
وَالطَّلُوعِ وَالسَّلَامِ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا
وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى خَيْرِ الْوَرَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ
مَنْعُوهُ بِحَقِيقَةِ الْمُحَمَّدِيَّةِ وَبَرِيخِ الْكِبْرِيَّاتِ وَعَلَى آلِهِ
وَآهْلِ بَيْتِهِ سِرِّ عَيْنَتِهِ أُمَّةِ الْهُدَى وَعَلَى أَصْحَابِهِ
مَوْصُوفِ بِمَعْنِيَةِ مُحَمَّدٍ بِمَا جَاءَ الْعُلَمَاءُ تَسْلِيمًا

كَثِيرًا كَثِيرًا



بسم الله الرحمن الرحيم

سپاس بقیاس حضرت رب الناس اوست موسی اساس عالم ایجاد
 و تکوین و بانی خلقت بشر از ما و وطن انسان را نسبت شرافت از خلقت دیگر
 پایه اعتبار رسانیده و شرفا را به سبب سیادت از خلقت عصمت و حیا
 پیرایه افتخار پوشانیده درود نامعدود و هدیه بارگاه حضرت رسالت نبینا
 محمد المصطفی بنوت پناه قبول باد که ذات پاک کرم اولاد حضرت آدم زریب
 بخش خلقت و عالم تحفه سلام و تحیات زریبا بحسب ب العباد و بر صحاب
 معلى القاب امجد الامجاد الی یوم الدنا و باد **ه** خدیبا شرف انبیا که
 که عرش مجیدش لوح و مشکا که زبان تا بود در دهان جا بگیرد شمای محمد بود و لند

اما بعد گناس عقبه فیض رتبه حضرت رسول الثقلین سید عطا حسین ^{لمشتم}
 عبد الرزاق کترین مشایخین آفاق ولد حضرت سید المشایخین سید الساکین
 میر سید سلطان احمد قادری المنعم الحسن بن عمده المشایخین ^{صلین} الیوا
 حضرت سید شاه علام حسین حشمتی المنعمی باقری نسب حنفی المذہب ^س مش
 سرهما متجمع فی الجمان لوصل ذات الرحمان برضمیر عطوفت تنویر ناظرین کتاب
 ہذا الویاد چو کہ این خاکساز از متداد ایام جنین آرزو داشت اگر انساب بزرگان
 دین متین و پیران طریقیہ راہ یقین باید منسلک سلسلہ مبسوط و نصیبیہ بین ہفتہ ^{تا} جنین
 اخر کار آند دولت را سلسلہ ضیائی کردہ ہم رسانید ہمہ ایجا کتاب ہذا منسلک کردی
 مطابق آنکہ من جَدَّ فَوَجَدَ یعنی جو نیدہ یافت ستارہ این سعادت در
 عین سفر حج بر پستانی ام تافت باید شنید در شہر ممبئی حین قیام کتابی دید
 بحر الانساب و نیز در معاینہ در ایہ مقام **گلشن آبا و کتاب**
حساب الانساب در نسخہ اول ذکر اولاد و وارثہ امام علیہ السلام در
 ثانی نسب لیا و مقدمات عالی مقام کہ امام فلان می پیوند و نیز بخانہ این فقیر
 بود کتابی نسب نامہ تالیف حضرت عم الاعظم **دوشنضمیر مولوی سید شاہ**
وحید الدین احمد مبضیہ ساختند حسب الارشاد کلمات ارشاد ترکہ برابرہ
 از زبان فیض ترجمان والد ماجدشان **سید شاہ علام حسین**
 قدس سرہ و نیز در این کتاب نسب نامہ اکثر مشایخین مقدمات علما

از تحریر جدید چنین نیز کتابی یافت منظوم نسب نامہ بزرگان دین عمدتہ المشائخ
 که از تالیف شاه محمّد و مبحثش متخلص وافی فردوسی البهاری و بعد
 این دو کتاب در سفر یافت و نیز اینکه از وقت تالیف عم الا عظم فرزند فرزند
 انما شدند مندرج کتاب انهم را تبتیاً مبضه ساخت و موسوم به کنز الانساب
 پرداخت درین کتاب تفریق و تفصیل بحین عنوان گردید اول مقدمه کتاب
 بعد دو باب ضمیر نسب و ذکر نسب پشیمان بعد ذکر نسب خود زان بعد ذکر نسب
 سادات که بکدام امام می پیوند و بعد در فصل در نسب یوح یغی حضرت
 اصحاب ثلاثه و سلمی نمود و یک خاتم و یک تمه واضح باد این کتاب است برین
 یک مقدمه دو باب چند کیفیت سه فصل اصل اصول مقدمه کتاب
 بذکر نسب سالت آباء ذکر نسب حضرت نبینا محمد صلی اللہ علیہ وسلم
 رسالت آباء حضرت اسد اللہ الغالب العالیجناب سیدنا علی ابن ابی طالب بذکر
 ذریع خواجہ عبد المطلب یعنی جلا مجد سرور ال غالب در دو باب
 ذکر حضرت حسین یعنی در یکی ذکر حضرت امام حسن مجتبی مع اولاد
 و در دیگری ذکر حضرت امام حسین شهید کربلا مع اولاد علیهما السلام
 حسب تفصیل ذیل ذکر جمیل و بجای تحقیق مصابرت بدین ترتیب فرین یافت

مقدمه کتاب کنز الانساب

واضح باد بر هر کس فرو بشتر مسلم و مسلمة واجب است دستن چهار کرسی آنحضرت

نبینا محمد علیه السلام هر قوت ایمان نیز بر کس چهار کرسی خود دستن بهر حکام
 تقویت مصابرت مستحب است جمت جمت نسب شرافت حالا چون کتاب
 نسب نامه دست نمود ذکر نسب اعلیٰ آنحضرت در تحریر مقصود مسکین بے تسکین فسانی
 نسب نامه آنحضرت ختامه صلی الله علیه و آله وسلم که
 یعنی سیدنا و مولانا محمد مصطفیٰ و زشی الهاشمی المطلب ابن سیدنا عالیجاه
 عبد الله ابن عالی نسب خواجه عبد المطلب ابن سردار یا ششم ابن
 عبد المناف در باب چهار کرسی آنحضرت است همین قدر که تحریر است
 بالانسب این که عبد المناف ابن قصی لکلاب مکدر ظهور شد تا عدنان نسب
 عالیجناب و بالا از حضرت اسمعیل و ابراهیم تا آدم است صورت اختلاف آنحضرت
 با عدنان کرده اند بیان بدانید عبد المناف را چهار رسپ کی نوفل جد چهارم
 حضرت حمیر صحاب نبی و ثانی مطلب جد هشتم حضرت امام شافعی رحمه الله
 ثانی یا ششم و عبد شمس شدند هر دو توأم بنشاستها پیوسته از شمس سر جدا
 در اولاد هر دو شمس شدند آنها از خرم شد بر جناب سیدالشهدا عبد شمس رحمه الله
 اجداد امیر المومنین عثمان رضی الله عنه و نیز اجداد حکم پدر و روان وجد
 معاویه ابن البوسفیان ازین قبل اجداد کل نبی امیر و یا ششم پدر جد آنحضرت
 و پدر جد حمیر که از یعنی جد جمله نو عبد المطلب و نسب حضرات شیخین و اصحاب
 من بقیة از عشره مبشره ازین درجه بلاست که می بینوند یعنی از قصه بن

کلاب چنانچه نسب حضرت صداقت مآب از حضرت سید البشر سیالت مآب
 پیوندد بدرجه هفتم از مره بن کعب انجناب نبی تمیم اند و نسب حضرت عدالت مآب
 از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدرجه ششم می پیوندد از کعب انجناب نبی
 عدوی اند مشهور و تفریق نسب خلیفه سیوم صاحب جیاد بدرجه چهارم از آنحضرت
 که تحریر سابق نمود و نسب الی حسب یعقوب المؤمنین لقب حضرت ابوالحسن
 علی مرتضی اقرب الاقرب یعنی بیک اسطه از آنحضرت می پیوندد بمصدق
 حدیث نبی یاد خیر است انا و علیاً من نور و احیاء یعنی فرمود آنحضرت
 نور من نور علی و احد است باید دانست نسب مادری آنحضرت صلی الله علیه
 و آله و سلم بدینطور است جای خورش است که بی بی آمنه خاتون بنت مویز
 بن زهره بن کلاب بدانند کلاب را و لیسر کیه قضی دویمی زهره هر دو
 نام لیسران خود نهادند عبد المناف پس هر دو عبد المناف اجداد جدی و مادری
 آنحضرت شدند و حضرت سعد ابن ابی وقاص و عبد الرحمن بن عوف
 هر دو صحابه از عشره مبشره از اولاد زهره بن کلاب اند و دختر کلانی و هب
 ابن عبد المناف بی بی هاله یکی از زوجة خواجه عبد المطلب الدیه بی بی صفیه
 و حضرت سید الشهدا امیر حمزه رضی الله عنهما باید شنید اگر چه عم نبی حضرت
 عباس آوردند ایمان بر بنیم بمنزله نبی بودند و از امیر حمزه حد خصوصیت
 برادر خالاتی برادر رضاعی بمنزله علم الامم المؤمنین حضرت خدیجه الکبری

بنت خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصى بن كلاب مذکور الصدروفیر الوجل
 ابن هشام و ختمه دختر هاشم والده حضرت عمر فاروق هر دو برادر هشام
 و هاشم بن مغیره ابن حارث ابن عبد العزی ابن قصى بن كلاب اند و ابو جمل
 از اعمام آنحضرت نیست غلط مشهور باعث مذکور ازین قرابت برادر نبی عام
 حضرت ام المومنین جدیجست پس درینحال خسر داده شد عم نشد بصبر جای بدنیوجه
 کرد است اکثر آنرا ابن عبد المطلب بجای برادر ابی لهب شمارند غیر باید دانست
 خواجه عبد المطلب اده فرزند آن مختلف الابطان هاشم بن عبد المناف را
 سپس از آنجمله دو ولد نامی یک خواجه عبد المطلب جدا آنحضرت سیر است
 و جد حضرت علی شریعت بودند و می اسد ابن هاشم جد مادری حضرت
 حیدر کر اجبا حضرت حضرت مرتضی علی از جانبین نسب هاشمی دارند از نیجا
 تفصیل در بیت خواجه عبد المطلب گاشته می آید بدیند سپس اولین خواجه عبد
 المطلب حارث از یک لطن و کینت شان ابو الحارث بدنیوجه و ضرار
 از یک لطن عبد العزی سپس سلیم از یک لطن چهارم ابو اب بنجیم
 مقوم هر یک از لطن مختلف بوده اند هاشم خواجه عبد الله والد جد
 حضرت محمد رسول الله هاشم زبیر از اجداد حضرت امام تاج فقهه جد مخدوم
 شرف الدین هشتم خواجه ابریطالب جد حضرت مرتضی علی اسد الله الغالب
 و پنج خواهر ایشان برادران ثلاثه از یک لطن ماوراند ارومی عاتکه و بیضا

و امیمه و سوره خواهران ایشان بدانند و لذت بسیار بودند ابو ذر را و اما حضرت
 ابو ذر الفزاری که حدیث مخدوم حکیمی منیری اند مرزا فیض الوار حضرت
 امام تاج فقه در مکّه مشرفه موجود است متصل باب عمره از ذریه انجناب
 تاج فقه اکثر اند اولیاء کبار خصوصاً در نجوار حضرت بهار مخدوم الملک مخدوم شاه
 شرف الدین قدس اللہ سره ابن مخدوم حکیمی منیری ابن مخدوم اسرار
 ابن حضرت امام محمد تاج فقه ابن ابو بکر امام ابن امام ابو الفتح ابن امام
 ابو القاسم ابن امام ابو الصّائم ابن امام ابو الدیلمی ابن امام ابو الیث ابن امام
 ابو سمره ابن امام ابو الذین ابن امام ابو سعود ابن امام ابو ذر ابن زبیر ابن خواجه
 عبد المطلب بن هاشم بن عبد المذنب که از اجداد آنحضرت اند علیہ السلام
 و الفخر باد از یک روجه سیدنا عباس بن عبد المطلب عم خیر الناس جدیخ
 عباسی خلفاء عباسی ابنان حضرت عباس مشهور است اند فیصل ابن عباس
 عبد اللہ ابن عباس فخر از طین سابقین مومنه بی بی ام الفضل استند مادر
 خلفاء عباسیه از ذریه انجناب خلیفه حضرت مخدوم الملک مخدوم شاه
 امون اند مرزا واقع در موضع شیخ لوی رخرذ الوان علاقه بهار فیض آنجا
 مراد در بنی نسب نامه منیوسید حضرت مخدوم شاه امون ابن مولانا شیخ ابراهیم
 ابن شیخ عبد الرحیم بن شیخ عبد الرحمان ابن شیخ عبد الغفرین ابن شیخ اسرار
 ابن شیخ عبد اللہ چون سوی ابن شیخ عبد الواحد حقانی ابن شیخ ابو القاسم

ابن شیخ ابو سعید صفهانی ابن شیخ ابو نجیب ابن امام ابو الولیس ابن امام ابو سعید
 ابن امام ابو الیث ابن امام ابو اسحاق ابن امام ابو زید ابن امام عبدالمدین
 حضرت عباس ابن خواجه عبدالمطلب جد نبی صلی اللہ علیہ وسلم حضرت امیر
 حمزه ابو عماره یک پسر عماره و نام دختره فاطمه بنت حمزه و دیگر این نام یادمانند
 الاکسی مورخین فرمودند ایشان تخریر نمود الا خواهر اعیان حضرت امیر حمزه بی بی
 صفیه بنت عبدالمطلب مومنه سابقه مادر حضرت زبیر ابن عوام بن خویله حضرت
 زبیر و مادر حضرت صدیق اکبر از لطن بی بی ام ساه سسه پسر عبدالمدین بی بی عروه
 ابن زبیر مصعب ابن زبیر عروه محبت شدند و حضرت مصعب ابن زبیر زوج
 بی بی سیکینه دختر حضرت امام حسین علیه السلام اندیشینوار عمارت نبی ایمان
 آوردند بی بی صفیه بی بی عاتکه و دو عم ایمان آوردند حضرت عباس و حضرت
 امیر حمزه آنحضرت چهار عم را دیدند از جمله اعمام ایمان آوردند و ابولهب کافر شد
 ابیطالب بین مذنبین اندوکار ازواج نبی آنحضرت بنیامحمد المصطفی
 صلی اللہ علیہ آو سلم اولین حضرت ام المومنین بی بی حدیجه الکبری
 بنت خویله که از لطن پاک ایشان کل ولادت بی علیہ السلام غیر سیدنا ابراهیم که
 از لطن ماریه طیبیه شدند بعد عالم صناعت کتشف بر و بسوی جنت عقاب نامند
 ثانی ام المومنین محترم بی بی عاتکه صدیقہ رضی اللہ عنہا بنت حضرت
 صدیق اکبر رضی اللہ عنہ اولاد نشد از ایشان ثالثه ام المومنین بی بی حفصه

بنت حضرت عمر رضی اللہ عنہ ابوعام المؤمنین حضرت زینب بنت جحش دختر
 عمه نبی بودند خامسه ام المؤمنین سوده بنت رمعه بن قیس ساوس ام المؤمنین
 زینب بنت خزیمه لقب ام المساکین بن حارث سابعه ام المؤمنین ام سلمه
 بنت ابی امیه که بنت عاتکه عمه نبی بودند ثامنه ام المؤمنین ام حبیبیه دختر
 ابوسفیان خواهر امیر معاویه نهمه ام المؤمنین حضرت میمون بنت الحارث عشر
 ام المؤمنین صفیه بنت حی ابن اخطاب زیزیت حضرت یارون نبی علیه السلام
 بودند یازدهم بی بی جویره بنت الحارث ابن سعد وازده بی بی مارقطیه
 بی بی شیرین سیزده شد و در چهارده یکی مطلقه شدند ذکر فرزندان
 آنحضرت سیدنا محمد علیه الصلوه والسلام که از بطن ام المؤمنین
 خدیجه الکبری بوجو آمدند در عالم شهود بنید دو پسر چهار دختر از
 بطن خدیجه پاک شمره سیر لولاک شدند و اول سیدنا قاسم پو پسر خدیجه ابوعمر
 بست هفت سالگی آنحضرت تولد یافتند بعمر سه ساله جلالت کردند انالذوانا هم
 رجوع ثانی ولد سیدنا عبد اللہ که بعرض نبی بعمر چهل سالگی آنحضرت در
 آمدند بوجو دلقب طیب و طاهر بودند از جناب ابرتعالی در ایام ضاعت بخلد
 برین شتافتند بعد جلالت ایشان سوره کوش شدند و لجهت ارتفاع ملال
 و گوینده ابتر شد و تولد بنت کلانی حضرت رسول ربانی بی بی زینب بعمر
 سنی سالگی آنحضرت تولد شدند و از خواهرزاده ام المؤمنین خدیجه الکبری

الی العاص کتخی اشندند از لطن آن بی بی دو اولاد شد یک پسر و یک دختر نام پسر
 شد علی که بعالم شباب نوجوان قضا نمود و نام دختر بی بی امامت زینب
 که حسب وصیت بعد حلت جناب سیده فاطمه زهرا بر او جیت جناب حضرت علی
 مرتضی کرم الله وجهه درآمدند از لطن این عقیقه یک پسر شد محمد و وسط بن علی
 همراه برادران در میدان کربلا براه شهادت جان بحق نمودند تسلیم فرزند
 بی بی زینب بنی جانتیام باقی دختر ثانی محبوب ربانی بی بی رقیه که بعد از سه سالگی
 عمر هفت آنحضرت متولد شدند بود و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند عبد الله که از لطن پاک ایشان بوجود آمدند سه ساله کردند از بیخان
 انتقال بعد انتقال حضرت رقیه دختر ثالث آنحضرت بی بی کلتوم که بجزی
 و شش سالگی آنحضرت تولد شدند در عقد و نکاح حضرت عثمان غنی رضی الله عنه
 درآمدند از لطن این بی بی عبد الله صغیر بوجود آمدند در طفولیت رحیل ملک بقا
 شدند عقاب نماز قبل از نکاح حضرت با حیا در صغرتی هر دو در نکاح هر دو
 برادر عقیه و عقیه ابنان ابولهب بودند که بعد از نکاح آنحضرت بعس مشرف شدند
 ابولهب پسران کافر شدند در میان کفر و سلام نکاح باطل خلع واقع شد هنوز
 هر دو خواهران ببلوغیت نرسیده بودند بعد چند سال یکی بعد دیگری
 در عقد و نکاح حضرت با حیا عثمان غنی رضی الله عنه داخل شدند عقاب
 نماز نماند نسل حضرت رسول مقبول از حضرت بتول در جزیه است که فرمود آنحضرت

بشیر و نذیر آینه محمود نسل نبوی در پشت بر بنی و نسب محمد در پشت علی واضح باد
 چون بسال دوم هجرت کردند عقد نکاح واقع شد از جناب سیده النساء بتول
 فاطمة الزهراء رضی الله عنها با حضرت ابد الله الغالب علی بن ابریطالب
 در شان پاکد منی فرمود انحضرت آینه محمود الفاطمة بصفتها منی یعنی فاطمه
 پاره جگر من است الحصول چون توان السعدین شد از حضرت علی و بی بی بتول بر ربانی

یافت ظهور ابیات

با بنت نبی چو یافت تزویج

چون گشت بحق و تران سعدین

دو لعل ازین صدق بر آیند

هر مرتبه علی عطا شد

از چرخ نهم چنین ندا شد

مسرور علی ازین صدا شد

سر آینه گریه لظهور رسید آیت

عَمَّ حَجَّ الْبَشَرِ نَبِيٌّ يَلْتَقِيَانِ اَنْ اِزْطَبْنَ يَاكُ نَبْتَ سِر لَوْلَاكُ دُ و فَرْزَنْدُ بُو جُو آئِنْدُ

یکه بعد دیگری مبصه شود و بذریعت نبی شد صورت سودناری شدند جو و

از رشک گل مقصود مطابق کلام بانی تخریج مِنْهَا اللُّوْءُ وَاَلْمَرْجَانُ

باید دانست مراد از لولو یعنی مروارید نسبت انحضرت امام حسن مجتبی که مراد

سهند رنگ است نیز الماسین جبهه شهادت انحضرت است و مقصود از مرجان

سرخ رنگ شهادت جناب انحضرت امام حسین علیه السلام است الحق

بدانیند بعد تولد ان نیرین حضرت محمد مصطفی پس سویم نیز جناب انحضرت

علی مرتضی تولد یافتند با یام ضاعت سدنا محسن بسوی جنت شتافتند

هر دو فرزند بجای فرزند حضرت رسول مقبول تا حیات معین زنده ماندند
 اولاد شد ز نسیب دخت کلانی حضرت علی مقبول را بی که از خضرب عبدالمطلب
 ابن جعفر طیار برادر عمزاد منسوب شدند و گوهر لطن آن بی بی نیز متولد شدند
محمد عمون محمد جعفر نوجوان جام شهادت نوشیده در کربلا گرفتند
 لاه خدا و او یلار اعقاب ایشان ماند دختر ثانی حضرت شیر خدایی بی کلثوم
 در عقد و نکاح حضرت امیر المومنین **عمر فاروق** درآمد از لطن این بی بی فرزند
 زید نام تولد شدند و رایم طفولیت جان بحق کردند سلیم دختر سیوم جناب تبول
 بی بی رقیه به عمر و سالگی حلت ساختند ازینها عقاب نما نذخبر حضرات
حسین فرزند رسول مقبول واضح با نقل مشهور بر این عام خاص مذکور
 مراد از ذریت سیادت از بی فاطمه است و اولاد مراضی علی چرا که
 لقب سیادت به پنج است پنج ای نکته سخن که آنحضرت چنین فرمودند
 انا سید البشر و سید الانبیاء و سید المرسلین یا علی انت سید الغر
 و سید الاولیاء و الفاطمة سیدة النساء العالمین و الحسن
 و الحسین سید شباب فضل التیمه ازین حکایت و روایت
 رسید به ثبوت پنج سیادت بدانید اولاد حسین معمور به پنج سیادت هستند
 الا سید علومی را یکی سیادت است ابوی در بیان اولاد علی
 از لطن غیر تبول از اینجا ذکر سیادت علویت واضح باد از لطن پاک

سیده ششش فرزند سه سپه و سه دختر دارند بوجو باقی از البطان دیگر زوج با
 معروف است که سبب چهار اولاد شده پس باقی دختران جای ذکر بجز تفصیل
 خواندنگاشت بدانید از سه فرزند نسب علوی اولاد ماند باقی در روایت است
 که حضرت مخدوم نصیر الدین چران و بلوی را نسبت فرزندى بحضرت عباس
 بن علی که علمدار بودند همیشه مورالاد کرتب نیافتگی می نگاشت و از فرزند علی
 محمد حنیف ابن حیدر که اولاد است مشهور چنانچه سید مسعود غازی
 ابن سید محمود ابن سید عبداللہ ابن سید محمد اللہ ابن سید عبدالکریم ابن امیر حمید
 ابن سید محمد حنیف ابن حضرت مولا علی کرم اللہ وجہہ و نسب مادری سید
 سالار غازی ابناء ملوک است سلطان محمود غازی خال ایشان بودند
 و نسب بدی حضرت خواجه محمد السبوی رحمۃ اللہ علیہ که خلیفہ حضرت امام
 ابو یوسف ہمدانی اندیز می پیوند بد بنطور است خواجه احمد السبوی
 ابن سلطان خواجه ابراہیم ابن سلطان خواجه امیر محمود ابن سلطان خواجه
 عبدالفتاح ابن سلطان خواجه عمر ترکستانی ابن سلطان خواجه عثمان
 ابن سلطان خواجه امیر حسن ابن سلطان خواجه مومن ابن سلطان خواجه
 اسمعیل ابن سلطان خواجه موسیٰ ابن سلطان خواجه مارون ابن سلطان
 خواجه اسحاق ابن خواجه عبدالرحمن ابن خواجه عبدالرحیم ابن خواجه عبدالقہار
 ابن امیر عبدالفتاح ابن حضرت محمد حنیف بن حضرت علی حیدر کرار وزیر

منقول است نسب حضرت مرزا منظر جان جانان سرسند مجر و یه نسبت پشت
 واسطه فرزندی بحضرت امیر محمد صنیف میرسد و نسب میرزای جانب ماوری
 با میر تیمور میرسد نسب نامه حافظ محمد یعقوب با حضرت عمر ابن علی
 حیدر کرار میرسد بدینطور که حافظ محمد یعقوب ابن حافظ عبد اللطیف
 ابن حافظ محمد یوسف ابن امیر سید عبد الجلیل ابن مولانا سید عبد الفتاح
 ابن امیر اورسین ابن امیر لونس ابن امیر عبد الجبار ابن امیر ابو بکر ابن امیر
 عمر ابن قاضی سید ابو الفتح لاهوری ابن سید حاجی علی ابن امیر محمد ذکریا
 فقیه ابن مولانا محمد یحیی زاهد ابن میر سید زاهد ابن مولانا سید عابد ابن حافظ
 سید منصور ابن قاضی سید عالم ابن مولانا محمد اکرم ابن حافظ سید احمد ابن
 حافظ سید محمد ابن امیر سیامان ابن امیر عبد اللہ ابن سید امان اللہ ابن سید
 علی ابن سید احمد ابن سید محمد اکبر ابن سید ناعمر ابن حضرت علی
 کرم اللہ وجہہ و انج باد اکثر سیادت علوی نسب در استشار بہر امرار و دیار چون
 نسب نامه نیافت متعذر شد از تحریر و نگاشت ذکر ذریت حضرت
 عقیل ابن ابرطالب ذکر ذریت حضرت جعفر طیار میکنم الا اول
 بی بی ام مانی بنت ابی طالب که از آنحضرت بسیار محبت و عقیدت داشتند
 علاوه نسب عمر ادکی منقول بودند چنان که در خانه برکت نشانه ایشان
 واقع معراج نبی بسوی آسمان ذمی اولاد شدند کیفیت ذریت دریافت نشد

الاذريت حضرت عقیل کلانی فرزند مسلم بن عقیل که در کوفه بر پیش نهاد
 خون جسمی شان شد بطور سبیل و مهر و فرزند ایشان محمد ابراهیم بود
 شدند بر او حق قتل و کل ذریه شان در کربلا همراه سید الشهداء ابراهیم
 شهادت جان بحق کردند تسلیم حضرت جعفر طیار را سه سیز لطن بی بی

اسما و بنت عمس یکی عبد الله بن جعفر که از حضرت زینب

و ختر علی رضی کریم الله وجهه کنه شدند و فرزند از لطن پاک آمدند بوجود
 محمدرحون و محمد جعفر هر دو و بصف کربلا شدند شهید قاتل شان مطیع

یزید و اولاد باقی نماند الا ابراهیم و اولاد برادر باقیست محمد رحون ابنان

جعفر طیار اگر خود را جعفری و زینبی گویند زیبا نیست چرا که ذریه حضرت
 زینب را عقاب نماند واضح بود یکی از اولاد هر دو بزرگوار امیر عطاء الله

نامی بمنزلت گرامی وارد بدین دیار شدند و در دربار شاهی و سوخت بهر سائید

مغز و ممتار گشته فرامین و بهیات حصول کرده یافته احمد می بسند می

سکونت قصبه چهلواری ضلع پلینه کردند اختیار چنانچه اکثر مشایخین

این دیار نسبت نسب خود با امیر عطاء الله مدوح می پیوندند و آنچه که

باستماع آمده این خاکسار از زبان فیض ترجمان جد بزرگوار خود و اولاد این

عمده المشایخین جناب حضرت سید شاه علام حسین قدس سره دانای پوری

درین صفت نگار و آنچه که در زینبیل خود وارد می آید یعنی صاحبان ساکن

مچھلی شھر ضلع جونپور کی از رؤساء مشاہیر مولوی علی کبیر و برادران
 و خواہرزادگان شان جعفری نسب دارند چنانچہ ازین خاکسار ہنگام عمدہ
 روزگار سرکاری ناپایدار ضلع غازی پور ملاقات شد از مولوی محمد ظہور
 صدر الصد و ضلع غازی پور نیر حسین سفرچ ملاقات شد از برادر کلانی شان
 اندر حریرین شیرین مولوی عبدالشکور عند التذکرہ کردند بیان ذریت
 خود بامیر عطاء اللہ جعفری نسب چنانکہ جناب حضرت جد ماحد فرمودہ بودند
 و نیز ملاذمت خود بشہر الہ آباد از آنحضرت بیان میکردند و نیز مولوی
 محدوح وقت مراجعت سفرچ پیراہ آمدند این فقیر حقیقہ کتابے آوردہ
 بودند در ذکر آل ابطال بیدہ بودم پھرہ در ذکر مشایخان پہلواری
 کہ خود را بذریعہ امیر عطاء اللہ نامند یعنی شاہ ظہور اللہ رحمۃ اللہ علیہ
 والد ماجد شاہ مجیب اللہ کہ والد ماجد و پیر مرشد حضرت شاہ نعمت اللہ
 قادری پہلواری رحمۃ اللہ علیہ بودند و نیز مولانا عماد الدین قلندر
 قادری کہ خسر پیر مرشد جناب حضرت شاہ مجیب اللہ قادری بودند و
 نیز از ذریت امیر محدوح مولوی شاہ وحید الحق داماد شاہ مجیب اللہ
 علیہ الرحمۃ کیفیت ذریت ایشان خوب میدانند و تتمہ کتاب خواهد نوشت

تفصیل و اگر کہ فرزندان ایشان بسیارند

باب اول ذکر اولاد حضرت امام حسن مجتبیٰ علیہ السلام بر دو نسبت

نسبت ما اول در ذریت } حضرت امام حسن علیه السلام
 نسبت دوم در ذریت حضرت } سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنه

واضح باد از تحریر مورخین سابقین از وراج حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و سبب
 اینجاه ششتر وجه آمده اند در شمار چنانکه آنحضرت بودند کثیر النکاح بدست شرعی یکی
 بعد دیگری چهار زن موفیق شستند میکردند طلاق کثرت نکاح بود تبنا می
 ارشاد آنحضرت صلی الله علیه و سلم آنحضرت شهر بالو بودند رضی الله عنهما
 و در کتب تواریخ کل سها از وجه آنجناب نیافت که می نگاشت الا سها چند جای یافت
 می نگار و بدانند زوجه اولین خوله بنت منظور ابن حیدر از اولاد هاشم بن
 عبدالمطلب هاشمی نسب از لطن ابن روجه یک فرزند رتبه بلند جناب حضرت
 امام حسن مجتبی رضی الله عنه و از لطن بی بی صفوره بنت سعد بن زید بن
 خطاب یعنی از اولاد برادر حضرت عمر خطاب رضی الله عنه یک دختر بی بی عایشه
 شاه کنیت نام عجب و نیز فاطمه ثانی نام بنشته اند مورخین ابن بی بی و وجه حضرت
 علی ثانی امام زین العابدین ابن امام حسین علیه السلام هر که خدائی امام
 حسن مجتبی از دخت عم بزرگوار حضرت امام حسین علیه السلام کردند نام
 نامی این بی بی فاطمه زهری از لطن غنیفه تولد شد سیدنا عجب الله
 المحض نبره حضرت امام حسن مجتبی و نواسه حضرت امام حسین شهید کربلا که از
 اجداد و امجا و حضرت غوث ثقلین سید عبدالقادر جیلانی رضی الله عنهم

و فرزند بی بی ام عبد الله عایشه ثانی حضرت امام محمد باقر بن حضرت
 امام زین العابدین نواسه سیده الشهدا امام حسن مجتبی رضی الله عنہ ذریات
 این حضرت لقب بیادوات حسنی و حسینه و حسینه الحسنه اند کیفیت ذکر نسبت بیشتر
 نگاشته خواهد شد و اینجا تفصیل از رواج حضرت امام حسن علیه السلام می آید ^{سید}
 باید شنید بی بی ام البشر دختر مسعود انصاری از لطن این بی بی متولد شدند
 سیدنا قاسم بستند و از زوجه رابعه بی بی ماهره تولد شدند سیدنا
 عبد الله بن امام حسن مجتبی و از لطن و جبه خامسه بی بی زاهده سیدنا
 ابو بکر بن حسن تولد یافتند و از لطن و جبه سادسه بی بی ام ولد سیدنا عمر
 بن حسن پدید شدند و از لطن و جبه سابعه بی بی سعدا تولد شدند سیدنا
 محمد بن حسن مجتبی از لطن بی بی انیسه شامنه و از لطن بی بی طاهره
 چند دختران بوجود آمدند و نیز بود چند زوجه بی بی فاضله بی بی محموده
 بی بی نصیه بی بی خدیجه بی بی عابده و دختران متولد شده باشند
 کل چهارده از رواج آمد بشمار الا واحده جده نسبت شعث که اسماء بهم نام بود
 کانسرتنوشیده شهادت یافتند انالله وانا الیه اجعون و اگر فرزندان
 حضرت امام حسن متثنی در کتاب امامیه تا اینجا ^۸ نگاشته اند و دختران
 بست تحریر میکند الا اهل سنتن مورخین معتمدین همینقدر نوشته اند که در تحریر
 در آید ^۹ سیدنا ابو بکر سیدنا ابراهیم و فرزند سیدنا عمر

سید جعفر و ابن سیدنا محمد و واندیکی سید ابراهیم دومی سید ادریس و فرزند سیدنا
 عبد اللہ سید یونس و سید سلیمان کیفیت ذریت حضرت قاسم دریافت نشد
 باید شنید اولاد سید ابراهیم اولی سید نوح و سید یان سید داؤد اند و
 فرزند آن سید جعفر ابن عمر زید شنید و اولاد سیدنا محمد سید موسی
 و سید یحیی و سید جعفر و سید ابو بکر بودند و اولاد سید عبد اللہ سید یونس
 و سید معیل و سید حجاج ذریات ایشان وقت دوره امارت نبی امیه
 و خلفاء عباسیه خروج کردند بعضی از صولت آنها فرزند بعضی شدند شنید
 ثمره نسبت و دم بایک ل ذکر اولاد حضرت امام حسن مثنی ^{علی}
 حضرت عوث الثقلمین باید دانست بحضرت امام حسن مثنی پنج فرزند
 شدند از آن جمله اولین سیدنا عبد اللہ محض ثانی سیدنا ابراهیم ثالث سیدنا
 عمر رابع سیدنا حسن مثلث خامس سیدنا صنغر این همه از لطن بی فاطمه
 صغری نبت حضرت امام حسین علیہ السلام از لطن حبیبیه و میمه سیدنا داؤد
 و سید جعفر و سید صنغر گویند اولاد حسن مثلث باقی نماند از دیگران باقی ماند
 ثمره سیدوم سیدنا عبد اللہ المحض را پنج پسر شدند از لطن بی بی رقیه دختر
 حضرت امام زین العابدین علیہ السلام سه فرزند سیدنا موسی ابجون و سید
 محمد و سید ابراهیم و از لطن جاریه سید ادریس و سید یحیی ذریت ایشان علاوه
 از ذریت حضرت موسی ابجون که تفصیلاً ننگاشته خواهد شد اولاد سید محمد

شبیه بنی فرزند کلانی ایشان سید قاسم ثانی سید ابراهیم سیوم سید عبد اللہ
 بلکہ بعض اہل مذہب باطلہ و نواصب و خوارج سید محمد ابن سید عبد اللہ المحض
 راہمندی موعود و انہد چہرہ کہ نام پدر عبد اللہ و نام مادر آمنہ بود منصور و الفی از
 خلفاء عباسیہ بود اول سید محمد ماجوس نمود بعد شہید کرد و حال ذریت
 سید اورسین سید ابراهیم و سید یحیی کسی کتاب فیتہ نشد کہ می نوشت شکرہ چہام
 نسبت و مہ باب اول سید ناموسی کہ بسبب نگ سیاہ والدہ ایشان
 چون گفتند معنی جون سیاہ رنگت کہ خدای ایشان یعنی سید موسی ابون از ختر
 خستہ ختر امام محمد باقر علیہ السلام شد نام آن بی بی رقیہ ثانیہ دوفزند
 از لطن این بی بی شدند متولد یک سید ابراهیم کہ عقاب ایشان مانند ثانی
 سید عبد اللہ ثانی کہ ملقب بود ذبیح صالح کہ خدای ایشان از بی بی
 مالہ دختر حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام شد از لطن این بی بی پنج
 فرزند تولد گشتند سپہر سید موسی ثانی کہ بودند از اجداد حضرت غوث الثقلین
 ثانی سید سلیمان ثالث سید احمد رابع سید یحیی خامس سید ابوصالح
 ذریات ایشان جانب بخارا و ترکستان بسیارند شکرہ پنجم
 نسبت و مہ باب دوم مذکور موسی ثانی کنیت ایشان ابو عمر کہ از دختر امام موسی
 کاظم علیہ السلام کہ خدا شدند نام بی بی طیبہ از لطن این بی بی بوجود آمدند
 ہفت سپہریازہ سپہر از حارہ رومیہ حضرت موسی ثانی در دو ہجری از شیر

از ششمین معتزله شدند شهید قاتل حضرت مطیع نیز پسر اولاد ایشان از هم پسران شدند
 آخر عقاب نماند جز حضرت شد داود ثمره ششم نسبت دوم باب اول
 خلف الرشید سید موسی ثانی سید نادا و او و محمد لقب از اجداد حضرت غوث الثقلین
 بودند نام خوان شان یافت نشد که خدای حضرت شد داود از دختر خجسته اختر
 حضرت امام علی موسی ضا شدند نام آن بی بی بنده بود و جز یک فرزند کیفیت
 دیگر دریافت نشد ثمره هفتم نسبت دوم باب اول در ذکر سیدنا
 محمد کنیت ابو القاسم معروف رومی که خدای ایشان شد از دختر یکی از زنی عم
 سید حمزه نام سیده دختر شان بی بی مبارکه از لطن این بی بی سیدنا
 یحیی زاهد تولد شدند و وجه سید یحیی بی بی عصمت بودند ثمره هشتم
 سیدنا یحیی از لطن بی بی رضیه دو فرزند یکی سید عبد الله که عقاب نماند
 دو بی عبد الله شدند ثمره نهم که خدای سید عبد الله ثالث از دختر
 اخوان شد از بی بی رحمت گردیدند فرزند شدند از جمله اولادیک باقی ماند
 ثمره دهم نسبت دوم باب اول واضح باد سیدنا ابوصالح کنیت موسی نام
 جنگ دوست خدا لقب کردند ابو الاولیا سید الاصفیا بسیار عابد و زاهد شیخ
 کاملین سید العارفین زوجه حضرت بی بی ام الخیر فاطمه ثانی دختر حضرت
 سید ابو عبد الله صومعی که این حضرت در قریه جیلان زاویه بنا کرده بعبادت
 الهی بودند مشغول کیفیت کرامات جد مادری حضرت غوث الثقلین بسیار است

به بسط و طول کا حاصل از بطن این غنیف و دو فرزند یکی سید ابوالحسن ثانی معروف بانی
 ثانی حضرت غوث ثقلین قطب بانی محبوب سبحانی سید عبدالقادر حیلانی صاحب سلسله
 معنوی موجود طریقه قادریه که از نام پاک آنحضرت منسوب است عقیدت آنجناب بهر کس
 مطلوب است نام خواهر آن حضرت غوث پاک بود بی بی جلیله بی بی رقیه هزار و چوبه
 پاک بی بی بصیر بی بی جمیله و فرزند آنجناب بودند یازده رتبه بلند دریت هر یک
 پسران نسبت الا اولاد ستم فرزندان در خجوار رسیده اند از شاخ شجره دریافت شد
 اولین سیدنا سیف الدین عبد الوهاب ثانی سیدنا عبد الزواق
 شهرد آفاق ثالث سیدنا عبد الغنی سبحان و نشین بغداد از فرزندان این
 هستند همین بزرگوار اولاد رسیده اند در خجوار و مصار باید شنید راجع سیدنا
 عبد الهادی خامس سیدنا عبد الجبار سادس سیدنا شرف الدین
 سابع سیدنا یحیی که حضور اند حسب رشا و والد ماجد خود شعب جبال بیار
 مغرب منجفی اند منتظر ملاقات حضرت عیسی علیه السلام نشسته اند تا من سیدنا
 موسی ناسع سیدنا ابوالاسحاق عاشر سیدنا ابراهیم احد عشر سیدنا
 عبد الجلیل ابوالنصر و نسب مشایخین اینجوار یافت است، این نسب بزرگوار
 الاحین اقامت مدینه طیبه مکه مشرف از بزرگی دریافت شد که بجز حضرت یحیی
 که حضور اند و یک برادران ذوی اولاد اند و الله اعلم حاصل نسبتنامه مشایخین اینجوار
 ازین سه فرزند منی میشود از دیگران نه یعنی زرقیه اند و بابیه اند غریب اند

بجمل نسب نامه آن بزرگوار خواهد نوشت الارزاقیه کثیر اند و نسبتا به جانب مادی حضرت
 غوث ثقلین جعفری نسب اند و نیز نسب سب مادی جنان حضرت خواجہ بزرگ
 نیز جعفری اند و نسب مادی حضرت شیخ شینوخ نیز جعفری

شجره نسب حضرت قطب الدین بنیادل جوینوری برادرزاده آن سید فضل الله

واضح باد سید قطب الدین بنیادل جوینوری و سید نصیر الدین والد سید فضل الله

عرف سید گوسائین هر دو برادر اعیانی از فرزندان میر سید حسن قادری ولد

میر سید علی قادری ابن میر سید امیر الدین ابن میر سید قیام الدین ابن میر سید

صدر الدین ابن میر سید رکن الدین له میر سید نظام الدین ابن میر سید قطب الدین

ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید عیسی قادری

ولد میر سید جعفر قادری ابن میر سید قاسم قادری ولد میر سید عبد الله قادری

ولد حضرت سیدنا عبد الرزاق ولد حضرت غوث ثقلین سید عبد القادر حیلانی

رضی الله عنه عمره آن باید شینید حضرت سید فضل الله عرف سید گوسائین

قدس سره برادرزاده و داماد و مرید و شتر شد و تلمیذ و خلیف حضرت سید قطب الدین

بنیادل اند جوینوری اند فرزندان فضل الله سید فضل الله و در بهار است و نیز اولاد

شان و فریق اند مذکورین کثر الاند به باب مایه بیشتر اند و فرزندان شان مشتمل

و اولاد حضرت سید قطب الدین بنیادل جوینوری است که در ماکند و علاقه شهر

آله آباد و قطب سید مشهور اند سنت جماعت مذکورین اند از جمله جناب سید شاه

منظر علی ساکن کڑه بودند والد ماجد سید منظر کریم الہ آبادی شجرہ شمس
 قادری حضرت سید محمد قادری انجری معروف است استانہ اجمہرہ
 بایدست حضرت سید محمد قادری ابن سید شاہ شمس الدین محمد درویش از دیار
 مغرب بہر دہلی نموہ معوم میدان و خادمان درستانہ اجمہر گنہ اول حسب
 بشارت جد بزرگوار سکونت الموضع کردند ختیار مزار فیض آستانہ است درین بار
 حال طور نسب منیو لیسہ اینجا کسار باید شیند سید محمد قادری ابن شمس الدین
 محمد درویش قادری ابن سید شاہ عالم قادری طقب بشاہ کلان کلان ابن سید
 شاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری ابن سید شاہ عبدالوہاب
 قادری ابن سید شاہ عبد الرحمان قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری
 ابن سید شاہ عبدالحی قادری ابن سید شاہ عبد الحلیل قادری ابن سید شاہ
 ابو القاسم لقب شاہ عبد الرحیم قادری ابن سید شاہ عبد الرزاق قادری
 خلف ثانی حضرت محبوب سجانی سید عبد القادر حیلانی رضی اللہ عنہ
 ذکر دریت این حضرات جای مصاہرت ایشان بہ فضل خود اہد نوشت بس بنشد
 دو فرزند تہ بلند سید محمد قادری یکی سید جلال الدین قادری ثانی سید
 معین الدین قادری حالاجشین انجا از اولاد سید معین الدین ہستند
 چنانچہ سید شاہ اطیب اللہ قادری رحمۃ اللہ علیہ و خلف الرشید شان
 سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ حجتی علیہ الرحمۃ بودند دو برادر دیگر

سید شاه امیر الله عرف بُدِری و برادران عمزاد ایشان سید شاه عبدالرزاق
 عرف کهوئی سید عبدالکریم الدسید عبد الحلیل تفصیل این جای کرده خواهد شد
 ثمره دوم شجره نسبت قادریه حضرت میر سید علی قادری دهلوی پیران
 فرمادیه باید دانست بن میر سید علی قادری پیر اجازت طلقیه قادریه بنیبا حضرت
 مرزا شاه فرهاد قدس سره ابو العلامی اندلس بداند میر سید علی قادری ابن
 میر سید یوسف ملقب خاکی ابن میر سید ابو محمد قادری ابن میر سید اسمعیل قادری
 ابن میر سید محمد قادری ابن سید قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادر
 ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری
 ابن میر سید علی قادری ابن میر سید محمد قادری ابن سید احمد قادری ابن میر
 سید یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب سجانی سید
 عبد القادر جیلانی رضی الله عنه اولاد مجاد ابن بزرگوار سنور در شهر
 دهلوی موجود هستند ثمره سیم شجره نسبت قادریه حضرت میر سید عبدالرسول
 قادری ساکن دانا پور واضح باد میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری
 از دیار ملتان آرد هندوستان گشته بدینجا رسیده اقامت پذیر گشتند
 چون شرافت و نجابت از چین نشان بود هویدا در دانا پور رسادات رضوی
 مصابرت واقع شد یعنی از دختر خجسته اختر میر سید عماد الدین ابن میر سید

عبدالفتاح عرف قاضی سید بزرگ که خدا شد نذی اولاد گشتند باید شنید
 میر سید عبدالرسول بن میر سید علی قادری ابن میر سید عبد کلیل ابن میر سید
 محمد خلیل بن میر سید محمد جمیل بن میر سید بدر عالم ابن میر سید اظہر عالم ابن میر سید
 مظہر عالم ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید ادریس قادری ابن میر سید

ابوالفتح قادری ابن میر سید حسن قادری

ابن میر سید علی قادری ابن میر سید صدر عالم قادری ابن میر سید عبدالرحیم قادری
 ابن میر سید ابوالقاسم قادری ابن میر سید محمد باشتم قادری ابن میر سید سید بنا
 عبد الزاق خلف انرشید ثانی حضرت محبوب جانی سید عبدالقادر حبیب
 شجرہ چہارم شجرہ نسب زراقیمہ نذکر نسب میر سید محمد مهدی
 مشہود باد این میر سید محمد مهدی یکی از سیادت عظام عالمی مقام انرا کین
 سلطنت مشہور و ہلی شاہ جهان آباد در عہد محمد شاہ بادشاہ بودند
 امیر الامر مخاطب ب خطاب عہدۃ الدولہ اوقات خود بسبب امانت ظاہرے
 بکرو فرمیدہ گشتند ابن بزرگ پدر بزرگوار والدہ ماجدہ مادری این فقیر حقیر بودند
 حالاً سلسلہ نسب بیان میکنم میر سید محمد مهدی ابن میر سید عسکری ابن میر
 سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید یوسف قادری ابن میر سید
 ابو محمد قادری ابن میر سید جمیل قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید
 قاسم قادری ابن میر سید عبدالباسط قادری ابن میر سید احمد قادری

ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید محمد قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید
 یحیی قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید حسن ابو نصر قادری ابن
 حضرت سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید محبوب بجانی حضرت سیدنا عبد القادر جیلانی ^{غنی}

شجره پنجم شجره نسب قادریه حضرت سید قمیص قادری

باید شنید حضرت قمیص قادری ابن سیدنا ابو الحیات ابن میر سید علی
 قادری ابن میر سید سلیمان ابن میر سید ذکریا ابن میر سید یحیی ابن میر سید احمد
 قادری ابن میر سید ابو المنصور فتاح ابن میر سید محمود جیلانی ابن میر سید ابو نصر بار
 ابن میر سید سیدنا عبد الرزاق خلف الرشید ثانی حضرت محبوب بجانی سید
 عبد القادر جیلانی بواسطه نسب فرزندی در صبیاز دهم میر سید بیعت و تربیت
 از بنی اعمام و برادر است خاکسار شرف از زیارت مزار شده است بمقام معروف
 پیران شاه دوره حضرت سید شاه قادری قمیص ساخت کرده اند بسیار از عرب
 تا مشرق سیاحت کرده آخر بمقام خضر اباد توطن کرده اند بسیار و متابل
 انجامی معروف بطور کلی کشتی است از انجا مسافر دیار مشرقی شدند مریدان و
 یاران بسیار چنانچه مقال بحیطه نکاله کردند حسب وصیت مریدان از انجا اجازه
 بردوش گرفته روانه دیار عربی شدند و بر در جنازه حسب وصیت بمقام خضر اباد
 شاپوره دفن کردند نقل کنند وقت برون جنازه سید پاک چند روز در قبه مبارک

مانند چنانچه جای معروف است و در بهار بمقام قلعه ستانه شان خدمت
 مریدان بجای تکیه پاک مجاور شدند و بیات نذر ستانه است عمر اعراس
 پیران بجای کردند این خاکسار و را بعد از آن دیده بود و در پیش آستانه شاه سلام الله
 بعد شاه شاد الله شدند حالا شاه شوال اند بگوکل چند شصت خدمت وارد
 و صادر بجای آمدن بنام پیشینان خود سبقت برده اند بجای اصل قلیل صورت کثیر
 می نمایند و یکی از فرزندان حضرت شاه منصور قادری از آنجا طلب صورت آورده بودند
 کفاف بهر ایشان معین شده بود و موضع سناده می پوره پیکر کنه تربیت این خاکسار
 ملاقات بود از جمله فرزندان پناه امام شاه صورت و سیرت بهتر داشتند
 و برادران شان را نیز دیده بود و علام شاه حسین شاه چون نسب زراقیه بود
 این کیفیت دانسته می نمود و این بزرگ نیز پیران به پهلوانی استند پیران شجره تبرکه

شجره ششم شجره نسب زراقیه قادریه سید علی قادری

سید اولاد حسین بنی شاه هر دو برادر فرزندی میر سید حسن قادری صحیح النسب
 در نیچو از عرصه دراز قیام پذیر شدند و قبل ازین قامت والد ایشان بود
 در شهر آله آباد که صورت مصابرت گردید و نسب مادری والده ایشان
 به نسبت ابو العالیه است یعنی سید شاه تلام علی جد مادری مادر ایشان بودند
 و پنج واسطه نسبت برزندی از میر سید محمد افضل که داماد حضرت میر سید
 نور الله ابن میر سید فضل الله ابن حضرت سید شاه ابو العالیه اقدس سره بودند

نسبت جدی ایشان نسبت قادریه منو لیسید حالاً هر دو برابر قضا کردند سید
 اولاد حسین ابن میر سید حسن قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید
 عبد الحلیل قادری ابن میر سید عبد الرحمن قادری ابن میر سید سلیمان قادری
 ابن میر سید یاشتم قادری ابن میر سید شهاب الدین قادری ابن میر سید شرف الدین
 قاسم ابن میر سید محی الدین یحیی ابن میر سید نور الدین حسین قادری ابن میر سید
 علاء الدین ابن میر سید شمس الدین محمد قادری ابن سید سیف الدین یحیی
 قادری ابن سید ظهیر الدین احمد قادری ابن میر سید محمد نصیر ابن سید ابو نصر
 قاضی القضاات ابن سیدنا عبد الزراق قدس سره خلف الرشید ثانی
 حضرت پیر دستگیر قطب بانی سید عبد القادر حیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجره منقحہ شجره نسب زراقیه قادریه سید حسین جموی

واضح باد سید حسین جموی پیر مرشد حضرت شاه قاسم سلیمانی اندک فرزند ایشان
 واقع بقلعه چپار گدّه از کتاب معتبر یافته نسبت نامہ آنحضرت تحریر نمود
 بدین طور است سید حسین جموی ابن سید محی الدین قادری ابن سید
 محمد قادری ابن سید محی الدین یحیی قادری ابن سید محمد قادری ابن
 سید علی قادری ابن سید احمد قادری ابن سید نصیر الدین قادری
 ابن سید جمال الدین قادری ابن سید کمال الدین قادری ابن سیدنا
 عبد الزراق خلف الرشید ثانی حضرت سید عبد القادر حیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجره هشتم شجره نسب زراقیه قادریه

سید امیر علی شاه و سید مظفر علی شاه اکبر ابادی ابن سید منور علی شاه
 برادر ثانی سید سعید علی شاه ابان سید مجد علی شاه متخلص صغیر ابن سید
 احمد علی معروف به مولوی احمدی ابن شاه رکن الامام ابن سید موسی ابن سید
 معین شاه ابن سید تیم شاه ابن سید محمدی شاه بچند واسطه در نسب حضرت
 سیدنا عبد الرزاق میرسند و نیز بسبب فرج عمر نشان حکیم سید نور الدین ابن
 حکیم صدر الدین ابن سید بدر الدین بحضرت سیدنا عبد الرزاق میرسند
 چونکه اسامی نسبت بقدر یافت که گاشت نیز در اکبر آباد بزرگی بودند نسب زراقیه

شجره نهم شجره نسب اقیه قادریه نسب سید حسن

سید حسن عرف پیر حقیق ابن سید فیض اللہ ابن سید شاه محمد مصیم ابن سید
 تیمم ابن سید اسد اللہ ابن سید شاه برکت اللہ ابن سید شاه رحمت اللہ ابن
 سید شاه نعمت اللہ ابن سید شاه محمد فصیح ابن سید سبکی ابن سید محمود
 ابن سید مسعود ابن سید امان اللہ ابن سید برما الدین ابن سید ذکی الدین
 ابن سید ابوالنصر ابن سیدنا عبد الرزاق متخلف الرشید ثانی حضرت محبوب سجانی

سید عبد القادر جمیلانی رضی اللہ عنہ

شجره اول نسبت نسب قادریه و ما بیه

نسب نامه سید شاه مظفر حسین قادری بلوی

سید شاه مظفر حسین قادری دهلوی ابن سید شاه عیاض الدین احمد کبیر ملتانی
 ابن سید شاه محمد داود ملتانی ابن سید موسیٰ قادری برادر سید یحییٰ قادری
 ملتانی ابن سید شاه حامد ملتانی ابن سید شاه عبد الزاق ثانی ملتانی ابن سید
 شاه عبد القادر ثانی ملتانی ابن سید شاه محمد قادری ملتانی ابن سید الدین
 قادری ملتانی ابن سید شاه میر قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر سید مسعود
 قادری ابن میر سید احمد قادری ابن میر سید صفی الدین صوفی ابن میر سید الدین
 سیدنا عید الوهاب خلف الرشید کلانی محبوب بجان حضرت سید عبد القادر ^{جلال}

شجره دوم شجره نسب اول بابیه قادریه
 در نسب نامه سید و حجه الله قادری ^{بک}

واضح باد مولوی سید جلال الله ساکن میران بکله لکهاور ابن میر سید احمد علی ابن سید
 امیر الله که چهار برادر بودند عیانی یکی نامی بمبلیت گرامی سید شاه باب الله عارف
 بالله دومی سید شاه عباد الله سیومی سید شاه نور الله چهارمی سید شاه امیر الله
 مذکور بالا پنجم سید شاه تیمم الله الازر کاملین سبکالین معروف بودند شاه باب الله
 و تیر سید احمد علی بن شاه امیر الله را فرزند دو یکی سید نور علی والد سید علی حسن و
 ثانی خود مولوی و حجه الله ابن سید احمد علی سپه مولوی سید جلال الله را یکی سید
 ابوالحسن اما شاه حسام حمیدر که ادوی مولوی محمد اشرف یک لپه ایشان سیومی
 مولوی سید حمید شرف باید شنید سید شاه باب الله ابن سید شاه نعمت الله قادری

ابن سید شاه محمد باقر ابن سید محمود قادری ابن میر سید علی قادری ابن میر
 سید جلال الدین قادری ابن میر سید شاه محمد فیروز ابن سید عثمان قادری
 ابن شیخ مسالدین قادری ابن سید نور الدین قادری ابن سید شاه ضیاء الدین
 قادری ابن میر سید فکی الدین قادری ابن میر سید احمد قادری ابن حضرت
 سید صفی الدین صوفی قادری ابن حضرت سید ناسیف الدین عبد الوهاب
 خلف الرشید کلانی حضرت محبوب بگانی قطب بانی پیران پیر دستگیر

سید عبد القادر حیلانی رضی اللہ تعالیٰ عنہ

شجره سیدوم شجره نسب دوم و پابیه قادریه نسبت مشاهه عبدالکریم
 باید شیند سید شاه عبد الکریم و سید عبد الرحیم مانپوری قادری نسب هر دو
 برادر فرزند سید شاه امیر اللہ ابن سید شاه رحمت اللہ ابن سید مغز اللہ ابن
 قادری ابن سید شاه عبد الهادی ابن سید شاه ابو شهباز ابن سید
 مختار ابن سید شاه عبد الشکور ابن سید شاه عطاء اللہ بغدادی که از
 بغداد تفت آورده مسکن در قفال پوره قبول کردند فرزند اینجاست فیض آنها
 و همیقدر اسطر در بالانسی است اولاد ایشان در انجوار اند بسیار خصوصاً
 سید شاه تراب علی ابن سید داود علی از فرزند این شان اند برادر سید

داود علی معروف اند سیده محمد تقی

شجره چهارم شجره نسب دوم و پابیه قادریه

باید دانست از خلفاء حضرت مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی چهار خلیفہ نامدار
 معروف بودند به سید محمد کی سید محمد گیسو از بنده نواز فرار در گلگمہ شریف است
 ابن سید صدر الدین زیدی نسبت دہلی سید محمد گیسو از ابن سید جلال الدین
 کالپی باقری نسب از اجداد ابن خاکسار سیومی سید محمد ابن عبد اللہ
 جعفری نسب اند چارمی سید محمد ابن سید احمد ملتانی مؤلف کتاب بحر المعانی
 قادری و بابیہ نسب اند سید محمد ابن سید احمد ملتانی ابن سید بیابانی ابن
 سید احمد ابن سید الدین صوفی ابن سید ناسیف الدین عبد الوہاب

خلف الرشید کلانی حضرت سید عبد القادر حیلانی

شجرہ نسب قادریہ غزنیہ نسبت نامہ سید شاہ عبد المنان قادری دہلوی
 سید شاہ عبد المنان قادری ابن سید شاہ رکن الدین محمد فرزند لقب بندہ اول
 ابن سید عبد اللہ ملتانی ابن سید شاہ عبد الغزیز ملتانی ابن سید عبد اللہ
 بیابانی ابن سید شاہ علی بہمانی ابن سید شاہ حسن قادری بغدادی ابن
 سید شاہ احمد قادری ابن سید شاہ عبد اللطیف قادری ابن سید شاہ محمد قادری ابن
 سید سلیمان قادری ابن سید ذکریا قادری بغدادی ابن سید شاہ عبد الفتاح قادری
 بغدادی ابن سید شاہ عبد الغزیز عالم ربانی خلف الرشید ثالث حضرت سید
 عبد القادر حیلانی واضح باد سید مظفر حسین قادری را چون سید شریف
 از پنجاہ گذشت سید اولاد لفظاً کرده در خانقاہ دہلی سجاد نشین بودند کہ شب

بعالم رویا جدا حضرت پیر و تکبیر عبد القادر جیلانی فرمودند منظر در نصیب تو فرزند
 نیست الا در نصیب پارسا خواهی بود یک فرزند است و خواهر را بجای دختر میخوانی عقد
 نکاح او از سید محمد سر فرزند که اولاد من است انجام کن حاصل شاه مظفر حسین قادری
 عقد نکاح بی بی پارسا از سید محمد سر فرزند کردند بعد مدت نه ماه فرزند تولد شدند
 شاه عبد المنان شاه مظفر حسین قادری بعد خود ایشان را بجای خود

کردند جانشین خواهر زاده رفتند خواندند

باب سوم در ذکر فرزندان حضرت امام حسین علیه السلام مع ذکر ذریه حضرت امام
 زانو که نسبت فرزند سیادت بدارم امام میرسد بر پشت نسبت که
 باید دانست جناب حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام امام سیوم اندا حضرت فرزند
 جناب حضرت علی مرتضیٰ نواسه پسر خدای محمد مصطفیٰ صلی الله علیه و آله وسلم
 اولاد این حضرت عین گنجینه سیادت است از بی بی فاطمه متول کل سیادات
 حسنہ الحسینہ اند اصل اصول بنید در عقد نکاح جناب حضرت امام حسین علیه السلام
 ازواج خمسہ آهند و از لطن بهر یک زوج یک فرزند متولد شدند زوج اولین
 جناب معصی القاب بی بی شهر با بود دختر خجسته ختر نیز در دین شهر بار که بود
 پادشاه سلطنت عجم از اولاد نوشیروان پادشاه عادل باید دانست از بی بی
 بمرتبه افضل و بصورت اجل بودند از لطن الشیان متولد شدند امام زمانه سید صاحب دین
 علی ثانی امام زین العابدین علیه السلام از لطن بی بی ام سحاق زوج ثانی

دختر حضرت طلحه صحابه یکی از عشره مبشره متولد شد ندبی بی فاطمه صغری
 دختر حضرت امام حسین علیه السلام وجه حضرت امام حسن مثنوی ابن جناب حضرت
 امام حسن علیه السلام نسبت سیادت حسنی از طبن این بی بی بوجود اندر وجه
 ثالثی بی ام علی و نیز ام لیل میگویند از طبن ایشان تولد یافتند حضرت
 علی اکبر شصت و نهمین پیغمبر اعقاب ایشان نمادند واقع گردید همراه عم بزرگوار و والدین^{۱۰}
 شهید شدند در وجه العربی بی ریاب بنت قیس بن عد از قبله نبی کلید بودند
 محبوب ترین وجه بودند از طبن ایشان دختر پیدا شدند بی بی سکینه محبوب ترین
 دختر جناب سید الشهداء بیت بی بی است شان محبت ایشان ترجمه آن آیت است
 اوس جگه که دوستی حسین^{۱۱} حسن کجه بی بی سکنه اور رباب^{۱۲}
 حدیث شهادت سید الشهداء العجمی است له بودند روایت انتقال ایشان در الوقت
 غلط است از مصعب ابن زبیر کتخی اشند چون لشکرمان عبد الملک بشهر
 کوفه آوردند تا تحت مصعب ابن زبیر اگر بودند شهید نطلب شدید در الوقت سکنه
 بر آوردند فریاد ای کوفیان ناشاد ای وقت درین میدان گردی مرا تیم بی بی
 این وقت گردید مرا بی شوهر روایت است حضرت زبیر بودند سه فرزند
 عبد الله ابن زبیر عروه ابن زبیر مصعب ابن زبیر سه برادر بجای است حاجت
 دعا بر چاه زمزم هر سه مست مطلق دعا خواهد شد امارت مکه خواستند حضرت عبد الله
 بعد واقع شهادت سید الشهداء تسلط بامارت مکه معظمه شدند عروه دعا کردند

که محدث شوند انچنان گردید و مصعب خواستند زوجیت حضرت سکینه از هم مطالبند
 زوجه خامسه بی امم الاصفغریه و والده حضرت علی صغر شهید شیر خواره شهید
 شد از تر مطیع یزید انا اللد و انا الیه راجعون قاتلان صورت زبون
 نسبت اول باب دوم ذکر اولاد حضرت علی ثانی سید الساجدین

امام زین العابدین علیه السلام بر سه نواز ذکر اولاد

واضح باد که خدای حضرت علی سید الساجدین امام چهارم زین العابدین علیه السلام
 از صبیحه عم الا عظمی بی ام عبد الله کنیت بی بی عایشه ثانی بی بی فاطمه
 ثانی هم اسم بود یعنی دختر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام گردید و بی اولاد
 شدند بایستیند چهار فرزند حضرت سید الساجدین از لطن آن بی بی متولد
 شدند و از لطن زوجه دیگر نیز غیر الشیان اولین فرزند امام زمانه حضرت امام
 محمد باقر علیه السلام که در حق امام فرمود ان حضرت محمد نبیا علیه الصلوٰة و السلام
 انهم محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو انی یبقر فی علم الدین اسی جا بر
 نوبه بینی فرزند می را که نامش بود محمد ابن علی ابن حسین علی که فرزند من است
 تبقر و یبقر بود و او را در علم دین من ثانی امام عبد الله با هر صنی الله عنه و ثانی
 امام ابو الحسن زید شهید رابع حسین صغر در کتاب بحر الانساب چنین
 مذکور بود ایت اهل سنن و فرقه مذہب امامیه چنین می نگارند فرزند حضرت
 امام زین العابدین از دیگر منکوحه پیدا شدند چنین نام سید عمر اشرف

وسید عجد الرحمان وسید سلیمان وسید علی اشرف چهار فرزند اگر
روایت است صحیح پس عقاب ایشان نماند ذکر اولاد امام زمانه در نسبت و هم
خواهد نگاشت که آنها منسوب بسیادات باقری اند و اینها منسوب بالقاب اجداد
خود در الوار ذکر هر سه بزرگوار مع اولاد میکند با بیهی زیدی و حسینی
الوار اول نسبت اول باب دوم ذکر امام عبداللہ بابر و اولاد آن

امام امیر تقی الدین کرمانی

از فرزندان سید تقی الدین کرمانی سیدنا امیر سید شاه ابو العلاء قدس سره
باید شنید بدین نسبت محبوب جل و علا امیر سید ابو العلاء ابن امیر سید
قدس سره ابن امیر سید عبدالسلام ابن امیر سید عبدالملک ابن امیر سید عبدالبا
ابن امیر سید تقی الدین کرمانی ابن امیر سید شهاب الدین محمود ابن امیر سید
عقاد الدین ابن امیر سید علی ابن امیر سید نظام الدین ابن امیر سید اشرف الدین
ابن امیر سید اسرار الدین ابن امیر سید اشرف الدین ابن امیر سید مجتبیٰ ابن امیر سید
جیلانی ابن امیر سید یحییٰ ابن امیر سید باو شاه ابن امیر سید حسن ابن امیر سید
محمد ابن امیر سید علی ابن امیر سید عبداللہ ابن امیر سید حسین ابن امیر سید عمیل
ابن امیر سید محمد ابن امیر عبداللہ بابر ابن حضرت سید الساجدین امام
زین العابدین علیه السلام ابن جناب حضرت سید شہدا امام حسین
علیه السلام ابن حضرت علی ابن ابیطالب باید دانست امیر سید عبدالسلام

جد امجد امیر سید ابو العلاء را چهار فرزند از آنجمله یک امیر سید ابو نصر والد امیر سید
 علی رضا و دو دختر نیز بودند امیر سید ابو نصر را دو بی امیر سید ابو الصفا
 فرزند ایشان امیر سید عبدالباقی والد امیر سید شاه عبد الماجد سیومی
 حضرت امیر سید عبداللہ یک دختر و دو پسر یکی امیر سید عبدالمنعم و بی
 امیر سید عبد الباسط و خواہر ایشان بی بی مدیحہ زوجہ سیدنا ابو العلاء
 چارمی امیر سید ابو الوفا والد ماجد سیدنا ابو العلاء و یک خواہر حضرت زوجہ امیر
 سید عبد الباقی و والدہ امیر سید شاہ عبد الماجد لبتو حضرت سیدنا ابو العلاء
 را دو فرزند یکی امیر سید نور العلاء والد ماجد امیر سید تاج العلاء و بی
 امیر سید فیض اللہ و فضل العلاء نیز نام بود خلف ایشان امیر سید نور اللہ
 کہ خدای بہر دو فرزند سیدنا از بنات اعمام یا احوال شد و صبیحہ و آنحضرت سیدنا
 یکی بی بی زینب زوجہ خواجہ عبد الرحمن ابن خواجہ سلیمان کہ از اولاد
 حضرت خواجہ بہاء الدین نقشبند قدس سرہ بودند کیفیت فریت ایشان
 در یافت نشد ثانی صبیحہ حضرت سیدنا بی بی رقیہ زوجہ خواجہ محمد عرف
 خواجہ فولاد ابن خواجہ محمد سجاد داماد ثانی حضرت سیدنا پنجاب نیز از اولاد
 حضرت خواجہ نقشبند قدس سرہ بودند مزار حضرت خواجہ محمد فولاد در احاطہ
 مزار سیدنا موجود در شہر اکبر آباد کرامات از ایشان عیان از مزار بسیار

کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد

عتره شجره در نسب مادری از جانب خواجه عبید اللہ احرار

در اینجا ذکر نسب حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار قدس سره میکند
حضرت خواجه احرار ولد خواجه محمود و ابن خواجه شهاب الدین شاشی

ابن خواجه محمد مدعو خواجه نامی از اولاد عبد اللہ انصاری بایستند حضرت خواجه
عبید اللہ احرار عم عصر میر سید تقی الدین کرمانی بیک زمان متفق در شجره
بودند با خود با بسبب نجابت شرفت جانبدین صورت مصابرت واقع شد

یعنی که خدای امیر سید عبد اللہ و امیر سید عبد الاول و امیر سید عبد الباسط
فرزند حضرت امیر تقی الدین کرمانی از دختران هر سه خواجه عبید اللہ احرار

گردید و نسبت نانهالی سیدنا ابو العلاء از نسب خواجه ترتیباً واقع شد بدین
امیر سید عبد الملک نیره امیر سید تقی الدین نواسه حضرت خواجه احرار و امیر

عبد السلام ابن امیر عبد الملک نواسه خواجه عبد اللہ عرف خواجه ابن خواجه
احرار بودند و امیر سید ابو الوفا ابن امیر عبد السلام نواسه خواجه ابو الفیض نیره

حضرت خواجه احرار و حضرت سیدنا ابو العلاء ابن حضرت امیر ابو الوفا نواسه
حضرت خواجه محمد فیض عرف خواجه محمد فیض ابن خواجه ابو الفیض ابن خواجه

ابن حضرت خواجه احرار بشنونام والده حضرت سیدنا بی بی عارفه دختر خواجه
محمد فیضی واضح باد خواجه ابو الفیض از یک مادر سه برادر بودند یکی خواجه ابو الفیض

دویمی خواجه عبد الشہید سیومی خواجه عبد العظیم ابنان خواجه گاو از زوج اول

دختر امیر تقی الدین نیز پسری که خواهر عبدالحق دومی خواهر نظام الدین عبدالمهدی
 سیومی خواهر خاوند محمود بودند و خواهر ابوالفیض سده برادر از دختر خواهر نظام محمد
 که از اولاد صاحب هدایت بودند هر یک شدند ذمی اولاد و حضرت خواجگار
 از هر دو زوج و دو دختر نیز بودند کیفیت ذریت دیگر فرزندان حضرت سیدنا
 دریافت نشد الا بی محمد و مه صبیحه حضرت امیر نورالتک که از امیر محمد **فضل**
 ابن سید محمد جمال بن امیر سید علی رضا کتخا شدند کیفیت ذریت ایشان
 ترتیباً نیافت الا میداند که سید شاه غلام علی ابن سید امام علی به
 واسطه فرزند امیر سید محمد فضل بودند و منشی علی حسین مصطفی پوری نسبت
 فرزندیت خود از حضرت امیر سید محمد فضل بیان می کردند و ابن نبت البنت
 سید شاه غلام علی سید اولاد حسین و سید بنی شاه ابن سید حسن قادری
 بودند یعنی نواده سید ابن علی داماد سید شاه غلام علی که زیارت آنحضرت
 کرده است این فقیر حقیر الا در شهر کبر آباد از اولاد امیر سید تاج العلاء ابن
 امیر سید نور العلاء از بیشتر زمان قیام اینجا کسار بودند سید اکرم الدین که
 شریان اینجا کیفیت مقبولی شان بحضرت سیدنا بیان میکنند از زوج ایشان
 که اولاد نشد الا از لطن خادمه یک دختر بودند لقب سیدانی صاحبه ه
 انوار و م نسبت اول باب و هم در ذکر اولاد حضرت ابون
 زند شهمیدیان بهر چهار شجره است شجره اول ذکر سید محمد پیر طریا

باید دانست حضرت سید زین العابدین عرف سید محمد پیر طریبا عظیم آبادی
 که انچه معروفست نسب فرزندان شان نیز آنجنابان بن طورست آنچه گفت
 نگاشت بندگی سید نظام الدین ابن میر سید ممشاد پیر طریبا ابن میر سید حمزه
 پیر طریبا ابن میر سید رکن الدین پیر طریبا ابن میر سید زین العابدین عرف سید
 محمد پیر طریبا واسطی ابن میر سید احمد دهلوی واسطی ابن میر سید حسن دهلوی
 واسطی ابن میر سید قاسم واسطی ابن میر سید حامد واسطی ابن میر سید محمد
 جعفر زیدی نسب ابن میر سید مختار ابن میر سید احمد ابن میر سید طاهر ابن میر
 سید ابو بکر ابن میر سید احمد ابن میر سید حسن ابد ابن میر سید اسمعیل ابن میر
 علی ابن میر سید حسن فارس مدنی ابن میر سید یحیی ثانی ابن میر سید حسین
 ابن میر سید احمد ابن میر سید یحیی شبیه نبی محدث رمانه ابن میر سید حسین
 زیدی ابن حضرت امام ابو الحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجد
 امام زین العابدین علیه السلام ابن حضرت امام حسین علیه السلام
 شجره دوم النوار دوم نسب اول باب دوم ذکر نسب سید محمد سروردی
 واضح باد منزله آنحضرت سید محمد سروردی بموضع رهروی علاقه حضرت بهار
 است سید محمد سروردی ابن میر سید احمد دهلوی ابن میر سید مجتبی دهلوی
 ابن میر سید مصطفی پشوری ابن میر سید حسن ابن میر سید یوسف ابن
 میر سید حسین طوسی ابن میر سید عمر ابن میر سید احمد ابن میر سید عبداللہ طوسی

ابن میر سید اسد اللہ ابن میر سید علی ابن میر سید محسن ابن میر سید رحمۃ اللہ ابن
 میر سید حسین زاید ابن میر سید اسمعیل ابن میر سید علی ابن سید حسین الفارس ابن میر
 یحیی ثانی ابن میر سید حسین ابن میر سید احمد ابن سید یحیی شبیر رسول مقبول ابن
 میر سید حسین زندا بن حضرت امام ابو الحسن ند شہید بن حضرت امام زین العابدین بن امام حسین ^{علیہ السلام}
 شجرہ سوم النوار دوم نسبت اول باب دوم در بیان نسبت نامہ عمی حضرت سید شاہ ^{علی}
 حضرت سید شاہ یحیی علی رحمۃ اللہ علیہ ابن میر سید مظفر علی ابن میر سید حسن ابن میر
 سید وجہ اللہ بن عرف سید بولن ابن میر سید حسن زید ابن حضرت مولانا سید شاہ
 قطب الدین مصطفی پوری تار بگہ ابن میر سید قاسم ابن میر سید عالم ابن میر سید مسعود ابن میر
 سید علاء الدین ابن میر سید محمد ناصر بانسوی ابن میر سید فیض اللہ ابن میر سید
 معز الدین ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید ابو الفتح ابراہیم ابن میر
 سید ابو الفوارس محمد فراس ابن میر سید ابو الفرح وسطی ابن میر سید محمد داؤد
 ابن میر سید محمد ابن میر سید عیسیٰ ابن میر سید ابو الحسن ملقب بچنید ابن میر سید محمد اکبر زید
 ابن سید محمد منصور داعی عدان ابن سید عمر علی ابن سید یحیی شبیر رسول مقبول
 ابن سید حسین زید ابن حضرت امام ابو الحسن ملقب بچنید ابن حضرت
 سید الساجدین حضرت علی ثانی امام زین العابدین ابن حضرت امام حسین ^{علیہ السلام}
 شجرہ چہارم النوار دوم نسبت اول باب دوم ذکر نسبت نامہ عمی حضرت سید محمد گداز
 حضرت میر سید محمد گداز بندہ نواز ابن میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید محمد

جاجیزی ابن میر سید بدیع الدین مد امیر حاج ابن میر سید علی مسعود مد ابن
 میر سید ابوالفتح ابراهیم ابن میر سید ابوالفرح ابن سید ابوالفوارس محمد فراس
 ابن سید ابوالفرح واسطی ابن میر سید داؤد ابن میر سید محمد جاجیزی
 ابن سید عیسیٰ ابن سید داؤد بزرگ والی کوفه ابن سید حسن ابن سید حسین
 ملقب بزید ابن میر سید ابوالحسن فارس ابن میر سید محمد اکبر منصور داعی غدان
 ابن میر سید محمد منصور ابن میر سید عمر علی غدان ابن میر سید اشرف الدین
 یحییٰ محدث بشیر رسول مقبول علیه السلام بن سید حسن زیدی ابن حضرت امام
 ابوالحسن زید شهید ابن حضرت سید الساجدین علی اوسط امام زین العابدین علیه السلام
 انوار سیوم نسبت اول باب و م در ذکر اولاد حضرت علی
 علی صنغرا بن امام زین العابدین علیه السلام و ذکر نسب
 حضرت آدم صوفی و حضرت مولانا مظفر بلخی بهر دو شجره مک
 واضح باد مخدوم آدم صوفی و مولانا مظفر بلخی ابن مخدوم شمس بلخی از اولاد
 یک جد اند بچند واسطه جد واحد اند از اولاد حضرت امام علی صنغر فرزند حضرت
 امام سید الساجدین زین العابدین علیه السلام نسبت سادات اند و حضرت
 سلطان ابراهیم او هم به نسب مادری اما ملوک اند و نسب جدی فاروقی نسب
 اند از غلطی کاتبان تحریر نسب سیادات است الا نسب مادری اجداد مولانا
 مظفر بلخی از سلطان ابراهیم او هم می پیوند و بسبب تخت سلطنت نیز از خا

اجداد مادری رسیده شجره اول نسبت مخدوم شمس بلخی باید دانست
 مخدوم شاه شمس الدین بلخی ابن سید شاه علی ابن سید شاه سراج الدین
 ابن میر سید محمود ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صغر ابن حضرت امام زین العابدین علیه السلام شجره ثانی
 نسب حضرت آدم صوفی حضرت مخدوم سید آدم صوفی ابن سید
 شاه ابراهیم ثانی ابن سید جلال الدین ابن سید شاه حسین ابن محمود
 ابن سید ابراهیم ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید احمد
 ابن سید محمد اسحاق ابن میر سید عمر زید ابن میر سید محمد ابن میر سید قاسم ابن
 حضرت امام علی صغر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین
 علیه السلام شجره پیوند نسبت مادری از جانب حضرت ابراهیم او هم بدینطور است
 باید شنید میر سید محمود ابن میر سید یعقوب نو اسناد سلطان محمود ابن سلطان
 ابراهیم نسب جدی حضرت سلطان ابراهیم بدینطور یعنی حضرت سلطان
 ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح او هم ابن سلطان ابو ناصر هاشم ابن عبد اللہ
 اسلم ابن عبید اللہ ابن حضرت عاصم ابن امیر المومنین حضرت عمر خطاب
 رضی اللہ عنہ شجره نسب مریکی از خلفای این فقیر سید امین الدین
 ابن محمد بسین ابن سید محمود ابن سید داؤد ابن سید جعفر ابن سید کبر

ابن سید اجمل ابن سید فضل ابن سید طاہر ابن سید مظاہر ابن سید حمزہ اللہ
 ابن سید نعمت اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید لطف اللہ
 ابن سید وجہ اللہ ابن سید فضل اللہ ابن سید اولس ابن سید ابراہیم ابن
 سید عمر ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید محمود ابن سید یعقوب ابن سید
 ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد ابن سید قاسم ابن حضرت
 امام علی صغیر ابن حضرت سید الساجدین امام زین العابدین علیہ السلام
 شمرہ نسب نامہ کی از مریدان تفسیر بدین نسبت میر سید محمد یوسف
 ابن سید محمد یعقوب ابن سید محمد ناصر ابن سید منیر ابن سید مخدوم حسین
 ابن سید اولس ابن سید ابراہیم ابن سید اسحاق ابن سید محمد معین ابن
 سید زین الدین ابن سید فخر الدین ابن سید زاہد ابن سید عابد ابن سید
 مجاہد ابن سید لولس ابن سید سمعیل ابن سید یحییٰ ابن سید فکر یا ابن
 سید حیدر ابن سید صفدر ابن سید محی الدین ابن سید بسین ابن سید
 یعقوب ابن سید احمد ابن سید اسحاق ابن سید عمر زید ابن سید محمد
 ابن سید قاسم ابن حضرت امام علی صغیر رضی اللہ عنہ ابن حضرت
 سید الساجدین علی ثانی امام زین العابدین علیہ السلام رضی اللہ
 نسب و وہم باب دوم در میان اولاد حضرت امام

محمد باقر علیہ السلام برد و شجرہ

النور باد که خدای حضرت امام محمد باقر علیه السلام از بی بی فروه دختر
 نخستین اختر حضرت قاسم بن محمد بن محمد ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه
 گردید حضرت امام محمد باقر مخاطب انداز حضرت رسول صلی الله علیه و سلم بدین
 خطاب اسم محمد ابن علی ابن حسین ابن علی هو ابنی یبقره فی علم الدین
 اسم محمد لقب باقر شد بدین خطاب اضح باد از لطن پاک بی بی فروه فرزند
 شدند چهار یکی امام زمانه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام امام زمانه
 که فرموده اند شده مخاطب به رفاض قول لا تسبوا علی ابی بکر آنا
 ولد نبی مرتین مراد از ولد تنی نسبت صوری و معنوی چرا که از حضرت
 قاسم جد مادری فیض یافتند بدینند که خدای حضرت قاسم بن محمد از حضرت
 اسماء بنت عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی الله عنهم
 ثانی ولد حضرت امام محمد باقر علیه السلام امام عبد الله لقب
 کتب الکریم سیومی حضرت اسمعیل چارمی سید ابراهیم باید شنید
 نسب نامه کسی اولاد سید ابراهیم نیافت منتست بانجباب و ذکر حضرت امام
 جعفر صادق و ذریت شان در نسب سیوم جدا گانه تحریر خواهد شد
 اول فکر اولاد حضرت اسمعیل میکنند که جدا علی جا حضرت سیده خواجه
 ابو البرکات قدس سره اند بدین منط تحریر است باید دانست در کتاب مص
 آنحضرت مکتوب نسب نامه دیده است بخوبی این فقیر نسبت لبتی واسطه میرسد

حالا این کتاب است مفقود آنچه با سماع جلسه آنحضرت یاد هست مینویسد بزرگ
 بودند عمده المشایخین خواججه حسن که آنجناب را بست و دو واسطه نسب بود از
 حضرت امام محمد باقر علیه السلام آن بزرگ از علاقه ولایت تیراه و بهرات
 وارد شهر هندوستان گردیدند مجدد و از بطور سیاحت قبل در مقام
 و هلی بدار السلطنت رسید ملاقات از بهر یکی مشایخین کرده متوجه دیار شرقی
 شدند موضعیت قریب شهر متحرا مشهور موضع دیوشانیه که جای معبد
 بود بنود و را بنجا چند روز تشریف داشتند انجای بهر سکونت بنحاط شریف
 پسند افتاد مردمان ساکنان انجا قوم هندو معتقد شدند و نیز از زمزم اهل اسلام
 شیوخی انصاری که مسکن انجا بود کرد بد بسیار الحاح و زاری بهر تقاضا
 انجا هر گاه انها باعث اقامت حضرت شدند رای انها بنظر شریف مستحسن
 افتاد طرح اقامت پذیرفتند شیوخ انجا معتقدین اکثر می شدند بعد چند
 سال اصرار کردند بهر متاهل شدن آنحضرت به بسیار که در قبول شد از انجمله
 یکی از مردمان راسخ الاعتقاد دختر خود در نکاح آنحضرت بزوجهیت داد بعد
 چند می اللہ تعالی از ان بی بی عقیقه اولاد پنجشید بسبب اقامت و عدم کفویت
 خاص در شیخ زادگان نوبت مصابرت افتاد از زبان مبارک پیر دستگیر
 خود حضرت سید شاه غلام حسین جد بزرگوار خود سماع است
 که چنان حضرت خواججه ابوالبرکات قدس سره بیان میکند و نداحوال بزرگان خود

از انجناب سید خواجه حسن ابن خواجه ابو الحسن ابن خواجه علی ابن خواجه احمد
 که بواسطه نسبت و سلسلت نسب از حضرت امام اسمعیل ابن محمد باقر علیهما السلام
 پیوندند بدانند سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره
 ابن حضرت خواجه محمد شجاع ابن خواجه زرق الله که بهفت و هشت
 واسطه نسب فرزندی بحضرت خواجه حسن قدس سره ساکن دیوثانه است
 مزار خواجه بسیار فیض آثار زیارت نموده است این خاکسار چند بار چینه
 کیفیت آنحضرت مینویسد ضروری الارقام چرا که مرشدان مرشد و از پیران
 احوال اند حضرت قطب العاشقین سید شاه خواجه ابو البرکات قدس سره
 بعد تحصیل علم ضروری چندی نوکری سرکار نواب و راجه آن دیار بود و بعد
 قلعداری هرگاه طلب براه باطنی شد ترک کرده در شهر عظیم آباد رسیده
 بعد حصول بیعت انز تر بیت و صحبت جناب حضرت شاه رکن الدین
 متخلص عشق قدس سره ابو العلامی مشرف بخلافت شده خصت شدند
 هرگاه صاحبزاده حضرت عشق قدس سره شاه احمد حسین عرف چھوٹے
 حضرت عرفیہ نوشته محرک تشریف آوری آنحضرت شدند به نسبت حصول
 بیعت آنحضرت تشریف آوردند خود صاحبزاده مشرف به بیعت و تربیت
 معنوی شدند و نیز خواجه زادگان اکثر مجبور شدند به اقامت آن مشرف
 آنحضرت پذیر کردند و اہل و عیال و از انجا طلب داشته صورت اقامت

این شهر گردید هر گاه راجه دولت رام راجه گویا رنجیده میر سید علی شاه
 سبب تشریف بری اینجا خواست انحضرت کردند انکار فقیر را چکار از راجه و مقام
 گویا چون حضرت صاحبزاده خورد خواجه ابوالحسین قاصد شدند بسوی
 گویا بوجه چند اسرار تشریف بردند چونکه بودند فرزند چشم و چراغ در
 مفارقت بر خورار شدند به تیار خود نیز مع تبعه و لحقه آفتاب برودند جانب
 گویا در زمانه راجه مذکور بابت گذشت چند سال بعد به گشتگی زمانه
 چون بیجا بانی رانی ان راجه از اینجا جای تیرت معبد خود پندیده اقامت
 شهر اله آباد کردند خستیا را انحضرت نیز مع تبعه و لحقه فرزندان در اینجا
 تشریف آوردند از گویا و اقامت پذیر گشتند در اینجا مدت حیات
 تشریف خود چنانچه در آن شهر بسال بیکهزار و دویصد و پنجاه و شش هجری نسبت
 هشتم شهر رمضان المبارک کردند انتقال نعش باک سه ماهه در آن زمین
 بطور سبزه کردند تدفین بعد از اینجا آورده در شهر عظیم آباد پایتخت
 یافتند تدفین عمر تشریف به نود و هفت رسید به بود ذکر اولاد انحضرت
 راسته دختر و دو پسر اولاد دختر کلانی میر احمد علی و میر برهان الدین
 بودند و دختر ثانی از میر در اعلی ساکن شهر نهارس که خدا شده ذمی اولاد
 شدند و دختر سیوم انحضرت والده میر محمد علی و خواهران ایشان بودند
 و فرزند کلانی خواجه ابوالنجیر رحمه الله علیه تدفین شدند و فرزند ایشان یکی دختر

از میر محمد علی که خدا باقی جای دیگر و فرزند کلانی خواجه ابو محمد ثانی خواجه
 ابوالاحمد فرزند دارند و جناب حضرت خواجه ابوالحسین فرزند ثانی انحضرت
 ایشان را دو فرزند و یک دختر صاحبزاده قضا کردند الا فرزند کلانی خواجه
 علی حسین عرف میر نواب که خدای ایشان از دختر کلانی خواجه سلطان خان
 گردید یک پسر و یک دختر که هشته خورشید سال کردند مقال بسال بکینار و صد و نود
 و پنج بجوی ثانی صاحبزاده خورد انحضرت را هم علی خواجه علی حسن عرف
 خواجه نواب میر یک دختر و دو فرزند ایشان اند دختر از خواجه وحید جان ابن خواجه
 میر بخان که خدا شده و پسر کلانی خواجه حسن نواب نام ثانی را تسمیه خواجه
 نواب حسن است بنور که خدای بر دو برادران نشده و بجای تقریر تعیین یافت
 شجره نسبت دوم باب اول در ذکر امام عبداللہ اول ایشان
 ابن امام محمد باقر علیہ السلام - بیان نسب و اولاد انحضرت و شجره
 بیاید و نسبت سیدنا امام عبداللہ را دو فرزند که از پدر و نسبیت پدید است
 یکی میر سید ماشوم دومی سید حبیب اللہ ذریت بر دو برادر بسادات باقری
 نسبتند ذکر اولاد فرزند کلانی چونکه طویل است و آن نسبت خاص است
 بنده مسکین فانی الا ذکر ذریت فرزند ثانی میکند شجره اول بیان نسبت
 از جانب بالا مینماید بطور تحریر سید حبیب اللہ خلف الرشید سید برکت اللہ پسر
 شان سید شهاب الدین نور الانوار ابن سید نجم الدین ولد محمد صوفی صادق

پسر ایشان سید شهاب الدین لال ولد سید احمد آلی ولد سید محمد معروف ابن
 میر سید جنید ولد سید عثمان ثانی ابن سید عبد الوهاب ولد سید عثمان
 شیر سوار پسر ایشان سید محمد یوسف بزقع پویش ابن سید عبد القاسم
 الحصول این بزرگوار از مدینه طیبہ حرکت کرده نسل بعد نسل سفر کردند دیار
 و امصار ہرات و بخارا و لاہور آخر در وہلی رسیدہ چندی اینجا اقامت
 گزین شدند چہر کہ جای تخت سلطنت بود و اجماع در و ایشان و مشایخین
 حصول ملاقات ازامرار اکین نموده بطور سوخت دربار شاہی منصب
 قضا کردند اختیار از اجماع گزین شدہ بسبب استقامت صیغہ قضا
 اینجا در موضع جونپور اقامت پذیر گشتند تا چند شبست فرزندان اینجا
 اقامت گزین شدند بعدہ خلف ایشان میر سید محمد ابن مفتی
 عبد الرحیم ولد سید عبد الرحمان پسر ایشان سید عاشق علی ولدہ
 سید محمد فرید فرزندشان سید ابراہیم از اینجا مراجعت کردند بسوی
 دیار شرقی قریب بہار موضع سرالوان پرانہ ارول طرح اقامت
 انداختند معاہل و عیال خود در اینجا موضع مسکن ساختند از اینجا کہ در
 دربار شاہی بود سوخت کمال پذیرید امر اکین چند موضع دیہات
 بحصول فرمان شاہی بہر مدد معاش یافتند و جامی سکونت اینام جد
 بزرگوار موسوم فرید پور کردند بلا شدہ از صد سال کہ سکونت این بزرگوار

است در آن دیار هر یک که از آنجا کردند سفر اختیار بسبب حصول عهد با
 ذمی اقتدار یار یبازند و زین آنما ذمی قبایل افضل آئی کمال القصد سید ابی بن سید محمد فرید و سید
 شان سید محمد اول و دلشان سید محمد خیابانی بن سید نجم الدین بن سید محمد علی ولد سید عبدالکریم ابن سید
 عبدالقدوس بن سید محمد حسن بن سید محمد یوسف ولد مولانا سید محمد
 اسحاق که در اخلاق بسیط شمه آفاق از ایشان شد ذریت اولاد بسیار
 حالاً منویسید باید شنید سید محمد اسحاق راد و فرزند یکی سید کریم علی
 و وی سید مبارک علی پسر سید کریم علی سید فیض علی دو پسر ایشان یکی
 سید صغیر علی دو پسر ایشان سید اسمعیل علی و محمد برام سید اسمعیل علی
 راد و پسر دو دختر یکی زوجه خواجه محمد حسن فی اولاد هستند و وی زوجه
 میر محمد قاسم ساکن کهر ایشان نیز ذمی اولاد سه پسر و دو دختر و نام پسران
 یکی سید علی حمد و وی سید منور علی فی اولاد هستند همه حالاً باید شنید
 سید فیض علی را پسر دوم سید صابر علی ولد ایشان قاضی سید مبارک حسین
 که از دختر قاضی نادر علی که خدا شدند پسر ایشان قاضی مولوی محمد نور حسین
 جامع کمالات در منویلا بمنصب صدر عملا می اندیک پسر ایشان مولوی انوار احمد
 ذمی اولاد است ترقی مدایج باد باید دانست قاضی نادر علی که خدا از خواهر
 میر حسام حیدر ساکن کهر او نیز میر حسام حیدر از خواهر قاضی نادر علی صاحب
 قاضی برآمد و هم راد و پسر یکی قاضی امیر حیدر که بسیار مردم معقول و

و خوبصوت و خوش مزاج در تحصیل علمی عربی فارسی حصول دویمی قاضی
 وزیر حیدر اینهم ذمی لیاقت و ذمی علم از ایشان ملاقات است کلاسه را
 ندیدم اوصاف شنیدم بهر دو برادر از بهر دو خواهر میر محمد قاسم ساکن کهر
 ابن میر حسام حیدر که خدا شد ندا و لا دلش باید دانست سید مبارک علی
 ابن سید محمد اسحاق اینچ فرزندی به بلند بهر یک عالیقدر دولت مند لیسر کلانی
 سید برکت علی یک دختر ایشان و سه پسر دختر زوجه میر امانت علی
 که پسر هم لاف بودند یک دختر از آن دختر شد لا اولد رفت از جهان و لیسر کلانی را
 نام سید امجد علی که از دختر قاضی سید اولاد علی ساکن سائین که خدا شدند
 سید امجد علی چند دختر آن فرزندی یک دختر محمد ظاهر یک دختر از مولوی خیرات علی
 منسوب لا اولد و یک دختر از مولوی محمد فرید الدین پسر منشی سید ادا علی که خدا
 اولاد نشد حال دیگران معلوم نیست و لیسر ثانی مولوی سید امان علی
 و لیسر سیوم مولوی سید **فضل علی** بهر دو برادر بعد ده جلیل سرکاری بعد ده
 دپٹی بودند ممتاز و در سنه از سید امان علی را و لیسر دو دختر یک حافظ سید
 احمد رضا دویمی سید محمد بچی که از دختر قاضی محمد بخش ابن قاضی مولوی
 عبد العلی که خدا شد ذمی اولاد است و دو خواهر آن یکی زوجه مولوی عبدالحق
 ابن مولوی واعظ الحق و یک دختر زوجه مولوی نحر الدین و شادی اولین
 حافظ احمد رضا از دختر عم کردید یک دختر شد از آن عقیقه او را دو فرزند

و مولوی سید فضل علی را نیز دو پسر و دو دختر یکی زوجه حافظ سید احمد رضا
 مذکور به بالا و هم زوجه محمد ظهیر الحق تو سید امجد علی مرحوم و سپهر گلانی
 مولوی سید فخر الدین که از دختر مولوی سید امان علی که خدا ثانی سید
 محمد یوسف که از دختر شیخ محمد یوسف ابن مولوی حامد رسول که خدا از حق اولاد
 اند و شادی حافظ سید احمد رضا بموضع منفعت گنج از خواهرزادی میر
 شاد حسین گردید الله تعالی ذی اولاد کند و اسناد ای می باشد خورم و شاد
 باید شنید پسر ثانی سید مبارک علی سید عظیم علی پنج پسر ایشان یکی مولوی
 منظر علی دویمی مولوی نیاز علی سیومی میر صاحب علی چارمی میر محمد علی
 پنجمی سید احمد علی پسر سیومی سید مبارک علی مولوی اشرف علی فرزند
 رتبه بلند ایشان مولوی اظفر علی ذی اولاد اند پسر چارمی سید مبارک علی
 میر مراد علی ایشان اشرف فرزند ذی اقبال رتبه بلند یکی از ان
 مولوی وارث علی لیاقت ظاہر باطنی هر دویمی مولوی شیر علی
 دختر ان ایشان از بر یک جای قرابت که خدا و از نکوحه دو پسر شد بد پسر
 سیومی میر مراد علی مولوی مهر علی چارمی سید سبجان علی پنجمی مولوی نظر علی
 ششم مولوی قادر علی که از خواهر مولوی فضل حسین مولوی قد حسین فرزند
 شیخ نادر علی که خدا شده ندیکه دختر و یک پسر مولوی محمد نسیر باقی پنجمی پسر سید
 مبارک علی میر اسد علی اولاد کنند از نجهان بی بنیان بی باغ چنان

از اینجا که این صاحبان به نسب سیادت واحد باقری بودند به مجرد کیفیت
 ایشان تصریح نگاشت و ترتیب نسب سلسله بدنی طور بجزیر تحریر می آرد
 هر یک ازین خود را به نسب بدنی طور شماره مولوی نورالحسین ابن قاضی تبارک ^{حسد}
 ابن سید صابر علی ابن سید فیض علی ابن سید کرم علی ابن سید محمد اسحاق
 ابن سید محمد یوسف ابن سید محمد محسن ابن سید عبدالقدوس ابن سید
 عبدالکریم ابن سید محمد علی ابن سید نجم الدین ابن سید محمد محیی ابن سید
 محمد اودا ابن سید محمد ابراهیم ابن سید محمد فرید ابن سید عاشق علی ابن سید
 عبدالرحمن ابن سید عبدالرحیم مفتی ابن سید محمد ابن سید محمد یوسف
 برقعہ پوش ابن سید عثمان شیر سوار ابن سید عبدالوهاب ابن سید عثمان
 ابن میر سید جنید ابن میر سید محمد معروف ابن سید احمد آبی ابن سید
 شهاب الدین لالی ابن محمد صوفی صادق ابن سید نجم الدین ابن سید
 شهاب الدین نور الانوار ابن سید برکت اللہ ابن سید حبیب اللہ ابن
 امام عبداللہ کتب الکریم ملقب ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام
 ابن حضرت امام زین العابدین علیہ السلام الوارسیوم نسبت دوم
 باب دوم در ذکر اولاد سید محمد باشم ابن امام عبداللہ
 ابن حضرت امام محمد باقر علیہ السلام باید دانست حضرت
 امام عبداللہ را دو لپہر ذکر اولاد لپہر ثانی تحریر شد بانوار دوم حالاً ذکر

فرزندان حضرت میرسید ہاشم لکھنوی امام عبداللہ مینو لیسید بالاجمال
 وبالنفیصل ودر شجرہ ثانی کہ ہست ذکر طولانی و کیفیت اخوان عم زاد سید
 عطا حسین عبد الزراق ابن حضرت میرسید سلطان احمد ابن حضرت
 سید شاہ غلام حسین باقری ابن سید شاہ ولی اللہ ابن حضرت سید
 شاہ محمد حسین ابن میرسید محمد باصر ابن میرسید حسین ابن میرسید اولیا
 ابن میرسید صدر جہان ابن میرسید قطب الدین ابن میرسید تقی الدین
 عرف سید بوڈھی کہ از کالی تشریف آوردند بجامی پور مسکن ساختند
 ابن میرسید جلال الدین ابن میرسید محمد کالی ابن میرسید جمال الدین کالی
 ابن میرسید علاء الدین کالی پوری ابن میرسید تاج الدین پلوی ابن میرسید اسماعیل پلوی
 ابن میرسید محمد اسحاق لاہوری ابن میرسید داؤد لاہوری ابن میرسید
 محمد یعقوب لاہوری ابن میرسید یوسف طوسی ابن میرسید عبداللہ
 طوسی ابن میرسید حسن طوسی ابن میرسید ابو القاسم طوسی ابن میرسید
 ابراہیم مدقرشی ابن میرسید اسماعیل مدنی ابن میرسید حسین مدنی ابن میرسید
 علی رضا مدنی ابن میرسید جعفر مدنی ابن میرسید محمد حسن مدنی ابن میر
 سید ہاشم ابن امام عبداللہ کتب الکریم ابن حضرت امام محمد باقر
 علیہ السلام رضی اللہ عنہ نقل کتاب احتساب الانساب حضرت
 میرسید ارشد کالی ابن میرسید جمال الدین کالی

که در کتاب سامیان زوجه های بزرگان و ذکر مصاهرت نیزست مکتوب
 بود فموا لم ادینا یدریان باید دانست نام و والده ماجده آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم سیدنا محمد بی بی آمنه دختر وهب ابن عبد المناف که معروف
 است اسم والده ماجده عبد الله بن عبد المطلب و وجه اولین آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم که ذمی ولد شد نام المؤمنین خدیجه الکبریٰ دختر خویلد فاطمه
 بنت اسد نام والده حضرت حیدر کرار علی مرتضیٰ ابن ابیطالب زوجه
 پاک سیدنا علی اسد الله الغالب بی تبول فاطمه الزهرا بنت حضرت
 محمد رسول مقبول بکذا نام والده ماجده حضرت سید الشهدا امام حسین
 علیه السلام حضرت بی بی تبول بنت رسول نام والده حضرت علی امام
 زین العابدین ابن حضرت امام حسین بی بی شهر بانو کنت
 ام عبد الله و اسم والده حضرت امام محمد باقر علیه السلام بی بی ام عبد الله
 و عمایشه ثانی و فاطمه ثانی بنت حضرت امام حسن مجتبیٰ علیه السلام
 و نام والده حضرت امام عبد الله ابن امام محمد باقر علیه السلام بی بی فروه
 بنت حضرت قاسم بن محمد ابن صدیق اکبر نام والده میر سید ماشم
 بی بی زلیخا بنت فقیه سید عقیل علوی نسب بود زوجه میر سید ماشم
 بی بی زینب بنت سید احمد والده میر سید محسن بودند زوجه میر سید محسن
 بی بی رضیه بنت سید حسن ابن سید علی که والده سید جعفر بودند زوجه سید

محمد جعفر بی بی آمنه دختر سید محمد عتیق صدیقی که والده میر سید علی رضا
 بودند زوجه ایشان بی بی صفیه بنت سید علی بابن سید محمد که والده میر
 سید حسین بودند زوجه ایشان بی بی بنیه دختر سید عبد الرزاق ابن سید
 عبد الکریم که والده سید ابراهیم بودند زوجه ایشان بی بی ناظمه بنت سید
 جعفر ابن سید محمد اکبر که والده سید اسمعیل بودند زوجه ایشان بی بی
 صفیه والده میر سید ابوالقاسم بی بی رضیه دختر فقیه عبد الله قریشی
 نسب والده میر سید حسن زوجه میر حسن بی بی زحمیه دختر سید طاہر ابن میر
 سید حسین ابن بزرگوار از مدینه طیب آمده بهر سه سکونت کردند اختیار در آنجا
 از لطن این بی بی اولاد شدند که میر عبید الله کتخانی ایشان در شهر
 گردید از بی بی خدیجه دختر سید محمد صدیق ابن سید علی ابن سید عمر ابن
 احمد فرزند رتبه بلند ایشان میر سید محمد یوسف زوجه ایشان بی بی
 رحمت بنت سید کمال الدین از لطن ابن عقیقه میر سید یعقوب بوجود
 آمدند از شهر طوس بشهر لاهور آمده آقامت کردند اختیار کتخانی
 ایشان از بی بی شفقہ دختر سید احمد رضوی در آنجا شدند زنده رتبه بلند
 ایشان میر سید داؤد زوجه ایشان بی بی سلیمه دختر سید محمد آفاق
 فرزند ایشان میر سید محمد اسحاق زوجه ایشان بی بی مبارکه دختر میر
 سید علی ابن عبد الواحد فرزند ایشان میر سید محمد اسمعیل قادی

زوجه ایشان بی بی کلثوم از مقام لاهور آمده بشهر دہلی اقامت کردند
 اختیار فرزند رتبه بلندشان میر سید تاج الدین کتختانی ایشان
 از بی بی عالی شہ دختر سید عبد اللطیف بن سید عبد اللہ ابن سید الرحیم
 ابن سید عبد الشکور گردید نسب علوی از انجا در دارالخیر احمدیہ حاضر شد
 در خدمت حضرت خواجہ بزرگ خواجہ معین الدین چشتی قدس اللہ تعالیٰ سر
 شرف بیعت حصول کردند و تربیت و تعلیم باطنیہ مشرف شدہ فیض یافتہ
 شرف خلافت یافتند و حسب اجازت پیر دستگیر در دہلی طرح بود باش
 ساختند و در صحبت جناب حضرت خواجہ قطب الدین بختیار کاکی
 قدس سرہ در انجا ماندند بایستند میر سید تاج الدین را یک فرزند
 میر سید علاء الدین و یک دختر مسماة بی بی رحما از مولانا عبید اللہ
 ابن سید عبد اللہ کتختانی شدند از لطن بی بی مذکورہ دو پسر یکے سید
 دو بی سید عبد العظیم و یک دختر بی بی زینب سید علاء الدین را حصول
 شرف بیعت بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت و ارشاد و خلافت از حضرت
 شیخ الاسلام و المسلمین حضرت بابا فرید الدین گنج شکر بودہ بمقام
 کالیسی حاضر شدہ از انجا معاودت کردہ در شہر کالیسی بمنصب
 ولایت انجا اقامت پردختند بجلہ محمود پورہ در عہد سلطنت آن دیا
 محمود شاہ بادشاہ کہ خدائی ایشان از مسماة عصمت النساء دختر

میر سید محمد بن میر سید محمد دهلوی شده بود و فرزند رتبه بلند
 از لطن ابن بی بی متولد شدند که سید جمال الدین دویبی سید
 کمال الدین میر سید جمال الدین در دہلی رفتہ مرید حضرت سلطان
 المشائخین سید نظام الدین اولیا شدند تربیت باطنیہ یافتہ
 مشرف بخلافت شدہ مراجعت بسوی شہر کالیپی کردند واضح باد
 شادی میر سید جمال الدین از بی بی زینب دختر عمہ گردید و کتخدائی
 سید کمال الدین کہ مرید و مرشد پدر بزرگوار خود بودند از دختر سید عالم علی
 گردید نام آن بی بی معلوم نشد الا آنکہ دختر از دختر سید عالم علی شدند
 ہر یکہ ہر یکہ برادران عمزاد کہ خدا شدند باید دانست میر سید جمال الدین
 راستہ فرزند رتبه بلندی میر سید محمد کالیپی دویبی میر سید احمد
 سیومی میر سید ارشد کالیپی این ہر دو برادر مرید و خلیفہ برادر
 کلانی خود و بیعت و تربیت باطنیہ و خلافت میر سید محمد کالیپی را از حضرت
 مخدوم سید نصیر الدین چراغ دہلی قدس سرہ حصول و ایشانرا بعد
 اخذ بیعت و تربیت وقت خلافت ملقب بہ سید محمد گیسو دراز
 ساختند بایشینہ بجزرت مخدوم نصیر الدین چراغ دہلوی چہار خلیفہ
 بودند بنام سید محمد کیے جدا علی این خاکسار کہ مذکور شد دویبی میر سید
 محمد گیسو از مخاطب بندہ نواز زیدی نسبت بہ الفاضل الانوار شان

بسوی دکن بمقام گلبرگ شریف سیومی میر سید محمد مؤلف کتاب
 بحر المعالی از فرزندان سید عبدالقادر جیلانی چارمی میر سید محمد
 بهمانی بهر رفع اشتباه اینقدر تصریح تخریر نمود تا باز نام از ره مقصود
 باید دانست و نیز میر سید محمد کالپی مرید و خلیفه سید جمال ولیا و تیر
 مستر شد و خلیفه حضرت سیدنا سید شاه ابو العلاء قدس سره
 که در عهد عالمگیر بادشاه بودند ساکن شهر کالپی محله راچوره حالاً
 فرزندان شان بعبور و رایمی جمن میاتند ان را نام علمی پورچوره
 ساخته اند یعنی فرزندان سید شاه ابوسعید عرف خیرات علی سید شاه
 نور احمد و سید شاه طهور احمد و سید شاه سلطان احمد از مشایخین کالمین
 وقت مراجعت سفر حج ملاقات هست بخوبی ازین خاکسار الغرض آن
 سید محمد کالپی از اجداد این فقیر هستند مسکن حضرات اجداد بزرگوار
 بمحلہ محمود پوره هست مسجد و خانقاه حالاً غیر آباد عمارت است در آنجا کسے
 از فرزندان نماند در زمانیم خدام آنجا بودند در امضای مدت بالا از سیال
 اینهم نیست معلوم که وجود آنها باقیست نامعدوم انور باد که خدای میر سید
 محمد کالپی از دختر عم میر سید کمال الدین گردید از مسامه بی بی عزت
 و که خدای میر سید احمد از بی بی حرمت و که خدای میر سید ارشد
 کالپی از بی بی عصمت هر سه خواهران اعیانی و خیران میر سید کمال الدین

ابن میر سید علاء الدین بدایند ہر سہ ہزار و شش سو و پانچ آدمی اولاد حسب المراد
 دو لپسیر میر سید احمد را یکے میر سید حسن دویمی میر سید حسین ہر دو آدمی ولد
 شدند و میر سید ارشد را یک لپسیر میر سید محمود و یک دختر بے بی حمیدہ
 نام اولاد ایشان در انجھ ارا نند و سید محمد کالپی را نیز دو لپسیر شدند
 یکے سید جلال الدین دویمی سید نہال الدین کہ خدای ایشان از
 دختران عم گروید یا حال دریافت نشد مفصل حال لایسید نہال الدین دو
 لپسیر شدند یکے سید معین الدین دویمی سید رشید الدین و یک دختر نام
 بی بی خدیجہ مدعو پھول بے بے و سید جلال الدین را نیز دو لپسیر و یک دختر
 از لطن بے بی اسماء دختر میر سید ارشد کالپی فرزند کلانی میر سید
 تقی الدین عرف سید بوڈھی جد علی ابن خاکسار و ثانی میر سید
 عبدالحی یک لپسیر ایشان میر سید عبدالمجید یک خواہر ایشان بے بے
 نعمت النساء دختر سید عبدالحی و زوجه میر سید قطب الدین ابن میر
 سید تقی الدین و سید تقی الدین عرف سید بوڈھی راستہ فرزند از لطن
 بی بی خدیجہ عرف بی بی پھول یکی سید قطب الدین مذکور الصدر
 دویمی سید حامد عرف سید چاند سیومی سید علی ذکر اینہا بجل خود
 نوشتہ خواہد شد اینقدر از تالیف کتاب میر سید ارشد کالپی تحریر نمود
 و باقی از بیاض جناب حضرت سید شاہ محمد حسین کہ جد المجدان فقیر خیر

بودند باقی از کتاب نسبتاً به تفصیل خواهد نوشت و سبب تشریف آوری
 حضرت میر سید تقی الدین مع اهل و عیال این بود که داود شاه بادشاه دیار
 شرتی بمقام حاجی پور ابن محمود شاه بادشاه کاپلی بمقام کاپلی از مقام
 حاجی پور بجزو صاحبزادگان انجا بدین معنی عریضه پرداخت از حاضری
 بسبب جباه معذور معاف نمایند قصور اگر کسی از صاحبزاده گان
 درینجا مع اهل و عیال زند تشریف خاکسار نوازی که مشرف از بیعت شوم
 و از معاش و جبه کفاف مقرر سازم بدین سبب تشریف آوردند حضرت میر

تقی الدین عرف سید بودهی معزز زندان

سبت یوم باب و م در ذکر اولاد حضرت امام جعفر صادق
 علیه السلام و ذکر اولاد انجناب که باولیا الله است نسبت جعفری
 بر شجره و عمره نسب واضح باد مورخین سابقین خصوصاً مذہب امامیه در
 ذکر اولاد انحضرت نوشته آمد بسیار الا از تحقیق کتاب بحر الانساب یافت
 که این کتاب بالفعل هست نایاب نوشت و از احتساب الانساب نقل این کتاب
 مینویسد که انحضرت صادق علیه السلام را بودند هشت فرزندش لسیر و دو
 دختر لسیر اول کلانی حضرت امام موسی کاظم علیه السلام امام زمانه رضی الله
 وثانی حضرت اسمعیل سیوم حضرت اسحاق چاری حضرت محمد
 پنجم حضرت عباس ششم حضرت علی و سہامی صاحبزادیان بلجلی

امام فرود بی بی ام فاطمه نوشته اند پس بدانید از هر یک که فرزند جاریست
 اولاد بسیار درین فرق و اهل تشن بسیار و نیز فرقه های مینیر جعفری نسبت دارند
 ذکر امام زمانه در نسب چهارم خواهد نوشتیم تفصیل الا اول نسب نسبت درمی اولیا و کیا که
 از فرزندان حضرت شد می نویسد خصوصاً نسب نامه درمی حضرت غوث الثقلین محبوب بجانی رضی الله عنه

شجره اول در ذکر نسب مادری حضرت غوث الثقلین

واضح باد جد مادری حضرت محبوب پاک رضی الله عنه سید ابو عبد الله صومی
 جیلانی ابن سید ابو جمال ابن سید ابو محمد جیلانی ابن سید احمد طاهر
 ابن سید عبد الله ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید علی ابن میر سید علاء الدین

ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه

شجره دوم در ذکر نسب مادری حضرت خواجه معین الدین
 خواجه ابو محمد ضیاء الدین جد مادری حضرت خواجه بزرگ ابن حضرت
 سید عماد الملک ابن سید عبد الله ابن میر سید علی ابن سید ابوالقاسم
 ابن سید ابراهیم ابن سید حسین ابن سید یحییٰ ابن سید محمد ذکریا
 ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه
 باید شنید والده حضرت غوث الثقلین والده حضرت خواجه بزرگ
 هر دو خواهر خالاتی پس بدان نام جد و مادری حضرت غوث الثقلین
 بی بی عازمه نام جد و مادری حضرت خواجه بزرگ بی بی معصومه

هر دو خواهر اعیانی دختران حضرت میر سید علی ابن میر سید احمد ابن
 میر سید عبد الرحیم ابن میر سید کمال الدین ابن میر سید جمال الدین
 ابن میر سید نور الدین عمر ابن میر سید مجد الدین ماطر ابن حضرت سید

عباس ابن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

شجره سیوم نسب نامہ مادی حضرت شہاب الدین سیرورد
 باید دانست جد مادی حضرت شیخ اشوٰخ شہاب الدین سیروردی قدس سرہ
 سید نجم الدین عبد الاحد ابن سید رشید الدین ابن سید فضل اللہ
 ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسد اللہ ابن سید
 محمد طاهر ابن سید احمد ماطر ابن سید حیدر ابن سید محمد رفیع القدر
 شرف سید رفیع الدین ابن سید ماطر ابن سید مظفر ابن میر سید
 اسحاق ابن حضرت امام سید جعفر صادق رضی اللہ عنہ علیہ السلام
 شجرہ چہارم در بیان نسب نامہ حضرت علی احمد صاحب قدس سرہ
 مخدوم سید علاء الدین علی احمد صاحب ابن سید علی کلان ابن سید احمد
 حقانی ابن سید سمیع الدین ابن سید محمد رفیع الدین ابن سید محمود مقبول ربانی
 ابن سید مرتضیٰ ابن سید محمد کلانی ابن سید حسین بیابانی ابن سید احمد ابن سید حسن ابن
 سید عمر ابن سید غفر الدین ابن سید علی ثانی ابن سید محمد ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
 نسب مادی جناب شیخ فارغی خواہر زاده حضرت بابا فرید الدین گنج اندام درہ حضرت سید احمد

حلیمہ بنت بی بی جمیلہ والدہ حضرت بابا فرید بروایت ثمانی نام والدہ

انجناب بی بی عصمت بنت مخدوم جمال الدین

شجرہ نیچم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم شہاب الدین

حضرت مخدوم سید شہاب الدین ابن سلطان سید شاہ محمد تاج الدین کاشغری

ابن سلطان سید ناصر الدین ابن سلطان سید یوسف ابن سلطان سید حمزہ

ابن سلطان سید حسین ابن سلطان سید قاسم ابن سلطان سید موسیٰ

ابن سلطان سید حمزہ ابن سلطان سید داؤد ابن سلطان سید کن الدین

ابن حضرت سید قطب الدین ابن حضرت سید محمد اسحاق ابن حضرت امام

جعفر صاوق رضی اللہ عنہ نام زوجہ پیر جلوت بی بی نور دختر سید وجہ الدین

چار دختران حضرت بودند بی بی رضیہ عرف پڑھی بو اسے لے جمیہ عرف بی بی

جمیہ بی بی جمال بی بی بدیہ زوجہ حضرت سلیمان لنگر زین والدہ بی بی کمال اللہ

اکثر نام آن بی بی نیرولی بی کمال گویند جامی حیرت کہ نام مادر و دختر و

انچہ کہ سند یافتہ تحریر نمودم بی بی جمال زوجہ مخدوم شاہ حمید الدین ابن

مخدوم سید آدم صوفی ابن بی بی والدہ مخدوم شاہ تیم اللہ سفید بار بودند

و بی بی جمیہ زوجہ مخدوم سید موسیٰ بدانی ابن مخدوم سید شاہ مبارک ابن

بی بی والدہ حضرت مخدوم سید احمد چرم پوش اندو بی بی رضیہ زوجہ حضرت

مخدوم شاہ احمد کھسی منیری ابن مخدوم شاہ اسماعیل نبیرہ حضرت امام

محمد تاج فقیہ والدہ حضرت مخدوم الملک شاہ شرف الدین
قدس سرہ و اسم والدہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر حکومت بے

راحت النساء و دختر سید لطف اللہ

شجرہ ششم در بیان نسب نامہ حضرت فرید الدین عطار نیشاپوری
حضرت سید فرید الدین عطار ابن سید اسمعیل ابن خواجہ محمد باقری ابن سید نجم الدین
داصل حق ابن سید نصیر الدین ابن سید نور اللہ ابن سید ابوبکر علی ابن سید
عبید اللہ ابن سید عبد اللہ ابن سید اسمعیل ابن حضرت جعفر صادق علیہ السلام
سید محمد غوث گوالیاری ابن سید خلیل الدین ابن خواجہ عبد اللطیف
ابن خواجہ معین ابن خواجہ خطب الدین آتش نیشاپوری ابن خواجہ بایزید

بارباری ابن حضرت خواجہ فرید الدین عطار قدس سرہ

شجرہ اول در نسب مادری حضرت بابا فرید الدین گنج
والدہ ماجدہ حضرت بابا فرید گنج شکر بے بی جمیلہ بنت سید وجہ الدین جنیدی
ابن سید عماد الدین ابن سید کمال الدین ابن سید جمال الدین ابن سید احمد
بدر الدین ابن سید حسن ابن سید علی ابن سید حامد ابن سید محمود ابن سید
ابن سید عارف ابن سید اسمعیل ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
شجرہ ہفتم در بیان نسب نامہ حضرت مخدوم بدر الدین عالم
حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم ابن سید ظہیر الدین صدر عالم ابن سید غفر الدین

ابن سید یونس ابن سید ادریس ابن سید عمر زید ابن سید حیدر اطهر ابن
 سید محمد مظفر ابن سید شهاب الدین ابن سید نور الدین ابن سید ذکی اللہ ابن
 ابن سید خواجہ بقاء اللہ ابن سید خواجہ عطاء اللہ ابن سید عبد الجبار ابن
 سید ثناء اللہ ابن سید محمد شریف ابن سید عبد اللطیف ابن سید حسن اطهر
 ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام
 شجرہ ہشتم در بیان نسب نامہ سلطان سید شرف جہا نگیر قیس
 حضرت سید سلطان اشرف جہا نگیر ابن سید شاہ ابراہیم ابن سید شاہ
 عماد الدین نور بخش ابن سید ظہیر الدین ابن سید تاج الدین بہلول ابن سید
 ابن سید محمد ہندی ابن سید کمال الدین ابن مبارز الدین ابن سید جمال الدین
 ابن سید عبد اللہ ابن سید حسین ابن سید احمد ابن سید حمزہ ابن سید علی اکبر
 ابن سید موسیٰ ابن سید اسمعیل ابن سید ابوالحسن محمد ابن سید اسمعیل ^ج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

عمر دوم نسب نامہ سید امین الدین بیجا پوری کی از خلفا سید محمد سیو
 سید امین الدین بیجا پوری ابن سید بدر الدین ابن سید شفیع الدین
 بیجا پوری ابن سید عبید اللہ ابن سید عبید اللہ ابن سید عبد الفتاح
 ابن سید شفیع الدین محدث ابن سید ذکر مابیلانی ابن سید احمد کاشانی
 ابن سید حسن ابن سید حسین ابن سید محسن ابن سید سلیمان ابن سید داؤد

ابن سید محیی بن سید یوسف ابن سید ارشد با خدا ابن سید احمد ہمدانی
ابن سید محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ ہمدانی نسب امیر سید علی ہمدانی

امیر کبیر سید علی ہمدانی ابن سید محمود ہمدانی ابن سید احمد ہمدانی ابن سید
امام الدین ہمدانی ابن سید نور الدین ہمدانی ابن سید نصیر الدین ہمدانی
ابن سید ظہیر الدین ہمدانی ابن سید طاہر ہمدانی ابن سید جلال الدین ہمدانی
ابن سید جمال الدین ہمدانی ابن سید ابی یوسف عرف قاضی القضاات ہمدانی
ابن سید یعقوب ہمدانی ابن سید محیی ہمدانی ابن سید قیام الدین ہمدانی ابن
سید قاسم ہمدانی ابن سید برہان الدین ہمدانی ابن سید امام محمد دیباج

ابن حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام

شجرہ سیدوم نسب امام سید لائیت علی میر سید از حضرت علی بن ابی طالب
سید شاہ و الامت علی ابن سید کریم بخش ابن سید میر علی ابن سید شاہ
حسن علی ابن سید محمد افضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاہ ولی ابن
سید عظیم ابن سید نصیر الدین ابن سید راجح محمد ابن سید عبد اللہ ابن
سید اثرش ابن حضرت سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین
ابن سید شمس الدین سیاہ پوش ابن سید علاء الدین ہمدانی ابن سید محمد

ہمدانی ابن سید علی ہمدانی

شجره چهارم نسب ماورسی قاضی محمد اجمل دام لطف

قاضی سید محمد اجمل خال لا اعظم ایشان شاه محمد واعظ عرف سید شاه ابدان شرف
 ابن سید شاه پیر علی ابن سید شاه میر علی ابن سید شاه حسن علی ابن سید
 محمد فضل ابن سید رفیع الدین ابن سید شاه ولی ابن سید شاه اعظم ابن
 سید نصیر الدین ابن سید رافع محمد ابن سید عبد الله ابن سید اشرف ابن حضرت
 سید اسحاق ابن سید صدر الدین ابن سید بدر الدین ابن سید شمس الدین سپاه پوش
 ابن سید علاء الدین همدانی ابن سید محمد همدانی ابن امیر کبیر سید علی
 همدانی جامع کتاب او را در فتنه حقیقی نسب مذکوره بالا اجفری نسب
 اکثر مشایخین انجوار اند چونکه نسب نامہ علی الترتیب سلسله نیافت نگاشت
 خصوصاً اہل شیعه خود را اکثر بدین نسب نامہ یکی ازان در قرابت و مصاہرت
 این خاکسار میر رمضان علی و نیز سید رضا علی ابن میر یوسف علی درین نسب اند
 و نیز از فرزندان آنحضرت امام صادق علیہ السلام نیز ذکی حسین ابن داروغہ
 سید لطیف حسین اند و مریدی سید ابوالحسن ابن میر بہادر علی این سردو
 ہجرتند حکیم سید عابد حسین ابن داروغہ سید لطیف حسین ابن میر نصر اللہ
 ابن میر وارث علی ابن میر حسین ابن سید لطف اللہ ابن سید احمد عرف چولہامی
 ابن سید شاه غلام عطا ابن حضرت سید کمال الدین ابن حضرت سید جمال الدین
 ابن سید شاہ غلام شرف ابن حضرت سید شاہ دعاء اللہ ابن حضرت سید شاہ

عطار الله ابن حضرت سيد شاه وجه الله ابن سيد شاه نظام الدين ابن
 سيد شاه هدايت الله ابن سيد شاه محمد حسين ابن سيد شاه رحيم داد ابن سيد
 شاه كريم داد ابن حضرت سيد محمد فرید ابن سيد محمد اسمعيل ابن نبیره حضرت
 سيد محمد اسحاق ابن حضرت امام جعفر صادق رضی الله عنه که دو نام نام
 نماند واضح باد و از غمه سيد لطف حسين را پنج پسر یکی سيد اکبر حسين و پسر
 ایشان سيد محمد باقر و عباس علی پسر دوم حکيم سيد عابد حسين ایشان را
 دو پسر یکی سيد جعفر حسين ثانی ابو الحسن سیومی سيد اوسط حسين
 پدر سيد سلطان چارمی عسکری حسين پدر محمد تقی پنجمی سيد ذکی حسين و بی لد
 اند و میر مبتلا حسين نبی عم ایشان پسر ایشان سيد عطا حسين سيد منظر حسين
 و غیره انقدر دانست نبگاشت نسبت چهارم باب و دم در ذکر اولاد
 حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و نسبت نسبت ابی اللذریان
 خصوصاً حضرت خواجه معین الدین چشتی قدس سره شجره و شجره
 واضح باد مؤرخین مذہب ما میانه فرزندان امام حضرت موسی کاظم رضی الله عنه
 شخصت فرزند کرده اند تحریری یعنی سنی بهفت پسر بیست سه دختر از سیزده
 فرزند اولاد جاری در باقی عقاب نماند بذر قیام ان نقل از عقیدت ناگزیر
 الا انچه در کتاب است بحر الانساب و حساب الانساب مینویسد انفقیر
 حقیر عقیدت پذیر اسامی فرزندان آنحضرت نیست حضرت علی موسی رضا

امام زمانه کلانی و حضرت اورس ثانی و سیدنا ابراهیم و سیدنا موسی ثمنی
 و سیدنا عبد اللہ و سیدنا عبید اللہ و سیدنا یونس و سیدنا علی ثانی و سیدنا
 اسمعیل و سیدنا یحییٰ خیر انجک و نسب نامہ اولیاء الدیافتہ من نسبت نگار آورده
شجره اول نسب چهارم در نسب حضرت خواجہ بزرگ معین الدین چشتی قدس سرہ
 حضرت خواجہ معین الدین چشتی سنجرى اجمیری ابن حضرت خواجہ غیاث الدین
 سنجرى ابن خواجہ نجم الدین طاهر ابن خواجہ عبد الغفریر مطهر ابن خواجہ سید موسی
 مصفا ابن سید ادریس لد حضرت امام موسی کاظم علیہ السلام ابن حضرت امام جعفر سادس

شجره اول بر ذکر اولاد حضرت خواجہ قدس سرہ

آورده اند بعد تکمیل فقر کمال حضرت خواجہ بزرگ بکبر سنئی متاہل شدند اولاد شد
 حسب بشارت و اشارت آنحضرت نبینا محمد صلی اللہ علیہ وسلم نو و سالگی عقد و
 نکاح کردند از دختر نجسته اختر سید و جہہ الدین مشہدی سنوخی زوجه ثانی
 بی بی آمنه اللہ دختر اجد یاد نام دختر سید و جہہ الدین بی بی عصمت النسیا
 سہ پسر یک دختر در آن عمر شریف حضرت خواجہ در نیالہ بوجود آمدند میگویند
 بی بی حافظ جمال دختر آنحضرت از طبع بی بی آمنه اللہ متولد شدند و با شیخ
 رضی الدین ابن سلطان التارکین شیخ حمید الدین ناگوسی سوالی کہ
 اجل خلفاء حضرت خواجہ بودند گنجد اشندند و فرمودند حضرت خواجہ بزرگ
 اولاد حمید الدین عین اولاد معین است و فرزند کلانی خواجہ ابو سعید حلیت کند

قبل از ایام جوانی ثانی خواجه حسام الدین که حضرت خواجه ولایت ایشان بمقام
 نسا بنهر داده بودند حضور مانند تاحیات خطاب یافتند حسام الدین سبوح خسته
 با خر عمر با ابدالان پیوستند سیوم فرزند حضرت خواجه فخر الدین
 ذبی او لاوشند خواجه فخر الدین را دو فرزند یکی خواجه کن الدین کلانی
 خلف ایشان خواجه زین الدین آینده کیفیت اولاد ایشان معلوم نشد
 الا فرزند ثانی خواجه حسام الدین ابن خواجه فخر الدین که نام فرزند خود
 بنام برادر خود نهادند خواجه حسام الدین را نیز دو فرزند یکی خواجه معین الدین
 خور و کلانی که بعد با او اجداد در اجمیر شریف زیب سجاده گشتند و نام فرزند
 ایشان خواجه زین الدین ثانی بود ثانی خواجه قیام الدین ملقب بر مال خلف
 ایشان خواجه نجم الدین پس ایشان خواجه احمد کمال ولد ایشان خواجه
 شهاب الدین فرزند ایشان خواجه بایزید ثانی مقبول ربانی حضرت ایشان
 عمر خود در سیاحت تمام گذرانیدند در امصار و دیار بعد مدت مدید تشریف
 آوردند در اجمیر شریف در آنوقت خدام نشناختند و انکار از فرزند می
 خواجه بایزید کردند آخر به شهادت خواجه حسام الدین ناگوری که اولاد
 سلطان التارکین بودند بادشاه وقت عماد بن بود خدمت دیوانی تفریق
 نمود خواجه حسام الدین عرف خواجه حسین ناگوری زیب سجاده آنحضرت
 ایشان را کردند و دختر خود در عقد نکاح ایشان دادند و اولاد جاری شد

باید شنید ثمره دوم فرزند خواجه بایزید ثانی خواجه شهاب الدین
 بود فرزند ایشان خواجه محمد طاهر پسر ایشان خواجه غیاث الدین پسر ایشان
 خواجه معین الدین ثالث پسر ایشان خواجه ابو النخیر مطهر این بزرگ شدند کثیر الاولاد
 هشت پسر ایشان متولد شدند یکی خواجه علیم الدین کلانی دوم خواجه معین الدین
 ثانی سیوم خواجه شهاب الدین چهارم خواجه محمد طاهر پنجم خواجه محمد شاه ششم
 خواجه شاه ولی محمد هفتم خواجه شاه محمود هشتم خواجه شاه محمد مسعود از آن جمله
 چهار فرزند شدند ذی اولاد باقی چهار را عقاب نماند می نگارند اولاد چهار
 برادر در اجمیر شریف ماند یعنی خواجه معین الدین و خواجه شهاب الدین و خواجه
 شاه محمد و خواجه شاه ولی محمد که نوبت بانوبت هر یک زیب سجاده حضرت
 خواجه گشتند بعضی از اولاد مسافرت کردند خستیم بسیار سیار و دیار هر گاه
 به زیارت مزار رسید با جمیع شریف این خاکسار در سال بکینار و دود
 و شصت هجری خپین دریافت شد که در زمان چهل و هشت هجری بمنصب
 دیوانگی زیب سجاده بودند شاه مهدی علی صاحب حالای بجا می شان
 برادر زاده شان شاه سراج الدین اند زیارت خدمت انخان بود
 آنچکه بود مقصود گشت کشود و نیز برادران شان شاه منیر الدین ^{علیه السلام} سید بخش
 بودند اکنون دریافت نشد که فرزند شاه سراج الدین زیب سجاده بخطاب
 دیوانگی اند مامور مبارک باد ثمره سیوم روایت می نمایند هر گاه

خواجه علاء الدین ابن خواجه علیم الدین مذکور الصدق صد سفر کردند از اجیر شیخ
 فرزند یانیر الشیخ شمس العارفین خواجه محمد داود حشمتی از دیار مغرب قاصد
 دید امصار شرقی شدند از شهر بلخ سیر کرده بدین لواح رسیدند جای اقامت
 در محال کلپه پسندیدند و حسب مجوزی و الحاح راجه انجا بد انجا تکیه ساختند
 بموضع کندومی پرگنه اکیل ضلع بهار در انجا خبر گیر فقره وارد و صادر
 کردند حاکی وقت بهر کفایت معین کردند تا قاه شد پیداعوس اعواس پیران
 که هست شیوه ایشان خصوصاً حاصل در ایشان شامل شدند و اولاد شد
 پیدا الا خود را شیخ گویندند و الله اعلم در اخفای سیادت چه بود مقصود
 حالا اولاد اند فرزند ایشان خواجه داود خواجه محمد یوسف بودند بطریق
 ابائی قائم مانند لیسر الشیخان خواجه عید الرقیب لیسر الشیخان خواجه محمد جمیل
 خود را شیخ گویندند اولاد ایشان شیخ محمد خلیل اولاد ایشان جا بجا در بیست
 اقامت نمود نسبت به معاش صورت کفایت دانی چنانچه قاضی جعفر علی
 ساکن موضع کندومی از فرزندان شیخ محمد جمیل اند شیخ محمد لطیف ابن شیخ
 محمد جمیل در موضع جان پور و در جهان آباد جاگیر یافته مقیم شدند فرزند
 شیخ محمد لطیف شیخ محمد سبحان در جا چیری صورت معاش پیدا کردند شیخ
 اقبال حسین غیره و حاصل لیسر شاه محمد سبحان بودند شیخ محمد شرف لیسر الشیخان
 شیخ محب الله لیسر الشیخان شاه محمد امان الله عرف شیخ امان لیسر الشیخان شیخ

محمد زمان و الدیشان شیخ محمد باسط لیسر الشیان شاه عبد الرحمان عرف شیخ
 رحمان بخش خلف ایشان شاه محمد و اهب حسین که از دختر محبت ختم مولانا
 غلام قادر رحمه الله علیه که خدانشند مولانا مفتی عدالت بودند علاقه صلح به
 ابن شیخ غلام حیدر شاه و اهب حسین از دختر مولانا شده فرزند مولوی
 منیر الدین احمد لیسر کلانی با وجود همه لیاقت حصول در عالم جوانی کردند
 انتقال مولوی امیر الدین احمد لیسر ثانی بعد از سرکاری بنوراند موجود
 سیوم نصر الدین احمد رفت از نیعالم بعالم جوانی الامولوی امیر الدین احمد
 کتخا شده اند الله تعالی ذی اولاد کند شجره دوم نسب چهارم
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت خواجه نور الدین امیر کللال
 باید دانست خواجه نور الدین امیر کللال پیر شد حضرت خواجه بهاد الدین ^{نقشبند}
 قدس سره اند خواجه نور الدین امیر کللال بن خواجه امیر حمزه ابن امیر سید ابراهیم
 ابن امیر سید محمد قصوری ابن امیر سید حسن مقبول ابن امیر سید عبد الله
 شهید ابن امیر سید جعفر ابن امیر سید حسین ابن امیر سید ^{علی} سیما بن امیر سید ابن امیر محمد حسین
 ابن امیر سید احمد بلقب حسین ابن امیر سید محمد علی ابن امیر سید شریف موسی ابن
 سید ابراهیم قاضی ثانی ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باید دانست
 فرزند حضرت امیر نور الدین کللال چهار بودند یکی سید حمزه دومی امیر
 برهان الدین سیومی امیر محمد شاه چارمی امیر عمر اولاد بهر فرزند نامند

چهار اند با مصار و دیار بسبب نسبت برین نیافت کسی که منی نگاشت الا خود
 تعرفت خواجه میر جان داماد حکیم غلام نبی خان از اولاد از یکے فرزند ان خواجه
 امیر کللال اند چهار فرزند شان اند یکی خواجه محمد حسین و یکی خواجه محمد حسین
 عرف خواجه محمد امان خلف ایشان خواجه عبد السلام سیومی خواجه محمد حسین
 عرف خواجه محمد زمان چارمی خواجه عبد الله هر یکے اند محبت پناه و کتبه
 شجره سیدوم نسب چهارم در ذکر نسب حضرت مخدوم سید
 احمد ملقب چرمپوش معتر و اولاد مخدوم سید احمد مخاطب چرمپوش
 ابن سید موسی همدانی ابن مخدوم سید مبارک همدانی ابن میر سید جعفر ابن
 سید ابراهیم همدانی ابن سید سلیمان همدانی ابن سید عبد الکریم ابن سید
 عبد الحکیم ابن سید عبد الشکور ابن میر سید نعمت الله ابن میر سید عبد المجید
 ابن سید عبد الرحیم ابن میر سید اسحاق ابن میر سید احمد ابن میر سید محمود
 ابن میر سید اسمعیل ابن سید عبد الرحمان ابن میر سید قاسم ابن میر سید نور
 ابن میر سید یوسف ابن میر سید کن الدین ابن میر سید علاء الدین ابن میر سید
 یحیی ابن میر سید ذکریا ابن میر سید حسن ابن سید قلی ابن سید عمر ابن میر سید

عبد الله ابن حضرت امام موسی کاظم علیه السلام

شجره در ذکر نسب مادری و اولاد حضرت مخدوم سید احمد
 مخاطب چرمپوش قدس سره

باید دانست حضرت مخدوم سید احمد چرمپوش نو اسه حضرت مخدوم سلطان
 سید شهاب الدین پیر جگجوت اندام والده ماجد انجناب بی بی جمیده مدعو جمیه
 بودند و نام زوجه انجناب نبیه اندالاد و فرزندرتبه بلند بودند انجناب را یکی
 مخدوم شاه سید تاج الدین کلانی باقی دویمی مخدوم سید شاه سراج الدین
 ثانی علاوه این دیگر اولاد نبود مخدوم شاه سراج الدین را یک پسر مخدوم سید
 شاه عجد الرحمان که از دختر عم کلان بی بی و اسع بنت مخدوم شاه تاج الدین
 که خدا شدند دیگر دختر و پسر نبود و برادر یکی پسر و یک دختر پس سید شاه
 عجد الرحمان بعد عم کلان و والد خود زینب سجاده مانند بعد خلف شان سید
 شاه علی عرف مخدوم بده جانشین شدند بعد ایشان پسر ایشان
 سید رکن الدین مدعو منجهن ولد ایشان سید شاه محمود اعلا زینب سجاده
 شدند بعد ایشان خلف ایشان مخدوم سید نصیر الدین سجاده نشین باند
 پسر ایشان سید شاه حبیب اللہ ولد ایشان سید شاه محبوب اللہ پسر ایشان
 سید شاه محمود ثانی خلف ایشان سید شاه محمود ولد ایشان سید شاه
 سراج الدین ثانی فرزند ایشان سید شاه نور الدین ایشان سید شاه
 مجیب اللہ ابن ایشان سید شاه علی صغیر ابن ایشان سید شاه
 محمد ثانی واضح باد سید شاه علی صغیر را یک پسر سید محمد ثانی و
 یک دختر شاه مجیده که از سید شاه غلام مخدوم زیدی نسب اند ابن سید شاه

محمد حفیظ که خدا شدند دختر ایشان مسماة الطیبه عرف بے بے اطور و والده
 شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش ابن شاه محمد وصل ابن شاه علام بدر ابن شاه
 وجه الدین فردوس سید محمد ثانی است پسر یکی سید شاه نجف علی ایشان را
 دو دختر یک مسماة دُهر وین والده امیر علیخان ابن همت علیخان و بی مسماة
 سوین روجه حاجی شاه الطواف علی یک پسر ایشان شاه نور الحسن سرور
 که از دختر قاضی صابر علی که خدا شده ذمی و لاداند خواهر ایشان از قاضی
 وصی احمد ابن قاضی صابر علی که خاندی اولاد اند پسر و م سید محمد ثانی
 سید شاه احمد علی دو پسر ایشان شدند یکی سید شاه احمد حسین و بی سید شاه
 محمد حسین ایشان را دو پسر باوشان چند دختر سیدم خلف الرشید سید محمد ثانی
 سید شاه پیر بخش خلف الرشید ایشان سید شاه محمد دوم بخش
 شاه کلن که بعد عرصه رونق خاندان زریب مشایخی دادند پسر ایشان دو
 سید ولایت حسین و سید نور الحسین هر دو موجود اند اللہ تعالی ترقی بخشند
 و شاه نور الحسن ثانی ابن شاه برکت حسین نیز از فرزندان اند که جد بزرگوار
 ایشان در آل حضرت محمد و سید شاه احمد چرمپوش بوده اند بدین سبب
 سکونت نیز است و نیز متفق حکیم محبت حسین از فرزندانند و دیگر ان نیز میگویند
 چون سلسله نیافت نوشت نسبت تخریب و م در ذکر حضرت
 امام علی موسی ضامن ذکر فرزندان آنحضرت بر چهار شجره است و همراه آن

باید دانست حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام را پنجم فرزند رتبه بلند و یک
 دختر خجسته اختر بنی فاطمه ثانیه از بر فرزندان سلسله نسب باقیست
 خود را رضوی سید میگویند الا نزد امام زاده فرزندانند و الله اعلم فرزندان اولین حضرت
 امام محمد تقی علیه السلام امام زاده فرزند دوم امام سید حسن فرزند سیوم
 سید علی فرزند چهارم سید جعفر پنجم فرزند سید ابراهیم بودند از هم
 جدا و سیادات رضوی و اخراج با و نسب حضرت پیر و شکیب خواجه قطب الدین
 اوشی ملقب بختیار کاکی قدس سره از حضرت سید جعفر ابن حضرت امام
 علی موسی رضا علیه السلام می پیوندند و خواجه قطب الدین بختیار کاکی
 ارشد الخلفاء حضرت خواجه حسین الدین حشمتی قدس سره ابن خواجه کمال الدین
 اوشی ابن سید محمد اوشی ابن سید احمد اوشی ابن سید حسام الدین ابن
 سید رشید الدین ابن سید رضی الدین ابن سید حسن معروف ابن سید محمد
 اسحاق ابن سید محمد جواد ابن سید علی سجاد ابن سید جعفر ثانی ابن حضرت
 امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه واضح باد حضرت خواجه
 قطب الدین اهل سابقه را با اشاره آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم طلاق دادند
 باز تافی متاهل شدند از لطن زوجه ثانیه که در اقران بودند و فرزند شدند
 یک سید احمد دبی خواجه محمد سید خواجه احمد لیم سیزده سالگی بجوار رحمت حق پیوستند
 پسر ثانی خواجه محمد را یک پسر بودند خواجه کبیر زان بعد عقاب حضرت نمازند

نام والدہ حضرت خواجہ قطب الدین نے بی رضیہ بنت سید محمد ابن سید علی
 ابن سید احمد ابن سید ابراہیم ابن سید آدم ابن سید عالم ابن سید صدر عالم ابن سید
 عبد المجید ابن سید عبد الحمید ابن سید عبد الرشید ابن سید حسن لد حضرت
 امام علی موسیٰ رضا علیہ السلام نسبت دو مضمویٰ نسب نامہ سید
 شاہ ابو العلاء مشہدی جد امجد حضرت مولوی حسن ضاقدین
 سید شاہ ابو العلاء ابن سید شاہ محمد حیات ابن سید شاہ محمد برکات ابن سید شاہ
 مبارک ابن میر سید حفیظ ابن میر سید مظفر ابن سید حیدر ابن سید شاہ ابو الجویق
 ابن سید شاہ ابو البرکات ابن میر سید احمد ابن میر سید محمد ابن میر سید عبد اللہ
 ابن سید عبد الجلیل ابن سید محمد خلیل ابن سید جمیل بن سید علی بزرگ ابن سید مصطفیٰ بن سید
 عبد اللہ اکبر ابن سید مجتبیٰ ابن سید ابراہیم مرتع پوش ابن حضرت امام علی موسیٰ رضا
 رضی اللہ عنہ علیہ السلام ذکر ذریت حضرت سید شاہ ابو العلاء طویل است نسبت
 قرابت و مصاہرت ازین فقیر حقیر فقیر تحریر کرامات بعد ازین خواہد نوشت
 نسبت یوم نسب نامہ قاضی عبد الفتاح عرف قاضی بڑی دالالو
 جد امجد میر سید محمد قاضی سید عبد الفتاح ابن میر سید عالم ابن سید ابو الفتح
 ابن میر سید میر ابن میر سید محمد ابن میر سید زین العابدین ابن میر سید مبارک
 ابن میر سید علی شیر جاجیری ابن میر سید علی اکبر ابن میر سید علی صفیر ابن میر
 سید عبد اللہ ابن سید زین العابدین ابن سید محمد اعلیٰ ابن میر سید نوح

ابن میر سید ابراهیم بن میر سید زین العابدین بن میر سید حسین عرف سید
 عبد المطلب بن حضرت امام علی موسی رضا علیه السلام رضی الله عنه النوری
 سیادات رضوی نسب هستند بسیار شهره و امصار و دیار بلکه اکثر اندرینجا
 از اولیا کبار چون نسب نامه اولادشان مسلسل نیافت بدینوجه نگاشت
 متعذر ماند و نیز اکثر مذہب ما میلند سیادات رضوی عویدار چنانچه درینجا و رؤسا
 ساکنان موضع ^{طین} اچکله که نسبت مصاہرت دارند واضح باد در زمان ماضی ^{طین} سلاطین
 بزرگ بودند مشاہیر منصب قضا داشتند قاضی سید عبدالاحد عرف قاضی بڑی
 رضوی نسب بودند و نزدشان قاضی احمد علی اولاد ایشان شد بسیار
 مصاہرت واقع شد از اولاد ایشان شرفا موضع ^{طین} بہت بود و حضرت بہار
 مذکرہ ذریت ایشان در تمہ کنایہ نگاشت و نیز در موضع ساسین
 ضلع پٹنہ بزبانہ قریب بزرگ بودند منصب قاضی سید اولاد علی والد ماجد
 قاضی سید فضل حسین صدر اعلیٰ مرحوم سپہریشان قاضی سید رضا و سید محمد کاظم
 و از بنی اعمام ایشان میر احمد حسین میر محمد و محمد بن سید شجاعت علی
 در موضع از سیادات رضوی اند و نیز صاحبان موضع نیالوان و نیز سید
 شاہ اہل اللہ رضوی را در موضع مصاہرت واقع شد سید شاہ اہل اللہ
 جد مادری سید شاہ عبد الرشید عرف شاہ حمی ابن سید شاہ اطیب اللہ
 قادری چنانچہ منقول است دو سیدزادہ بزرگ از سیادات رضوی نسب

از ولایت تشریف آوردند بصیغه طالبعلی در خانقاه حضرت مخدوم بدرالدین
بدر عالم در بهار وارد شدند مشغولی تدریس بودند روزی کرامات ایشان
بحضرت مخدوم بدر عالم عیان شد سید احمد کلانی و سید محمد ثانی را
نام بود حضرت مخدوم دختر خجسته اختر بی بی ابدال خود را خواستند بزوجه
یکی از اینها دهنده کلانی عذر آوردند و تکرار کردند اختیار چنانچه مزارشان
واقع موضع ندره معروف است سید محمد قبول کردند مزار ایشان بموضع
معافا واقع است از بطن بی بی ابدال اولاد شد ساکن موضع بی بی پور شدند
که جای چید بی بی مدو مشهور است چنانچه انوضع و دیگر دیهات معانی بقبضه
اولاد ایشان است از فرزندان ایشان یکی بزرگ راسته فرزند بود بدانچکه
فرزند یک فرزند سید شاه اهل الله مذکوره بالا و فرزند برادر دیگر سید عنایت علی
بودند خلف ایشان سید فرزند علی کتختانی ایشان از دختر میر مظفر حسین مرحوم
ساکن شینو پوره شد سید فرزند علی راد و فرزند یکی میر فرحت علی که از دختر
میر اولاد علی ابن سید شاه وارث علی که از اولاد دیوان سید جعفر قدس سره
بودند گردید اولاد ازین عالم قنند و سپهرانی میر فرزند علی میر اسمعیل علی از
دوست شادی اولاد جاری شد چند دختران و دو پسر یکی سید واجد حسین
دو بی سید احمد حسین خواهر کلانی ایشان زوجه شاه اظهر حسین تانیه زوج
سید امیرالدین نوابادی ثالث زوجه پیاری صاحبان قاضی محمد بخش مرحوم

و نواسه سید و حید الدین اشرف که از اولاد سلطان اشرف جهانگیر
 معروف بودند حاصل از انجمن از سته برادر فرزند یکی سید رمضان علی
 بودند خلف الرشید ایشان میر سید غلام حسین سلموی دوازدهمین پسر ایشان شدند
 از دوز و جیه یکی میر محمد حسین و اما سید محمد حسین نوآبادی پسر ایشان سید الفتن
 و از زوجه ثانی خلف الرشید ایشان سید حسین سته خواهر ایشان ذی اولاد اند شاد
 علی حسین در بهار از دختر میر حسین ساکن باروری شده بودند و دختران ایشان را
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر حضرت امام محمد تقی علیه السلام معروف است
 باید دانست از تحریر مورخین سابقین و نیز از کتاب بحر الانساب شش فرزند آنحضرت
 سته پسر سته دختر فرزند اول حضرت امام علی نقی علیه السلام امام زمانه ثانی حضرت
 موسی ثالث سید جعفر ثانی اولاد ابن مهر و بزرگوار سی اولیا کبار اند جا بجا
 ولی الله صاحب لایت آسوده اند بجز ایشان فایض الانوار به شجره اولی
 نسبت ششم از باب دوم در ذکر نسب حضرت سلطان المشائخین
 سید نظام الدین احمد بدایونی حضرت سلطان الاولیاء
 سید نظام الدین محبوب بانی ابن میر سید احمد بدایونی ابن سید خواجه علی بخارا
 ابن سید عبداللہ ابن سید حسن بن سید علی ابن سید احمد ابن سید عبداللہ ابن
 سید صفیر ولد حضرت سید جعفر ثانی ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام
 باید دانست حضرت خواجه علی حضرت سید انیسال معرفت خواجه عرب از جوار عرب

سیر کرده مصادد یار به بخارا شریف آمده سکونت کردند اختیار پس بدان
 هر دو بزرگوار در انجالت اهل شدند نسبت شرفاء انجوار سید بخاری را دو فرزند
 شدند یکی سید احمد بدایونی ثانی سید محمد بدایونی و نیز دو دختر شدند خواجه عرب سید
 دانیال یکی موسوم بی بی زلیخا زوج سید احمد بدایونی نام ثانیه معلوم نشد
 از بخارا نوبت سکونت به شهر بداون رسید و در حضرت سید احمد سید
 نظام الدین اولیا و کنجو اهرشان بی بی زینب نام حضرت محبوب
 آبی حضور بودند الا فرزند بی بی زینب دو یک سید تقی الدین نوح
 دومی سید رفیع الدین باون هر دو ذی اولاد شدند سید محمد بدایونی
 را یک فرزند حضرت جمال اولیا که مرید و خلیفه حضرت محبوب آبی برادر عماد
 بودند فرزند رتبه بلند ایشان سید شاه ابراهیم ایشان را تربیت طاهری
 و باطنی از پدر بزرگوار خود بود خلف الرشید ایشان سید شاه فرید عرف
 سید طویله بخش مرید و خلیفه حضرت مخدوم نور قطب عالم نپودی بودند
 سید فرید طویله بخش در بهار حسب ولایت چشتیان اقامت پذیر شدند بجهت چاند پور
 اولاد این برک بسیار از مشایخ کبار فرزند رتبه بلند آنحضرت سید معین الدین
 بهاری خلف الرشید ایشان سید نصیر الدین ثانی بهاری از حیات و فریق
 شدند سید سببیت دو فرزند سید محمد سلطان فرزند کلانی جدا مجد صاحبان
 چاند پوره و سید بهار الدین فرزند ثانی از اجداد صاحبان تکیه خور

اولاد هر كے موجود اند

لمعه اول در ذكر اولاد صاحبان چاند پوره

بايد دانست فرزند سيد محمد سلطان سيد شاه مظفر ولد الشيان سيد شاه منصور
 ابن ايشان سيد شاه محبوب پرايشان ديوان سيد محمود ولد الشيان ديوان سيد
 شاه عنایت الله ابن ايشان سيد شاه امير الله ايشان از چهار فرزند رتبه بلند
 كه پيدا شد شاخ هر كی سيد شاه صفی الله ولد كلانی و جناب حضرت سيد شاه
 احسان الله فرزند ثانی سجاده نشین بجای پدري سید اهل الله چاره
 سيد شاه فخر الله عرف شاه فخری این نیز ذی اولاد اند و سيد شاه اهل الله
 را دختران بودند و سيد شاه صفی الله را بودند يك دختر بی بی صبيحه نام دختر
 این بی بی را نام بی بی مسیحاز و سيد شاه محمد اصل كه جد شاه امير على
 فردوسی بودند جناب حضرت سيد شاه احسان الله را يك دختر موسوم
 بی بی سلطانی كه از مير مظفر على ابن مير سيد حسن زريدي نسب كتيذا شدند
 از بطن این عفيفه و دختر بی بی رحمانی بی بی امانی و يك پسر جناب حضرت
 سيد شاه يحيی على قدس سره زوج بی بی رحمانی شاه محمد سلطان
 نيره سيد شاه احسان الله و خلف انحضرت شاه محمد بخش دو كی
 شاه قطب بخش شاه محمد بخش را و فرزند كی شاه محمد سلطان نذر الله
 دو بی بی شاه محمد جان و يك دختر بی بی واجن كه از شاه محمد سجان ابن شاه

قطب نجش کتخا شدند پسردومی شاه قطب نجش شاه درگاهمی والد ماجد سید شاه
 خیدر نجش و شاه محمد سبحان را دو پسر سید شاه محمد مهدی که ذمی اولاد شدند از دختر
 پسر ثانی سید محمد اکبر و فرزند شاه محمد سلطان از بطن بی بی رحمانی سید شاه محمد باقر
 و سید شاه اسمعیل ایشان یک پسر سید علی حسن که از دختر مولوی سید شرف علی ابن
 سید شاه یحیی علی کتخا شدند یک پسر شد ایشان را سید حسن نام که از دختر شاه
 تبارک حسین ابن شاه تیم الله منسوب شاه محمد باقر چهار فرزند اند سید مسعود
 و سید مقصود و سید مودود و فرزند کلانی سید محمود رحلت کردند هر یک را بهترین
 جای نسب مصاهرت واقع است و پسر شاه محمد اسمعیل سید علی حسن نام از دختر مولو
 سید شرف علی کتخا شده ریل ملک بقا گشتند پسر گشتند سید حسن نام از دختر
 شاه تبارک حسین مرحوم کتخا است ذومی ولد است و از شادی دیگر حضرت
 شاه محمد سلطان رحمة الله علیه از فرندی نام نامی شاه امجد حسین که از دختر
 شاه قطب الدین منیری کتخا شدند یک دختر و پسر ازند و شاه محمد جان را چهار پسر
 سید عابد حسین و سید زاهد حسین و سید یوسف حسین و سید کبیر حسین یکی ازین رحلت نمود
 باقی ذمی حیات ذومی اولاد اند

ملو دوم در بیان واقع ثانی بذریت سید شاه بهاء الدین
 ابن حضرت مخدوم نصیر الدین واضح با و فرزند ثانی و حضرت بندگی
 سید نصیر الدین دیوان سید بهاء الدین بودند خلف ایشان بندگی دیوان سید

شعیب الحقی ولد ایشان سید شاه عبید اللہ ابن ایشان دیوان سید شاه
 عبد الوہاب چہار فرزند ایشان کلانی دیوان سیدہ عبد الواحد
 بودند و دختر بودند ایشان ثانی سید شاه جمال الدین سیومی سید شاه
 حسام الدین چارمی سید شاه ذکی الدین بودند سید کمال الدین پسر
 سید شاه جمال الدین از دختر عم کلانی خود منسوب یعنی از صدیہ حضرت دیوان شاہ
 عبد الواحد مذکور الصدقہ کہ یکے از اجداد حضرت شاہ محمد آفاق عرف شاہ
 جٹا و نیز اجداد دیگر ان الا نسبت سلسلہ ایشان دریافت نشد شاہ ذکی الدین
 ثانی کہ پسران شاہ فصیح الدین دو فرزند ایشان یکی شاہ مراد علی پسر ایشان
 شاہ فرزند علی دومی شاہ چمن پسر شان نعمت اللہ داماد میر موسی علی و از محل
 دوم شاہ ذکی الدین شاہ محمد محیی بودند و نیز شاہ صغر حسین الدیاجد سید شاہ
 عبد الکریم و یکدفعہ ہست سید شاہ رحیم بخش نبیرہ ایشان سید عبد الکریم نام
 است باقی کیفیت دیگر ان دریافت نشد الا نسب جدی و ماوری حضرت شاہ
 محمد آفاق نسبت قرابت قریبہ از خسر پورہ این خاکسار دریافت شد تبصریح مینویسید
 باید دانست سید شاہ جمال الدین راد و پسر یکی سید محمد ثانی سید شاہ کمال الدین
 ایشان را نیز دو پسر یکے سید شاہ غلام شرف الدین ثانی سید شاہ غلام محمد
 ایشان را نیز دو پسر کلانی سید شاہ حمایت اللہ ثانی سید شاہ منور اللہ پسر
 ایشان سید شاہ علیم الدین ولد ایشان سید شاہ محمد آفاق عرف شاہ جٹا

پسر ایشان سید شاه محمد اسحاق عرف شاه دومی که از دختر سید نجف حسین
 ساکن محله باره درمی که خدا شدند ایشانرا چند دختر و یک پسر سید شاه عطاء
 ذمی اولاد هستند بجاوه آبا اجداد زینت بخش اند ذکر نسب مادری حضرت
 شاه آفاق و آبا اجدادشان که از حضرت سید محمد سید محمد دومی
 نشست انور اجداد مادری پیر حجاب شاه محمد آفاق سید محمد روشن علی ابن سید محمد
 فاضل ابن سید محمد اکرم ابن سید محی الدین که نسب بسادات کاظمی بودند و شادی
 سید محمد روشن علی از دختر سید شاه غلام محمد بن سید نور الدین بن سید محمد دوم عالم
 ابن سید صدر عالم ولد میر سید محمد سید محمد وردی زیدی نسب گردید و زوجه سیده
 غلام محمد دوم دختر قاضی سید فتح الله خطیب که شادی ولی بود ساکن مقام
 شیخ پوره از ایشان سه پسر شدند یکی سید نور الدین دومی سید محمد صالح سیوم
 سید فقیر محمد عرف فقیر سید محمد صالح لا ولد الا سید نور الدین رانیر سه پسر یکی سید
 غلام مجتبی دومی سید غلام مرتضی سید غلام محمد پس بدانید سید غلام
 مجتبی را یک پسر سید غلام منبری که از دختر عم خود سید غلام محمد کتبی داشتند و سید
 غلام مرتضی را نیز یک پسر سید بر خوردار و دو دختر یکی زوجه شاه محمد مبارک
 ساکن محله چاند پوره دومی زوجه سید علی البر ساکن موضع شیخ پور و سید
 غلام محمد رانیر سه پسر یکی سید غلام حامد عرف پنجم دومی میر سید میر عرف
 چکوری سیومی سید تاج محمد اولاد وجد مادری سید شاه علیم الدین پدر

شاه محمد آفاق سید محمد حفیظ ابن سید سیف الشون سید فقیر محمد فقیر ابن سید
 مخدوم عالم بن سید محمد سردی مذکور بالا و جد مادری شاه نور الله جد
 شاه محمد آفاق میر سیف الله مذکورہ الصدر و سید فقیر محمد اود و سپر یک دختر
 کلانی سپر سید سیف الله ثانی سید روح الله سپر سید سیف الله سید محمد حفیظ
 و یک دختر زوجه شاه نور الله دویمی دختر زوجه سید زین العابدین ساکن
 محلہ مفتیانہ و دختر سید سیف الله والد شاه نور الله مخدوم و سپر سید
 محمد حفیظ سید غلام مخدوم جد مادری شاه امیر علی فردوسی ابن شاه
 کریم بخش ابن شاه محمد اصل شاه امیر علی خسرو ابن خاکسار و سید روح الله
 ابن سید فقیر محمد اسپر سید محفوظ نام و دو خواہران ایشان یکی بی بی
 ماجوز و جہ شاه غلام حیدر ابن شاه و جہ الدین کہ لا ولد و بعد ازین عالم دیو
 بی بی بخدیبا عرف ناچوز و جہ شاه غلام بدر برادر شاه غلام حیدر فرزند
 رتیب بلند شاه غلام بدر شاه محمد اصل جد شاه امیر علی شادی شاه
 محمد اصل بجلہ چاند پورہ از بی بی مسیحی بنت بی بی صدیقہ دختر شیدہ صفیہ الله
 و خواہر شاه محمد اصل ابن شاه غلام بدر بی بی بیکانی زوجه سید فضل علی
 ساکن محلہ بارہ درمی کہ از اولاد سید فضل الله عرف سید گوسائین بودند
 نواسہ میر فضل علی سید حیر الدین حسین ابن سید شاه فتح علی ابن شاه
 غلام عبد الله فرزند حضرت خواجہ موود و دوستی ساکن شیخوہ خور پرگزہ قرط

ویک خواہر الشیان بی بی لطیفہ زوجہ شاہ علی بخش برادر شاہ کریم بخش و الدشاہ
 امیر علی واضح باد سید محفوظ انیزد و لیسر یکے سید رضا علی ابن سید ناصر علی لیسر
 شان شاہ غلام مخدوم ثانی ولد الشیان سید احمد ادا خورد شاہ انور علی
 بلخ لیسر الشیان سید علیجان ذوی اولاد شدہ لا ولد از پنجان قند لیسر و بی بی
 سید محفوظ بودند سید معصوم لیسر الشیان سید غلام مخدوم لیسر شان سید شرف علی
 و سید مشرف علی لیسر الشیان داود علی عرف و اهو و لیسر سید اشرف علی سید
 امام علی پدر سید مردان علی داود شاہ تراب الحق دانا پوری دو خواہر الشیان
 یکے زوجہ سید داود علی دومی زوجہ سید الفت حسین ابن سید شاہ فخر الدین
 و چہار دختر سید اشرف علی بودند یکی زوجہ شاہ فخر الدین مذکور دوسری
 مادر شاہ منگن سیدومی را ذکر معلوم نیست الا چارمی زوجہ میر محمد عاصم نواسہ
 حضرت شاہ طب اللہ موڑومی خسر شاہ محمد سجاد دانا پوری ؒ
 شجرہ نسبت نیاں حضرت میر خلیل الدین ابن حضرت سید
 ابوسعید جعفر حضرت باڑہ واضح باد سید خلیل الدین ابن سید ابوسعید
 دیوان سید محمد جعفر ابن میر سید اہل اللہ عرف سید مبارک حسینی ابن میر سید
 اشرف عرف سید پیر محمد ابن سید محمد جلال دشمنڈا ابن میر سید حامد عرف سید
 چاند ابن سید محمود عرف سید پیاری بن سید اکبر ابن سید محمد ابن سید ضیاء الدین
 ابن میر سید احمد ابن حضرت میر سید شہاب الدین ابن حضرت سید عبدالرزاق

ابن سید عبدالرحمن ابن سید عبدالغزنی ابن میران سید حسین خنگ سواراجی
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه ابوالموئید ابن حضرت سید ابراهیم
 ابن حضرت امام محمد تقی علیه السلام ذکر ذریعت این حضرات بتصریح اینک
 سید خلل الدین ابن سید محمد جعفر را سه فرزند یکی سید جان عالم پسر ایشان
 سید محمد جاهد و دیگری سید سلطان عالم پسر ایشان سید محمد ماه سیدی که از بهر بود
 کلدانی سید صاحب عالم یک حبیبه ایشان بی بی زهره که از سید ابراهیم خوانده
 سید صاحب عالم منسوبند یک دختر و یک پسر ایشان نام دختر بی بی محمد و منزه و
 میر مظفر حسین شیخ پوری بودند پسر میر مظفر حسین سید امید علی که از دختر شاه احمد علی
 کتبی شدند سید سعادت علی پسر ایشان هستند و دختر از میر فرزند علی ابن میر عثمان
 رضوی کتبی شدند دو پسر عالیقدر ایشان کلدانی میر فرحت علی که از دختر میر سید
 اولاد علی ابن سید شاه ارت علی کتبی شدند اولاد ازین عالم رفتند پسر ثانی
 میر اسمعیل علی از چند شادای ایشان سه دختران دو پسر یکی سید واحد حسین
 داماد مولوی سید اشرف علی نوابادی و دیگری سید احمد حسین فی ولداند
 و از دختران کلدانی زوجه شاه اظهر حسین بهاری ثانی زوجه سید امیر الدین نواب
 ثالث زوجه بیاری صاحب پسر بی بی زهره زوجه سید ابراهیم حضرت مشاه
 سید وارث علی بودند سه پسر ایشان یکی اولاد ازین عالم رفتند و دیگری
 میر قالیض علی داماد نواب محمد حسن خان شیخیه ساکن ولد میر قالیض علی

نواب الطاف حسین خان که از دختر خال خود نواب تفضل حسین خان
 کتخاشدندی اولاد ازین جهان زفتند و یک خواهر ایشان نیز بودند لا ولد رفتند
 بدانند خلف کلانی جناب حضرت شاه دارش علی صاحب نام نامی بمنزلت گرامی سید
 اولاد علی صاحب که زین سجاد و آبا بی بودند و دختر ایشان یکی زوجه میر فرحت علی
 مذکور الصدر لا ولد ثانی زوجه سید قادر احمد ذی اولاد شدند یک دختر و چهار پسر
 ایشان و دختر زوجه قاضی سید محمد رحمتی بن قاضی احمد علی و پسر کلانی سید شاه
 امیرالدین زینب سجاد و جد مادری شده نام سبحانوت برده لا ولد ازین عالم
 رفتند و وی سید منیرالدین از پنجهان رفتندی اولاد سیومی سید شاه
 احمدی حسین که بخوبی تمامی موصوف اند از محل ادبی یک پسر دارند سید احمد حسین
 نام چارمی پسر برلیاقت و هنر سید شاه لطافت حسین بروت و سخاوت
 معروف اند که خدای ایشان از دختر سید سحابت حسین مرحوم گردید که داماد
 دختر شاه ابراهیم حسین نواب ادبی بودند الحاصل یک پسر است بشاه لطافت نیز
 سید شاه حسین که برلیاقت است خاکسار شاه بدکتی زای آن از دختر مولوی
 شاه حسین گردید دختر آن اند پسر و پسر پسر و الله تعالی مسرور دار و میر حاجت حسین
 جوادری عزیز سید حسین ابن میر فرحت حسین کن موضع بهبهواقامت بنو آبا
 لبر کردند باعث انتظام معاش علاقه در گاه پیر و مریا که شجره نسب
 نسبت ششم باب دوم و ذکر نام و جد الدین چاکش قدس سره

که خواهرزاده حضرت خواجه نجیب الدین فردوسی و داماد این حضرت شرف الدین
 بودند قدس سره سید وحید الدین ابن سید علاء الدین ابن سید شاه حسن
 مُصَدِّق ابن سید شاه عباس لد میر سید علی بن سید شاه حیدر ابن سید تقی
 ابن حضرت موسی مرتجع پوش این حضرت امام محمد تقی علیه السلام رضی الله عنه
 باید دانست سید وحید الدین چله کش کتخدا شدند از بی بی بار که دختر حضرت
 مخدوم شاه ذکی الدین ابن حضرت مخدوم شاه شرف الدین قدس سره
 بد اینید پد رسید و حید الدین شیخه علاء الدین سید برادر بودند سید سکندر علی
 و سید مس الدین ابنان شیخه حسن مصدق شیخه مس الدین عم شان کتخدا شدند
 از بی بی رقیه بنت مخدوم شاه جلیل الدین که برادر کلانی حضرت مخدوم الملک
 قدس سره بودند از بطن این بی بی و دختر یکی بی بی ماه خاتون دومی
 بی بی جمال که از مبارک ابن سید سکندر علی مذکور کتخدا شدند ذوی اولاد شدند
 و کلانی دختر که از برادر عم زاد سید مبارک ابن سید سکندر کتخدا شدند لا ولد رفتند
 از پنجمان و فرزند بی بی جمال حضرت مخدوم بزمی بودند معروف ابن مبارک
 فرزند ایشان بوضع کهرانت موضع اوترالاری موجود اند میر شارت علی
 کهرانت و میر ابوالقاسم اوتراباتی کیفیت سید وحید الدین چله کش این است
 معروف است که از بطن بی بی بار که یک دختر موسومه بی بی زهره منسوب
 شدند از سید شهاب الدین جویری علوی نسب بطن بی بی بار که بی بی

یکدختر و یک پسر محمد و م عبد الله عرف سید سجاد و اگر کتخالی ایشان از بی بی مخدوم
 دختر سید مبارک بن سکندر گردید یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف پیاری
 و پسر سید شهاب الدین جویری سید زین العابدین کتخالی ایشان در آن
 شد یک دختر ایشان بی بی حفیظه کتخالی شدند از سید ابو محمد پیاری غلت سید
 سجاد اکبر پسر سید ابو محمد پیاری را چهار پسر شدند یکی سید مسیح الدین و دیگری سید
 فصیح الدین هر دو اولاد الاسیومی سید امام الدین ساکن موضع سنیره بلاسی
 ذی اولاد شدند اولاد ایشان در آنجا بقصبه سها مشغولند و موضع بلاسی بزرگان
 مولوی آل احمد و های مخدوم پور کور و ایرکنه اول یکی از ان شاه امیر حیدر
 و شاه خمیر حیدر و غیره و در پنج پاره میر تقی بخش و محمد بخش و غیره الا خلف
 چارمی علیم الدین عرف شاه بهیکه از آنجا در قصبه چهار آمده اقامت پذیر شدند
 رونق بخش سجاده حضرت مخدوم الملک شدند اولادشان کثیر همه مخدوم زاده
 ساه حضرت اولاد ایشان هستند مفضل و ضمن احوال حضرت مخدوم الملک
 خواهد نوشت که طول است شجره نسب نامہ حضرت خواجہ ابویوسف
 ہمدانی منقذ سلسلہ نقشبندیہ تقوی السب بداند حضرت خواجہ
 ابویوسف ہمدانی ابن خواجہ عبداللہ ثانی ابن خواجہ قطب الدین یوسف
 ابن سید جلال الدین بیابانی ابن سید محمد مظہر ابن سید عبد اللہ ابن حسین
 ابن سید یحییٰ ابن سید موسیٰ ثانی ابن سید احمد ثانی ابن سید موسیٰ اکبر ابن

سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرفع پورش ابن حضرت امام محمد تقی
 علیه السلام از اولاد حضرت خواجه ابو یوسف بهدانی وردیار فارین مستند الادریلی
 خواجه فریدالدین و حاجی غلام الدین و سید نجم الدین مدعو شاه قد حسین سولشاه
 مشرب اند و از فرزندان خواجه فریدالدین و سیرالدوله خواجه وحید الدین
 و خواجه زین العابدین بودند

لمعه نسب نامه حضرت خواجه محمود الخیر فقهوی از سلسله نقشبندیه

خواجه محمود الخیر فقهوی ابن سلطان امیر کجی ابن امیر سلطان ابن سید کر الدین
 ابن سید اسد اللہ ابن سید قطب الدین یوسف ابن سید جلال بیابانی ابن سید
 مطهر ابن سید عبداللہ ابن سید حسن ابن سید کجی ابن سید موسی ثانی ابن سید
 احمد ثانی ابن سید موسی اکبر ابن سید محمد ابن سید احمد اکبر ابن سید موسی مرفع پورش
 ابن حضرت امام محمد تقی علیہ السلام ذریت ایشان شیر در نجارت
 لمعه ذکر نسب نامه سید مخدوم شاه درویش بیهومی تقوی نسب معہ
 بیان ذریت ایشان کہ موجود اند مخدوم سید شاه درویش بیهومی
 ابن مخدوم سید شاه مبارک ابن مخدوم شاه ابوسعید ملقب کتد نواز ابن
 مخدوم سید محمد ابن سید زین العابدین ابن سید محمود ابن سید شاه صنعی الدین
 ابن سید اعز الدین ابن سید حاجی ابن سید حسین ابن سید موسی ابن سید
 ابن سید محمد عرج ابن سید احمد ابن سید موسی مرفعی ابن حضرت امام محمد تقی

واضح باد جدا محمد دوم شاه درویش مخدوم البوسید کتبه نواز نواسه اند سید
 ابو جعفر لاد کتبه نواز نسب نامہ سید ابو جعفر بن بطور سید ابو جعفر لاد کتبه نواز
 ابن سید شاه حسین قتال ابن حاجی سید نور العین عبدالرزاق کہ از اولاد حضرت
 عوث الثقلمین محی الدین سید عبدالقادر حبیلانی اند چونکہ نسب بالانا حضرت
 بادراک نرسید از تحریر متعذر گردند الا حاجی نور العین خواہن برادرہ و پسر خواندہ جانشین
 حضرت سلطان اشرف جہانگیر اند کہ آنجناب نسب جعفری دارند بالا این صفحہ
 تحریر شد حاجت مکرر تحریر نیست چونکہ حضرات کچھوچھو موضع بتیور اسلسلہ نعمت
 و بیعت از آنجناب است خود را بذریعہ آنحضرت نامند مقصود از اولاد حسین است
 و آنجناب بذات خاص حضور بودند مجرد متاہل نشدند پس بدانید اولاد سید حسین
 قتال در مقام کچھوچھو الا اولاد سید البوسید موضع بتیور ضلع گیا است باید دانست
 مخدوم شاه درویش را چہار پسر و یک دختر بودند بی بی لاد و کہ از مخدوم خود شیخ
 منسوب شدند از انجملہ پسران یک پسر مخدوم سید سکندر مغضوب پدر کہ در جوار
 پدر آسودہ اند لاد و بی سید حامد عرف سید چاند موضع شخیر متقل پنجورہ
 سکونت کردند اختیار جوار مخدوم شاہ میارک جد بزرگوار ذوی اولاد دفعہ
 شخیرہ مشہور است سیدی مخدوم شاہ محمود کہ در پائین مزار پدر نامہ آسودہ اند جناب
 مغرب جنوبی و لادشان نیز یک فریق چارمی مخدوم شاہ محمد پسر کلانے
 جانشین پدر کہ بعد مرقد والد ماجد ہم پہلوی مزار است جانب شرقی ہے

ملعه اول در ذکر اولاد مخدوم شاه محمد قدس سره مولوی حکیم سید نواز شش رسول
 چهار برادر کلانی ایشان ثانی سید وحید اشرف سیدی سید هادی اشرف
 ایشان زاد و لیسر دو دختر چارمی سید هاشم مغفور یک دختر ایشان از نبی عم نسوب است
 یعنی از لیسر سید وحید اشرف مذکور مولوی سید نواز شش رسول بر از محل اولی یک دختر
 ذی اولاد و از محل ثانی سه دختران این حضرات فرزند مولوی سید شاه
 غلام رسول رحمة الله علیه که دو برادر و چهار خواهر بودند ذکر خواهران بعد از این
 خواهد نوشت الا ذکر برادرشان حکیم سید اولاد علی یک لیسر ایشان سید نادر علی
 ذی اولاد اند و دو دختران یکی از سید هادی اشرف کتبی زادوی سید نسیم الدین
 ابن سید نظام الدین احمد کتبی اند چه ذی اولاد هستند و مولوی غلام رسول ابن
 سید شاه غلام مصطفی و برادرشان سید شاه غلام مجتبی ابنان سید شاه غلام مبارک
 سید شاه مجتبی برادر دختران بودند فرزند دختران سید مجبوری معروف و سید شاه
 غلام مبارک ابن سید شاه عبد الرسول این هر دو پدر لیسر را دیگر یک یک برادر
 بودند اولادشان هستند الا نام هر دو بزرگوار معلوم نیست الغرض سید شاه
 عبد الرسول ابن سید شاه محمد حافظ ابن سید شاه محمد اسمعیل ابن سید شاه علی ابن
 مخدوم سید شاه محمد ابن مخدوم سید شاه درویش ابن مخدوم مبارک و از اولاد
 سید اسمعیل حکیم منظر حسن تمبوی و از اولاد سید حافظ سید خورم حسین ابن سید بکریم
 حسین و اولاد برادر شاه عبد الرسول سید مبارک اشرف اند خواهر زاد و سید غلام رسول

سید مبارک اشرف سته برادر دومی سید مخدوم اشرف سیومی سید نثار اشرف
 دومی خواهر مولوی صاحبزاد مولوی سید کاظم علی نسوب بودند اولاد شدند
 اولاد سیومی سید ادا اشرف عرف اچین میان دومی برادرشان سید
 امانت اشرف سیومی سید سلطان اشرف چارمی سید مقصود اشرف اولاد خواهر
 چارمی سید محمد واسع و سید سلامت اند لمعه دوم در ذکر اولاد سید محمود
 سید منظر احمدی ابن سید غلام حسن ابن سید غلام حسین ابن سید امیر الشبان
 سید صمیر الشبان سید دوست محمد ابن سید بایزید ابن سید کمال الدین ابن سید
 شاه محمود ابن مخدوم شاه درویش نهنوی باید دانست سید غلام حسین ابن سید
 امیر الشبان سید کلائی سید شاه غلام حسن الشبان زاد و پسر دختران فرزند کلائی
 حکیم سید منظر احمدی یک پسر الشبان سید منظور احمدی زوی ولد دومی سید
 احمدی هشت ساله بود و دختران یکی خواهرزاده خود سید محمد حسن کتبی کردند
 دختر دومی از سید حسن رضا ابن سید رحمت حسین شادی شد زوی اولاد اند برادر سید
 منظر احمدی سید راحت حسین داماد سید شاه عبدالکریم مانپوری اولاد ایشان
 چهاریک سید حسن رضا نکوردومی سید رضا سیومی سید محمد رضا چارمی سید رضا
 نوجوان بمراد پسر ثانی سید شاه غلام حسین سید غلام نبی فرزند ایشان
 مولوی سید رضی الدین حسن و پسر دو دختر دارند و سید نظام حسن پسر ثالث
 سید غلام حسین مرحوم دو فرزند ایشان سید امیر الدین سید سیم الدین ثانی

اکثر مشایخ خان ساکن موضع هتورا واسطه جانب جد مادری است و
 نسبت به نهم باب دوم در ذکر حضرت امام علی نقی علیه السلام ^{سلسله ذریه ایشان} معه درت
 باید دانست بحضرت امام علی نقی رضی الله عنه سه فرزند و یک دختر با اتفاق فقیرین
 از هر فرزند اولاد اند انور باد لیسر کلانی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام
 امام زمانه ثانی حضرت حسین اصغر ثالث حضرت جعفر نسب نامه اولاد
 ایشان یافت نگاشت که از هر یکی اولیا نامدارانند شجره اولی نسبت به نهم
 باب دوم در ذکر نسب نامه حضرت سید جلال الدین حسین
 مخدوم جهانیان جهان گشت سیادت بخاری نسوب ایشان اند مخدوم
 سید جلال الدین حسین بخاری ابن سید احمد کبیر بخاری شیر سوار ابن سید
 جلال الدین بخاری بزرگ صاحب گوشه ابن سید ابو المود بخاری ابن سید محمد
 جعفر بخاری ابن سید محمد بخاری ابن سید محمود بخاری ابن سید عبد الله ابن
 سید احمد ابن سید علی اصغر ابن سید جعفر ثالث ابن حضرت امام علی نقی
 علیه السلام واضح باد صاحبزاده ثانی سید جلال بخاری بزرگ سید محمود بخاری
 و حضرت مخدوم بهاء الدین ذکر یا ملتانی قریشی خلیفه سید جلال الدین بزرگ
 بخاری اند فرزند ایشان مخدوم صدر الدین نبیره ایشان مخدوم ابو الفتح
 رکن الدین در ملتان این بزرگوار آسوده اند و سید جلال الدین بزرگ
 بخاری بمقام او چه آسوده اند مخدوم جهانیان در چاشکام اند

شجره دوم نسبت به هفتم باب و م در ذکر نسب و اولاد خواجہ قطب الدین
 مودود چہشتی واضح باد سید قطب الدین مودود چہشتی ابن خواجہ ابو یوسف چہشتی
 ناصر الدین کہ خلیفہ خال خود خواجہ ابو محمد چہشتی بودند خواجہ ابو یوسف چہشتی ابن
 خواجہ سمعان ابن خواجہ سید ابرہیم ابن سید حسین ابن سید عبداللہ ابن سید
 ابن حضرت امام علی نقی رضی اللہ عنہ مشہور باد حضرت خواجہ عبداللہ چہشتی ابن
 خواجہ سید اسد اللہ چہشتی از اولاد حضرت خواجہ مودود چہشتی از مقام ^ط بہر
 وارد این نواح و دیار شرقی شدند خبر سیاحت ایشان سینہ ہ بزرگوار ایشان
 نیز مع اہل و عیال تشریف آوردند درین دیار ایشانرا مشہور یافتند بقبریہ
 شجرہ خود پرگنہ تریہ ضلع بہار آخر کار در آنجا صورت اقامت امریہ
 معتقد شدند! بخوار خانقاہ مسجد کردند طیار را من بطور آئیم حاصل کردند
 دہ یازدہ چلوگ جهت اوقات صرف وارد صادر چون نذر گذرانیدند سلاطین
 وقت تصوریہ بہر کفایت اہل و عیال کردند قبول نسبت نامہ ایشان
 تا حضرت خواجہ مودود چہشتی و ذکر ذریات شیخہ عبداللہ ابن
 شیخہ اسد اللہ ابن سید بر بان الدین ابن سید عبدالرحمان ابن خواجہ محمد جان
 ابن خواجہ محمد سمعان ابن خواجہ منظور ابن خواجہ قطب الدین مودود چہشتی
 الحاصل فرزند خواجہ سید عبداللہ ابن سید اسد اللہ خواجہ قطب الدین ثالث
 بودند ولد ایشان سید تاج الدین محمود ابن ایشان شیخہ عنایت اللہ

النور باو که انجمن ثمانی سیده تاج الدین محمود اولاد کثیر انداز هر یک ملاقات
 است حاصل الا خلف الرشید سیده عنایت اللہ را خلف سیده محمد فصیح
 اللہ سپر ایشان یکی سید محمد وجه اللہ و لیسر ایشان سید کریم الدین جد مادی
 سید شاه مرد الغله ابن سید امام علی ساکن بنوی و دومی سید رمضان علی
 پسر ایشان میر بشارت علی پسر سید محمد مهدی ولد دوم سیده محمد فصیح سیده
 غلام عبد اللہ لدا ایشان شاه فتح علی عرف بووری شادی اولی ایشان
 بی بی سحر از خواهر سید شاه عسکری عرف لشکری بلخی گردید از لطن
 این زوج یک پسر یک دختر شدند نام دختر بی بی و صیحه زوج میر امجد علی
 ماویر عباس علی و خواهر ایشان مسماة شرفا زوج سید حمایت حسین آنگلوی
 یک دختر ایشان که از خواهرزاده ایشان سید اله بخش کتخا شده ذی اولاد اند
 پسر سیده فتح علی شاه النور علی که از مسماة ذاکره بنت شاه محمود اصل فردو
 که عمه شاه امیر علی فردوسی بودند کتخا شدند سه پسر ایشان عابد حسین و احمد حسین
 زاهد حسین بطفولیت مرد اند الا سه دختران ایشان یکی مسماة حیاتین زوج
 میر رضا علی ابن میر یوسف علی غظیم آبادی پسر ایشان سید فردا علی یک دختری
 دارد باقی سه خواهر اند سید فردا علی و دختر اوسط مسماة عطیه فاطمه عرف
 خنشا زوج شاه امیر علی ابن شاه کریم بخش خسرین خاکسار سه دختر ایشان
 و یک پسر شاه وزیر علی یک پسر یک دختر موجودی و دختر مسماة براتین

زوج سید شاه علی احمد ابن سید غلام محمد دم ساکن رهومی که خدا شدند
 چند دختران ایشان و خلف ایشان سید شاه علیجان رحلت کردند نوجوان
 اعقاب بنامند الاسبید شاه فتح علی را از شاد می تانی که از دختر سید فضل علی
 ساکن محله باره در می شد یک پسر یک دختر بود و آمدند نام دختر بی بی
 لطیف النساء زوج شاه علی بخش ابن شاه محمود صل فرودوسی از بطن این بی بی
 دو پسر یک دختر یک پسر و دیگر نوجوان رحیل ملک بقا گشتند الا دختر بی بی
 مراد ان النساء زوج میر مقرب حسین ابن مولوی ابراهیم علی کابری را سه فرزند شدند
 دو طفل یکی نوجوان بشیرت حسین نام بی که خدائی فوت شدند عقاب بنامند
 و نام پسر شاه فتح علی سیده خیر الدین حسین که بدیار مغرب بجاید روزگار عمر
 بسر کردند نام آهری پیدا کرده بکمال عزت و جاه در شهر متهرا رحلت کردند
 کسی اولاد نشد پس دوم شاه محمد فصیح بودند سیده محمد صالح ایشان را نیز دو فرزند
 رتبه بلند یکی سید ابراهیم حسین و پسر ایشان یکی سید محبت علی پدر سید و صبی علی
 دو بی سید امجد علی پسر عباس علی ابن هر دو و اما شاه فخر الدین حسین
 لا ولد رفتند از نی عالم پسر دویم سیده محمد سلیم شاه رحمان حسین با ایشان تیر
 دو فرزند رتبه بلند یکی سیده فخر الدین حسین و بی سیده لطف حسین با ایشان
 یک پسر سید وزیر علی و یک دختر که از سید موسی رضا ابن شاه علی رضا که خدا
 شدند آخر نا ولد رفت ازین عالم و شادی سیده فخر الدین حسین از خواهر

سید امام علی بن سید اشرف علی ساکن موضع رهوی شد و دو دختر و سه پسر
 کیفیت دختران مذکور شد پسر او سید سخاوت حسین نوجوان مجرب و لیسر سیوم
 سید جماعت حسین داماد شاه امیر علی بنزلف راقم التحریر و دو پسر و دو دختر ایشان
 هستند نام پسر سید احمد حسین سید فرحت حسین پسر کلانی شاه فخرالدین حسین سید
 الفت حسین که از دختر امون خود میر امام علی که خدا شدند از لطن آن عقیقه
 چند دختران اند واضح باد میر امام علی مذکور را چهار خواهر یکی زوجه شاه فخرالدین
 دومی والده شاه منگن تپه سیومی دریافت نشد الا چارمی زوجه سید محمد عام
 که نواسه شان شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد اند انا پوری ازین بزرگان
 واسطه قرابت و مصاهره بود کیفیت میدانست تبصریح تحریر نمود بقیه اولاد
 محل ثانی سید تاج الدین محمود که دعوه دویم اند کیفیت دریافت نشد
 نسبت هشتم باب و م در ذکر حضرت امام حسن عسکری رضی الله عنه
 بیان در سبب نشان واضح باد در بیان فریقین مذمیه اهل سنن و
 نیز اهل شیعہ اولاد این امام الهام بجز حضرت امام محمد مهدی علیه السلام
 دیگر نیست زعم اهل شیعہ که آن امام زمانه صاحب الامر اند در غیوبت اند بقام
 سر من را می بوقت موعود ظهور خواهند نمود از ان غار و بیان اهل مذمیه
 سینان اینکه آن امام را فرزند می بوجود آمدند مسی محمد نوجوان رحلت نمودند
 از می عالم و آنچه در ظهور آید این محمد مهدی موعود اند ابن سید عبد الله و الله اعلم

بالصواب از اینجا که این خاکسار و نسب نامہ یافت منسوب آنحضرت و آن نسب
 است یکے از اولیا کبار عالی تبار آنرا مینویسد یکی نسب نامہ حضرت خواجہ محمد بہاء الدین
 نقشبند دومی نسب نامہ سید شاہ صادق حسینی یا غلطی کا تبار باشد نسب حضرت
 امام علی نقی علیہ السلام نسبت حضرت امام حسن عسکری نوشتند انچکہ نزد این فقیر حقیق بود
 موجود تحریر نمود شجرہ اول در ذکر نسب نامہ حضرت خواجہ محمد
 بہاء الدین نقشبند قدس سرہ خواجہ محمد بہاء الدین نقشبند ابن خواجہ
 محمد عبد اللہ بخاری ابن خواجہ سید جلال الدین بخاری ابن سید بر بان الدین
 بخاری ابن سید کمال الدین بخاری ابن سید حسین بلقب محبوب ابن سیدین اکبر
 ابن سید عبد اللہ ابن سید فخر الدین ابن سید محمود رمی ابن سید حسین مقبول ابن
 سید حسین محمد تقی ابن سید عبد اللہ ابن سید محمد جامع ابن سید علی اکبر ابن حضرت
 امام حسن عسکری رضی اللہ عنہ علیہ السلام باید دانست ہنوز اولاد حضرت خواجہ
 در بخارا شریف اند و درین نواح بزرگے تشریف آورده بودند خواجہ حسین الدین
 تمام بود عرصہ چہل و پنج سال بود و ہمینقدر عمر نیز داشتند خود را از اولاد آنحضرت
 میگردید بیان خواجہ محمد میر عرف خواجہ میر درد متخلص ابن خواجہ ناصر از اولاد اند
 آنحضرت دہلوی از کتاب رشحات و شجرۃ الیقین خمین دریافت شد کہ حضرت
 خواجہ راد و لپہر چہار دختران شدند نابالغ و نابالغہ از سیغالم خت ملک بقا بستند
 جز صاحبزادی خورد کہ نام بود فاطمہ ثانی نسبتاً از خواجہ علی شدند کہ بلقب بودند

از خواجه عطاء الدین عطار داماد ذی ارشاد و خلفا ثانی دو فرزند از ایشان
 شدند یکی خواجه حسن عطار ثانی خواجه حسین عطار ولد خواجه حسن عطار خواجه
 یوسف عطار بود و نذران ابده معلوم نیست کیفیت بالتصریح شیخه دوم
 و نسب نامہ سید شاه صادق حسینی رحمة الله علیه
 که مشرب طریقه قادریه و دانشمند از فیض آثار بدایر خوب لقبه گلشن آباد است سید شهاب
 محمد صادق ابن حضرت سید شیر محمد قادری ابن سید امین الدین ابن سید
 محمد ابراهیم ابن سید اسد الله ابن سید علی راجو ابن سید امین الدین مدنی
 ابن سید محمد صغیر ابن سید محمد مدنی ابن سید احمد اصغر ابن سید علی اصغر ابن
 حضرت امام حسن عسکری علیه السلام واضح باد سماع است عمر این بزرگ یکصد و
 شصت سال بود با شغال مداریه فرزندان این بزرگ در قصبه گلشن آباد عرف ناسک
 اند کثیر الاخلاق این خاکسار سید عبد الفتاح عرف مولوی اشرف علی مدرس مدرس
 معموره بمبئی هستند از اولاد این بزرگانند از بیان شان نسب نامہ مینگار و مولوی
 سید عبد الفتاح اشرف علی ابن سید عبد الله گاهی ابن سید شمس الدین علی
 ابن میر سید زین العابدین ابن مولوی سید عبد الفتاح عرف سید امام الدین ابن میر
 سید اسد الله عرف سید شیر محمد قادری ابن سید شاه محمد صادق حسینی
 سید اشرف علی نیز مقیم شهر بمبئی اند ذی اولاد اند چون ذکر اولاد هر امام بیان
 شد از اینجا در ذکر اولاد بزرگان بلعات می نویسد

لمع در ذکر اولاد سید فضل الله گوسائین بهاری قدس سره که مزار واقع باره دری
 باید دانست حضرت سید فضل الله را دو فرزند مرتبه بلندیکه سید احمد مدعو عرف
 سید پرمی که از بهار پختاخته خاطر گشته سکونت کردند اختیار بمقام کورده اولاد
 شان آنجا هستند دومی سید نصیر الدین محمود در قصبه بهار رونق بسجاده لی دادند
 اولاد اند در آنجا منسوب بدو فرقی سنیه امامیه اکثر الحاصل خلف سید نصیر الدین
 بودند سید محمود را دو فرزند سید نصیر الدین باز به دو اولاد شدند پس بدانید از بطن
 اولی سته پسر یک دختر بے بی مریم نام دختر بے بی مریم شیده اهل السجاده قادری
 مبارک حسینیه و نام صاحبزادگان سید نصیر الدین از محل اولی یک سید تقی الدین
 که بودند سجاده نشین دومی سید صفی الدین سیومی سید زین الدین پس بدانید اولاد
 سید تقی الدین سجاده نشین در مقام شیخیه تبصریح نسب دریافت نشد الا اینکه
 میر مظفر حسین پسر ایشان میر امید علی پسر ایشان میر سعادت علی نواسه شیده
 احمد علی بهاری و سید صفی الدین را دو پسر یک سید رکن الدین دومی سید
 صابر علی سید رکن الدین را نیز دو پسر یک سید تاج الدین لا اولاد دومی سید
 منهاج الدین پسر ایشان سید برهان الدین خلف ایشان میر مهر علی و سته خواهر
 ایشان اولاد یک ازین دختران سیده مخدوم بخش ابن سید کریم بخش فرزند
 و اولاد یک دختر میر افضل علی داماد شاه محمد و اصل فرزند دوسی بدانید میر افضل علی
 ابن میر اکمل علی که از زینت سید فضل الله بودند و سید صابر علی بن سید رکن الدین

پسری شد محمد علی نام در ایام جوانی شد کام تمام الا دو دختران بودند بسید بر علی
 از یکی دختر پس شدند سید محمد اسلم نام ایشان سید محمد تقی و سید محمد خلیل که بموضع
 کشن پور بوجه عروج کام سکونت کردند خستیار و اولاد دختر ثانی محمد اسلم
 سید صابر علی و سید محمد مکمل بود باش بقصیه با ده کردند ختیار و اولاد ایشان
 در آنجا ارباقی اولاد از وجه ثانیه سید نصیر الدین که پس از شدند چهار کی سید عاشق علی
 و سید طالب علی سیومی سید مطلب چارمی سید تقی سید محمد تقی اولاد ایشان
 در قصبه بار بعد ازین تصریح تمام کیفیت نسب ایشان دریافت نشد الا ملا قبان ابن خاکسا
 بسیار یکی از عمائد زمان سید امام الدین حسین سید امام حسین سید غلام نجف و میر شاه علی
 و میر فرزند علی و میر کبر شیر نزهت امیر الا سیده وارث علی ندره سینه داشتند از آنجا که
 ذریت اولاد سید فضل الله عین اولاد حضرت نموت ثقلین سید عبدالقادر حبیلانی اند
 لمعه دوم و ذکر نسب نامہ میر سید محمد قادری امجیری تفصیل ذریت حضرت
 مابعدشان باید دانست سید شاه عبدالرشید عرف شاه جمی ابن سید شاه
 الطیب قادری ابن سید شاه غلام رشید قادری ابن سید شاه محمد ولی قادری
 ابن سید شاه عبدالرشید قادری ابن سید شاه ابوالمعالی قادری ابن سید شاه
 عبدالرزاق قادری ابن سید شاه ابوالنظر قادری ابن سید شاه معین الدین
 قادری ابن سید شاه محمد قادری امجیری نسب بالا نشان نوشته شد حاجت تحریر
 نیست چنانچه اولاد یکی از اولاد سید محمد عبید ابن سید بن علی امجیری اند

و یکی از آن سید موسی رضا قادری و سید شاه غلام بهیکه لیسپیشانی سید امین الدین
 اند واضح باد جناب سید شاه اطیب بودند برادر چهار نواسه برادر کلانی سید شاه
 کمال لایزال و اولاد برادر ثانی سید عبدالرزاق عرف شاه کھوی دومی سید
 عبدالکریم پدر سید عبدالجلیل و خاص شاه اطیب داد و پسر دود دختر لیسپیشانی سید شاه
 عبدالرشید عرف شاه جمی از دختر عم خود کتخا شدند و دختر ایشان شدند
 یکی از سید فضل حسین ابن میر سید احمد حسین نوآبادی کتخا شدند که خواهر زاده نیز اند
 دومی از سید محمود ابن میر عسکری حسین ساکن موضع کارا اولاد یکی مانند برادر دوم
 سید شاه جمی سید امیر الله عرف بودی بودند از محل اولی ایشان اولاد نشد الا
 محل ثانی و اولاد یکی خواهر سیده فضل حسین مذکور الصدور و خواهر ایشان هر یکی ذمی و اند
 لمعه در ذکر نسب و فریت مخدوم شاه تیمم سفید باز ابن مخدوم شاه حمید الدین
 واضح باد سیده عبدالرشید عرف شاه دومن ابن عسید الوحید عرف شاه ابن
 سید صدر عالم ابن قطب سید عالم ابن سید احمدی ابن سید الاحد ابن سید محبوب عالم
 ابن سید عزیز الله ابن سید حبیب الله ابن سید محمد فرید ابن سیده رحیم الدین سید شاه
 فهیم الدین سیده اسمعیل ابن سید محمد جمیل ابن سید کریم الله عرف حاجی محمد بهیکه
 ابن سید شاه نعیم الدین ابن مخدوم شاه تیمم سفید باز نسب بالا در نسب نامہ حضرت
 آدم صوفی جد امجد ایشان در نسب دوم تحریر یافت حاجت نیست تحریر اکثر مشایخ
 نسب ماہری از جانب مخدوم شاه تیمم سفید باز نسبت الا اولاد آن حضرت حضرت

شاه دومن بودندشادی ایشان از خواهر شاه نورالحق ابن شاه عبدالحق ولد
 حضرت شاه مجیب قادری شد یکپیش ایشان شاه محمد شرف عرف اچھویان که از
 خواهر مولوی شاه عبدغنی گنجداشند سلسله سپند مولوی محمد یعقوب پدر مولوی
 محمد رضی دومین مولوی محمد ابراهیم لا اولد سیومی مولوی محمد جبرائیل الدراج شاه و حیدر
 و دختر شاه دومن علیہ الرحمۃ مسماة وصییت النسیا از سید شاه اولیاء علی عم المحترم
 این خاکسار که خدا شد یک دختر ایشان که از منشی سید عبد العلی خوشنویس که می شناسند
 لا اولدند از نی عالم رفتند بعد در میان نسبت نسب بلخیان که از اولاد حضرت
 مولانا مظفر بلخی اند واضح باد مخدوم مولانا سید مظفر بلخی ابن مخدوم شاه
 شمس الدین بلخی برادر ایشان مخدوم سید شاه مغز بلخی ابن سید شاه شمس الدین را
 فرزندار جنبه مخدوم سید شاه حسین بلخی مخاطب نوشته التوحید سه فرزند
 رتبه بلند کیے از ان مخدوم شاه سلیمان که لا اولد رفتند از نیحان چون
 دومین مخدوم سید شاه سیف الدین فرزندان ایشان در موضع کبیری بازید لو
 اندونیز در انجوار از اولادشان نامی بزرگ گرامی شاه رستم علی بودند
 سیومی فرزند که از همه بودند درجه بلند مخدوم شاه حسن بلخی که جانشین پدر عالی تبار
 شد فرزند ایشان حضرت مخدوم شاه احمد قدس سره مخاطب لنگه دریا ابن
 مخدوم شاه حسن بلخی سمندرتوحید بودند فرزند ایشان چهار از هر کیے شاخ
 نمودار چنانچه دو فرزند نمودند جوار اما اجداد بسند تکبیر ده در انجا ماندند در محل بلخی

که قریب خانقاه مخدوم معروف است و در برابر متفرق شدند و دیگر جاسکوت
 کردند اختیار اولاد ایشان هم کثیر شد در آن دیار تا آنکه سکونت کردند اختیار اولاد یک فرزند شاه
 فیض علی الدشاه ولی احمد بن دومی سیده عسکری عرف شاه لشکری خال الاعظم سیده
 انو علی حال آرا بخا انهم مانند آنجا از ذریت بلخیان غیر آباد است در آنجا سکونت مردم نام
 است الا یک فرزند حضرت مخدوم احمد لنگه دریا مخدوم شاه جنید در موضع محی الدین پور
 کردند اقامت اختیار ذریت شان در آنجا ترتیب سامی بزرگوارانها معلوم نشد الا از آنجا
 شاه غلام شهنشاه با ایشان سپهر کی سیده احمد حسین که پسر شان سیده ابراهیم
 دومی سیده احمد حسین بیومی سیده عبدالعلی پسر ایشان سید محمود اند و دفعه ثانی
 سیده فخر الاسلام که بچند واسطه نسبت بحضرت مخدوم احمد لنگه دریا میر خلیف الرشید
 ایشان سیده فم چهار پسر ایشان کلانی سید شاه نوشته التوحید و دو دختر ایشان
 یکیز و جبه قاضی احسن التوحید ابن قاضی محمد حسن التوحید کیفیت دختر دیگر
 معلوم نشد خلف ثانی شاه فم القاضی محمد حسن التوحید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر نسوب از شاه محمود اعظم مرحوم و پسر قاضی محمد حسن التوحید اما
 عم کلانی خود شاه نوشته التوحید مذکور الصدیک پسر ایشان محسن التوحید اما
 مولوی محمد واجد ابن قاضی طهارت التوحید و دختر قاضی احسن التوحید
 که خدا از مولوی کبیر الدین احمد پسر بیوم قاضی طهارت التوحید
 پسر بیومی شاه فم القاضی طهارت التوحید

ایشان داماد شاه محمد و اعظابن سید شاه فیض السرا حاصل یک دختر و چهار
 پسر ایشان پسر کلانی مولوی محمد و اجدسه پسر ایشان چهار دختر و دو دختر یک بعد
 دیگری از مولوی محمد باقر ساکن پیر میگه منسوبی اولاد اندازان دو یک دختر
 زوجه میسر ارشد ابن میر خادم حسین یکی زوجه سید محمد محسن التوحید مذکور الصدا
 ذمی ولد اند دختر قاضی طهارت التوحید مرحوم زوجه قاضی سید فضل حسین ابن قاضی
 سید اولاد علی والد قاضی سید محمد رندا و سید محمد کاظم پسر زنی قاضی طهارت التوحید
 مولوی حمید الدین عرف منگن داماد شاه محمد تقی مرحوم یک دختر و یک پسر محمد نور
 پسر چارمی مولوی امیر الدین داماد مولوی محمد اعظا الحق و پسر سیوم شاه فهیم الله
 سید طیب التوحید و اما و سید فرزند علی ساکن گورگین سه پسر ایشان یکی سید
 حبیب التوحید و دیگری سید قمر التوحید پسر ایشان دو یک نعمت التوحید و دیگری نعمت التوحید
 و یک دختر ایشان زوجه سید عمر دراز خواهر زاده اینها کسار و پسر سیوم از نام التوحید
 هست نام پسران شاه محمد و اجد سید عبد الغفریز و سید شرف الدین و محمد غوثی
 ذکر نسب سید شاه ولایت علی بلخی جانب جد مادری واضح باد
 والد سید ولایت علی سید کریم بخش ابن شاه میر علی و شاه ابدال بخش ابن شاه پیر علی
 نواسه سید شاه کمال الدین بلخی ابن شاه محمد عاقل بلخی ابن شاه سید شاه عبد اللطیف
 بلخی ابن سید شاه ولی بلخی ابن سید شاه درویش بلخی ابن سید شاه ابراهیم بلخی ابن سید
 شاه سلطان بلخی ابن حضرت مخدوم سید احمد رنگر دریا و نیز جد مادری خاص سید

شاه ولایت علی بلخی نسب از یغنه شاه هدایت علی بلخی چنانچه بجای فرزند
 جد مادری خود اند شاه صاحب مدوح ذکر نسب پیشاه عسکری عرف شاه
 لشکری ساکنن محله بلخی از اجداد بزرگان خسرو پوره باید دانست سید
 شاه حسن عسکری عرف شاه لشکری ابن سید شاه محمد مهد علی ابن سید شاه
 حسن علی ابن سید شاه رحمة الله ابن سید شاه صد الدین عرف شاه بدلن ابن سید
 حسام الدین ابن سید شاه سیف الدین ابن سید شاه سلطان محمد درویش
 ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا سید شاه حسن عسکری از دختر عم خود بی بی
 دختر شاه محمد اشرف که خدا شد نداد و الا نشان نشد الا دو خواهر ان ایشان بودند
 یکی سماءه نصیر از وجه شاه درگاه لاولد و دیگری مسماة مسیحی از وجه شاه فتح علی مرحوم
 از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر مسماة و صیحی از وجه میر امجد علی ماور میر عباس علی
 و مسماة شرف از وجه میر حمایت حسین نام پسر شاه نور علی زوج سماءه ذاکره بنت
 شاه محمد و صل فردوسی تنه دختر ایشان یکی از ان خوشدامن اینجا کسار
 مذکور الصدرا نیمه ساکنان محله بلخی بودند که لمعه ذکر نسب سید شاه
 ولی احمد بلخی یکی از ساکنان محله بلخی منحللات بهار سید شاه ولی احمد ابن سید
 شاه فیض علی ابن سید محمد طاهر ابن سید محمد اشرف ابن سید شاه عبد المجید
 ابن سید شاه صدر الدین ابن سید شاه حسام الدین ابن سید شاه صیف الدین
 ابن سید شاه سلطان محمد درویش ابن حضرت مخدوم سید احمد لنگر دریا و اصح باد

سید فیض علی و برادر بودند و بی شاهی رجم علی عرف سید شاه در گاهی از
 محل ثانی پسر ایشان شاه تصور علی و سید فیض علی را نیز دو پسر که سید شاه
 ولی احمد و بی سید شاه وصی احمد و الد سید نور الحسن و سید شاه ولی احمد داماد
 شیخ محمد سعید ابن شیخ محمود واسع بودند از بطن این زوج مسماة رحیما دو پسر
 و دو دختر پسر کلانی سید شاه علی احمد بلخی داماد منتهی سید محمد فطیل خوشنویس
 نوآبادی زوجه شاه علی احمد مسماة وجها النساء چند دختر ان ایشان ثانی
 شاهیه حسن احمد بلخی از محل اولی ایشان دو دختر که زوجه سیده مبارک حسین
 و بی زوجه سیده محمد کاظم حسین که هر دو داماد خواهرزاده ایشانند و از محل
 ثانی یک دختر که از شاه صاحب حسین نوآبادی شاه فرزند علی که خدا و پسر و
 یک دختر زوجه سید شرف الدین حسین ابن سید کاظم حسین که خدا و دختر کلانی
 مسماة ریاض النساء بنت شاه ولی احمد زوجه جفا بخت سیده قمر الدین حسین
 والدہ جناب سید شاه مبارک حسین و دختر ثانی سید شاه ولی احمد مسماة حیات النساء
 زوجه عم المحترم ابن خا کسار یعنی سیده مراد علی داماد پوری والدہ باصده برادر
 عالیقدر حکیم سیده محمد کاظم حسین انیمه ذمی او لاداند و کبر بلخان که نسب
 بصره است معلوم نیست الا در قرابت و مصاهرت این فقیر اندکی سیده شاه جمال علی
 که جزوی نسب ایشان نیز از فرزند مخدوم احمد نگرد ریاست پسر شاه صاحب
 سید مظفر نام دارند و دو خواهران ایشان و یکی سیده شجاع علی بلخی بسیار صاحب

جها بده بودند سید شاه امام بخش بن شاه بنده علی ابن سید محب السید ابن
 سید فصیح الدین از اولاد لیسر چهارم مخدوم سید احمد لنگه دریا و سکونت ایشان نیز
 بموضع پهاڑ پوره متصل مناز فیض آثار حضرت مخدوم سید شاه حسین نوشته التوحید
 قدس السدره بلکه اکثر فرزندان در اینجا تربیت لمعه در بیان نسبت حضرت
 سید شاه محمد تقی رحمة الله معه ذکر ابا اجداد و اولادشان سید شاه
 غلام مظفر ابن سید شاه علیم الدین ابن سید شاه محمد تقی بلخی ابن سید شاه غلام معز
 ابن سید شاه برهان الدین ابن سید شاه علیم الدین بزرگ ابن سید شاه نور محمد بلخی
 ابن سید شاه دولت ابن سید شاه محمد فرید ابن سید شاه جیون بلخی ابن سید شاه
 محمد حافظ ابن حضرت مخدوم سلطان ابراهیم ابن حضرت مخدوم سید شاه
 احمد لنگه دریا قدس سره واضح باد حضرت شاه برهان الدین را دو ^{خلف}
 بودند یکی سید شاه غلام مغز و الداجه حضرت شاه محمد تقی دومی سید شاه غلام مظفر
 والداجه سید شاه مخدوم بخش بالیشان یک لیسر مولوی کفایت علی پد سید
 ابراهیم حسین و خواهر شاه مخدوم بخش زوجه قاضی بهکیاری
 کشمیری دو لیسر ایشان یکی قاضی مظفر حسین داماد جناب حضرت
 مولوی سید حسن رضا لیسر قاضی مظفر حسین السدره کونام دومی
 قاضی ولایت حسین که شادی اولی از دختر شاه مخدوم بخش کردند از محل
 یک لیسر قاضی احمد حسین و شادی ثانی از دختر حضرت شاه

محمد تقی کردند از انهم یک پسر حمید الدین نام و دختر قاضی بهکیاری از حکیم فیض علی
 کتخدا ساکن محله شیخ پسرشان حکیم محمد امیر یک دختر نزد وجه سید ابراهیم حسین ابن
 مولوی کفایت علی همزی اولاد اند و دختران شاه مخدوم بخش یک مادر شاه
 بجل حسین ابن سید میان دویمی زوجه شاه امجد حسین بلخی مادر سید و اهب حسین
 سیومی زوجه قاضی ولایت حسین مذکور حال دیگر دریافت نشد ذکر اولاد حضرت
 شاه غلام مغر حضرت شاه محمد تقی خلف شاه غلام مغر چهار خواهر آن حضرت
 شاه محمد تقی یک زوجه شاه غلام شهنشاه بلخی مذکور الصدر دویمی زوجه شاه
 مخدوم بخش مذکور بالا سیومی مسماة آمنه بی بی زوجه حضرت شاه غلام حسن
 قدس سره خلف حضرت مولانا سید حسن رضا قدس سره چارم را
 حال معلوم نیست والده حضرت شاه محمد تقی خواهر مولانا سید حسن رضا ابن سید
 شاه عبید الله شادی اولی حضرت شاه محمد تقی از دختر خال خود سید شاه حیدر علی
 گردید اولاد نشد بعد دویم شادی از دختر دوم شد یک فرزند در تبه بلند مولانا محمد امیر
 که شادی ایشان از خواهر سید شاه جمال علی بلخی پسر شد که زوجه سید شاه
 بجل حسین و نام پسرشان شاه محمد نصیر شاه ولی الحسن شاه حسان فرزندان
 ایشانند نواسه حضرت سید میان و از شادی سیوم حضرت شاه محمد تقی رحمة الله
 چهار دختر و سه پسر شد یکی دختر زوجه شاه نور الحسن ابن سید شاه محمد و اعط
 دویمی زوجه قاضی ولایت حسین کشمیری سیومی زوجه قاضی مولوی امیر الحسن

مادر مولوی امین اللہ چارمی زوجہ مولوی حمید الدین عرف مولوی منگن ملخی
 پسران نور الدین و پسر کلانی شاہ صاحب سید شاہ علیم الدین اما دجناب حضرت
 سید شاہ غلام حسن قدس سرہ دویمی سید شاہ غلام شرف پدشاه جہی
 سیومی امین الدین خورد سال وفات یافت یک دختر سید شاہ علیم الدین زین العابدین
 محمد اسمعیل کہ خدا شد از ان فرزند موجود است محمد رشید و سید شاہ غلام مظفر را
 چهار پسر اند ترقی عمر باد وصل در بیان اولاد حضرت سید شاہ
 حاجی حافظ ابوتراب مشہدی رحمتہ اللہ علیہ باید دست جدا جد
 حضرت حافظ ابوتراب سید شاہ ابو العلی مشہدی از سمت مغرب سیاحت
 کردہ بجوار حضرت بھار رسید بموضع کونین کہ مقام ہست آب ہوا انجا سپند
 خاطر افتاد مقیم گشتند معاہل و عیال فرزند ارجمند در انجا تولد شدند سید شاہ
 عبد السلام شادی ایشان بجانہ شرفا بموضع موٹرا گردید چندی مقیم در انجا
 مانند ہر گاہ بہ تحصیل علوم اوقات پرداختہ و بصلاحت طبیعت ساختہ بچوالی
 رسیدند فرزند ایشان گردید سہمی سید شاہ عبد الحکیم کہ خدای ایشان از دختر
 حاجی شاہ غلام محمد گردید واضح باد این حاجی غلام محمد از اولاد یا یا
 فرید الدین شکر گنج بودہ اند و ہمسفر دیار و امصار سید شاہ ابو العلی بودند
 طریقہ چشتیہ داشتند از سید شاہ ابو العلی قادری اقامت حاجی غلام محمد
 بموضع دریا پور متصل فتوحہ کہ ہنوز سکونت انجا ہست الحصول سید الحکیم را

فرزند حافظ البوتراب شدند چون سایه الدین از سر ایشان درگذشت
 سکونت انجانا گوار افتاد اکثر آمد و رفت به ملاقات امون خود بموضع دریای پور بند که
 بسبب البطمی نمودند آخر برای تحصیل علم ظاهر و باطن سفر کردند اختیار مردانه و از مجرد
 عمر ایشان بسبب سال بود و در نخبیت ایشان شاه مصطفی خا ل ایشان را یک دختر تولد
 شد پنجساله عمرشست که حیل ملک بقاء شدند بزوجه خود وصیت کردند که روزی از
 روز ما سید البوتراب درینجا از سفر خواهد رسید این دختر را با و منسوب کردم در زوجه
 او خواهد داد و سید البوتراب بعد از سی سال بحصول کسب کمال در وطن رسید کیفیت
 سفرشان بدینطور در آن سفر در راهی تحصیل علم نمودند و حفظ قرآن مجید چون
 قریب فراع شدند بادشاه وقت خواست که بر سر ایشان دستا فضیلت
 ببندد و وجه کفاف مقرر سازد و بدین در بدر شاهمی بانند پذیرا
 خاطر نیفتاد و از انجا سفر کردند اختیار روانه شدند بسوی حجاز قریب هشت سال
 در حریم شریفین مقیم بوده هفت حج ادا کرده صحت حدیث کردند و خید سال
 مجاوری روضه اقدس حضرت سرور کائنات کردند زوری از روز مادرانها
 حریم شریفین اده می پیوندتن تنها جای تشنه کام شدند آب ناپید ابود
 مضطر شدند کمال در آنوقت بزرگی خضر وقت شدند پیداکمال بزرگی از لشبه
 پاک هویدامشکیزه در بغل برآب و جام در دست پرسیدند ای سید چه
 میخواهی گفتند آب تشنه دهنم هستم فرمودند چیزی نده گفتند هیچ ندارم

فرمود آن بزرگ‌عمامه بر سرداری و خرقه و میگوئی هیچ ندارم در غلبه تشنگی عمامه
 از سر بر آوردند بطلب آب و آن بزرگ‌عمامه آب از مشکینه بر آورد و گفت کمال
 بیصبری بیک کاسه آب عمامه میدهی سید پاک عمامه خود بر سر نهادند و گفتند ما طلب
 نیست صابر خواهی یافت از اولاد امام صابریین حضرت زین العابدین هشتم
 که بعد واقعه کربلا گاهی آب نخوردند بسیار تشنه کامی غریزان و والد ماجد خود
 می‌آورد قریب چهل سال بعد این واقعه بودند متاهل شدند گاهی آب نخوردند
 بوقت کمال تشنگی بدعوت شیری نوشیدند سبحان الله عجب بزرگ صابکمال
 بودند چون مراجعت از سفر نمودند در وطن بمقام کسی را نیافتند چون بموضع
 دریا پور رسیدند بعضی از قزاقان یافتند از احوال و زوجه شاه مصطفی بودند
 موجود و دختر منسوب بیان کردند احوال هر چند تجردی غریب داشتند و متاهلی
 ناپسندیدند باصرا اقران صورت عقد مناکحت شرعیه واقع شد از سکونت
 موضع کوتن برخاسته خاطر شده در نیموضع دریا پور رحل اقامت انداختند
 بسبب مواست بزرگان ابناء در عمر شصت الکی از بطن آن عقیقه متولد شدند
 دو فرزند یکی سید شاه عبدالمدد و دیگری سید شاه فیض الله از هر یک اولاد
 شدند ذوی علم و مشایخ عظام سید شاه عبدالمدد سه پسر کلانی مولوی سید حسن
 ثانی سید حید علی سید شاه علی متخلص سلیم بکمال بودند اولاد فقید از نیا عالم العیال
 چهل سال سید فیض الله پسر یکی سید علی الدویمی سید محمود و غط سیوسه

سید قدرت الله لاولد اسپر سید ولی الله میر فقیر الله بالیشان سہ سپر و دو دختر کلانی
 از میر علی سجاد پھلواری کہ خدا ذی ولد شدن ثانی زوجہ دوم حضرت سید شاہ
 غلام حسن سپر دختر ایشان مبارک حسین سپر کلانی میر فقیر الله سید امیر الله کرد
 و اناپور از خواہر کلانی راقم التحریر کتخدا سہ دختر و سہ سپر بوجہ آمدن سپر ان نوجوان
 و قات یافتند و یک بطفلیک الا دختر ان ذمی اولاد انجانی بتصریح نگاشته خواہد
 الا سپر ثانی میر فقیر الله سید محمد وزیر لاولد الا سپر سیومی سید محمد اسمعیل زاد و دختر
 و یک سپر یک دختر نسو باز سید فضل حسین نو آبادی یک دختر است نواسی سید
 محمد اسمعیل و شاہ محمد و اعظا سپر دوم شاہ فیض الله زاد و سپر و دو دختر کلاسنے
 مولوی سید صفدر حسن نائب قاضی شہر عظیم آباد باوصاف باکمال از دختر
 حکیم پیکن بی بی بصیر النساء خواہر زادی حضرت شاہ غلام حسن کہ خدا شدند
 اولاد نشد و ثانی سید نور الحسن اماد حضرت شاہ محمد تقی ذمی اولاد و دو سپر
 و سہ دختر ان دختر کلانی شاہ محمد و اعظا از قاضی طہارت التوحید کہ خدا و ثانی
 والدہ قاضی مولوی امیر الحسن و سید بہادر حسین سید محمد حسین ایشان لاولد و یک
 دختر سید بہادر حسین کتخدا از مولوی امین اللہ ابن مولوی امیر الحسن کہ اولاد قاضی
 طہارت التوحید مذکور بالاشد الا برادر خورد ایشان سید طیب التوحید از دختر
 میر فرزند علی ساکن گورگنیں برگڑ پھلواری کہ خدا شدند سہ فرزند ایشان سید
 حبیب التوحید و سید قمر التوحید و سید نصر التوحید ذمی اولاد انڈ ایشان

ذکر اولاد حضرت مولانا حسن ضاقدس سره و برادرشان سید شاه
 حیدر علی باید دانست سید شاه حیدر علی را یک پسر سید حسن خوشنویس
 با کمال اولاد نشد و دو خواهر ایشان حضرت شاه محمد تقی که خدا یکی بعد دیگری
 و خواهر سوم کتمی از سید شاه یار علی ابن سید شاه ضیاء الحق معروف رتین چند
 دختران ایشان و یک پسر نام محمد یوسف جا بجا که خدا شد ندیکه از مولوے
 و اعظا الحق پدر مولوے عبدالحق دویمی از محمد اکبر سیومی از پسر مولوے محمد
 چارمی مادر شاه فیاض خجی زوجہ میر محمد حسین ابن میر علی سجا و پہلواری دختر
 ایشان از سید علیم الدین خلف سید هدایت حسین و اناپوری که خدا شد رحیم الدین
 نام پسر بست چند خواهران ایشان و جناب حضرت مولانا سید حسن رضا
 قدس سره را دو دختر یک زوج حکیم بختین دویمی زوجہ قاضی منظر حسین خلف از سید
 جناب حضرت سید شاه غلام حسن از خواهر حضرت شاه محمد تقی یعنی از بی بی
 آمنہ که خدا شد از بطن این بی بی یک پسر و یک دختر و دختر خجسته اختر زوجہ
 سید شاه علیم الدین بلخی ابن جناب شاه محمد تقی رحمۃ اللہ علیہ که مذکور اولاد بال
 تحریر شد الا خلف الرشید جناب حضرت سید شاه غلام حسن قدس سره سید
 شاه محمد حسن عرف سید میان ذی غر و شان بودند در بیافت عرف
 و فارسی از خواهر مولوے کفایت حسین ابن شاه مخدوم بخش که خدا شد ند یعنی
 از سہماة بی بی سعیداً با وجودیکہ جناب انج المخرم بودند اہم الاجمع کمالات

ظاهراً و باطنی بود حصول مقید مراقبه مشغول جفا کشی بود بر انجناب ام بیعت
 بایشان از جناب والد ماجد خود الا تحصیل تربیت باطنی و صحبت جناب حضرت
 خال الاعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره بود الا و بروی والد
 خود کردند انتقال بعمر سی و پنج سال دو فرزند و یک دختر یار خود گذارند دختر
 شان زوجه شاه محمد نصیر بن مولانا محمد میر یعنی از مسماة زینب و فرزند ایشان
 یکی شاه ولی الحسین دومی سید حسان علی تزیید عمر کناد و خلف کلانی از اعظم
 سید شاه تجمل حسین و ثانی سید امانت حسین که تحصیل علم ظاهراً و باطنی کرده
 نوجوان رفتند بسومی ملک بقا و که خدائی سیده تجمل حسین اول از دختر سیده
 احمد حسین بار ثانی جای شد از بهر دو اولاد نه الا شادی ثالث از خواهر سیده
 محمد نصیر شد کیولد شد سیدی و میان آنهم دزرمان طفولیت رحیل ملک بقا
 شد بعد رحلت پدر بزرگوار که آنهم نوجوان کردند انتقال سجادگی سجادده علی
 غلطان شد عقاب نامند جز اولاد بنات ۵ آ یا برادران عزیزان کجا شدند
 رفتند در بقا ولی از ماجد شدند که واضح باد سید شاه تجمل حسین را بیعت
 از جد ماجد خود الا تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد سید شاه
 قمر الدین حسین قدس سره و چند سال صحبت با برکت جناب حضرت سیده
 مبارک حسین رحمة الله علیه بوده مجاز اجازت و خلافت طریقه ابوالعدالی
 شدند و نیز همه برادران را تربیت باطنی از جناب حضرت پیر مرشد است مولانا

محمد زینر و سید شاہ علیم الدین و سید امانت حسین راز از تربیت و صحبت کامیاب
 شده اند فقط کیفیت نسب و حالات این بزرگوار از تالیف کتاب شاہ سید علی
 متخلص سلیم در یافت شد و نیز سلسلہ نسب بالا استماع از حضرت جد الامجد سید
 شایہ غلام حسین قدس سرہ دانا پوری و انجناب راز مولانا حسین رضا تحقیق
 شرازین صاحبان جرمصاہرت اخوت معنویت ذکر اولاد حضرت مخدوم
 سید علی احمد صابر جامی یافت تحریر نمود یکی از بزرگان
 موضع بیتھولند واضح باد اگر چه پس از زند بودن حضرت مخدوم سید علی
 صابر کسی جانم کور نیست الا از دختر پیر مرشد خال المحترم جناب حضرت بابا شیخ
 فرید الدین گنج شکر است در کتاب کور چون یافت جائی درین اوراق نگاش
 ت اگر چه این بزرگوار خود را فریدی نامند الا نسب آنحضرت است باید دانست
 نام فرزند آنحضرت حضرت مخدوم شایہ شعیب الدین ولد ایشان مخدوم
 سید شاہ بدر الدین پسر ایشان سید شاہ رکن الدین خلف ایشان حافظ
 عبد الرحیم پسر ایشان حاجی سید محمد مختار پسر ایشان سید عبد الرحیم ولدشان
 حافظ عبد الوہاب پسرشان حافظ سید الشکور ولد ایشان حافظ عبد العظیم
 پسرشان سید امام الدین پسر ایشان سید محمد عیوض پسر ایشان سید فضل احمد
 دو برادر یکی میر فضل اللہ و دیگری سید محمد باسط عرف میر فہیم اللہ پسرانند
 کہ حافظ سید عبد الشکور ساد و پسر یکی سید عبد العظیم

دویمی سید عبد المنعم لیسر ایشان سید عبد العظیم ولد شان محمد مقیم پسر ایشان
 همت زمان ایشانرا سه پسر سید حاتم زمان و سید علی زمان نام سیوم یادست
 دو پسر سید حاتم زمان یکی میر طفیل علی پسر سید عبد الغنی صاحب بان متوسط و خواهر
 ایشان زوجه مولوی سید نوازش رسول و نیز خواهر سید حاتم زمان والده ماجده
 مولوی سید نوازش رسول و برادر میر طفیل علی محبوب زمان پدر محمد زمان اندوگر
 اولاد سید عبد العظیم دو پسر ایشان سید امام الدین و سید جمال الدین پسر ایشان
 سید کفایت الله ولد شان سید عبد الرحیم لیسر شان سید عبد الکریم لیسر ایشان
 سید عطا کریم و پسر سید امام الدین سید محمد عیوض ولد ایشان سید فضل الله
 سه پسر ایشان سید فرخ حسین سید احمد حسین و سید صغیر حسین لیسر ایشان
 محمد حسین که از خواهر خواجہ محمد حسن منسوب شدند اولاد و سید احمد حسین را دو فرزند
 سید محمد کبیری دویمی سید بدر الحسن عرف جن بر دو اولاد الا سید فرخ حسین اولاد
 فرزند یکی مشرف حسین عرف داروغه عالم علی لا ولد برادر ایشان سید آل حسن
 بایشان دو پسر و دو دختر کلانی سید اجماد حسین دو پسر ایشان یکی مفقود
 دویمی فضل حسین موجود و ثانی سید انانت حسین والده سید اکبر حسین و پسر
 خواهر کلانی سید محمد ولی و ثانی زوجه شاه حسین علی والده مولوی عبد الغنی
 و برادر ایشان همانند آما و از اولاد که

ذکر در میت حضرت محمد و م سید بدر الدین بدر عالم

واضح باد مخدوم بدر عالم را یک دختر بی بی ابدال که از سید محمد منسوب ذوی اولاد
 و فرزند مخدوم مرتبه بلند مخدوم شاه سلطان بودند فرزند ایشان سید محمود
 عرف سید جلگن زاهدی ولد ایشان سید احمد پوری اینده ترتیب کیفیت ذریه
 ایشان دریافت نشد الا بسا مشایخین اینچوار نسب بقربت انجناب نامند یکی
 بزرگ سید حامد عرف سوپن از فرزندان انجناب بوده اند خواهر ایشان مسماة
 بی بی جلگن ده جناب شاه تراب الحق و شاربهار الحق موڑوی بودند و شاه
 محمد فیاض ساکن بسوه منجملات بهار از فرزندان نامی انجناب اند ایشان بعض
 فرزندان مخدوم بدر عالم دریافت شد که این مخدوم محمود مخدوم شاه سلطان
 جانشین اولاد شد الا از دو برادران بیاتی اولاد یکی را بفرزندى خود قرار داد
 زیب سجاده کردند فرار آنها واقع موضع سوه هست جد مادری جناب شاه
 امیر الدین فردوسی سجاده نشین بودند و دختر و یک پسر شاه فیاض داماد
 ایشان پسر حاجی نصیر الدین شیخ پوری و دختر کلانی ایشان از شاه بهادر علی
 ساکن شیخ پوره که خدا و ثانی از جناب حضرت شاه ولی الله فردوسی والد ماجد
 شاه امیر الدین سجاده نشین شاه بهادر علی را و دختر کلانی زوجه شاه محمد علی
 شعبه شیخ پوری برادر زاده ثمان فرزند ارجمند ایشان چندیک شاه عبدالعلی
 داماد شاه امیر الدین حمه الله علیه ثانی دختر شاه بهادر علی از جناب شاه امیر الدین
 که خدا از لطن این بی دو پسر یک شاه امین الدین احمد دومی شاه محمد تقی

و سینه خواهر آن ایشان یکی نسوب از شاه بنده علی ابن شاه حسین علی و وی می زوجه
 شاه عبدالعلی سید زوجه شاه محمد جعفر نبیره شاه سلامت علی فردوسی ذی ولد اند
 و یکی شاه تهمور حوم از فرزندان مخدوم بدر عالم بود معروف خواجه ایشان زوجه
 میر مهدی علی عظیم آبادی ابن میر یوسف علی سپه‌شان سید اوس بن عرف بهر
 موجود اند و دختر شاه تهمور حوم از شیخ اکبر علی ساکن بزازری که خدا سپه‌شان شیخ
 اولاد علی اند باقی مولوی سید وزیر الدین صاحب نیز از نسب آن مخدوم فرزندی
 خود میگردند بیان سلسله نسب دریافت نشد که منی نگاشت و نیز منتهی عنایت حسین
 و نسب از فرزندان حضرت میگویند و نیز در ضلع شرقی اکثر رومان عالی تبار خود را گویند
 چون از ذکر النسب سیادات فراغت یافت ذکر نسب اولاد حضرت خلفاء
 ثلاثه مینماید تفصیل این بر فضل و ضمیمه تحریر نمود بعد ذکر اولاد انصار نویسد

فصل اول در بیان نسب نامه حضرت عتیق ابا بکر صدیق رضی الله تعالی عنه و اولاد پروردگارش و دو ضمیمه باها

حضرت سیدنا ابا بکر صدیق عتیق و عبید الدنام ابن حضرت عثمان ابو قحافه
 کنیت شان ابن عامر ابن کعب بن سعد بن تمیم ابن مره از اولاد نضر بن کنانیه
 قریشی که از فرزندان حضرت اسمعیل بیچ الد علیه السلام بودند و تفرقه
 نسب را تا حضرت صلی الله علیه و سلم و آنحضرت از پشت هفتم است و والده ماجده

حضرت صدیق اکبر بی بی ام النجیر بنت صحرة بن عامر انداز دخت عم کتختا بودند
 و این ذکر در کتاب تذکره صدیقیه کرده است تسطیر فقط در اینجا مقصود بیان
 از ذریت آنحضرت است باید دانست بحضرت صدیق اکبر رضی الله عنه سه پسر و سه دختر
 بودند از همه بهتر حضرت عائشه صدیقه زوجه محبوبه حضرت سید المرسلین و ثانی بی بی
 اسماء زوجه حضرت زبیر بن عوف بن ابی ذلب کتختا فرزندان ایشان یکی عبد الله بن
 زبیر و دیگری عروه بن زبیر سیومی صاحب ابن زبیر که از بی بی سکینه دختر جناب
 سید الشهداء امام حسن علیه السلام کتختا شدند و کیفیت دختر ثالث در یافت نشد
 الا از فرزندان یکی عبد الله که از محل اولی بودند و خواهر عیالی ایشان بی بی اسماء
 مذکور و از لطن بی بی ام رومان حضرت عائشه صدیقه و حضرت عبد الرحمن
 و از بی بی اسماء بنت عمیس فقط حضرت محمد پس نسل هر دو جاریه

قبل غازی و بعد غازی مشهور است نوشته می آید

وصل فصل اول در ذکر اربلا و سیدنا عبد الرحمن قبل غازی
 خواهر بنو نجیب صیاء الدین سهروردی و شیخ عماد الدین دلد حضرت شیخ
 شهاب الدین سهروردی هر دو برادر اند و شیخ الشیوخ برادر زاده ایشان ضمیمه
 در ذکر نسب حضرت شیخ شهاب الدین ابن شیخ عماد الدین ابن شیخ نجم الدین
 ابن شیخ مجذ الدین ابن شیخ رفیع الدین ابن شیخ صدر الدین ابن شیخ محمد متین
 ابن شیخ محمد معین ابن شیخ امین ابن شیخ عبید الله ابن شیخ عبد الله ابن شیخ

عبد الجلیل بن شیخ ابو بکر ثانی معروف شیخ عبدالفتاح ابن شیخ محمد آدم ابن
 شیخ محمد مسلم ابن شیخ محمد فوج ابن شیخ محمد یوسف ابن شیخ اسمعیل ابن شیخ
 ابرہیم ابن شیخ عبداللہ ابن شیخ محمد عتیق ابن حضرت عبدالرحمن ابن
 حضرت صدیق اکبر ابن ابو قحافہ رضی اللہ عنہم واضح باد کسیکہ از ذریت
 شیخ شیوخ باشند ابن نسب نامہ بہر او کافیست و دیگر بہر کہ خود را صدیقی نامند
 در بنجر شیخ صدیقی در نسب ہستند الا شیخ صدیقی کہ بردست خلیفہ اول ایمان
 آوردند از صدق دل بچنین است تحریر از پیشوایان این حقیر فقیر انجان نمود

تحریر بہر کہ اند صدیقی ازین نسب قبل غارے اند

وصول دوم فصل اول در بیان اولاد حضرت محمد ابن ابابکر صدیق
 بعد غازی رضی اللہ عنہ واضح باد حضرت محمد بن ابی بکر صدیق رضی اللہ عنہ
 از اطن بی بی اسماء بنت عمیس تولد شدند و برو آنحضرت صلے اللہ علیہ و آلہ
 و سلم حاصل شدی محمد ابن ابی بکر صدیق در طبقہ انصار مان گردید پس ایشان
 خیر التابعین قاسم ابن محمد از دختر عم سیدنا عبدالرحمن کہ خدا شدند
 از بی بی اسماء ثانیہ یک دختر ایشان و یک پسر دختر بی بی فودہ
 والدہ حضرت امام جعفر صادق و حضرت عبداللہ و اسمعیل سر زندان
 حضرت امام محمد باقر علیہ السلام ام سیادات باقری و جعفری نام پسر
 سیدنا عاصم اولاد ایشان شیوخ بعد غارے معروف اند کہ

ضمیمہ اول در ذکر نسب حضرت مخدوم حسام الدین جالیسی

قدس سرہ کہ اولاد آنحضرت اند

حضرت مخدوم حسام الدین جالیسی ابن شیخ امام الدین ولد شیخ قیام الدین ابن
 شیخ بدر الدین ابن شیخ محمد اعظم ابن شیخ محمد اسلم ابن شیخ محمد مکرم ابن شیخ
 محمد ماہ ابن شیخ محمد جاہ ابن شیخ ظہیر الدین ابن شیخ عبد اللہ ابن شیخ صدر عالم
 ابن شیخ دانیال ابن شیخ عبد اللطیف ابن شیخ محمد جمال ابن شیخ احمد کمال
 ابن شیخ سلیمان ابن شیخ داؤد ابن شیخ مسعود ابن حضرت عاصم ابن
 حضرت قاسم ابن محمد ابن ابی بکر بنی الصدیق رضی اللہ عنہ چون نسب نامہ بالا
 تحریر شد از اینجا ذکر اولاد مخدوم حسام الدین مینویسد صاحبان موضع جلال کوی
 از اولاد حضرت مخدوم حسام الدین جالیسی اند میر محمد قاسم ابن میر حسام حیدر
 ابن مولوی غلام نجف ابن شیخ محمد عارف اللہ و میر محمد کاظم و میر محمد ہاشم و میر محمد
 ناظم ابنان میرزا علی ابن شاہ ہدایت علی ابن شیخ عارف اللہ نسبت
 سادات ایشان از جباری است شیخ محمد عارف اللہ ابن مولانا محمد جمال اللہ
 ابن شیخ عبد الرحیم ابن شیخ عبدالغنی ابن نواب اولیس خان خان خطابی ابن
 قاضی شیخ محمد ابن قاضی شیخ محمد سعید خان عرف قاضی چاند ابن قاضی شیخ
 چاند عرف قاضی چلدہ ابن شاہ حسام الدین ثانی ابن حاجی الحرمین شیخ
 رکن الدین ابن مخدوم شاہ حسام الدین جالیسی دو برادر بودند دومی شیخ صدر الدین

اولاد ایشان چاهی اند باید دانست قاضی محمد سعید عرف قاضی چاند برادران
 چهار بودند یکی ایشان دومی قاضی بدر جهان سیومی قاضی مبارک چارمے
 قاضی احمد ذریات ایشان نیز حاجی باشند شیخ عبدالغنی نیز ابن نواب بس خان
 سه برادر یکی ایشان دومی شیخ حمید سیومی شیخ عبدالرسول و سپران شیخ
 عبدالغنی نیز چهار شیخ عبدالرحیم و شیخ ابوالقاسم و شیخ عبدالرسول ثانی و شیخ
 عبدالغفور شیخ عبدالرحیم را نیز چهار فرزند یکی مولانا محمد جمال دومی شاه محمد عبدالم
 سیومی شاه عبدالجلیل چارمے شیخ هدایت الله از اجداد میر سلامت علی مولانا
 محمد جمال الله را نیز چهار پسر شیخ محمد عارف الله و شیخ محمد فضل و شیخ اهل الله
 و شیخ مولانا داغظ الله مولوی عارف الله راد و سپر یکی مولوی علامت مخف
 سپر ایشان شیخ حسام حیدر و شیخ مصام حیدر و شیخ ذوالفقار حیدر و دو دختر
 یکی جدہ مادرے شاه حسین علی دومی زوجه قاضی نادر علی ساکن شهر گهاتی
 سپر دومی مولوی عارف الله شیخ هدایت علی سپر ایشان میر فدا علی چند خواهر
 ایشان یکی از ان والده میر کرم حسین سپران میر فدا علی شیخ هاشم از محل اولی
 محمد کاظم و محمد ناظم و یک دختر از زوجه ثانیه زوجه شیخ هادی حسین ابن منشی
 رجب علی و محمد کاظم پسر شه برادر ذی اولاد اند و نیز شیخ هادی حسین نیز حسام حیدر
 را یک فرزند میر محمد قاسم و سه خواهران یکی زوجه مولوی ابوالحسن ابن مولوی
 سعید و جبه الله دومی زوجه قاضی امیر حیدر و سیومی زوجه مولوی وزیر حیدر

ابن قاضی ناد علی احقر می ساکن شهر گمانی میر قاسم علی راسته پسر بود
 دختر سپهر کلانی محمد حسن دومی محمد قمر الدین سیومی میر نجم الدین برهه که خداوند
 جا بجا و میر محمد قاسم را از عقد کلح ثانیه اولاد یک پسر است و باقی از اولاد
 بزرگان با الاجای تم خواهد یافت بر شایه این کتاب خواهد گاشت شیخ
 محمد جمیل بن شیخ رحمت الله بن شیخ هدایت الله نیز بیان نسب خویش بعد فارسی میکند
 فصل دوم در ذکر اولاد و نیز نسب نامه حضرت عمر خطاب رضی الله
 و تحت این ذکر ذریت بدو وصل و چند ضمیمه کی حضرت بابا

فرید دومی حضرت شمس الدین حقانی

نسب نامه حضرت امیر المومنین عمر خطاب رضی الله

امیر المومنین حضرت عمر ابن خطاب بن نفیل ابن عبد الغری ابن ریاح ابن
 عبد الله ابن فطر ابن فلاح ابن عدی ابن کعب بن بوی بن غالب النسب
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و از حضرت عمر تفریق از کعب است جد هشتم
 انحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و جد نهم ایشان و و الله حضرت عمر ختم نبت ما ششم
 ابن مغیره بن عبد الله بن عمر بن مخدوم بن قصی بن کلاب ابو جبل بن هشام
 ابن مغیره برادر عمزاد و در ایشان بود از بنی اعمام ام المومنین خدیجه الکبری
 بنت خویلد بن اسد ابن عبد الغری ابن قصی بن کلاب کسانیکه ابو جبل را
 از عم انحضرت شمارند غلط است واضح باد حضرت عمر اولاد کثیر از پسر

دختر صغیر و کبیر یعنی عبداللہ ابن عمر و خواہرا عیالی ایشان نام المؤمنین حفظ
از یک بطن اندوزید بن عمر از بطن دختر حضرت علی اولاد نماذ و عبد الرحمن اکبر و
عبید اللہ و عاصم بن عمر و عبد اللہ اوسط و عبد اللہ صغیر و عبد الرحمن صغیر و عیاض
و ابو شحاز الطان مختلف خواجہ جنید بغدادی ابن خواجہ زید ابن شیخ عمر ابن
شیخ ابوبکر ابن شیخ عبید ابن شیخ محمد سعید ابن شیخ زید صغیر ابن حضرت

عمر بن خطاب رضی اللہ عنہ

وصل اول فصل دوم در ذکر نسب حضرت شیخ المسلمین

بابا فرید شکر گنج قدس سرہ

حضرت شیخ فرید الدین ابن شیخ جمال الدین سلیمان ابن لفرج شاہ
والی کابل ابن شیخ محمد داؤد ابن شیخ محمد خلیل ابن شیخ عبد الجلیل ابن
شیخ عبد الجبار ابن شیخ عبد اللہ صحراوی ابن شیخ عمر عطار ابن شیخ محمد ذکریا
ابن شیخ ابراہیم ابن شیخ قاسم ابن حضرت عبد اللہ ابن حضرت عمر خطاب
رضی اللہ عنہ باید دانست حضرت بابا فرید را دور و وجہ فرزندان کثیر ہر یک
کامل فقیر الا اولاد جاری مانند از ہار یکے شیخ نصیر الدین کلانی ثانی شیخ
بدر الدین سلمان سیومی شیخ کبیر الدین چارمی شیخ یعقوب شیخ
بدر الدین سلمان زریب وہ سجاده حضرت شدند کہ ضمیر اول در
ذکر حسام الدین مانکی پومی کہ مرید و خلیفہ حضرت نو قطب عالم

نپند وی بودند واضح باد مخدوم حسام الدین ابن شیخ احتشام الدین حزن
 خواجه دانشمند ابن شاه جلال الدین ابن بزرگ نیز از خلفاء حضرت سلطان
 الاولیا نظام الدین محبوب جانی قدس سره بودند شیخ جلال الدین ابن شیخ
 معین الدین ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین
 سلیمان ولد حضرت بابا فرید الدین گنج شکر قدس سره اولاد حضرت حسام الدین
 اندب یار بر دیار الالبقت واسطه یا هشت ایشان شاه کریم الدین بودند معروف
 شاه کریم این بزرگ از مقام مانکپور درین دیار لقب به حمیره معه اهل و عیال
 وارد شدند در اینجا تکیه ساخته مجله صاحب گنج معه اهل و عیال باز بسوی وطن حجت
 کردند الایک پسر خویش را اسمی شاه کبیر الدین بر آن تکیه جانشین کرده رفتند مزار
 در وطن است شیخ کبیر الدین بدان سزین یک چک آباد کردند بنام والد ماجد
 خود کریم چک ترتیباً نام معلوم نیست الاحضرت شاه عزت الله و حکیم
 مسیح الله از فرزندان ایشانند هر دو برادر طریق حشمتی گذشتند مرید حضرت
 شاه عصمت الله قادری که مرید و خلیفه حضرت مولانا وارث رسول نما
 بودند تربیت و خدانت یافتند پسر شیخ حکیم مسیح الله شیخ قاسم یک خواهر
 ایشان در مقام کهکبه از تکلم شیخ با سو که خدا شدند و شیخ قاسم از دختر عم خود
 شاه عزت الله که خدا شدند اولاد یکی شیخ عسکری والد حکیم شاه مهدی حسین
 دومی شیخ غالب علی پدر شیخ محمد جعفر دومی منشی عنایت حسین پدر شیخ

احمد حسین و شیخ شرف الدین چارمی شاه فضل علی پدر شیخ حبیب حسین پنجمی شاه
 شجاعت علی لا ولد بدانند حضرت شاه عزت الله را دو دختر و چهار پسر یکی
 مذکور الصدق ثانی مادر شیخ قطب الدین پدر شیخ قاسم علی و اما حضرت حکیم مظفر حسین
 قدس سره خلف کلانی حضرت شاه حکیم فرحت الله قدس سره و طویل الذکر ثانی
 شیخ امیر الله سیومی پدر شیخ محمد عوض چابک پدر شیخ ولی الله حضرت حکیم شاه
 فرحت الله مخا طیب بابا حسن و دست یکی از مریدان و خلیفه اجل
 محمد و شاه حسن علی قدس سره و دوسوی الا یو العلامی چهار فرزند حضرت ایشان
 کلانی شیخ قمر الدین حسین و پسر ایشان شیخ خیراتی و شیخ علی حسین باقی فرزند بقیه
 ثانی مقبول ربانی حضرت حکیم شاه مظفر حسین با کمال خوش خصال قدس سره
 چند دختران با حضرت کلانی از منتهی قاسم علی که خدا دو خلف ایشان حکیم محمد حاج
 و مقبول حسین دختر ثانی از شیخ مظفر حسین برادر زاده آنحضرت که خدا خلف ایشان
 حکیم محمد نصیر تالف از حکیم محمد مهدی حسین که خدا شش فرزند ایشان و یک دختر باقی
 در قرآن که خدا الا خلف الرشید آنحضرت حکیم خورشید حسین معروف بفضیل و کمال پسر
 ایشان شاه فرحت حسن و چند خواهران ایشان و خلف سیومی آنحضرت حاج
 شمس الدین لا ولد چارمی حکیم سعادت علی صاحب لک پسر ایشان شیخ مظفر حسین و شیخ
 مرتضی حسین و شیخ اظهار حسن هر سه برادر بجمع صفت موصوف بودند
 ضروری ذکر نسبت لامان شیخ عبد الحق بلوی محدثی که فرزند برادرانند

مولانا شیخ عبدالحق محدث دہلوی ابن شیخ سیف الدین ابن شیخ فتح الدین
 ابن شیخ کریم الدین ابن شیخ سیف الدین برادر محمد دوم شیخ حسام الدین بانکپوری
 ابن شیخ احتشام الدین خواجہ شمشاد ابن شیخ جلال الدین ابن شیخ معین الدین
 ابن شیخ زین الدین ابن شیخ صدر الدین ابن حضرت بدر الدین سلیمان ابن حضرت
 بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ ضمیمہ سوم فصل دوم واصل اول شیخ
 نصیر الدین عرف شیخ پیاری واضح باد شیخ نصیر الدین پیاری ابن شیخ
 فیض اللہ ابن شیخ امان اللہ ابن شیخ کبیر الدین ابن محمد دوم نصیر الدین خلف
 کلانی حضرت مقبول ربانی بابا فرید الدین گنج شکر قدس سرہ باند و است شیخ
 امان اللہ رحمہ اللہ علیہ جد شیخ نصیر الدین از حضرت پاکشن شریف بطریق حسیا
 در پنجوار محاسب کم ولایت درین دیار مبرنی جد بزرگوار شریف آوردند در
 دہلی چندی اقامت کرده آخر بمقام کالی رسیدند در اینجا از حضرت سید
 جمال الدین ابن سید علاء الدین کہ جدا علی اینجا کسار بودند و طرقتہ چشتیہ داشتند
 بسبب ارتباط ملاقات دست داد حضرت سید جمال الدین خود استنادا قامت نمایند
 بدینچوار فرمودند در جواب حضرت شیخ امان اللہ ای برادر دو قطب در یک آبرو
 منی گنجد آخر کار از اینجا محافل و عیال بنواح حضرت بہار رسیدند در اینجا جای
 پسند ساخته بنا روم و خانقاہ نمودند مزید و مستر شدند در اینجا پدید آمدند
 نام آن محلہ چشتیانہ شد مشہور از شرفا و انجانوبت صورت مصابرت ہفتا

الحاصل بعد چندی شیخ فیض الله از اولاد ایشان خجسته خاطر گشته معاول و عیال
 قریب و اناپور بموضع سید پورد و بگیمه که مردان ایشان در آنجا بودند اقامت
 ساختند برگزیده پهلوانی ضلع پلینه در آنجا مردان ایشان فرقه میداران آن
 قوم بیخی منصب چو دسبزی داشتند شتر خدمت بجای آوردند بعد مصای
 چند سال در اولاد پیر و اولاد مرید بصورت ظهوری ادبیان صورت نفاذ پیدا
 بسبب علتی که پیشینها دندانگوار طبع آنحضرات گشت قصد رجعت بسوی
 بهار اقامت بین ساختند چون عزیمت اینطور شد پیدای مریدان شیخی ساکن
 کوزجی این مضمون شد هویدا شیوخ آنجا حاضر شده با کمال در آنجا بردند ایشان
 فرمودند آخر از شما نیز روزی چنین اموز قوع آید سر بر قدم پیران نهاده عرض
 ساختند مادر آنجا بطور عایا خواهیم ماند حضور مالک مختار و من تا بعد از
 چون بطور خیریت در آنجا بردند صورت قیام افتاد نام نموضع بنام یکی از فرزندان
 خود شیخ عنایت الله چشمتی پور عنایت الله ساختند همیشه روز اناپور
 قریب یک و نیم گره فاصله وارد باید دانست شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
 را علاوه دختران یک پسر بود شیخ رحمة الله و دو دختران سه شیخ عنایت الله را
 از پسران برادر ایشان شیخ نصیر الدین پیاری که خدا شدند و نام پسران شیخ رحمة الله
 شیخ اغر الدین و شیخ تاج الدین و شیخ عزیز الدین و پسران شیخ نصیر الدین که از
 خواهران شیخ رحمة الله که خدا شدند یکی از آن شیخ منهاج الدین سکه پسران

ایشان هر یک از دختران عم که خدا شدند کلانی پسر شیخ معزالدین ثانی ایشانرا
 تیر سه پسر یک شیخ معز الاسلام دویم شیخ رکن الاسلام سیومی شیخ فتح الاسلام بود
 شیخ معز الاسلام جد علی شاه اطهر حسین ابن میر حسین نجش سادات مالدست
 بالیشان میر حسین نجش ابن شیخ قلندر علی ابن شیخ ابوتراب ابن شیخ الاسلام
 ابن شیخ عبدالسلام ابن شیخ معز الاسلام ابن شیخ معزالدین ابن شیخ منہاج الدین
 ابن شیخ نصیرالدین پیاری ابن شیخ فیض الدبانی نسب بالا ازین معلوم باد باید
 متیند پسر دوم شیخ معزالدین شیخ رکن الاسلام بودند جد علی مولوی معز الدین
 مرحوم کورجوی ابن شاه قطب الدین عرف شاه بساون ابن شیخ محمد مراد
 ابن شیخ محمد جواد ابن شیخ محمد ذکریا ابن شیخ محمد یحییٰ ابن شیخ رکن الاسلام ابن
 شیخ معزالدین مذکور الصدراصح باد شیخ محمد مراد و پسر یک مذکور بالا شاه
 قطب الدین عرف شاه بساون که یک از مریدان و خلفای نامدار حضرت
 قطب العالم مخدوم شاه محمد معتمدین سرزه بودند ثانی پسر شیخ برکت حسین ابن
 شیخ الفتیح حسین پسرشان شیخ عبدالحمین ازین عالم لا ولد قند و شادی حضرت
 شاه قطب الدین بساون از دختر میر سید علی ارشد گردید نام آن بی بی لعلن
 بنت بی بی علیمه دختر میر سید محمد بلهر ابن میر سید حسین ابن میر سید اولیا ابن میر سید
 صدر جهان و نسب نامہ میر سید علی ارشد بدینطور ابن میر سید عبدالشکور
 ابن میر سید محمد فضل ابن میر سید عبدالواحد ابن میر سید صدر جهان مذکور الصدرا

که خدای میر سید عبد الواحد از دختر خال خود قاضی عماد الدین ابن قاضی سید
 عبد الفتاح عرف قاضی ببری گردید و شادی پسر ایشان نیز از دختر عم گردید
 و شادی میر سید عبد لشکر از دختر میر عنایت الله بی بی پور شد الحاصل حضرت
 شاه قطب الدین بساوان را دو پسر یک دختر پسر کلانی منتهی محمد غوث که از بی بی
 نعیمه بی بی و اولاد که زوج شاه وحید الاسلام بودند که خدا منتهی محمد غوث
 عرف دامن را یک پسر و یک دختر مسماة منیر اعون سوین که از منتهی امیر الله
 پسر کلانی مولوی غمیز الله ابن شاه قطب الدین که خدا شد ندلا ولد ماندند الا
 پسر منتهی محمد غوث مولوی فرحت علی کاشف سرخفی و جلی از دختر شاه
 ابراهیم حسین نو ابادی که خدا نام آن بی بی مسماة بیگم یک دختر ایشان بی بی
 هریم زوج اولی سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن حضرت
 شاه یحیی علی از لطن ابن بی بی دو پسر یک دختر زوج میر واجد حسین ابن میر
 اسمعیل علی و نام پسران سید شاه محمد قاسم که از دختر میر عبد الحسین نو اسه پسر بی
 که خدا شدند یک پسر اسمی محمد حسین پسر دومی شاه محمد واجد اند ایند فخریت
 منتهی محمد غوث اند و پسر دوم شاه قطب الدین عرف شاه بساوان مولوی غمیز الله
 رحمه الله علیه که بعلم عربیت و فارسی تبحر داشتند و ذی فنون و ذی جمال سعیت
 هر دو برادر را از جناب والد ماجد خود است الامولوی صاحب عمر اخیر تربیت علم
 باطن از برادرزاده خود حضرت شاه قمر الدین حسین یافتند فرزند مولانا چهار

یک مثنوی میرانشد که در علم قاسمی بی نظیر بود نذاز نکاح ثانی یک پسر احمد نادر و یک دختر
 محمود است موجود و پسر ثانی مولوی صاحب مدوح مولوی محمد اکبر که در عربی و فارسی
 داشتند مهارت تمام که خدا از دختر خالاتی مسماة محمد و مرشدند و پسر ایشان
 بوجود آمدند امید علی و نظیر حسین هر دو لا ولد و پسر سیوم شاه محمد صغر شاد است
 ایشان در مقام منیر گردید از دختر شاه لطف علی مرحوم یک پسر با ایشان بوجود
 اند محمد خلیل که فدائی ایشان از دختر مولوی اشرف علی نوابادی شد یک دختر
 و یک پسر شد شاه آفتاب حیدر طال الله عمره و قدره و پسر چارمی حضرت مولانا
 شاه محمد خیراتی که از بدو هر صفائی از زینت سلیم ایشان اولاد اند و شادی مولو
 عزیز الله رحمه الله علیه از مسماة حسین بیختر بی بی ناطقه زوجة شاه تاج الدین نوابادی
 شد و از عقد ثانیه دختران پسران بوجود آمدند و نوجوان فوت شد و اند موجود
 امداد حسین و مهدی حسین و یک خواهرشان واضح باد پسران شیخ فتح الاسلام
 ابن شیخ مفر الدین یکی شیخ وارث علی و دیگری شیخ فخر الاسلام سیومی شیخ بدرالاسلام
 چارمی شیخ الاسلام بنجی آصف مشرفی حضرت شاه محمد علی لاریب دلی و شیخ
 وقت بودند بارشاد و مرشد طریق نقشبندیه هستند ذکر اولاد ایشان بجای تحریر
 خواهم کرد و در اینجا ذکر پسران شیخ رحمه الله ابن شیخ عنایت الله ابن شیخ فیض الله
 مینمایم بدانیست شیخ اعز الدین اولین و دختر ایشان بودند از بی اعمام که خدا شدند
 و دیگری شیخ عزیز الدین که ایشان شیخ ابو الفتح ایشان را چهار فرزند بجز تربیتند

یک شیخ ابوالغیث دومی شیخ ابواللیث سیومی شیخ ابوالولیس چارمی شیخ محمود ولش
 باید دانست این بهر برادران را بجز فرزند دختر نبیره با مانند چنانچه از اولاد دختر
 شاه محمود ولش شیخ محمود وجود مولوی عزیز الله بودند و از اولاد دختری شاه
 ابوالولیس چند دختران و از اولاد دختر شاه ابوالغیث شیخ هارون ساکن
 شیخ پوه کلان و کیفیت زندان شیخ ابواللیث در ایف نشد الا شیخ تاج الدین ابن
 شیخ نصیر الدین ادا و پسر ندیکلی شیخ منهاج الدین دومی شیخ سراج الدین پسر
 شیخ منهاج الدین شیخ رفیع الدین و پسر شیخ سراج الدین شیخ محمدی پسر ایشان
 شیخ فیروز عبدالجبار شیخ امام بخش کوزلیت زبان درشت کورجوی از نیجا ذکر ذریت
 شیخ فتح الاسلام مینو لیدیکلی از ان پنج برادر شیخ وارث علی با همداناکت یاد چهار
 یک شاه محمد دلی مذکور الصدراست فرزند ایشان پسر اول شیخ غلام علی لاولد
 دومی شیخ کرم علی از دختر شیخ الاسلام شدند کتیا عقاب ایشان مانند سیوه
 شیخ نور علی که در دریا شد بد غرق رحمت از دو دخترشان اولاد ماند و یک پسر
 شیخ فهیم الله لاولد نام دختران بی بی ناطقه بی بی واحله مذکوره بالا سیوه
 شیخ فتح الاسلام را پسر شیخ الاسلام و الداجد شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی
 والد میر حسین بختیوار پسر سوم شیخ بدر الاسلام شیخ خطمت الدید پدر شیخ رفعت الله
 پسر ایشان شیخ غت الله و پسر چارمی شیخ فتح الاسلام شیخ فخر الاسلام دو پسر
 ایشان شیخ حسنعلی پدر شیخ هدایت علی و نیز دختران ایشان بودند

در بنی اعمام و احوال که خدا شد ندو پس در دوم شیخ فخر الاسلام بودند شاه حیدر السلام
 دو دختر ایشان یکی از بنی اعمام که خدا دویمی زوجه میر حسین بخش از ان بطن
 یک دختر مسماة بخشا النساء زوجه مولوی اشرف علی نواباوسی مادر میر حسین علی
 پس در پنجم شیخ فتح الله شیخ الاسلام ندکوزه بالا از دختر میر سید رکن عالم دانا پورے
 که خدا شد نداز بطن آن عقیق شیخ ابوتراب پدر شیخ قلندر علی دویمی دختر منسوس
 از شیخ احمد شاه لپیشان محمد شاه دختر سید موسی منسوب از لپیشان محمد ولی از شیخ
 کرم علی در اینجا ذکر فرزندان باشد تمام وصل دوم فصل اول در بیان
 احوال نسب حضرت مخدوم شمس الدین حقانی ادهمی
 واضح باد حضرت مخدوم شمس الدین حقانی کابل مزار موضع بلور می علاقہ
 بہار ذریت ایشان اند بسیار اکثر صاحب قبائل بعض اولاد ایشان نسب
 ایشان سیادات شمارند بسبب اہمیت حضرت مولانا منظر قدس سرہ باید دانست
 نسب اہمیت حضرت مولانا باجداد ایشان است جانب مادر لیست جدی سیادت
 ہستند از اولاد حضرت حسین صغرا بن حضرت امام زین العابدین رضی اللہ عنہ
 و حضرت سلطان ابراہیم مخدی نسبت قدوقی دارند و بواسطہ اند ابناد ملوک کہ

نسب نامہ حضرت مخدوم شمس الدین حقانی

مولانا مخدوم شمس الدین حقانی ابن شاه ابو محمد ابن شاه محمود عالم بن مخدوم
 شاه قاضی احمد ابن مخدوم شاه عبید اللہ ابن شاه عبد الاحد ابن شاه

علی اکبر ابن مخدوم شاه علی صغیر ابن مخدوم شاه عبدالفتاح جبول ابن مخدوم
 شاه محمد اسحاق ابن شیخ محمد یونس ابن شیخ محمد داود ابن شیخ محمود ابن حضرت
 سلطان ابراهیم ابن سلطان ابو الفتح ملقب بسطان ادبم ابن سلطان ابوالناصر
 محمد باشم ابن شیخ محمد اسلام ابن شیخ عبد اللہ ابن حضرت عاصم ابن حضرت
 امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب نسب نامہ حضرت امیر المؤمنین عمر فاروق در ذیل
 ذکر فریدیان تھریشدا بن نسب فاروقی حقانیدہمیت در ذیل مذکور گشتہ
 شجرہ ضمیر اول در ذکر نسب حضرت قطب العالم مخدوم شاه
 محمد منعم قدس سرہ باید دانست فرزند حضرت مخدوم شمس الدین
 حقانی شاه کمال الدین بودند یاد نیست نام ثانی الحصول پسر شاه کمال الدین
 شیخ نجم الدین پسر ایشان شیخ بدیع الدین ولد ایشان شیخ محمد ابن ایشان شاه
 محمد مجد ابن شاه بچول مقبول رسول ولد ایشان شیخ عبدالاحد عرف میران صاحب
 پسر ایشان دو یکی شیخ محمد نعیم ابن شیخ عبد الکریم ابن شیخ امان اللہ ایشان را دو
 پسر یک دختر مساتہ بی بی صما برہ با کمال و کلانی پسر شیخ رحمۃ اللہ خورت
 ایشان شد چنانچہ نبرہ یا نواسہ ایشان شاه محمد سدا بودند پسر ایشان شامہ محبت الحسنین
 والد ماجد قاضی مولوی امیر الحسن اولاد دختر شی شاه محمد سدا قاضی مردان علی
 بودند اسلام پوری و ولد ثانی مقبول ربانی حضرت شاه محمد منعم قدس سرہ

پیران ابن خاکار فقیر حقیر

خیمہ دوم در ذکر پسر ثانی شیخ عبدالصمد عرف میران ذریت ایشان سبب
 پسر ثانی شاہ عبدالصمد عرف میران قاضی عبدالغفر نیز ولد ایشان قاضی محمود
 فرزند ایشان از انجمله کیفیت دوسپہر منیولسیدیکے قاضی شیخ ہدایت اللہ پسر قاضی
 محی الدین مبارک پسر ایشان شیخ مسیح اللہ پسر دومی قاضی محمود ابن شیخ
 لطف اللہ ایشان نیز دوسپہر یکے شیخ عاشق محی الدین ابنہ شیخ غلام محی الدین
 پسر ایشان قاضی پیر علی والد قاضی اسد علی دولت پوری و پسر ثانی شیخ
 لطف اللہ شیخ غلام بدر الدین خلف ایشان شیخ غلام حیدر کہ خدائی ایشان
 در اولاد حضرت خواجہ زین الدین برادر خواجہ کمال الدین علامہ خلیفہ و خواجہ
 حضرت محمد و من نصیر الدین چراغ دہلوی گردید کہ انحضرت در نسب علوی بودند
 بشیخ غلام حیدر سہ سپہر یک دختر نام دختر بے بیہیاتن روجہ مولوی بدیع الزما
 دختر ثانی بی بی و جوز و جہ میر عابد علی دانا پوری الحاصل پسر کلانی مولوی
 غلام قادر مفتی یکے دختر ایشان از شیخ و امب حسین اولاد حضرت خواجہ بزرگ
 کہ خدا شد سہ سپہر یکے مولوی منیر الدین احمد افضل و کمال موصوف اردنیا
 محصور رفتند و دومی مولوی امیر الدین احمد و ثالث نصیر الدین نوجوان رفت
 از نیعالم و پسر ثانی شیخ غلام حیدر شیخ مادر علی ایشان را دوسپہر و دد دختر یکے
 زوجہ میر قادر علی والدہ نصر الدین و دومی والدہ مولوی ال احمد و محمد حید
 فرزند کلانی مولوی فضل حسین و ثانی مولوی اشرف حسین عرف مولوی حسین

از خواهر قاضی محمد بخش که خدایک فرزند محمد امین و پسر سیوم شیخ علام حیدر
 شیخ صفدر علی فرزند ایشان شیخ محمد جعفر ذی اولاد هستند واضح بادیک
 از رؤساء اینجوار شیخ نواز شمس حسین و برادر ایشان شیخ ارادت حسین از فرزند
 مخدوم حقانی معروف اند شادی اول شیخ نواز شمس حسین از خواهر مولوی
 و اعطای حق شده بود از آن یک خربزه وزیرین روجه شیخ محمد حیات
 لاولد و پسر شیخ ولایت حسین و اما دشاه شرافت علی فردوسی از محل اولی یک
 پسر محمد احسن لاولد رفت از نیالم و از شادی ثانیه شیخ عبدالصمد که موجود اند
 و شادی ثانیه شیخ نواز شمس حسین از صبیه کلانی شاه واجد علی فردوسی ساکن
 موضع سانبه برادر کلانی شاه شرافت علی فردوسی بودند گردید از لطن آن
 زوج دو فرزند و یک دختر روجه شاه فیاض الدین ابن شیخ ارادت حسین
 و پسر کلانی شیخ تاجل حسین ذی ولد اند و ثانی مولوی محمد اجمل مرحوم که از دختر
 عم خود شدند که خدا یعنی از دختر شیخ ارادت حسین سه فرزند رتبه بلند کلانی
 مولوی احمد حسین ثانی شاه ظهور حسین ثالث شیخ نور الحسن اند ذی اولاد هستند
 و شیخ ارادت حسین را از شادی اول یک پسر شیخ محمد حسین و اما دقاضی اسد علی
 لاولد و از شادی ثانی که در سهرام گردید از صبیه شاه شمس الدین یک دختر
 روجه کشی محمد اجمل مذکور و پسر شاه فیاض الدین اولاد نشد باقی اولاد حضرت

شمس الدین حقانی در جوار بهار هستند

فصل سیوم در بیان حالات و نسب امیر المومنین عثمان غنی رضی الله عنه
 بیک وصل و ضمیمه باید دانست حضرت امیر المومنین عثمان غنی ابن عفان
 ابن ابی عاص ابن امیه بن عبد الشمس بن عبد المناف تفرقه در نسب از آنحضرت
 صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت عثمان رضی الله عنه از چهار شپت نسب است
 امین بنی امیه آنحضرت اند بنی هاشم و آله حضرت عثمان بنی بی اروی دختر
 کمر نیر بن ربیع بن حبیب بن عبد شمس مذکور الصدور و مادر بی بی اروی بی بی
 بیضا عمه آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم اصح باد از واج حضرت عثمان
 کثیر الادود دختر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم یک بعد دیگری زوجه بنی آ
 شد ندیکی بی بی رقیه دویمی بی بی ام کلثوم از بهر دو اولاد نشد عقاب مانند
 جزئیات حضرت نبی شش وجه بودند از بهر یک اولاد از نسل آنها معروف
 پیشخ عثمانی نام فرزندان حضرت امیر عمر و عبد الله کبیر و عبد الله صغیر و ابان
 و خالد و سعید و عقیبه و ولید و شیبه و مغیره و عبد الملک یازده سپه نوشته اند مورخین
 و شش دختر نسب نام از دریات هر فرزندیافت و نه از ترتیب سلسله الانساب
 ولی کاملین حضرت محمد و جلال الدین کبیر اولیا پانی تی و از فرزندان آن
 بزرگ در اینجا نیز رسیدند حضرت جلال الدین کبیر اولیا ابن خواجه
 شاه محمود ابن خواجه شاه یعقوب ابن شاه خواجه علی ابن خواجه اسمعیل
 ابن خواجه محمد ابن خواجه عبد الله معروف بخواجه ابوبکر شبلی ابن حضرت عثمان

ابن خواجه عبد العزیز ابن خواجه عبدالرحمان ابن خواجه دریا و الحق ابن خواجه
عبد العزیز ابن خواجه خالد ابن خواجه عبد العزیز ابن حضرت عبد الرحمان
ابن حضرت امیر غمخوار ابن امیر المومنین حضرت عثمان کنون ذکر نسب تحت میثاق

نسب نامه شاه حسین علی مولوی علی رضا

از ذریت اجمالا و لفضیلا است مولوی عبدالغنی ابن شاه حسین علی ابن مولوی
دارش علی ابن شاه محب اللہ ابن شاه ہدایت اللہ ابن شاه رحمۃ اللہ ابن شاه
ماہرو ابن شاه محمد ابن شاه معروف ابن شاه منصور ابن مخدوم شاه
برہان الدین عرف بندگی شاه خوند میان دیورومی ابن شاه بر خوردار
ابن شاه محمد اسحاق ابن شاه سلیمان ابن شاه داؤد ابن شاه عبد القدوس
ابن شاه شیبہ ثانی ابن مخدوم شاه جلال الدین کبیر الاولیا باہشتیہ الصابری
یعنی خلیفہ بودند حضرت خواجه شمس الدین ترک یابی نبی کہ مرید خلیفہ حضرت مخدوم
سید علی احمد صابر بودند نسب نامہ بالا تحریر شد ما سبق حاجت تحریر
مکر نیست باید دانست جد البجد شاه ماہر و شاه سلیمان از پانی پت واد این بیلہ
گشتند مجرد وار بطور سیاحت تا در حضرت بہار رسیدن بیعت حصول در
طریقہ فردوسیہ نمودند حصول و متاہل شدند از فرزندان ایشان بندگی
شاه خوند میان از انجا بر خاستہ خاطر گشتہ قصد سفر و یا ر مغرب کردند
چون بقام بہمور رسیدند چندی مقیم شدند چون مخدوم شاه در ویش

از جمال ایشان صورت بخابت یافتند دختر خود بزوحیت ایشان دادند آخر بقام
دیوره تکیه ساخته مقیم شدند بعد مضافی چند از آنجا شاه ماهر و بطور سیاحت
در نیولج آمدند با جانیها معتقد شده از زمین چاکن قریب صد کیله معافی نذر آن نمود
حال آن علاقه موضع چاکن مشهور سپهر سیکیم است و مزار شاه ماهر و موضع
سعدی پور است حالا بتفصیل کیفیت ذریت اینست بجزرت شاه ماهر و
دو فرزند بودند که را نام شاه رحمة الله دویمی شاه عزیز الله ایشان را
دو پسر شدند نام پسر شاه رحمة الله شاه هدایت الله بخشید و تعالی ایشان را
پسر چهارم هر یک عالی تبار که شاه حبیب الله دویمی شاه محب الله سیومی
شاه اهل الله چارمی شاه کریم الله بفضله هر یک ذمی اولاد بدادند شاه
حبیب الله را سه پسر که شاه کمال الحق دو پسر ایشان یکی شاه کاظم علی پسر
ایشان محمد اشرف دویمی شاه نور علی ذمی ولد اند سیومی شاه مقبول علی
اینهم ذمی اولاد و متوسط خلف شاه حبیب الله مولوی علی رضا از دختر شاه
کریم الله که خدا یک پسر و یک دختر اولاد دختر علی حسن موجود و پسر شاه موسی رضا
مرحوم لا ولد فرستند و شاه اهل الله را دو دختر که از برادرزاده شاه سجد علی
کتخ زاد دویمی جای دیگر در اقران و شاه کریم الله را یک پسر شاه احمدین
لا ولد فرستند از نیغال و دختر زوجه مولوی علی رضا و شاه محبت را چند
دختر آن دو پسر که شاه بنده علی ایشان را دو پسر دو دختر نام پسران

شاه برکت حسین و شاه امیرالدین حسین لیسر الشیان مولوی عسکری لیسر شاه
 برکت حسین شاه ظہور لیسر ابن کیو یک دختر شاه بندہ علی زوجہ شاه داؤد علی
 پدر شاه تراب علی ساکن بیبریکہ تکیہ و دختر ثانی زوجہ قاضی قاسم علی ساکن
 پالی لیسر شدند قاضی تہو لاولد رفتند از بیغال و خلف دوم شاه محب اللہ
 مولوی وارث علی دو لیسر الشیان و دو دختر یکے منسوب از شاه منور علی ابن شاه
 فضل کریم لیسر الشیان شاه اکرم علی دیگری کہ خدا از شاه رمضان علی
 ذمی اولاد اند و لیسر کلانی مولوی وارث علی شاه حسین علی پنج لیسر الشیان
 و یک دختر زوجہ شاه شجاعت حسین ابن شاه امجد حسین ابن شاه امام علی
 انصاری کہ خدا یک دختر و لیسر وارند و از لیسر ان کلانی مولوی عبد الغنی
 یک لیسر الشیان مولوی عبد الرشید داماد داروغہ فدا حسین ساکن شاہینوبگیہ
 چارمی نیز مولوی محمد تقی داماد الشیان ذمی ولد اند و مولوی محمد تقی لیسر سیدیم
 داماد میر علی حسن ساکن میران بیکہ ذمی ولد اند و لیسر خضر مولوی محمد ذکی
 داماد عم خورد اند باید نیست مولوی باقر علی برادر خورد شاه حسین علی
 از دختر مولوی محمد اجد بلخی کتخدا از بلطن ابن زوجہ یک دختر و مولوی
 عزیز اسد ابن شاه ماہر و راد و لیسر کیے شاه محمد و اعظ لیسر الشیان شاه
 مبارک علی لیسر الشیان شاه فضل کریم کہ از دختر شاه محب اللہ کہ خدا پنج
 لیسر ان شاه منور علی و شاه امیر علی و شاه عباس علی و یک حاجی اند و والد

ابو الحسن فیصل سیم بعد وصل در ذکر اولاد حضرت عثمان جا بجا ایستادند
 باید دانست مولوی غلام امام متخلص شهبید نسبت نام خود عثمانیه میکردند بسیار
 وزیر و فتحپور سکر می شوخ عثمانی اند و در دیار عرب بسیار تبرکستان در پنجوا
 بمقام سهرام یکی از فرزندان شاه محمد کبیر الدین بودند شاه قیام الدین
 شاه شمس الدین پسر نبود الا اولاد دختر یکی از برادرزادگان خود را می
 شاه کبیر الدین منبئی کرده جانشین و بر خود نمودند چند شادی ایشان شد
 از کسی اولاد نشد الا اولاد و برادر ایشان برادر متوسط شاه فخر الدین از
 خواهرزادی شاه تراب الحق که خدا و پسر ایشان یکی شاه محی الدین عرف
 لالامیان که حالا سجاده نشین اند و دیگر شاه غزیر الدین و یک خواهر ایشان از شاه
 فرید الدین که خدا فی اولاد و برادر خود شاه نجم الدین را و پسر یکی شاه فرید الدین
 دویمی شاه حمید الدین باقی اقارب ایشان در موضع رحمت برکت پنجره گوی اند
 باید دانست هرگاه ذکر نسب حضرت خواجه ابو بکر شمس قدس سره گردید بدین
 عثمانیه لازم افتاد ذکر نسب حضرت خواجه ابو القاسم جنید اجسادی
 که نسب فاروقی دارند بدین منظر حضرت خواجه جنید بغدادی ابن خواجه زید
 ابن شیخ عمر ابن شیخ ابو بکر ابن خواجه عبید ابن شیخ سعد ابن شیخ زید ابن
 امیر المؤمنین حضرت عمر خطاب رضی الله عنه اکثر مشایخین خود را نسوب
 نسب جنیدیه میکنند الا اختلاف است در شیخ و سیادت مولوی سید

اولاد علی جوینوری مخلص کاهش نسب خود منسوب بحضرت جنید میگردند الا
 حضرت خواجه جنید را سید میگفتند این غلط فهمی شان هست که میگفتند نسب نام
 حضرت جنید همین است و مولوی عبد اللطیف که منصب حکومت در کلکته
 اند و پوئی مجسٹریٹ بهر چند از او شان ملاقات نداریم الا عضد الدوله خواجه زاده
 شان یکی از مردان است اینجا کسار او بیان نمود که از جانب مادری نسب
 جنیدیه هستم الا شیخ فاروقی بودند حضرت خواجه جنید اکثر نسب میدیدیم

بدر شرفی هستند و اللہ اعلم

شجره نسب نسبت حضرت خواجه ناصر الدین عبید اللہ احرار

بذکر فاروقی و انصاری

باید دانست یک از صاحبان مصنف کتاب شجره طیبه که از فرزندان حضرت
 خواجه نسبت دارند خود را احرامی به نسب بیان مینمایند و اولاد شان اکثر
 منصب قضا بوده اند ذکر نسب بالابه نسبت سادات و به نسب فاروقی کرده اند
 فقط نسبت خود به نسب انجناب و ذکر اولاد و دیگر یک طبقه اولاد انجناب است
 در عظیم آباد بلکه معروف اند بخواجه زاده بعضی از مینا سب سادات مینمایند
 غرض تیفق حقیر از حجت و بحث هست آنچه که معلوم است بیان مینماید دلیل
 از کتاب رشحات و تحفه الابرار و نیز سماع بزرگوار از کتاب رشحات
 بیان مینمایم جدا علی حضرت خواجه احرار خواجه محمد نامی را وطن قدیم و غیره

بود و بعضی از خواریم میگویند چون مولانا ابوبکر ابن مولانا محمد اسمعیل
 از قیقال وارد شهر بغداد شدند که علمای ربانی بودند خواجه محمد نامی
 در خدمت آنحضرت حاضر شده در صحبت تربیت یافته مترشد نعمت شدند چون
 مولانا جانب شش آمده اقامت پذیر شد ندر چند سال ایشان نیز تربیت
 و رک صحبت در مقام شاش رسیده مقیم شدند و در کتاب تحفه الابرار که
 تصنیف یلی از یاران آنحضرت است دیدیم که حضرت خواجه محمد نامی
 بچند واسطه اولاد حضرت خواجه عبداللہ انصاری اند و آنحضرت خواجه از اولاد
 سعد بن معاذ انصاری اند که از اجل صحاب در انصار حضرت سعد سید البر
 بوده اند و السلام و نسبت نسب فاروقی از جانب جد مادری است
 که خواجه داود جد مادری حضرت خواجه احرار فاروقی نسب دارند و حال ایشان
 خواجه ابراهیم ابن خواجه داود ابن خواجه خاوند ظهور این شیخ عمر
 با عستانی که هفتده یا شانزده واسطه در نسبت نسب از حضرت فاروق
 اعظم دارند و شیخ عمر قدس سره از اولیاء کاملین بوده اند از اولاد حضرت
 عبداللہ ابن عمر رضی اللہ عنہم این ذکر در رشحات نیز هست و والده
 خواجه داود و جد آنحضرت خواجه احرار نسبت سیادت دارند و هم مذکور در کتاب
 رشحات است که میفرمودند حضرت جایگه سیادت علومی میباشند
 اقامت فقیر بس دشوار بجای آداب ضمیمه شجره واضح باد فرزند تربیت

خواجه محمد نامی خواجه شهاب الدین شاشی بخواجه شهاب الدین شاشی
 دو فرزند کلانی خواجه محمد شاشی ثانی خواجه محمود شاشی و الدماجد حضرت
 خواجه عبید اللہ احرار قدس سره و سکونت جد مادری ایشان شیخ داؤد
 در تاشکنده علاقه دیمه با غستانی حضرت خواجه احرار نشو و نما ظاهر و
 تربیت از جد مادری و خال خود حصول کردند تحصیل علم ظاهر بنوده بیعت
 از حضرت مولانا یعقوب چرخمی که یکی از اهل خلفاء حضرت خواجه نقشبند بهاء اللہ
 قدس سره بودند الحاصل بعد حصول فیضانی دیدار جناب ظاهر باطن آنحضرت
 را شغل کشتکاری بود حصول معاش از زراعت بودند تجارت در سبب
 ظاهری از مال و اموال عزت و جاه اهل دنیا تو نگه متمول میدانند حال آنکه
 مقوله حضرت خواجه احرار است این میخ زرد ر گل است نکه در دل
 چو فقر اندر قبائی شاشی آید که بتدبیر عبید اللہ است آید که
 مقوله حضرت مولانا جامی رحمه اللہ است منقول است در اقامت موضع
 تاشکنده آنحضرت متاثر شدند فرزند ان بوجود آمدند دو پسر و چند
 دختر و آنجا از لطن زوجه اولی خواجه عبید اللہ عرفت خو جکار رحمه اللہ
 عالم و فاضل حضرت خو جکار رحمه اللہ علید را تربیت تعلیم به نسبت بطون از
 والد ماجد خود هست بحسب صورتی و معنوی و سه خواهر ان ایشان بهر گاه
 بهر گاه اقامت حضرت احرار مجوزی سلاطین وقت تیموریه بمقام سطر قد

گردید در آنجا از عرصه اقامت حضرت عمده السالکین سید سیادت
 امیر تقی الدین کرمانی بود با خود با صحبت و مجالست رباط رونمود بلکه
 نوبت مصابرت رسید یعنی سه دختر آن حضرت خواجه عبید اللہ حرام
 بسفرزند امیر تقی الدین کرمانی کنی شدند و فرزند حضرت خواجه خواجگان دادام
 حضرت تقی الدین بودند از لطن آن عقیقه سه فرزند ایشان کلانی خواجه
 نظام الدین هادی دومی خواجه خاوند محمود سیوی خواجه عبدالحق مشتری
 محی الدین تخریضت جانشین جد بزرگوار شده فیض بخشی خلق اللہ متبوع بودند که
 سلسله نسب صوری و معنوی از ایشان جاریست و شادی ثانی حضرت
 خواجگان از دختر خواجه نظام الدین اولاد حاصل بدایه گردید سه پسر ازین زوج
 نیز شدند خواجه عبد العیلم خواجه عبد الشمید خواجه ابو الفیض پدر
 بزرگوار خواجه محمد فیض معروف بخواجه فیضی که جد مادری جناب حضرت سینا
 ابو العلاء قدس سره بودند نسب نامہ حضرت محبوب جل و علا در ذکر اولاد امام
 عبد اللہ با سابق تحریر شد منقول است چون انتقال حضرت امیر تقی الدین
 کرمانی درسمت فرزند حضرت خواجه عبید اللہ احرار العرش امیر تادمین بردوش خود
 بردند و نماز جنازه ادا کردند باقی ذکر فرزندان حضرت خواجه محمد محیی
 خلف ثانی حضرت خواجه سه فرزند ایشان خواجه محمد زکریا خواجه عبد الباقی
 خواجه محمد امین دو فرزند حضرت خواجه محمد محیی شهید که همراه بودند خواجه محمد زکریا

وخواجه عبدالباقی هر دو بمعیت پذیریز گوار شدند شهید رسیدند بدرجا
 مجید الاخواجه محمد امین که محض طفل بودند از هملکه جانبر شدند تربیت و تعلیم ظاهر
 و باطن از برادر عمزاد خواجه عبدالحق یافتند اولاد ایشان کثیر است سبحان الله
 این واقعه مثل کربلا و باقی یک فرزند مثل حضرت امام زین العابدین علیه السلام
 پدر جمله سادات اندا حاصل فرزند خواجه محمد امین خواجه نور العین و پسر ایشان
 خواجه النور ولد ایشان خواجه محمد امین ایشان خواجه محمد احمد پسر ایشان خواجه
 عبد الفتاح ابنه خواجه علی دوست رحمة الله علیه سه پسر ایشان یکی
 خواجه محمد می خان که از سادات بریانی بیگم دختر خواجه برهان الدین نظام الملک
 صوبه ملک دکن بودند که خدا شدند بدین نسبت براتب عز و جاه رسیده آخر
 اولاد گذشته بمعرفه نصرانی و سلطانی شهید شدند ذریات ایشان کثیر مثل
 ثم حبت النعم و فرزند دوم خواجه علی دوست خواجه رحمة الله ولد ایشان
 خواجه نصرت الله ابن خواجه امین الله ولد خواجه محمد امین عرف خواجه ذاکر
 اولاد شد کثیر یکی آمدند حقت پیر از دختر خجسته اختر میهنون رئیس شهر
 که همزلف شاه خیر الدین زبده المشایخین بودند که خدا شدند حسب
 تماینت و ارثیت بر کل ملکیت شاه صاحب موصوف اولاد ایشانند خواجه ذاکر
 صاحب پانچ پسر و پنج دختر خواجه ابو الحسن پسر کلانی ذمی ولد شده لا ولد
 شدند پسر ثانی خواجه محمد حسن بودند پسر ایشان سید حسن اند سیوم خواجه

احمد حسین حافظ چهارم خواجه علی حسین دختر گذشتہ رحلت کردند که از سید حسن
 منسوب شد پنجم خود رسال کرد انتقال باقی دختران کلانی از میر رعایت حسین
 رئیس شهر که خدا شدند چند دختران ایشان الایک پسر میر احمد حسین ثانی
 کتخدا از شیخ بشارت حسین رئیس شهر یک دختر و یک پسر ایشان بیاری صاحب
 که از دختر خاله کلانی کتخدا ذی ولد نیست سیومی از حکیم خواجه محمد حسین عرف
 خواجه امان ابن خواجه میر بخان نو اسه حکیم غلام نبی صاحب بودند چون یک فرزند
 گذشتہ زوجه شان رحیل ملک بفا شدند نام ولد حکیم خواجه عبد السلام که
 موجود اند دختر چارمی زوجه اخی ام حضرت سید شاه مبارک حسین ذمی ولد
 شش پسر شد از انجمله موجود شاه عزیز الدین حسین و سید شرف الدین حسین
 و سید رضی الدین حسین و دختر پنجم خواجه ذاکر حوم زوجه خواجه علی مرزا
 ابن خواجه اشرف علی ذی ولد اند و فرزند سیومی خواجه علی دوست
 خواجه عبد الله فرزند ایشان حکیم خواجه عبد الله ایشان ترکی تمام شد

از اینجا ذکر نسب ذریات خواجه محمدی خان میکنیم که

واضح باد خواجه محمدی خان از بطن بی بی برتانی بیگم چهار پسر و دو دختر
 از انجمله زوج یک دختر میر مولان بخش که پسر شان میر الهی بخش نو اسه خواجه
 محمدی خان بجز زوجه ایشان حال اولاد دریافت نشد دختر کلانی از
 خواجه محمد و جهم الله خان که خدا بفضله شدند اولاد کثیر یعنی سه پسر

از انجمله یک خواجہ محمد شاہ والد خواجہ محمود شاہ کہ از دختر میر باقر علی کتخدا شدند
 خلف ایشان خواجہ عزیز جان بودند کہ از دختر خواجہ فخر اللہ ابن خواجہ
 ماہتاب کہ خدا بودند دومی خواجہ آفتاب از محل اولی دو پسر یک خواجہ
 محمد یوسف کہ شادی قبل ایشان از خواہ خواجہ حسین علی خان شدہ بود چند
 دختر و یک پسر خواجہ علی رضا ایشان منسوب از دختر خواجہ حسین علی جان
 دو پسر دو دختر شدند اولاد یک پسر و یک دختر باقی دومی خواجہ محمد حسن
 کہ از صبیحہ جناب حضرت شاہ رکن الدین عشق قدس سرہ کہ خدا شدند یک
 دختر کہ لا ولد و فرزند رتبہ بلند جناب خواجہ لطیف علی رحمۃ اللہ علیہ شادی
 ایشان از دختر خالہ خود شدہ بود یک پسر شدہ دو از دہ سالہ عمر رحلت کردند
 و از بطن ثانیہ دو فرزند یک خواجہ علی مرزا اولاد کلانی خواجہ لطیف علی
 عرف شاہ میاں جان کہ از دختر شاہ اقبال حسین کتخدا شدہ سہ پسر ایشان
 و یک دختر و دو پسر خواجہ آفتاب از محل ثانیہ بودند خواجہ محمد امین و خواجہ خسرو
 و پسر سیوم خواجہ محمد وجہ خواجہ ماہتاب بودند ولد ایشان خواجہ فخر اللہ چون
 از ذکر اولاد دختری خواجہ محمدی خان فراغت یافت از نیجا ذکر اولاد پسر
 مینامی شمرہ در ذکر پسران خواجہ محمدی خان مرحوم اضح باد
 خواجہ محمدی خان را چہار پسر کلانہ خواجہ علی اعظم خان ثانی خواجہ
 عاصم خان سیوم خواجہ محترم خان چہارم خواجہ مکر م خان سیوم چہارم

لا ولد خواجه علی عظیم خان را یک دختر زوجه میر غلام نجف ساکن باره در سی پیشان
میر نجف حسین و میر کاتب حسین و نام نامی پسر خواجه مدوح خواجه کاظم خان
دو دختر ایشان یکی والده خواجه علی رضا مذکور بالا و دوم والده خواجه
امام الدین عرف میر عزرا ابن مرزا ولی محمد خان ابن مرزا بهادر بیگ خان
دو پسر شدند ایشان یکی خواجه بدرالدین خان ثانی خواجه شمس الدین خان
عرف محمد نواب هر دو لا ولد و برادر خورد خواجه میر مرزا خواجه امیر جان انهم لا ولد
شدند و سه فرزند خواجه کاظم خان کلانی خواجه فرزند علی خان دو پسر
ایشان یکی خواجه لوزجان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمد نجف ثانی پیشان
خواجه شرف علی دسیومی خواجه نجف علی خان لا ولد ثانی خواجه
حسین علی خان که از دختر میر باقر علی مدوح کتخدا شدند پنج فرزند و یک
دختر زوجه خواجه علی رضا نام پسران خواجه محمود جان دو پسر یکی مسعود جان
فرزند کلانی خواجه صاحب خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان که از دختر
عمه خود که خدا شدند لا ولد رفتند ازین عالم فرزند ثانی خواجه طالب علی خان
عرف خواجه سلطان جان و اما از خواجه خان بهادر خان سه پسر شدند زنده نه ماندند
الا دختران چهار یکی زوجه خواجه علی حسین عرف میر نواب ابن حضرت خواجه
ابوالحسین ابن حضرت سید شاه ابوالبرکات الغرض از بطن آن زوجه
یک پسر و یک دختر موجود و دختر ثانی زوجه نواب وزیر علی خان لا ولد دختر

سیوم لاولد رفت از نیعالم و دختر چهارم و زوجه خواجه محمود جان ابن خواجه علی رضا
 و فرزند سیوم خواجه ابو الحسن خان عرف خواجه حسن جان که شادی
 ایشان از دختر خواجه محمود شاه شده بود و اولاد نشد و سپهر چهارم خواجه
 محمد حسن خان عرف خواجه میر نجان ایشان که خدا از دختر خواجه عین الدین
 ابن شاه ناصر الدین خلف حضرت مولانا برهان الدین قدس سره یک سپهر
 ایشان خواجه وحید جان و دو از محل ثانیه محمد جان و قدرت جان چون رحلت
 کردند خواجه محب بلی لطف مودت خاندان ایشان شد خرم گویا ختم خواجه جان
 و برادر خور و ایشان خواجه وزیر جان بودند لاولد و از عقد ثانیه خواجه
 حسین علی خان جیبا خواجه علی حسین اندمزه و دکر اولاد خواجه
 عاصم خان مرحوم سه سپهر ایشان و یک دختر و زوجه ثانی خواجه محمد یوسف
 که یک دختر از ایشان مسماة باوشاه بیگم زوجه ثانیه حضرت سید شاه
 قمر الدین حسین باقری نسب قدس سره فرزند ی بوجود آمدند سید
 سلامت حسین نام بطفولیت رحلت نمودند و نیز خواجه محمد آفتاب
 را از محل دوم و دو دختر و دو سپهر یکی خواجه محمد امین و دیگری خواجه خسرو لاولد فرزند
 از نیعالم علی نه کیفیت دختران نیز همین و خواجه محمد مهتاب را یک سپهر خواجه
 فخر الشریک دختر ایشان زوجه خواجه عزیز جان ابن خواجه محمود شاه
 ابن خواجه محمد شاه ابن خواجه محمد و جبه مورث اعلیٰ بهر سه برادر که

ذکر اولاد خواجه علی اعظم خان

باید دانست خواجه علی اعظم خان فرزند کلانی خواجه محمدی خان و ثانی
 خواجه محمد عاصم خان سیومی خواجه محترم خان چارمی خواجه مکرّم خان
 این هر دو برادر سیومی و چارمی لاولد از فرزند ان خواجه محمدی خان
 الا ماند اولاد کلانی و ثانی خواجه علی اعظم خان یک دختر زوجه سید
 غلام نجف که از ذریات حضرت سید فضل الله قدس سره لیسر سید
 غلام نجف دوشند یکی سید نجف حسین دومی سید کلب حسین و خلفان
 خواجه علی اعظم خان خواجه محمد کاظم خان بایشان دو دختر دسه لیسر
 خواجه فرزند علی خان کلانی و خواجه حسین علی خان ثانی
 سیوم خواجه نجف علی خان که لاولد ماند خواجه فرزند علی خان رادوسر
 یک خواجه نوز جان عرف خواجه خوجم دومی خواجه محمدی ثانی ولد ایشان
 خواجه اشرف علی زیاده کیفیت معلوم نشد خواجه حسین علی خان
 که خدا شدند از دختر میر باقر علی یک از روسا و شهباز لیسر یک دختر ایشان
 که خواجه عابد علی خان عرف خواجه جان از دختر عمه خود که خدا شدند
 بی اولاد رفتن از جهان ثانی لیسر خواجه طالب علی خان عرف خواجه
 سلطان جان که از دختر راجه خان بهادر خان که خدا شدند چهار دختر
 ایشان یکی زوجه جناب خواجه علی حسین عرف میر نواب یک دختر و یک لیسر

ایشان دویمی نواب وزیر علی خان که خدا اولاد نیست سیومی لاولد رفتند از ایشان
 چارمی زوجه خواجه محمود خان ابن خواجه علی رضا دوپسر ایشان
 پسر سیومی خواجه ابوالحسن عرف خواجه حسن جان که از دختر خواجه
 محمود شاه که خدا شدند لاولد مانند چارمی خواجه محمد حسن خان
 عرف خواجه میرنجان که از دختر خواجه عین الدین ابن شاه ناصر الدین
 که خدا شدند یک پسر از انجمله باقیست می خواجه وحید خان
 دوپسر از محل ثانیه خواجه محمدنجان و قدرت خان موجود اند و پسر چارمی
 پسر پنجمی خواجه علی حسین عرف خواجه وزیر خان لاولد رفتند و عین
 جوانی و از محل دیگر خواجه حسین علی خان یک پسر خواجه علی حسین
 موجود ذی اولاد اند باقی از یک خواهر خواجه صاحب زوجه خواجه
 محمد یوسف پسر ایشان خواجه علی رضا که از دختر خواجه صاحب که خدا
 شدند دوپسر و دو دختر شدند ذکر اولاد دختر چه نویسم پسر خواجه
 محمود خان نام دویمی خواهر خواجه صاحب زوجه مرزا ولی محمد خان
 ابن مرزا بهادر بیگ خان و دو فرزند ایشان شدند یکی خواجه امام الدین خان
 عرف میر مرزا دویمی مرزا امیر خان لاولد از نخبان بی بنیان رفتند کلانی را
 که که خدائی از دختر عمر شده بود و دوپسر شدند بدر الدین خان دویمی
 شمس الدین خان بهر یک لوجوان از نعیالم رفتند اعقاب یکے مانند

فرزند ثانی خواجه محمدی خان خواجه عاصم خان سه پسر ایشان و یک دختر
 خلف اولین خواجه جعفر و دومی خواجه اکبر سیومی خواجه اصغر و دختران
 بودند هر دو برادران الایسر خواجه اکبر خواجه امیر علی عرف خواجه کلو
 و دومی خواجه وزیر نو جوان رحلت کردند اعیان مانند الا اولاد خواجه
 امیر علی صاحب شد باقی نماند و خواهر ایشان از جناب حضرت خواجه ابوالخیر
 رحمه الله علیه نسو شدند و دو فرزند ایشان خواجه ابو محمد و خواجه ابو احمد و خیرکی
 از ان هر دو برادر خواجه جعفر یا خواجه اصغر زوجه عالیه جناب حضرت خواجه
 ابوالحسن قدس سره الله و فرزند و یک دختر بوجود آمدند کیفیت تصریح
 در ذکر انساب جناب حضرت صاحب قدس سره شده نوشته است احتیاج
 تسوید تکریر الحاصل بعد رحلت محب و مشفق خواجه محمد حسن خان عرف خواجه
 میربخان اذخل فی وضعه الجنان گو باشد تمام و ختم خواجهگان اخلاق
 که داشتند بند و لب این فقیر حقیر نگنجد در بیان و نه بچیطه تحریر در حرم مغفور
 کیفیت احرار بیان بزرگان قصبه شهر کهائی سکونت که اکثر
 داشتند منصب قضا در کتاب شجره طیبه تصریح تحریر است احتیاج مکرر نشد
 بسیار عماید بزرگان بوده اند شجره فصل بلا بلکه وصل
 در ذکر جناب حضرت شاه فرهاد قدس سره و
 حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره

باید دانست از آنجا که ذکر نسب پیران سلسله ذهب این خاندان تبصریح
 بموقع خود شد بیان الکیفیت مسلسل معلوم نشد انحضرات چند آنکه
 دانست درین کتاب تحریر نمود جناب حضرت شاه رکن الدین عشق
 قدس سره المعروف مرزا شاه کسبی قدس سره شیخ فاروقی اند و نسب بدی
 و نسب مادری جناب حضرت شاه فراد قدس سره جدی انصاری شیخ اند
 و جانب نسب مادری مرزائی جانب تیموریه سلاطین و اضح بادیکه از رؤساء
 علاقه کابل باشد پیشا و ری اخیر درینجا صاحب نصف در انجناب بدنیطوی
 نوشت الحصول شیخ محمد افاق ابن شیخ محمد اسحاق انصاری نسب
 پیشه تجارت از وطن آمد و رفت تا به شهر و بلی داشتند این درین آمد و رفت
 بمال تجارت منتفع گشتند و در سوخت بدر بار شاه پییداشد از بر صغیر کسیر
 وزیر فرزند ایشان شیخ محمد سمیع مرتبه رفیع همراه والد ماجد خود می آمدند از وقت
 الهی چون والد ایشان گذشتند سرشته جیات و رفتند در حیطه مات بعد قضای
 والد ماجد این نیز آمد و رفت بدان شغل داشتند بلکه از ان زیاد رسوخیت
 بدر بار شاه پییدند پس از آن بخت مصاهرت افتاد بعاینه صورت نجابت
 و شرافت زیاد از فرزات تیموریه از دختر مرزا فیض الله ابن مرزا عبد الله
 گردید شاد می نام نامی عظامه بود بی بی عمده بیگم بعد ازین کیفیت
 سرور بمبرور البطله منصب امیر الامرای یافتند صوبه برهانپور نیابت نواب

برهان الدین خان مخاطب نظام الملک بهادر و نیز مخاطب شدند شیخ صاحب
 مدوح امین الدوله حفاظت للملک از آنجا که مضرب عالی یافتند بسیرت اخلاق
 داشتند بتواضع و منکری و نیز از درویشان زمان عقیدت داشتند کمال بهر جا
 می شیندند نام درویشان مشایخان میرسیدند بهر ملاومت چون رسیدند
 در نواح شهر اوزنگ آباد شهر فیاضی جناب حضرت میرسید دوست محمد
 قدس سره شیندند از حد از دیار روزی از روزها رسیدند بهر ملاومت رسیده
 در صحبت الیه بهره یاب شدند چون چند بار شد حاضری در بار یکروز همراه خود
 فرزند رتبه بلند خود را نیز بردند در الوقت سن به دو آوده سالگی بود آغاز جوانی
 حضرت میرسید دوست محمد در الوقت منجورند بر یک تنبول یک گلوری پان
 از دست مبارک خود بشیخ محمد سمیع دادند و دیگر گلوری از دست پاک خود در
 دهن صاحبزاده ایشان نهادند گوید در الوقت در فیض کشادند پرسیدند
 نام عرض ساختند بآداب کمال عقیدت محمد و مراد حضرت باستماع این متبسم
 شدند و بوالد بزرگوار ایشان دادند بسیار کباده فی الحال کیفیت قلب شد در گون
 اینچنین احوال نوشت بالا حضار از رساله اسباق ثلاثه من تصنیف شاه چراغ
 که از باران حضرت بودند حضرت شاه فرمود قدس سره کیفیت بیان میکردند
 بجز خوردن برک تنبول آنچه کیفیت در انجملای قلب شد پیدا از خاطر تحت
 بیرون است فلذا نم پیدا شد از آنحضرت اعتقاد بلکه بجلسه و هم سیوم از آن زیاد

چون الراجد ایشان نواب امین الدوله بسوی برهانپور حجت بند و بست ملکی
 و مالی میفرستد لعل گزیده همراه برفقند درین شهر مانند و رغبت پدر بزرگوار
 بحجت چند نوبت لفت بلند شد نوبت بیعت رسید و تربیت استغراق
 شد و امنگی کمال از کار دنیاوی باز ماند بسبب ضحلال و از اوستاد نیر
 بدرس تدریس رسید اہمال زانجا کہ حضرت باری را بودہ افضل درین سن
 شریف پیدا شد کمال ہر گاہ نواب شیخ محمد سمیع امین الدولہ مراجعت نمود
 از قصیر برهانپور کیفیت صاحبزادہ دیدہ حیرت شد پید او از اوستادشان
 جملہ حالات غیبت شد ہویدا در قلب ایشان پیدا شد انتشار کمال ہل دنیا
 را بدنیاداری بود خیال روزی صاحبزادہ خویش را ہمراہ بردند بہر ملازمت
 بعد جلسہ چند بلب خود آوردند کلمہ شکر کایت یا حضرت منم یکے از مجرائے دربار
 بادشاہی یک پسر است کیفیت عجیب دارد از صحبت بابرکت گویا کشتی رسید
 در تباہی لایق خدات سلطنت دربار شاہی نماندا حضرت فرمودند در
 جواب ای شیخ صاحب منجواہی کہ این طفل باشد یکی از مجرای شاہی فرودم
 بخوبی آگاہی کہ امر و سلاطین را نہ پیشین در ولایت سیرت در آئید بحجری
 ای صاحب این واقع کہ بسا نہ مست جای نلال بلکہ صورت است دولت
 برای جاہ بخیر صنا و تسلیم ہیچ مانند چارہ شکر یہ بجا آوردند تسلیم میکردند
 بعد چندی وصحبت چنان شدی فیضیاب و کامیاب مثال خلافت

نوشته نمودند مازون جای اقامت ولایت شد تجویر شهر دلی
 درین عرصه والد ماجد ایشان گردید انتقال در شهر دلی بجای سکونت پدری
 بجله مغلیه که در آن زمان بسیار آباد اقامت پذیر شدند جناب حضرت
 شاه محمد فرزند مشغول شدند بر شد و رشاد و خلاق به تعلیم اسرار و قایق هر یک
 از آن از دیگرس شدند خالق آخر قبول گردید خلقای به چهار کیسه شاه بنیادین
 دومی شاه محمود گازی این هر دو زیر سایه دولت نعمت اقامت شهر دلی
 کردند ختیار سیومی حضرت میر سید اسد الله خلفار مالی آخ شدند جان نشین
 چارمی از خلفاء عظامی مولانا برهان الدین درین عرصه نوبت انجام شادی
 نیز گردید در زمره امراء ارکان تیموریه از دختر خجسته اختر مرزا سعد الله
 نجیب الدوله مخاطب نام آن بی بی بوده مسماة فرحانه بیگم جناب حضرت
 قطب الارشاد شاه محمد فرهاد از لطن آن عقیقه پیدا شد نزدیک
 دختر خجسته اختر نام نهادند بی بی عصمت النساء بیگم عرف بو بوصاحب
 بهنگام سن بلوغیت دادند باز دواج از شیخ محمد کریم ابن شیخ طفیل علی
 که نسب نسبت استند فاروقی از اولاد حضرت عمر ابن الخطاب رضی الله
 چون کیفیت نسب نسبت علی الترتیب سلسل نیافت آنچه دانست تحریر نمود
 الحصول از لطن زان عقیقه پیدا شد کمال مستزند رتبه بلند زید ده
 فیضان حضرت خواجہ نقشبند مسمی شدند به شاه رکن الدین تخلص عشق بودند

شاید در حین طفولیت از پیار و محبت دایه پند باید گفته باشد مرزا گسیما معروف
 شدند لقصه آنحضرت را تربیت باطنی و حصول سعیت بطریق عالیة نقشبندی
 از حضرت مولانا برهان الدین خدانا است که از خلفاء جلیل جباری
 ایشان بودند و نیز در حین اقامت بیک شهر در شهر تپیه عظیم آیا و تا دوازده
 سال ماند حصول صحبت و تربیت و نیز اجازت و خلافت از حضرت قطب العالم
 جناب حضرت شاه محمد منعم قدس سره که این حضرت نیز از یاران جباری
 آنحضرت بوده اند الحاصل جناب حضرت عشق قدس سره کمال ترک و منشی
 باین وجاهت و لیاقت گذرانیدند در ویشی معتد به بود صرف خانقاه رو برو
 خود مکان درست ساختند چنانچه فیض شد حضرت عشق قدس سره
 خطاب آتاهدی دلپر بردم ای عشق که میارک هو به تهب که میرانی که
 در شهر عظیم آباد در ویشی را بگرد و فرار رسد و از مشایخین اینجوار خجوش اطوار
 سلسله پیر استند هر گاه رسید خبر که مولانا برهان الدین کردند رحلت پیوستند
 بجوار رحمت در علاقه لکنو بمقام اقامت داشتند بمجید استماع این خبر
 چندم دیدان معتمد را فرستاد بهر آوردن اهل عیال بسوی لکنو خالص بوج
 بالاخر دیدان عالی مقام معتمد آوردند بسواری رتبه و پاکلی باعزاز و
 آرام و اضح با و حضرت مولانا برهان الدین خدانا بودند و
 دختران نوجوان و صاحبزاده همه پشاه تاصه الدین دوازده سال بود

بیلوغیت نرسیده بودند جناب حضرت عشق قدس سره را ترود نسبت شریف
 تلاش مصابرت بشرفاد اینجوار آخر فقر نسبت صاحبزادی خورد از شاه
 قل احمد ابن جناب حضرت شاه دانش علی قدس سره که یکی از خلفاء حضرت
 عشق قدس سره بودند یافت باصرار مجان و معتقدین صلاح این امر بشود
 از جناب مولوی سید حسن رضا قدس سره نمودند آخر باصرار تمام که خدا
 صاحبزاده کلانی از آن حضرت شد انجام حاصل از لطن زوجه حضرت یک دختر
 شدند و دو پسیر انجام شادی دختر از جناب خواجه محمد محسن گردید که دختر
 و یک پسیر در آمدند بوجود دختر از میر حیدر علی منسوب شد از پنجهان لای
 رفتند و نام نامی پسیر بقدر خواجه لطف علی ملقب خواجه مرزا و صاحبزاده
 ثانی که از شاه قل احمد صاحب که خدا شدند پیدا شد یک دختر منسوب شدند
 از میر غلام رسول بایشان نیز شد یک دختر مسماه حسینه بیگم از جناب
 خواجه لطف علی صاحب شدند که تخته او یک پسیر در آمدند بوجود مسیح خواجه
 التفات علی مدعو نورخان بخیر زمانه بلوغیت رحیل ملک بقا شدند الا و
 فرزند رتبه بلند از محل شدند که عظامی نام نامی خواجه لطیف علی
 عرف شاه میا بنجان ثانی خواجه الطاف علی عرف خواجه علی مرزا
 شادی هر دو برادر یکجا شد از دختران شاه اقبال علی که از اولاد آن
 مخدوم شاه بدرالدین مرزا شاه باز پور اند ثانی از میغالم لاولد رفتند

الاسمه سپرد یک دختر اند بصاحب کلانے خدا یا تکیه آباد باشد شمره در ذکر
 نسب انصار که آمدند در نیجوا و معروف است بشیخ انصاری خصوصا
 در بهار باید دانست بندگی مخدوم و ششمند که اقامت خود ساختند
 بموضع منوره علاقه بهار میگویند چرب خود در اینجا نصب کردند و گفتند این
 مورچه چنانچه بدان نام معروف شد الغرض اینجا در نسب انصاری شیوخ
 اند از اولاد حضرت ابو دردا انصاری که صحاب کبار آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 بودند و فرزندان این بزرگ بندگی شاه عبداللطیف از دختر
 مخدوم شاه دوست منیری که خدا شدند ذی اولاد شدند نام پسر بندگی
 شاه عبداللطیف شیخ عبدالوهاب ابنه شیخ صدرالدین ابنه شیخ برطی
 طیب ابنه شیخ عبدالغنی ابنه شیخ عبدالاحد ابنه شیخ عبدالجلیل ابنه شیخ
 محمد خلیل ابنه شاه غلام محمد والد شاه سعید اللہ موڑوی نواسر
 ایشان شاه اطیب اللہ ابن مولوی شاه امین اللہ شاه طیب اللہ را دو پسر و
 چهار دختر بهم در اقران که خدای اولاد الافرنج کلانی شاه محمد بهاء الحق
 معدن جو دو سخی نشندند که خدا اولاد شد پیر اورثانی شاه
 تراب الحق که زوج عمه این خاکسار بودند ذکر اولادشان در ذیل ذکر
 فرزندان حضرت جد ماجد خود خواهد نمود

ضمیمہ در نسب انصاری مهاجران اول

واضح باد یکی از مشایخین کبار از اولاد انصار از دیار مغرب وارد اینجوا شدند
 دو برادر اعیانی شاه شمس الدین عرف شاه سمن مخدوم نام دیگر برادر معلوم
 نشد در حضرت بهار سیده بیعت بطریق حشمتیه نصریه حصول از
 خلفاء مخدوم شاه تیم الله سفید باز و در صحبت و تربیت یافتند و بعد از آن
 در مقام اول تکیه ساختند اقامت پذیر شدند اولاد ایشان با برادر ایشان
 شد جاری بچند واسطه شاه امام علی عرف شاه بدلو صاحب سجاده پنجم
 پسر ایشان شدند و یک دختر مسماة قدرا شادی از میر جان علی شد از محل
 اولی برادر میر سلامت علی ساکن جوین پور پرگنه اول از آن دختر شد و نام پسر
 کلانی شاه امجد حسین بعد پدر خود زیب سجاده بودند شادی ایشان
 در اول شد یکی از دختران عمزه اد شاه حسین علی ابن مولوی وارث علی
 پسر شاه امجد حسین شاه شجاعت حسین داماد مولوی شاه حسین علی
 مذکور و یک دختر و یک پسر ایشان و برادر ثانی شاه امجد حسین بودند شاه
 مراد حسین یک دختر یک پسر ایشان شاه سخاوت حسین دختر زوجه
 اولی شاه راحت حسین بنیره میر احمد علی مرحوم شاه امجد حسین پسر ثالث
 شادی ایشان در موضع قاضی چک پرگنه مسوده ضلع پتته شد در کفویت
 مولوی غلام قادر مرحوم مفتی چک پسر و یک دختر ایشان چهارم پسر شاه امام علی
 اند شاه نهر حسین یک دختر و دو پسر ایشان هستند پنجم پسر شاه امام علی

شاه رحمت علی ذی اولاد هستند باقی دیگر کیفیات ایشان دریافت نشد
از اینجا که بزرگان نامی بودند اینچوار آنچه که دانست تحریر نمود و باقی در حضرت
بهار مشهور محله انصاری است شیوخ انصاری بوده ابا دانا بخلا یکی بزرگ
بودند شیخ محمد منیر ابن شیخ محمد بشیر زوج خواهر منشی سید محمد خلیل خوشنویس و دیگر
بزرگه از اولیا و کبار متصل جهان آباد اند اهل فزار اولاد ایشان ذی اقتدا
یکه از ان شیخ عبد القادر وکیل و از نو اسگان مولوی عبد القادر ابن حکیم
مولوی فیاض علی ابن مولوی افضل نسب جدی فاروقی دارند عم ایشان
کلانی مولوی محمد اسمعیل ثانی مولوی محمد فرید اند و ثالث مولوی فدحسین الایک
برادر مولوی عبد القادر حافط ابو احمد هر دو ذی اولاد اند و برادر مولوی
افضل علی حکیم بجلدن دیگر نام شان معلوم نیست زوج خواهر حضرت شاه
غلام حسن ابن جناب حضرت مولانا سید حسن رضا یک دختر شد ایشان را نام نامی
مسماة بصیر از وجه مولوی صفدر حسن اولاد نشد

پنجم فصل تحقیقاً اصل نسل مبنی بر سلسله فرعی در ذکر فرزندان
حضرت امام محمد تاج فقیه

فرع اول مذکور فریت مخدوم شاه اسمعیل قدس سره
فرع دوم مذکور اولاد مخدوم شاه اسرائیل قدس سره
فرع سیوم در ذکر اولاد مخدوم شاه عبد الغفری قدس سره

رده شمره شمره اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال منیر می والد مخدوم شاه
 شعیب رحمه الله علیه شمره دوم در ذکر اولاد مخدوم شاه سلیمان انگیز
 قدس سره باید دانست حضرت امام محمد تاج فقیه که ذکر نسب نامه ایشان بالا تحریر شد
 قولش می باشد که از اولاد عم آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب ورود
 این دیار من است در قصبه منیر سبزستان کفار بود و ملت شد مدغلط راجه مینار
 نام داشت در حق مسلمانان از عالم غیب با حکم حضرت بنیادین پناه مع اهل
 و دو لیسر خود وارد شدند بدین دیار راجه مینار چون در جنگ شکست یافت
 فتح اهل اسلام نصیب شد حضرت امام تاج فقیه در آن موضع طرح اقامت انداختند
 هر گاه زوجه شان کردند انتقال پیدا شد حزن و ملال و لایت این دیار
 بهر دو فرزند آن تفویض نموده و آنه بسوی مکه معظمه گشتند فرزند کلان
 مخدوم شاه اسرائیل ثانی مخدوم شاه اسمعیل هر دو برادر با خود با
 بموافقت ولایت میقیم شدند و حضرت امام محمد تاج فقیه در مکه معظمه رفته
 از خواهر زوجه عقد کاح برداختند یک لیسر شدند مخدوم شاه عبد العزیز
 نام حسب وصیت پدر بعد انتقال شان به ملاقات برادران رسیدند بعد
 او را که تعرف و نشان خاندان بمراجعت برداختند چنانچه مخدوم شاه عبد العزیز
 بمره برادر ماندند و مخدوم شاه اسمعیل تقسیم ولایت عبور گنگ در ضلع
 تربیت اقامت برداختند اولاد از هر یک برادران جاری شد حالا تحریر نمیدهد

فرع اول در بیان اولاد مخدوم شاه اسمعیل بن حضرت امام
 محمد تاج فقیه قدس سره واضح باد مخدوم شاه اسمعیل راشد فرزند
 چهارم یک صاحب مقام عالی تبار یکی ازان جمله کلانی مخدوم شاه ابراهیم
 ثانی مخدوم شاه منہاج الدین سیومی مخدوم شاه صلاح الدین چنگ
 مخدوم شاه ضیاء الدین پس بدانید این برادر مخدوم شاه منہاج الدین
 و مخدوم شاه ضیاء الدین را اولاد لشکر الابر و برادر ذمی اولاد شدند پسر
 مخدوم شاه ابراهیم مخدوم شاه علی اولاد ایشان بمقام کجا نوه موجود است
 الا از نام آنها خیر دانست الا دختر مخدوم شاه ابراهیم از مخدوم شاه
 جلال میثری ابن مخدوم شاه عبدالعزیز که خدا شدند و له الرشیدشان
 مخدوم شاه شعیب قدس سره کشیومی صاحب ولایت الا مخدوم شاه
 صلاح الدین را خلف الرشید مخدوم شاه علاء عرف شاه قاض بودند و
 پسر ایشان یکی مخدوم شاه ابو الفتح هدایت الله مست اولاد ایشان
 مشایخین موضع سیوره هستند پیش ازین نام دریافت نشد و پد ثانی
 مخدوم شاه صلاح الدین مخدوم شاه معروف بودند پسر ایشان مخدوم شاه
 علی پسر ایشان مخدوم شاه مبارک مشایخین موضع جنده از اولاد این
 بزرگ هستند یکی ازان مشایخین شاه حسین علی سجاده نشین انجا
 پیر جناب شاه امیر الدین سجاده نشین حضرت مخدوم الملک بودند

خلف ایشان بودند شاه بنده علی داماد کلانی جناب شاه امیر الدین
ممدوح اینقدر دانست نوشت

فرع دوم اصل اول در بیان اولاد و ذریه مخدوم شاه
اسرائیل بن امام محمد تاج فقیه قدس سره

واضح باد حضرت مخدوم شاه اسرائیل را دو فرزند رتبه بلند کلانی بودند مخدوم
یحیی منیری ثانی مخدوم شاه مظفر که در جوانی رحلت کردند اولادش اندک
حضرت مخدوم یحیی را کتختائی از بی بی رضیه بنت مخدوم شاه شهاب الدین
پیر چکوت گردند از لطن آن مخدوم چهار فرزند مراتب بلند شدند از هم
برادران خورد مخدوم شاه حبیب الدین که همراه برادر زاده خود مخدوم شاه
ذکی الدین ابن مخدوم شرف الدین بمقام شکر و رحلت کردند اولاد بوذید
کلانی مخدوم شاه خلیل الدین که مرید و خلیفه الداجد خود بودند سکونت در
مقام منیر داشتند نیز در انجامزار موجود دو فرزند ایشان یکی مخدوم شاه اشرف
خلف کلانی حضرت مخدوم یحیی منیری قدس سره مخدوم شاه خلیل الدین دو
پسر ایشان مخدوم اشرف الدین و مخدوم منور الدین بهر دو برادر مرید و فیض یافته
علم المحترم حضرت مخدوم شاه شرف الدین بهاری بودند اولاد مخدوم شاه
اشرف الدین جاری شد بدرجه هفتم انجناب در نسب حضرت مخدوم شاه
دولت منیری عالی تبار فیض آثار شده اند عقاب مانند برادرشان شاه

جلال الدین را فرزند شدند نسب بعد نسب علی الترتیب سجاده نشین
 قائم است چنانچه بزمان ابن فقیر شاه قطب الدین احمد ابن شاه مبارک حسین
 عرف شاه دهم من بودند حال ادا ماد شاه قطب الدین بعد شاه امجد حسین
 ابن حضرت شاه محمد سلطان بهاری محل چاند پوره جانشین فی اولاد اند
 برادر شاه مبارک حسین شاه لطف علی راد و سپهر شاه منور و شاه بهکین دو
 خواهر ایشان یکی زوجه شاه محمد منور کوجوبی سپهر ایشان محمد خلیل سپهر ایشان
 احتشام حیدر و تیریک دختر و دو فرزند دختر ثانی شاه لطف علی شاه اولاد علی
 و شاه فرزند علی در اینجا نسب بالا حضرت شاه مبارک حسین منبوسید و ارض با
 شاه مبارک حسین عرف شاه دهم من شاه لطف علی ابنان شاه محمد محمود
 ابن شاه محمد ملی ابن شاه عنایت الله ابن شاه اشرف منیری ابن شاه
 محمود حافظ ابن شاه محمد ابن شاه جلال الدین که برادر اعیانی مخدوم شاه
 دولت منیری بوده اند ابن شاه عبد الملک ابن شاه محمد اشرف منیری ابن
 شاه محمود ابن شاه سلطان ابن مخدوم شاه حسام الدین عرف شاه
 جهان ابن شاه اشرف الدین ابن مخدوم شاه خلیل الدین ابن مخدوم
 شاه یحیی منیری ابن مخدوم شاه اسرائیل ابن امام محمد تاج فقیه قدس سره
 فرزند دوم مخدوم شاه خلیل الدین ابن مخدوم شاه یحیی منیری بودند و
 برادر خود مخدوم الملک شاه شرف الدین احمد چنانچه در بالین مزار برادر اسوده اند

یک دختر ایشان بی بی رقیه نام از مخدوم شاه شمس الدین عم سید وحید الدین
چله کش که خدا شدند و دختر شدند با ایشان بی بی ماه خاتون دو
بی جمال هر دو از برادران عمزاد که خدا شدند از سید سکندر رسید که اولاد
سید سکندر جاری شد بموضع او ترالاری موجود اند و نیز در موضع گهرات
سید بشارت علی و غیره زیاده ازین کیفیت معلوم نیست الا فرزند مرتبه بلند
متوسط حضرت یحییٰ نسیری مخدوم الملک مخدوم شاه شرف الدین احمد
صاحب ولایت علاقه صوبه بهار با حضرت یک فرزند مرتبه بلند مخدوم شاه
فولی الدین بجالت مستی در عقب پدر بزرگوار جان بحق نمودند تسلیم بمقام شکر
کتبخانه سیادت شده بودند یک دختر ایشان بی بی بار که از سید وحید الدین
چله کش ابن مولا ما سید علاء الدین که خدا شدند نسب نامه ایشان
در سیادت تحریر شده است الحصول سید وحید الدین را یک پسر و یک دختر
نام پسر سید سجاد اکبر و نام دختر بی بی زهره از سید شهاب الدین جوهر
که خدا شدند علوی نسب بودند حالات ذریت فرزندان برادر و خواهر خواهد بود
در ذیل گفت مخدوم الملک دارمست چرا که ذکر طویل است از اولاد مخدوم الملک
از در باب ایشان مراد است

فرع سوم اول در بیان اولاد مخدوم شاه عبدالعزیز نمینی بر دو
شمار اول در ذکر اولاد مخدوم شاه جلال نسیری و اولاد مخدوم شاه شعیب

شمره دوم فرج سوم در ذکر اولاد محمد و شاه سلیمان لنگر مین
 بیان شمره اول و طالات مخدوم شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه
 عبدالغزیز واضح باد که خدای مخدوم شاه جلال منیری از صبیبه مخدوم شاه
 ابوبکر برادر مخدوم شاه عیسی بیان مخدوم شاه ابراهیم ابن مخدوم شاه
 اسمعیل کرد نام آن بی بی سعیده از لطن این بی بی کیفرزند ترسب بند
 مخدوم شاه شعیب قدس سره دیگر اولاد نشد احوال مخدوم شاه شعیب
 قدس سره در ایام طفولیت از جانب پدر شد یتیم پرورش یافتند از خانه مایه
 جدادری ایشان تربیت و تعلیم نمودند بمقام کجا فوان رحلت پدر شد بمقام

قصیده منیر

بیان حالات شیخ المسلمین حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره شیخ پور
 واضح باد وقت رحلت پدر بزرگوار بعمر هفت سال بودند هر گاه بس شعور رسیدند
 روز بروز در جسم لاغری عیان شد از والده ایشان کیفیت خورش و نوش
 پرسیدند در جواب گفتند در طعام خوردن نوش و نوش دروغ نیست الا خایفان لا نخویم
 شده چون از ایشان پرسیدند سبب لاغری جسم و اتقات نمودن و خوردن و نوش
 عرض ساخت هرگز مرا غم تیمیمی نیست و نه شکایت زرق میکنم الا ما برای بگیرد
 چنین است سوی گورستان رفته بودم دیدم چند مردگان قبر مبتلا بغداد
 در حق ایشان دعا و مغفرت نمودم ازان روز مرا سبب خدا عالی طاریست

و سلسله اشک جاری میخوام عزت اختیار کنم بگوشه شوم متواری در آن روز
 جدادری ایشان بطفلان مانع شدند شعیب را همراه گبورستان مبر و گفتند
 و نیوقت این طفل را کیفیت کشف القبور پیدا شده و تاکید بر معلم ایشان نیز
 گفتند ز خبر تو بیخبر گزرا این عزیز رواندارید این ولی المدت یکله از واصلان
 گرچه بجز خورد است حکایت است روزی همراه او ستاد خود بهر کاری
 میرفتند در آن راه دیدند کمنه دیوار بست کرده بر دیوار شدند سوار چون
 معلم از پس ایشان دو ان بکلم ایشان دیوار شدند و ان نقل میکنند هنوز
 موضع کجا نوان ان دیوار همچنان موجود است مردمان زیارت او میکنند
 بر خاص و عام میشوند فاتر المرام هر گاه جدادری ایشان یافتند وفات
 عمرشان زده ساله در الوقت بود از اجازت مادر خود روانه بسوی منیر شدند چند
 در اینجا قیام کرده از زیارات فرار پدر و جد بزرگوار فراغت یافته از انجام راهت
 کرده در قصبه دانا پور جاے عافیت یافته گوشه نشین ماندند در یاد الهی
 مشغول شدند بعد چندی چون چله تمام شد از اینجا روانه شدند بسوسے
 را جگیر خبر برادر معظم خود شنیده بودند که در اینجا مخدوم الملک گوشه نشین اند
 چون اندر چله حضرت مخدوم را مدن ایشان منکشف گشت بیرون آمده
 ملاقات کردند و گفتند ای ماتنها درین جنگل بیابان میانم و تو نوجوان هستی
 جای خطر است از شیر و اژدها و پونها را اینجا مباش اما دان روانه سر باطن

تلقین کرده ایشانرا خست نمودندی آرند از آنجا جانب دیار شرقی عازم
 سفر شدند در اثنا راه بمقام شیخچپوره در دامن جبال بیرون آبادی آمده
 جائے عزلت نشین گردیدند چون ساکنان آنجا ملک زادگانرا خبر شد مجوز
 بهر استقامت آبادی و معتقد از کرامات شدند فرمودند ثمانیزدین بیابان
 اگر جوار سعیت میخواهند چون این کیفیت بوالده ماجده ایشان رسید از عمر
 مفارقت شده بود بهر دیدار نورالابصار تشریف آوردند ایشانرا انکشاف
 این امر دست داد بهر ملازمت والده ماجده بطور استقبال رفتند بمقام
 تورپرگنه غیاثپور ملازمت شد حصول عرض کردند جائیکه میباشم بر خطرا
 از فرزندگان تشریف بری آنمخوومه در آنجا مناسبست در اینجا تشریف
 دارند امروز پنجشنبه در آنجا به زیارت خواهیم رسید میگویند تاحیات والده
 ماجده همین معمول داشتند به زیارت میرفتند هر چند وقات والده آنجناب
 در آن موضع ست زیارت عام و خاص القصد چون ازین تعلق طمانینت
 قلب شد از شیخچپوره سفر دیار شرقی نمودند بعد طی منازل رسیدند بمقام
 که کوچ بهما زمانند الی آنجا راجه بود از قوم هنود او معتقد جوگی سید
 بود جانی چله با میکرد از جوگی ملاقات کردند پرسیدند تو چله یکیشی یا چلی گفت
 چله میدانم الا چلی چیست فرمودند مخدوم چلی گوشه نشینی دوازده سال را گویند
 و چله چهل سال باشد آخر بمقابله راجه آنجواردن او هر دو قصد چله کردند

بی آب ودانه بنیت چهل سال بیرون شهر جدا جدا هر دو غزل نشین شدند
 بی آب ودانه و هر دو جای را از هر چهار طرف دیوار کرده راه آمد و رشت کردند
 مسدود نقل نمایند این ماجرا را بالا شد از چهل سال را که این در وقت و نیز
 راجه بمرد الا در آن زمان نمیره راجه مذکور حکومت راجگی بود بعضی کسان
 دیرینه الوقت با کیفیت شنیده این شرط چله راجه را کردند خبر دار راجه در آن وقت
 این کیفیت شنیده معماران را حکم جای هر دو چله و اگر در آن دو چون جای
 جوگی کشا و ندخرا استخوان بوسیده چیزی نیافتند الا چون جای غزلخانه آنحضرت
 و اگر دندنا رحیات یافتند ذکر انفاس بود جاری فوراً راجه با احتیاط تمام آنحضرت
 را جامی محفوظ و اگر در داشت و از مایش روغن و غذای حقیقت مهتمم خدمت
 شد بعد یکماه قوت جسمانی شد حصول از راجه شده خوشنود و عا کرده در حق
 شان از انجام مراجعت سوی موضع شنبوره نمودند درین حال انتقال مخدوم الملک
 قدس سره کردند و نیز رحلت مولانا مظفر است از دیروزانه منقولست که حضرت
 مخدوم الملک وقت انتقال بمولانا مظفر بلخی قدس سره چنین فرمودند
 که روزی از روزنا برادرم شاه شعیب درین نواح خواهد رسید خبرت بیت چند
 نوبت بیعت نرسیده است این تبرکات و خرقة فقیر باورسانی و هر که گوید درین
 مدانی چنانچه انتظار می کشیده وقت رحلت اینها تقویض به مخدوم شاه حسین
 کرده بودند بدان وصیت هرگاه مخدوم شاه شعیب رسیدند بمقام شنبوره

در یافتند حال انتقال این بزرگوار قصد کرده به زیارت هزار در آنوقت مخدوم
 شاه حسین نیز معتکف بودند این حال در یافته فرزند خود مخدوم شاه حسن را
 مع خرقة و تبرکات روانه سوی شیخپوره کردند بدان وصیت می آرد در اثنا
 راه ملاقات شد از هر دو بزرگوار زیر درختی معانقه و مصافحه با خود باگشت
 بعد ساعتی تبرکات آورده خویش مع خرقة پیش کردند چنانچه با وضو شده آن
 خرقة را پوشیدند و سرنجیب در مرقبه شدند گفتن البته ازین خرقة فیض کمال
 شد حصول آلهنوزامر بیعت بچنانا آورده ام بدستور معمول دست خود بسیار
 بیعت نمایم مخدوم شاه حسن کمال عجز و اعتذار متامل شدند فرمودند آنچه که
 والد بزرگوار گفته بودند از ان دریغ مدار این دست شما دست شرف الدین
 قدس سره است احامل بعد حصول امر بیعت هر دو بزرگوار از یکدیگر می رخصت
 شدند مخدوم شاه شعیب جانب شیخپوره روانه شدند و مخدوم شاه حسن بسو
 بهار آمدند و ماجرای از پدر بزرگوار بیان کردند حاصل کلام اقامت
 مخدوم شاه شعیب در مقام شیخپوره شد حال که جای مزار است مشهور کما سن
 واضح باد حضرت مخدوم یک عقد و نکاح در کفویت خود کردند از لطن آن روزه
 سه پسر و از لطن دختر سلاطین یک پسر از هر دو زوج اولاد شد جاری حرکات
 کرامات و حالات آنحضرت بسیار است از کتابی تصنیف یکی از خلفا نشان
 انتخاب کرده نوشت بطور اختصار از اولاد آن مخدوم و فریق اندسینه مذہب

و امامیه مذہب سکونت ایشان فریب فرار و سکونت اہل سنن بیرون آبادی
 قصبہ جانب مغرب معروف است میگنہ شیخپورہ در انجا مشایخان میمانند باید
 دانست لقب چهار فرزندان مخدوم حسین ست کلانی پسر شایہ بہار الدین
 ثانی شاہ محمد منصور سومی شاہ مظفر این ہر سہ از یک مادر اند و لا اولد سومی
 ذمی ولد الا جانشینی ترتیباً و امر بیت در برادران یکے بعد دیگری ماند چارمی
 شاہ حیدر عرف شاہ خدا بخش الحاصل شاہ مظفر پسر شاہ نظام الدین
 کہ از دختر عم خود شاہ خدا بخش شدند کہ خدا و بعدشان زیب سجادہ گشتند و
 پسر شاہ خدا بخش شاہ غلام حیدر ہر دو ذمی اولاد الا طبقہ اہل تسنن از اولاد
 شاہ نظام الدین اند و طبقہ اہل تشعیہ از اولاد شاہ غلام حیدر در اولاد ایشان
 امراسی ذمی جاہ و صاحب منصب اند زائر حسین خان و محمد حسن خان و محمد کچی
 خان خلف نواب ابوالقاسم خان وغیرہ چنانچہ زائر حسین خان و محمد کچی خان
 و یکی از نواسہ محمد حسن خان نواب الطاف حسین خان و برادر علی قاسم خان نواب
 ابراہیم خان خلف ایشان نواب نصیر الدین علی خان چند فرزندان ایشان
 نواب عنایت حسین خان و نواب غلام علی خان و علی محمد خان و عزت علی خان
 و علی بخش خان و نیز اولاد برادر نواب نصیر الدین علی خان موجود اند اولاد
 در اطراف موضع تیلادہ شاہ احمد حسین مرحوم و نیز در اطراف اند بدین مذہب
 و آنانکہ در مذہب سنیہ اند سکونت پذیر میگنہ اند شاہ تراب علی سجادہ و ذمی

وخواهرزاده ایشان شاه جمال علی سپه‌باشان شاه مظفر و یکی از فرزندان
 مخدوم مظفر حسین جان و میر امید علی صاحب و میر سعادت علی نسب جدی ایشان
 بحضرت سید شاه فضل الدین عرف سید گو سائین و میر شاه محمد علی صاحب
 و شاه لطافت علی صاحب و میر عبدالمحسین و اخوان نیز ایشان اند که نام هر یکی
 یاد نیست الا ترتیباً واسطه نسب دو بزرگ که به یکی نسبت قرابت و دیگری سلسله
 بیعت است مینویسد آنچه که یافت دریافت یا بدانت یعنی از فرزندان
 حضرت شاه نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب
 قدس سره جناب شاه ابراهیم حسین نوابادی که در قرابت برادر جد ماجد
 این فقیر حقیر اند اول کیفیت نسب شان تحریر میسازد یعنی شاه ابراهیم حسین
 ابن شاه فتح علی ابن شاه محمد صفی ابن شاه محمد رفیع ابن شاه عبد الغفریز
 ابن شاه عبد الرزاق ابن شاه جلال ابن شاه فیروز ابن شاه نظام الدین
 ابن مخدوم شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره ابن مخدوم
 شاه جلال منیری ابن مخدوم شاه عبد الغفریز ابن مخدوم شاه
 امام محمد تاج فقیه ذکر اولاد و برادران ایشان بعد ازین در ذیل حضرت
 نوابادی خواهند نوشت در اینجا ذکر نسب حضرت مخدوم شاه حسن علی
 قدس سره مینویسد واضح باد حضرت مخدوم شاه حسن علی و شاه عالم علی
 هر دو برادر فرزندان حضرت مخدوم شاه شعیب قدس سره اند یعنی مخدوم

شاه حسن علی ابن شاه محمد امام ابن شاه اکرام ابن شاه ابوالفتح
 ابن شاه عبدالرزاق ابن شاه محمد جلال ابن شاه محمد فیروز ابن شاه
 نظام الدین ابن شاه مظفر ابن مخدوم شاه شعیب قدس سره
 این مخدوم شاه جلال منیری و شاه عالم علی علیه الرحمۃ را یکدختر و یک پسر
 شاه جلال الدین لا ولد الا اولاد دختر سه پسر یکی شاه ممدی علی
 که بعد خال خود شاه جلال الدین علیه الرحمۃ سجاده نشین شدند چون پسر
 نداشتند بعد ایشان برادر خور و ایشان شاه واعظ علی صاحب
 سجاده نشین کردند حالا موجودی اولاد اند و برادر متوسط ایشان را
 نام یادست الا بار با ملاقات کرده است از آنجا که پیران طریقت بودند
 و تحریر کیفیت نسب بر خود واجب دانست نوشت و شاه واعظ علی صاحب
 جدی نسب از حضرت شمس الدین حقیقی دارند

شماره دوم فرغ سوم اصل اول در ذکر نسب و اولاد حضرت
 مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین که سکونت در موضع نواآباد
 خور و عظیم آباد و دانا پور دارند

باید دانست مخدوم شاه سلیمان لنگر زمین ابن مخدوم شاه عبدالعزیز
 ابن حضرت امام محمد تاج فقیه فرزند کلان پاشانی حضرت مخدوم شاه عبدالعزیز
 اندشادی ایشان از دختر مخدوم شاه شهاب الدین عرف پیر جگوت

گرویده نام آن بی بی تحقیق این خاکسار از کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش
 فردوسی بی بی هدیه و از بیان صاحبان نوآباده که اولاد اند بی بی کمال
 الحاصل از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند نام دختر بی بی
 کمال روجه مخدوم شاه حسام الدین والده مخدوم شاه حسین غریب
 دهبوگر پوش که در پورینه فرار واقع است و یک خواهر نیز ایشان مسماة
 بی بی دولت الحاصل فرار همه مخدوم شاه سلیمان و بی بی کمال و مادر
 دختر ایشان در موضع کاگو واقع اولاد این حضرت اند باستماع آمده اولاد
 پسر عین اولاد بی بی کمال اند

شمره سوم فرع سوم اصل اول در ذکر اولاد مخدوم شاه عطار السد
 قدس سره واضح باد مخدوم شاه عطار السد ابن مخدوم شاه سلیمان
 لنگر زمین که نواسه حضرت پیرچنگوت اند یک خلف الرشید ایشان مخدوم شاه
 تاج الدین ابنه مخدوم شاه عبدالملک ابنه شاه عبدالغنی ابنه شاه عبدالوهاب
 ابنه مخدوم شاه احمد چستی قدس سره فرار ابن همه بزرگوار در جوار جد و پدر
 بزرگوار است باطراف موضع کاگو آلا مخدوم شاه احمد چستی را بیعت و تربیت
 از حضرت دیوان شاه محمد سلطان چاند پوری محله نمحلات حضرت بهار
 که نبیره این مخدوم دیوان شاه فرید طویله بخش ابن دیوان سید شاه ابراهیم
 ابن سید شاه جمال اولیا ابن سید محمد بدونی که برادر عم زاد حضرت سلطانی

الاولیا محبوب الهی نظام الدین لویا بودند طریق چشتیه نظامیه
 سراجیه بود القصد حسب تفویض ولایت از امر پر خود سکونت در نواباده نمودند
 قریب موضع بیکٹه پور سه فرزند حضرت مخدوم شاه احمد چشتی بودند یکی مخدوم
 شاه حسن عرف مخدوم شاه بڑی و دو دختر لیل با ایشان بودند هر یک
 از برادرزادگان کتخزاد و بی مخدوم شاه حسین متوسط برادر فرزند ایشان
 مخدوم شاه عبدالرزاق پسر ایشان مخدوم شاه عبدالحمید ولد ایشان مخدوم
 شاه عبدالحمید یک دختر ایشان بی بی تاجا روجه میر سید محمود ابن میر سید محمد
 ابن میر سید صدر جهان یا قری نسب دانا پوری و نیز حضرت مخدوم شاه
 عبدالحمید ابن مخدوم شاه عبدالرزاق را یک دختر بی بی شرفه زوج
 میر سید محمد اکبر ابن قاضی سید عماد الدین ابن قاضی سید عبدالفتاح مدعو
 قاضی بڑی رضوی نسب دانا پوری سه فرزند حضرت میر سید اکبر مذکور
 میر سید جهانگیر که بیعت و تربیت ایشان را از جد اوری مخدوم شاه عبدالحمید
 بود دوم میر سید مکارم پدر میر سید اکرم سوم میر سید مقتدر والد ماجد قاضی
 سید رکن عالم حالا اولاد دختر می این بر سه برادر اند از ان جمله این خاکسار
 و برادران عم زاد را نواسگی میر سید محمدا بن میر سید جهانگیر قدس سره و
 از نواسگان میر سید سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم میر حسین بخش
 کوچوی والد ماجد شاه اظهر حسین دویمی شیخ محمد یار جد شاه داود مرحوم

گفت این بزرگوار تبصریح در ذیل اینها نوشته خواهد شد الا اولاد بسدی فقط
مخدوم شاه خوند شیخ بنوز موجود است این بزرگوار مخدوم شاه خوند شیخ
از انجا براسته قریب یک کوه موضع آبا و کرده تکیه ساخته معروف نوآباد
خورد و آن معروف نوآباد کلان است ضمیمه شماره سوم خلف الرشید مخدوم
مخوند شیخ دیوان شاه تیم الدان به شاه تاج الدین محمد ابن شاه عنایت الد
که از نام ایشان چک آبادست و و فرزند ایشان رتبه بلند یکی مولوی شاه
طیفور الد خواهر زاده ایشان میر سید احمد و دختران ایشان یکی بی بی
ترتیباً زوج شاه برالحق دومی ترکیباً زوج میر سید محمد محمود ابن میر
سید محمد ثانی نوآباد کلان اولاد دختر می ایشان شد و مولوی شاه طیفور الد
لا ولد الا برادر ثانی ایشان مولوی شاه منور الد ابن شاه عنایت الد
اولاد شد حالا اولاد ایشان موجود اند مولوی شاه منور الد زوج ایشان
عمه میر سید وجه الدین عرف سید بولن بودند سه پسر مولوی شاه منور الد از آن جمله
یکی شاه خلیل الد اولاد ایشان نشد و دومی شاه مسیح الد یک دختر ایشان
مسماة جمیله زوج شاه نورالحق پسر کلان مولوی شاه امین الد و پسر
شند بشاه مسیح الد یکی شاه مطیع الد و دومی شاه شاد الد هر دو اولاد
الا پسر کلان شاه منور الد مولوی شاه امین الد بودند الا کلان
پسر شاه امین الد شاه نورالحق بودند سه پسر ایشان یکی شاه محمد غیب الد

زوج بی بی بلاقن لا ولد دومی شاه منیر الحق و دو دختر ایشان هر دو
 لا ولد و یک پسر شاه محی الحق عرف بالوکسی پسر و دختر ایشان نیست
 الا پسر کلان شاه نور الحق شاه ضیاء الحق بودند از سماه بچین دختر
 میر سید حامد محمود ابن میر سید محمد که خدا سه دختر از بطن این بی بی یک مسماة
 مخدومه زوج جناب حضرت سید شاه بچی علی ذی اولاد دومی مسماة مستقمة
 لا ولد دومی مسماة سکینه زوج شاه معین الحق عرف شاه محمد یعقوب
 ابن مولوی شاه بدر الحق ابن مولوی شاه امین السد مذکور الصدرا بطن
 این بی بی یک دختر و سه پسر شدند بجز دختر همه ذی ولد اند نام دختر مسماة
 حسینا زوج اولی میر سید هدایت حسین عرف سید چلو ابن میر مظفر حسین
 لا ولد این جهان وفات یافتند پسر کلانی شاه ظهیر الحق از دختر
 میر سید حامد حسین شادی کردند یک پسر و یک دختر ایشان نام پسر شاه
 فرید الحق از دختر خال کلان خود که خدا یعنی از دختر سید محمد حسین
 هنوز اولاد نیست از دختر از سید الفت حسین ابن سید محمد حسین ابن
 سید شاه غلام حسین شملوی الا شادی دوم ست سید الفت حسین پسر ثانی
 شاه مظفر الحق از دختر خالای خود منسوب شدند نام زوج ایشان مسماة
 فضیلت النساء دعوی از بطن این بی بی چهار پسر و سه دختر و پسر
 در ایام صغری رحلت یافتند اولاد پسر ذی ولد اند کلان شاه نصیر الحق

شادی اولی از دختر عم خود نمود و برادر او است یک پسر محمد کبیر و دختر
 نیز اند بعد رحلت زوجه خود شادی ثانی کردند در قصبه منیر از دختر شاه
 اولاد علی ازین زوجه نیز اولاد اند و برادر ثانی ایشان شاه صغیر الحق
 از دختر سید شاه علی حسین ابن سید شاه غلام حسین شملوی که خدا شد
 بفضل ذی اولاد اند و خواهر ان ایشان کی زوجه اولی سید الفت حسین
 مذکور که خدا از ان نیز اولاد اند و ثانی زوجه شاه محمد نظام الدین ابن شاه
 غفور الحق که خدا پسر و دختر ان موجود کی زوجه شاه محمد واجد ابن
 شاه حسین علی و بی همنوز نا که خدا پسر حافظ حسام الدین طلال السعمر
 و علمه همه و جوه یقین است پسر سوم شاه غفور الحق که خدائی ایشان نیز
 از دختر خور و خاله ایشان گردید مسماة بصیر النساء عرف بسو دختر جناب حضرت
 سید شاه یحیی علی یک پسر ایشان شاه محمد نظام الدین مذکور بالا از دختر
 عم اوسط که خدا مذکور پسر دختر ایشان ما قبل کرده الاد و خواهر ان ایشان
 کی زوجه اولی شاه نصیر الحق مذکور ثانی زوجه پسر دیوان مولانا بخش
 نام در نوقت یا و نامذ بفضل ذی اولاد اند و یک خواهر شاه نصیر الحق زوجه
 بنیده زوجه
 عم ابن سید شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی ابن
 جناب حضرت سید شاه یحیی علی و هر دو برادر شاه نصیر الحق و شاه صغیر الحق
 و شاه محمد نظام الدین تو اسر جناب حضرت شاه یحیی علی قدس سره اند و

انحضرت بقربت عم المعظم امین خاکسار بودند و هر دو برادران شاه مظفر الحق
 و شاه غفور الحق میرد بطریق عالیستقامتیه نظامیه از پدر بزرگوار خود اند
 الا تربیت یافته باطنه و خلافت نعمت بسلسله ابوالعالیه از جناب حضرت سید
 شاه سجلی علی قدس سره اند الله تعالی مع ذریات ایشان را فائز مرام دارد
 ثمره فرخ دوم اصل اولی بقیه ذریت حضرت امام تاج فقه پسر سوم
 مولوی شاه امین الله از شاه طیب المد فواسمه حضرت شاه سیف المد

مولوی منجلیات بهار

واضح باد حضرت شاه طیب المد پسر ثالث مولوی شاه امین المد در موضع
 موژه در کنار تربیت جدادری خود شاه سیف المد رحمة الله علیه ماندند
 کتخانی ایشان در اولاد مخدوم شاه بدرالدین بدر عالم زاهدی گردید از
 مسماة جگن دو برادر ایشان یکی میر سیف الدین عرف میر سوبخ نام
 دیگری یازدیت احوصل جناب طیب المد از بطن امین بی بی چهار دختر
 و دو پسر یکیشتمنه اندالذات شاه بهار الحق که صاحب جود و سخا بر ذات
 تکلف نه بلباس داشتند و نه در خورش نوش مجرمانند نه پذیرا گردند تعلق
 اهل و عیال اولاد و برادرشان اولاد امین هستند برادر ایشان شاه
 تراب الحق روح عمه امین خاکسار ذکر اولاد ایشان در ضمن اولاد جد ما
 خود خواهند نوشت طویل الذکر است پنج پسر و دو دختر ایشان ذوی ولد شدند

و خواهر ایشان یکی والده میر محمد حاصم یک دختر ایشان کتخدا از شاه
 محمد سجاد ابن جناب شاه تراب الحق مذکور و اولاد دختر ثانی بودند و دختر یک
 بی بی مبارک زوجه شاه فخر الدین برادر اوسط شاه کبیر الدین سجاد شین
 مقام سهرام والده شاه محی الدین عرف لالا میان ذی اولاد اند
 و دختر ثانی بی بی سلامت بموضع رحمت در اقران کد خدا آنهم ذی اولاد
 اند باقی حال که دختران بخوبی معلوم نیست شاید یکی از میر عنایت علی کد خدا
 بودند ثانی اولاد شاه طیب السمر حرم از محل ثانیه یک دختر و سه پسر یکی
 شیخ صادق علی والدناظر دلاور علی و دیگری شیخ خورشید علی والد شیخ قربان علی
 سومی دارنده ولایت علی بود

فرع چهارم اصل اول شجره اولاد حضرت مخدوم الملک شاه
 شرف الدین فرودوسی بر چند شمرو یک شجره که طویل الذکر است
 بتصریح بیان میکند

باید دانست حالات و کرامات آنحضرت مخدوم الملک و کتاب مولود شرفی
 بخوبی بیان کرده است این فقیر حقیق چونکه این کتاب نسب نامه بود درینجا
 حاجت تحریر نبود و نسب نامه بالا حضرت امام محمد باج فقیر با قبل تحریر شد
 احتیاج مکرر تحریر نیست باینشاید حضرت مخدوم الملک در مقام سنا
 گانون متاثر شدند از لطن آن بی بی یک پسر عالی قدر متولد شدند

شاه ذکی الدین حسب روایت بمقام شکر دیه اقامت بود و خانه شرفا
 از سیادت عقده نکاح نمودند یک دختر خسته اختر متولد شدند بی بی بار که نام
 بود چون از غناب و جلال والد خود رحلت بدان مقام کردند چند کسان از آنجا
 آن بی بی موصوفه را آوردند ایام رضاعت نیز ختم نشده بود و عرض کردند
 آنها که یا محذوم این دختر پسر آنحضرت است فرمودند اگر همچنین است خود بخود
 نزد من آید می آرند آن صغیره تر زمین را نو کرده بزانو مبارک حضرت محذوم
 الملک آمده نشیند محذوم بر حال تیمی او شدند اشکبار گرفتند بکنار میگونید بر
 پشت مبارک حضرت محذوم الملک یک مسه سرخ رنگ بود آنرا آن قره لعین
 از لب خود می مکیدند شیر می برآمد از کرامات او یا عجب نیست اصحاب این
 ناز پرورش یافتند چو بالغه شدند از سید و حید الدین چلکش ابن سید
 علا را الدین کتخا کردند و سید و حید الدین خواهر او پذیر شد حضرت
 محذوم بودند یعنی همشیره زاده خواجه نجیب الدین فردوسی قدس سره ^{نیست}
 از بطن بی بی بار که سید و حید الدین را دو فرزند شدند یک پسر و یک
 دختر اسم مبارک پسر سید عبداللہ و عوسجا و اکبر شاد می ایشان در کهنوت
 جدی کردند یک پسر ایشان سید ابو محمد عرف سید پیارے و نام دختر سید
 و حید الدین بی بی زهره بود از سید شهاب الدین جوهری علوی نسب
 که خدا شدند یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر سید زین العابدین و نام

دختر بی حفظه از سید ابو محمد چاری کتخدا شدند از بطن این بی بی چهار پسر
 متولد شدند یکی شاه مسیح الدین و دومی شاه فصیح الدین هر دو اولاد سومی شاه
 امام الدین اولاد ایشان گشتند بسیار در اردل و علاقه سهار موجود اند و نیز فرزند
 این بزرگوار در اسحار در مقام بدر ابا و قریب اردل مزار سید وحید الدین
 چلکش است و بمقام سینه اقرب پلاسی مرقد این بزرگوار است الا
 فرزند چاری سید شاه علیم الدین عرف شاه بیکه را که معذور از پاهای بود
 خدام در گاه مخدوم الملک در آنجا رفته در حضرت سهار آورده مسند نشین سجاد
 متبرکه نمودند و در گاه غیره پیشکش آنحضرت و اولاد ایشان بعد
 حصه و هم یا پیام حصه خود با کردند و خدای بطور خاصیت بجا آوردند چون
 سلسله اقامت شد اولاد این بزرگ مخدوم زاده معروف شدند در جومات
 خلایق در سرکار ایشان روداد واضح باد حضرت سید شاه علیم الدین را
 دو فرزند یکی شاه لعل و دومی شاه جلال کلانی را اولاد نشد الا
 فرزند شد بشاه جلال سمی شاه خوند لپرانیشان شاه محمد پسر ایشان سید
 شاه احمد فرزند ایشان شدند کثیر شجره اولاد سید شاه احمد شش پسر بی
 بر شمر چند از آن جمله یکی شاه محمد و دومی شاه مصطفی سومی شاه بهادر علی
 چاری شاه عبد السلام پنجمی شاه عبد القادر ششم شاه عبد الحمی
 اقصی شاه محمد را یک پسر شاه عبد الحکیم دومی شاه عبد الحکیم هر دو برادر اولاد

شدند و شاه عبدالحمید را یک پسر شدیحی نام اولاد نام تمام و میر سید علی نقی
 را اولاد نشد الا دو برادر شدند ذوی اولاد سید عبدالسلام و سید شاه مصطفی
 اند ما جبرائیل مرام مفصلاً نوشته می آید بایر شنید فرزند شاه مصطفی شاه
 قطب علی دو پسر ایشان شدند یکی شاه نظام الدین دومی شاه
 حسام الدین ذاکر اولاد ایشان بعد ذکر اولاد برادر کلان خواهد نمود و حالا
 ذکر اولاد شاه نظام الدین بن شاه قطب علی مینمایم که بیان طویل است
 شمره در بیان اولاد شاه نظام الدین ابن شاه قطب علی
 باید دانست شاه نظام الدین را شدند چهار پسر از آن جمله یکی شاه علی بخش
 دومی شاه مصطفی ثانی سومی شاه فیض علی چارمی شاه عبدالعزیز
 که اولاد رفتند از خالم از فرزندان شاه علی بخش یکی قطب علی ثانی
 دومی شاه اسد علی اولاد الا شاه قطب علی ثانی را یکی شاه نظر علی اولاد
 دومی شاه رحمت السعدت شاه دهورن ایشان را یک دختر
 روجه منشی کریم بخش و سه پسر یکی شاه نور الدین احمد مدعو شاه بباون
 که خدائی ایشان از دختر خود پهری حبیب الدگر دید یک پسر و یک دختر
 ایشان دختر روجه شاه امیر علی ابن منشی سید کریم بخش پسر ایشان شاه
 محبوب حسین و پسر شاه باون شاه خورشید حسین که از دختر عم او وسط
 گنجا شدند دومی شاه کریم الدین و دختر ایشان یکی روجه شاه خورشید

مذکورہ بالا دومی زوجہ شاہ فرزند علی سپر خود ندشی کریم بخش مذکور الصدا
 سومی شاہ نسیر الدین احمد عرف شاہ محمدی در مقام راجگیر در قرآن
 شد شادی ایشان دو سپر و دو دختر ایشان یکے زوجہ میان جان علی بن
 ندشی رمضان علی دومی زوجہ شاہ وحید الدین ابن میر قائم علی ساکن
 سوہ و خلف کلانی شاہ نسیر الدین احمد عرف شاہ محمدی شاہ قمر الدین
 دو شادی ایشان از دختر میر امانت علی مرحوم گردید یکے بعد دیگرے
 و خلف ثانی شاہ صاحب مدوح مولومی وحید الدین شادی ایشان
 نیز یکے بعد دیگرے از صبیہ میر شرافت کریم گردید کیفیت ذوی ولدی ہر
 دو صاحب معلوم نیست

شمارہ دوم در ذکر فرزندان شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین

باید شنید فرزند شاہ فیض علی ابن شاہ نظام الدین چہار بوند از آنچکہ یکے
 شاہ حسین علی دومی شاہ غلام شرف الدین سومی شاہ کریم الدین
 انغرض این بہر سہ برادران لا ولد رفتند ازین عالم لازمی ولد فرزند چہار
 شاہ عظیم الدین دو سپر ایشان یکے مظفر علی دومی شاہ کریم الدین
 ثانی بایشان نیز دو سپر یکے شاہ امجد علی دومی بدو عرف شاہ
 بدھو واحد العین لا ولد سپر شاہ مظفر علی شاہ علی بخش بوند سپر ایشان
 شاہ تراب علی سپر ایشان محمد یعقوب عرف دمری مفتو و النجر الا شاہ

مصطفیٰ ابن شاه نظام الدین مذکورہ بالا ذمی اولاد شدند یکے شاه
 مرتضیٰ بخش دومی شاه جلال الدین سومی شاه یحییٰ علی پس
 شاه مرتضیٰ بخش رانیز سہ پسر یکے شاه عیوث علی دومی شاه فتحعلی سومی شاه
 فیض علی کیفیت ذمی ولدی شاه عیوث علی دریافت نشد الا بہر دو برابر شاه
 فتح علی و شاه فیض علی اولاد شدند

شمارہ سوم

پسر شاه فتح علی یکے شاه حمید الدین دومی شاه فرحت علی سومی شاه امان اللہ
 عت منو پسر شاه حمید الدین شاه بخشش علی دومی شاه قاسم علی
 و شاه محمد سعید ہمہ ذمی اولاد شدہ ازین عالم بی اولاد شدند

شمارہ چہارم در ذکر اولاد شاه فقیر علی

شاه فقیر علی راد و پسر کی شاه لطف علی اولاد ایشان نشد دومی شاه
 افضل علی چہار پسر ایشان ہر یکے عالی تبار ذمی اقتدار یکے از انجمل
 شاه واجد علی ستوطن موضع سانہ قیام در خسرو پورہ کردند چند دختر ایشان
 و دو پسر یکے دختر زوجه شیخ نواز شہ حسین کہ پسر و یکے دختر از بطن این بی بی
 شیخ محمد اجل و اجل حسین کیفیت ایشان بالا نوشتہ شدہ است در فصل دوم
 در ذکر شیوخ فاروقی نسب الاد و دختر ثانی زوجه مصاحب علی خان و دختر ثالث
 زوجه میر یار علی ساکن پور نہ پرگنہ ارو دل ماوراء الدین ذمی ولد اند

دو پسر کلانی شاه امیر علی داماد شاه علی امجد شیخ پوروی زوی ولد شدند و پسر
 ثانی شاه فرزند علی داماد شاه سلامت علی عم خود زوی ولد شدند پسر دومی شاه
 افضل علی شاه ذاکر علی داماد خال خود شاه عاشوری یک پسر
 ایشان شاه ابوتراب داماد عم خود شاه سلامت علی پسر ایشان شاه وجه الدین
 داماد نسی امیر علی سومی شاه سلامت علی ابن شاه افضل علی سه پسر
 پنج دختران ایشان یک دختر روجه شاه فرزند علی ابن شاه واجد علی و دو دختر
 روجه شاه ابوتراب یکی بعد دیگری و یک دختر روجه شاه براتی و یک دختر روجه
 شیخ محمد حسین الا فرزند کلانی ولایت حسین داماد شاه داود علی پسر ایشان
 شاه محمد جعفر داماد خور و جناب حضرت شاه امیر الدین سجاده نشین دو پسر
 و یک دختر ایشان ار و اسد ایشان خانه اجداد است آبا و دوی پسر شاه
 ارادت حسین داماد شاه جان علی شیخ پوروی یک دختر ایشان زوجه
 بادی علی خان نواسه نواب محمد حسین خان مرحوم زوی ولد پسر سومی شاه
 امید علی داماد سید شاه غلام حسین شملوی دو پسر ایشان یکی شاه وزیر جان
 دوی شاه بنو جان هر دو زوی اولاد اند سومی پسر چهارمی شاه افضل علی
 شاه شرافت علی شادی اول در قصبه شیخ از دختر راجه محمد علی ازان روجه
 یک دختر روجه شیخ ولایت حسین یک پسر شان محمد حسن لا ولد شادی ثانی
 ایشان از روجه شاه دل اسد سجاده نشین گردید از سماه مراد ن یک پسر و

یک دختر ایشان زوجه امیر علی خان ابن همت علی حسان سه پسر و یک دختر
 زوجه چودهری ظهور الحق ابن چودهری واحد علی دو دختر و یک پسر ایشان
 محمد واعظ الدین نام مادر ایشان مسماة قدیرا انسابت مسماة حسینا نام
 پسران وزیر علی خان از دختر خال خود شاه لطیف احمد ابن شاه
 شرافت علی که خدا شدند پسر ایشان داماد چودهری ظهور الحق دو دختر خال
 بوزیر علی خان منسوب یکی بعد دیگر سه پسر سوم فدا علی خان داماد شاه
 بنده علی داماد کلانی جناب حضرت شاه امیر الدین رحمة الله علیه پسر سوم
 اقبال علیخان داماد شاه لطیف احمد خال خود یک دختر و چودهری
 واعظ الدین مذکور و پسر محمد حسینی هر یکی ذی لدا اند پسر شاه شرافت علی علیه الرحمة
 شاه لطیف احمد داماد راجه اسد الدیک پسر ایشان بود محمد خلیل بعم
 چهار سالگی رحلت نمود الا پنج دختران ایشان مذکور سه دختر کردند متوسط و دختر
 زوجه شاه محمد تقی ابن شاه امیر الدین رحمة الله علیه ذمی ولد و یک دختر
 در انجوار که خدا شد در اقران ان جوار

شماره پنجم در ذکر اولاد شاه عوث علی ابن شاه مرتضی انجش ابن
 شاه مصطفی

مذکوره بالا باید دانست بشاه عوث علی چند دختران الا یک پسر شاه احمد علی
 با ایشان یک دختر و یک پسر شاه واحد علی خواهر ایشان زوجه شاه

مخدوم بخش متخلص وافی یک دختر ایشان زوجه عنایت حسین خان
یک پسر ایشان میر بشارت حسن خان آلاشاه واحد علی سبب رقابت
صاحبان شیخپوره حسین آباد تبدیل مذہب کرده بودند آخر عمر در سفر بیت اللہ
شریف نمودند بعد از ادای حج زیارت مدینہ طیبہ در حالت علالت از مذہب
شیعہ بردست این خاکسار توبہ نمودند و در آنجا ترفین شدند در جنت العالی
بجوار سیدنا عبد الرحمن ابن حضرت صدیق اکبر رضی اللہ عنہ القصہ یک پسر ایشان
شاه علی ارشد کہ از خواہر شاه جمال علی بلخی کہ خدا یک پسر ایشان شاه
علی مظہر در شیخپوره سکونت دارند ذمی اولاد هستند

شمرہ ششم در بیان اولاد شاه سحی علی ابن شاه مصطفی از نام
ایشان محلہ مشہور مصطفی

باید شنید پسر شاه سحی علی ابن شاه مصطفی مذکور یکی شاه رکن الدین لا ولد
دومی شاه نور الہداسومی شاه تاج الدین الا اولاد دختر شاه رکن الدین
ماند سکونت در بہار ہست و پسر شاه نور الہداساہ رحیم بخش بودند اولاد دختر
ایشان نیز ماند الا شاه تاج الدین را بودند پسر چار یکی شاه صاوق علی دومی
شاه خیر الہداسومی شاه لعل محمد چارمی شاه بخش الہد کیفیت اولادشان
بعد این دریافت نشد کہ میزبشت انہما در اک از کتاب تصنیف شاه مخدوم بخش
شمرہ ہفتم در بیان اولاد شاه حسام الدین برادر شاه نظام الدین

ابن قطب علی ابن شاه مصطفیٰ اولی

ابن شاه علی ابن شاه احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین
 این شاه علیم الدین بزرگ عرت شاه بیکه واضح باد شاه حسام الدین
 دو فرزند نام یکی شاه بدل و نام دومی شاه بولایک پسر ایشان شاه
 وحید الدین و سه خواهر ایشان جا بجا منسوب و شاه بدل را چند دختران
 از آنجمله یک دختر زوجه برادرزاده شان شاه وحید الدین ایشان را یک پسر
 بنام شاه مهر علی و چند دختر یکی از آن زوجه شاه علی بخش بود بخشا
 پدر شاه تراب علی و پسر شاه امیر علی شاه و جبهه الدین عرت شاه و جا
 شادی ایشان در شیخپوره شد از خواهر شاه علی امجد شعی شاه و جبهه الدین را
 نیز یک پسر شاه فرزند علی عرت شاه فیضا و چند خواهر آن ایشان یکی
 زوجه شاه تراب علی مذکور بود محمد یعقوب یکی زوجه شاه جانعلی پدر مهدی حسن
 سومی زوجه قاضی مبارک علی پدر قاضی سلامت علی و نیز شاه فرزند علی را
 یک پسر شاه الطاف حسین با ایشان نیز یک پسر و چند دختر و شاه فرزند
 صاحب نیز دختران یکی زوجه شاه احمد حسین چند پسر آن ایشان دومی زوجه
 قاضی سلامت علی ابن قاضی مبارک علی چند دختر و پسر ایشان نیز سومی
 زوجه میر ابن حسین چارمی منسوب بود از پسر شیخ دیدار علی لا ولد شد اینقدر
 اولاد بود شاه بدل و شاه بولاست

شجره در بیان اولاد شاه عبد السلام ابن شاه علی ابن شاه
احمد ابن شاه محمد ابن شاه خوند ابن شاه جلال الدین ابن
شاه علیم الدین بزرگ

باید دانست این شاه علی اند که محله شاه علی معروف از نام این بزرگ است
الغرض شاه عبد السلام را دو فرزند رتبه بلند یکی ذکی الدین دومی شاه
وصی الدین چهار پسر ایشان یکی شاه محمد بخش دومی شاه آید بخش سومی شاه مأمون
چهارمی شاه غلام فردوس اینده دریافت نشد کیفیت اولاد ایشان الا
شاه محمود پسر شاه غلام فردوس بودند

شماره اول شجره اولی

شاه ذکی الدین را یک فرزند رتبه بلند شاه وجهه الدین که بعد بزرگوار
سجاده نشین شدند از محل اولی بودند ذکر طویل است بعد بیان دیگر پسران
تحریر خواهند نمود الا از محل ثانیه دو پسر یکی شاه عنایت علی دومی شاه
فیض علی الغرض شاه صیب الله ملقب محمد دوم مانی خلف شاه عنایت
بودند پسر ایشان منعم همان بودند پسر ایشان شاه اصغر علی زین به حکومت
الا پسر شاه فیض علی شاه قابض علی ایشان را دو پسر یکی شاه موسی علی
دو پسر ایشان دومی شاه عنایت علی خندان ایشان بودند

شماره دوم شجره اولی در بیان اولاد شاه وجهه الدین

واضح بادشاه وجهه الدین کثیر الا اولاد شدند وقت سجاوگی ایشان رونق بسیار
 شد از جانب بادشاه عصر معاش شد حصول البینة المیة و التمتع و نیاز و نگاه محمد ^{الملک}
 گویا بتکلف تمام امارت میکردند القصد شاه وجهه الدین را و زوجه
 بودند در کفویت از هر دو چهارپسر شدند و علاوه اینها چند زوجه بودند از بطن هر
 زوجه دو پسر شدند که از ده پسر گویا یعقوب ثانی شدند منیگار و تفصیل وار
 باید شنید شاه محمد بزرگ و شاه علی بزرگ از یک بطن بودند و شاه
 علام الدین نقدا لقب و شاه بدیع الدین این هر دو برادر از یک
 بطن بودند حاصل چهار برادر متفق المزاج شده سجاوگی بر برادر کلانی شاه
 محمد بزرگ رواداشند الا تقسیم صرف معاش معروف بچهار سرکار بچشم و حدم
 اوقات داشتند الا شاه علام الدین نقدا بدین وجه مشهور شدند نخواه
 ماهواری نمی دادند یومیه بعد شاه محمد بزرگ شاه علی بزرگ سجاده نشین
 شدند گو که دو پسر شاه محمد بزرگ بودند یکی را نام شهنشاه دیگری را شاه
 رستم نام بود از هر دو برادر اولاد نامند شاه علی بزرگ را نیز اولاد نشد بعد
 ایشان سجاده نشین شاه علام الدین نقدا شدند ایشان را نیز اولاد نشد
 بعد انتقال ایشان شاه بدیع الدین برادر چارمی شد بد سجاده نشین
 خلف الرشید ایشان شاه علیم الدین بعد پدر خود شدند سجاده نشین کیفیت
 بعد ازین خواهد نوشت

ثمره در ذکر دیگر فرزندان شاه وجه الدین مع ذکر اولادشان
 از یک بطن که نام بود بی بی گلاب دو پسر شاه غلام بدر و شاه غلام حیدر
 شاه غلام بدر زوی اولاد شدند کیفیت اولادشان بعد ازین خواهد شد
 چونکه ذکر طویل است و از محل چهارم شاه وجه الدین دو پسر یک شاه حامد
 و دومی شاه محمود و از محل خامس دو پسر یک ساه سرور و دومی شاه صفدر و
 از زوجه ششم نیز دو پسر شدند یک شاه غلام رسول و دومی شاه محمد باشم^ع الا
 ازینها دو دو برادر اولاد یک برادر شد ثانی لا ولد چنانچه اولاد شاه حامد
 شد و شاه محمود لا ولد ثمره از اولاد شاه حامد کی شاه اکبر علی ایشان را
 سه دختران یک والد شاه سخاوت حسین و دومی روجه میر سومی^{علی}
 خاله و خوشدامن شاه سخاوت حسین و سومی رانیز یک دختر شد و دومی
 فرزند شاه حامد شاه محمد و هم نجش متخلص وافی ذکر ایشان شد شرح سابق
 ثمره در ذکر اولاد شاه غلام رسول و شاه باشم لا ولد ذکر شارح^{علی} رحمت
 این شاه واحد علی ابن شاه فقیر علی ابن شاه غلام رسول ابن شاه
 وجه الدین مذکور را الصد شاه رحمت علی را یک دختر و چهار پسر شاه
 عباس علی عرف شاه جبین و دومی شاه احمد علی سومی رانام بود چچو^{طو}
 چارمی شاه اسید علی اند و شاه سرور و شاه صفدر هر دو برادر اولاد نشدند
 که بیان کنم

شماره در ذکر اولاد شاه علیم الدین سجاد و ششین

باید دانست حضرت شاه علیم الدین راد و زوجه بودند در آقران کفویت
 یکی بی بی بختن که از بطن ایشان اولاد نشد و دومی والده بی بی مریم النساء
 که از شاه احمد علی خواهر زاده شاه مظفر حسین که خدا شد نزدیک پسر
 ایشان شاه محمد حسین که از مسماة وحید النساء دختر کلان شاه ولی الله
 که خدا شد اولاد نشد الا سردختران بشاه احمد علی مرحوم یکی مسماة خیماش
 عرف محن زوجه میر حسین بخش کورجوی و دو دختر ایشان شد یکی زوجه میر حاجی
 دومی زوجه میر ممتاز علی پسر دو و دو دختر ایشان و پسر میر حسین بخش شاه
 اطهر حسین که زب سجاد و جد مادری شد که خدائی ایشان از دختر
 میر اسمعیل علی ساکن محله کلک پنه گردید اولاد نشد مانند دختر دومی شاه
 احمد علی زوجه میر امید علی ابن مظفر حسین یک پسر سید امید علی
 میر سعادت علی از خواهر خالاتی منسوب یعنی از دختر میر حسین بخش مرحوم
 دختر سومی شاه احمد علی از میر کرامت حسین ابن میر سید حامد حسین
 نوآبادی منسوب یک پسر ایشان سید ولایت حسین دو و دو دختران یکی
 زوجه سید مهدی حسن ذمی اولاد اند و دومی زوجه سید شاه عبدالحسین ابن سید
 لطافت علی شیخپوری و دو دختر اند و یک پسر سید معین بفضله همه ذمی اولاد
 هستند منسوب جابجا

شکره در ذکر اولاد حضرت شاه ولی السجاده نشین حضرت
مخدوم الملک

احمد لیس حضرت سید شاه ولی السجاده مقبول بارگاه که بنظر هر کس می نمودند
ذات مخدوم الملک دین پناه این حضرت شاه علیم الدین بودند از بزرگان
چهارم کثوت فقر شاه ولی السجاده نایش بود بتکلفات کرد و فرگوشه
کلاه و لباس شاهانه خرقة رنگ ملاگیری و چیره زعفرانی بیعت ایشانرا
از یک از انعام خود شاه رحمته السجاده فر دسی بیعت ایشان از حضرت
شاه نجیب السجاده درمی پهلوار دی و کسب باطن و تربیت از حضرت
مولوی سید حسن رضا معنی را بی پوروی الحاصل که خدائی حضرت
شاه ولی السجاده دختر شاه محمد فیاض شد که از اولاد حضرت مخدوم بدر الدین
بدر عالم بودند مسکن بموضع سوه داشتند نمحلات حضرت بهار و دیگر اقران
و اخوان نیز آنجا سکونت دارند

ذکر اولاد حضرت مخدوم سید شاه بدر الدین بدر عالم فرار در بهار است
واضح باد حضرت مخدوم بدر الدین بدر عالم را از یک بطن یک خست
بی بی ابدال نام صاحب کمال زوجه میر سید محمد رضوی نسب که برادر
میر سید احمد که فر ایشان بموضع ندره مشهور و فر سید محمد قدس سره بموضع
معافا گفت اولاد سید محمد ولی بی ابدال زین بیشتر نوشته شد حاجت مکرر برت

الاذکر اولاد پیری حضرت مخدوم بامه دانست خلف الرسید و سجادہ نشین مخدوم
 بدر عالم قدس سرہ حضرت سید شاہ سلطان بودند اولاد مخدوم سید
 سلطان نشد الا یکے از فرزندان برادر ابفرزندی گرفته کردند جانشین معروف
 بمخدوم احمد بڑی سید احمد بڑی جگن معروف پسر ایشان شاہ محمد عرف جگن
 بعد این بزرگوار بیعت این سلسلہ زاہد پیہ و خلفا را ماند الا بیعت در خاندان
 فرزندان مانند یکی از اولاد ایشان حضرت شاہ محمد بچہ وسطہ شاہ عبدالمدعوت شاہ محمد عوض
 بوند بیره ایشان شاہ محمد فیاض زاہدی نسب و سلسلہ ساکن محلہ سود
 منجملات بہار یک پسر ایشان دو دختر نام پسر یا ذمیت آلا و اما در شان
 حاجی نصیر الدین شیخ پوری شعی نسب اندالا و دختر کلانے حضرت شاہ محمد فیاض
 زوجہ حضرت شاہ ولی اللہ بزرگوار حضرت شاہ امیر الدین فردوسی دختر ثانی
 شاہ بہادر علی شعی شیخ پوری دو دختر ایشان یکے زوجہ شاہ محمد علی
 کہ برادر زادہ نیز خسر خود اند شاہ محمد علی مرحوم چند دختران دو و پسر یکے
 شاہ بھوجو کہ ربلا محبت میداشتند ازین خاکسار بسیار نوجوان رفتند بکلیت
 ثانی شاہ عبدالعلی دادا وسط جناب شاہ امیر الدین فردوسی سجادہ نشین
 و یک دختر شاہ صاحب مرحوم زوجہ حکیم ارشد علی کہ خواہن زادہ نیز اند کہ
 دویمی زوجہ مولوی تصدق حسین ساکن نگر نو سرد و فرزندان ایشان
 شاہ وعظ الدین دویمی مولوی علیم الدین باقی کیفیت دریافت نیست ثانی

دختر شاه بهادر علی حلیه الرحمه زوجه جناب حضرت شاه امیرالدین قدس سره
 که از دختر خاله که خدا شدند جناب شاه امیرالدین فردوسی را و دختر
 رتبه بلند و سه دختر از آن جمله یکی زوجه شاه بنده علی عرف شاه بدلا پسر
 شاه حسین علی یک دختر ایشان زوجه فداعلی خان و دختر ثانی روجه
 شاه عبید العلی که دختر ایشان زوجه سیر عبد اللطیف خلف مولوی کبیر الدین
 آینده معلوم نیست الا دختر ثالث از شاه محمد جعفر ابن شاه ولایت علی کتخت
 هستند و دو پسر و یک دختر ایشان موجود اند و پسر کلان جناب حضرت
 شاه امین الدین احمد ذی اولاد اند زوجه چهارم هر یک ذمی ولد و
 پسر ثانی شاه محمد تقی از دختر شاه لطیف احمد ابن شاه شرافت علی کتخت
 شد ذمی ولد اند و خواهر جناب شاه امیرالدین فردوسی یکی مسماه و حیدر
 زوجه شاه محمد حسین ابن شاه احمد علی لا ولد ثانی بی بی مراد النساء زوجه
 شاه شرافت علی کیفیت اولاد ایشان بالا نوشته شد و جناب حضرت
 شاه امیرالدین را دو پسر از محل دیگر اند یکی رحلت نمود محمد اسمعیل نام ثانی
 محمد ولی است و از محل ثانی حضرت شاه ولی الله قدس سره یک پسر مسمی
 شاه بنده علی و دو خواهر ایشان فرزند یک خواهر محمد فضل امام حال
 دیگر دریافت نشد الا شادی شاه بنده علی بوضع پراگسی از خواهر شیخ
 فضل حسین دو پسر ایشان شدند یکی شاه عبد العلی و دیگری اولاد علی

نوجوان رفتند از جهان اولاد باقی نماند

شجره نسب شاه غلام بدر ابن شاه وجه الدین ابن شاه ذکی الدین
 رانج بادشاه غلام بدر الدین و غلام حیدر و برادر بودند این شاه وجه الدین
 کتخا هر دو برادر یکجا گردیدند از دختر سید شاه محفوظ که از اولاد سید محمد
 سهر روی زیدی نسب بودند زوجه شاه غلام حیدر را نام مسماة باجو
 و زوجه شاه غلام بدر را نام مسماة نجیبیا عرفت نا جو القبه شاه غلام حیدر
 اولاد نشد بعالم شباب رحلت نمودند و نیز زوجه شاه غلام بدر یک پسر و یک
 دختر گذاشته درین عالم وفات یافتند خاله پسر و دختر سماه باجو پور در شس
 نمودند نام نامی پسر شاه غلام بدر شاه محمد و اصل بودند و نام دختر بود
 بی بی بیکانی که از میر افضل علی ساکن محله باره درسی اولاد سید فضل الله
 بودند که خدا شد نزدیک دختر سببی بی دهمومن زوجه شام قح علی عرف
 شاه بھوڑے یک دختر ایشان مسماة لطیفه زوجه شاه علی بخش ابن شاه
 محمد و اصل زوی اولاد شده بے اولاد شده بکه معظمه رحلت کردند و نام پسر
 سید خیر الدین حسین که در مقام متهرا بغز و جاه نام پیدا کرده در انجا رحلت
 کردند اولاد نماند الا که خدائی شاه محمد و اصل ابن شاه غلام بدر از بنت
 البنت شاه صفی الله برادر شاه احسان الله چاند پوری گردید
 از سماه میجا دختر بی بی صحیحہ شاه محمد و اصل را از لطن ابن زوجه شش

پسر و یک دختر از همه برادران کلانی بودند الا از برادر کلانی خورد مسماة
 ذاکره روجه شاه انور علی ابن شاه فتح علی و سه پسر و سه دختر ایشان
 پسر کلانی حضرت شاه محمود اصل شاه کریم بخش عرت چوپا که خدا
 ایشان از دختر شاه غلام مخدوم که یکی از فرزندان حضرت سید محمد
 سروردی زیدی نسب بودند نسب نامه بالا مذکور شد نام دختر شاه
 غلام مخدوم بود بی بی اظیة عرت بی بی اتوار و یک پسر ایشان شاه
 امیر علی که از دختر عمه خورد مسماة ذاکره دختر شاه محمود اصل روجه
 شاه انور علی کنیاشد نزدی اولاد شدند و پسر دوم شاه محمود اصل
 شاه علی بخش زوج مسماة لطیفه یک دختر و یک پسر شد نام پسر آنست
 نوجوان فوت شد و دختر را نام بود بی بی مراد النساء زوج میر مقرب
 ابن مولوی ابراهیم علی کابری ذی اولاد شده بی اولاد بودند و پسر
 سوم شاه اشرف علی که خدائی ایشان بموضع مدح پور شد از مسماة
 بی بی مریم اولاد نماز چارمی پسر شاه قادر بخش شاد سی ایشان بیکه
 خورد نمحلات بهار شد از مسماة عبدا لاولد رحلت کرد و پنجمی شاه ترا علی
 ذی اولاد شده لاولد رفتند ششمی پسر شاه محمود اصل شاه لطف علی
 که در ایام جوانی عمده هاست علیل گردند حصول که خدا شد بموضع باره
 از دختر میر سید محمد از مسماة کبیر النساء یک دختر مسماة مقیما النساء

زوج شیخ محمد علی ابن شیخ مظفر علی ذوی اولاد اند و نام پسر شاه لطف علی
 مرحوم شاه محمد مقبول ذوی اولاد استند بمسماة ذاکره دختر شاه محمد و اصل
 ابن شاه غلام بدر سه پسر شدند که سید عابد حسین چهارده ساله بزرگند
 و دیگر واجد حسین و سیوم برادر کنه نام یا نیست بعالم طفولیت رحلت
 کردند الا دختر کلان مسماة حیات النساء زوج سید رضا علی ابن
 میر یوسف علی یک پسر ایشان سید فدا علی که از دختر عم خورد و خود کتخدا
 یک دختر گذاشته رحلت کردند و در نسوب است از نواب نصیر علی
 و یک خواهر سید فدا علی روجه سید امید علی یعنی مسماة سکینه و دو دختر
 گذاشته رحلت کردند و خواهر ثانی روجه شاه وزیر علی ابن شاه امیر علی
 و خواهر سوم روجه سید وحید الدین ذوی اولاد اند چارمی بصغیر سن
 نمود قضا و دختر ثانی مسماة فاطمة بخش عوف بخشا روجه شاه امیر علی
 یک پسر و سه دختر ایشان دختر سوم مسماة براتن النساء روجه شاه علی
 ابن شاه موسی علی ابن سید غلام محمد و یک پسر ایشان سید شاه
 علیجان رحلت کردند و نوجوان و دو خواهر ایشان نیز بودند باندا
 پسر شاه امیر علی شاه وزیر علی که از مسماة کلسوم خواهر خالا
 شدند نسوب چند اولاد شد الا یک پسر تحلی حسین نام موجود
 و یک دختر نیز فاطمه روجه سید قطب الدین ابن الفقیر یک

پسر است عطا نظام الدین باقی سته خواهران شاه وزیر علی مرتضی
از انجمله کلانے روجه اولی میر سید حسین و انا پوری برادر عمر داد
خلاتی ابن خاکسار نام بود بی بی محذومه بعد شادی چند سال
حیات ماند آخر لا ولد از نهمان رفتند و دختر ثانی شاه امیر علی
مرحوم روجه این فقیر حقیر ذکر خود در خاتمه خواهد نوشت الا دختر ثانی
جناب شاه صاحب مدوح سماة و افسن روجه سید شیخاعت حسین
ابن سید شاه فخر الدین حسین علیه الرحمۃ با ایشان دو دختر که هنوز ناکتخدا الا در
پسر سید احمد حسین و سید فرحت حسین موجود اند

ذکر سید علی ابدال ابن حسین شاه بادشاه بنگاله

ذمی ولد بماند واضح باد سید علی ابدال ابن سید شاه حسین
ابن سید احمد شاه که به نسب سیادت جعفری اند الا نسب نامه تا بالا
معلوم نشد از تحریر مقصر ماند چونکه مصاهرت از خاندان این فقیر واقع
کیفیت کلیه مینویسمی آرند در تحریر که چون نصیب شاه بادشاه بنگاله
وقات یافت پسر صلبی نداشت امر ایان و ندمایان حسب وصیت
بادشاه نواسه بادشاه را یعنی حسین شاه ابن احمد شاه را
تحت نشین سلطنت ملک بنگاله نمودند هر گاه جلال الدین اکبر
بادشاه از تحت گاه دہلی نهفت نمودند بسوی دیار شرقی بہر حکمرانی

داود شاه بادشاه تخت نشین حاجی پوخر سنیده تاج مقابله نیاد و
 فرار و زید بسوی بنگاله حمله کرده سلطنت حسین شاه بادشاه گرفت
 حسین شاه بادشاه بنگاله با خود بانا پسند دیده صورت جنگ جلال
 و بندگان خدای را قتل قصد ترک سلطنت کرده قصد سیاحت نمود
 و سلطان اکبر بادشاه بر سپرد او و شاه رحم آورده قلم بر عفو جرم کشیده
 تاج بخشی نمود بمعینه خراج که سابق نبود مسعود شاه ابن داود شاه
 بحاجی بو تخت نشین ماند و حسین شاه سیاحت کرده در صحرا
 ضلع تربیٹ جاے عزت نشین شد و مشغول بعبادت الہی مدتی
 برین سپری شد ان صحراست علاقہ مظفر پور پر نام ست عالیا شتر
 رنہوہ درگاہ آخر هجوم خلایق پیدا شد و کیفیت و کرامات از شاه
 حسین بادشاه ہویدا شد خلق اللہ معتقد شد نوشته اند مورخین گرویدگی
 خلق چون ناپسند افتاد سپر خود رسید علی ابدال را جانشین سجاده خیز
 کرده از چشم خلایق پنهان شدند احوال حاصل سید علی ابدال در آنجا بعد زید
 و ریاضت بو طیرہ اسلاف پیدا کرد و نکسب و کمال تا مدت چهل سال
 بعدہ متاہل شدند کئی از دختر محمد دوم شاه دانیال که یکے از اولاد
 حضرت محمد دوم محمد تاج فقیہ اند گردید یعنی در اولاد محمد دوم شاه حسین
 دہو کر پوش که واقع فرار این برک است در پوزنیہ ابن بی بی

کمال کا کوئی و مزار مخدوم شاہ دانیال است در موضع تاجیوہ بزرگ
 حالاً آنجا کے ہم زیارت گاہ است بمانندی بمعصومہ بود نام دختر مخدوم
 شاہ دانیال از بطن آن بی بی فرزند کے بوجود آمدند سی جاہ ^{جلال} و سی بی
 مسمی مخدوم سید احمد ابدال بالکمال از شاہیر شایخین صاحب کرات
 و حال کنجالی ایشان از مسماة مریم دختر نیرہ مخدوم محمد ^{صہبئی} صہبئی ^{سنہ} پور
 کہ مخدوم شاہ مصطفیٰ عم آن بی بی بودند حصول از بطن شریفہ این بی بی
 سہ فرزند تریہ بلندی پیدا شدند نام یکے سید محمد ثانی سیدی نام سومی
 سید قلب کہ کیفیت زریست در برادران دریافت نشد الا کیفیت سومی کہ صوت
 مصاہرت وقع شد از پایان مزار فایض الانوار ^{آن} ہر واقع است بر ہوہ در گاہ
 کہ پر کیفیت است الامیر سید قطب کہ شادی ایشان دو بار از دو دختر
 میر سید عبد الرسول قادری دانا پوری کہ داماد میر سید قاضی عماد الدین
 ابن میر سید عبد الفتاح عرف قاضی میر سید بٹری کہ خدا شدند نام آن
 ہر دو دختران بود بی بی جمال و بی بی کمال نواسے بی بی ابدال ^{انصہ}
 از ہر دو دختران میر سید عبد الرسول میر سید قطب را دو دختر نام یکے
 بی بی قطبیہ عرف بی بی گھاٹنی کہ زوجہ میر سید نجم الدین ابن میر سید
 جلال الدین ابن میر سید قاضی عماد الدین بودند یک دختر شد از ان نام
 بی بی لطیفہ از سید وجہ الدین عرف سید بولن کہ خدا شدند دختر ثانی را

نام بود بی بی کریمه اولادمانند هر گاه بی بی لطیفه بی اولاد ازین جهان ^{تقدیر}
 بی بی قطبیه عرف بی بی گھانسی داماد خود سید وجهه الدین عرف بولن را
 مثل پسر خود دانستند بهر آبادی خانه خود شادی ثانی ایشان از بی بی امیمه
 دختر میر سید محمد ولی ابن میر سید جهانگیر داماد پوری بودند از بطن این زوج
 میر سید محمد احسن متولد شدند نو اسم میر سید محمد ولی چون بجز میر سید محمد احسن
 بی بی قطبیه را دیگر اولاد نبود ایشان را مالک قابض بزرگتر که خود و نیز در
 ایمر و اناپور معصه خود نمودند چنانچه اولاد میر سید محمد احسن بران قابض
 آمد و دخل باید دانست مزار سید علی ابدال در ریهه در گاه است
 و مزار سید احمد ابدال در شهر پینه بجمعه مغلیوره با شکاف است با حریره بود
 حالا مفتوح و نشان هم شد کثرت بران آباد شد لطیفیل اولاد ما مراد و اخراج باز
 دختر سید احمد ابدال بودند بی بی زهره نام از میر سید مسعود یکی از اولاد
 محترم شاه صفی که خدا شدند از بطن این بی بی یک پسر متولد شد سید هدایت ^{الهدایت}
 شادی ایشان از دختر میر سید قطب از بی بی جمال شد از بطن ایشان فرزند
 رتبه بلند سید احمد کبیر شدند ایشان بر و طیره اسلات تجردی کرده اجتمعا
 در عبادت پروردگار شغولی شدند الا خواهر سید هدایت السید ابن سید مسعود
 بی بی عا بده از میر سید حسن زیدی منسوب شدند یعنی بی بی عا بده
 والده میر سید وجهه الدین عرف سید بولن بودند بدین وجه اولاد ایشان

مالک و قابض بر کل مبروک که علاقه درگاه و غیره شدند این میر سید و جلالین
 عرف سید بولن میر محمد حسن بودند شادی میر سید محمد حسن از بی بی تقیبا
 عرف بی بی بجهل و دختر خجسته اختر حضرت سید شاه محمد حسین قدس سره و اناپو
 شد که جدا جدا این خاکسار را قلم التحریر بود چهار پسر میر سید محمد حسن شدند
 یکی میر مظفر علی و دومی میر عیاض علی که و اما حضرت سید شاه ولی الله ابن
 سید شاه محمد حسین بودند نام آن بی بی رشیده بود مدعو بود هنر لا ولد
 رفتند ازین عالم هر دو سوی حسین علی نوجوان رفتند ازینجهان چارمی میر سید
 قطب علی که از دختر میر سید همگو که خدا شدند یک دختر شدند موسوم بی بی
 و اجن که از محمد حسن خان ابن برهان علیخان که خدا شدند محمد حسن خان
 نواسه میر معین صاحب بودند پسر محمد حسن مهدی علی خان پسر ایشان بی بی خان
 الا شادی اولی میر مظفر علی از دختر سید شاه احسان الله شد سکونت
 ان بزرگ بجهل چاند پوره یکی از شمخلات حضرت بهار که از فرزندان حضرت
 سید فرید طولیم بخش بودند از بطن این بی بی صغفه دو دختر و یک پسر یک دختر را
 نام بی بی امانی که از شاه قاسم علی ابن شاه رحم علی که خدا شدند کسیکه
 از اولاد حضرت مخدوم شاه بڑمی بودند ساکن چک رگه ضلع تربت بودند
 نام فرزندان ایشان شاه امام علی بودند آینه کیفیت ذریت ایشان دریافت
 اولاد خترانی را نام بود بی بی رحمانی از شاه محمد سلطان ابن شاه محمد بخش

ابن شاه احسان الدمدوح که خدا شدند از بطن این بی بی و دوسری که
 سید شاه محمد باقر که شادی ادلی از دختر شیخ احمد حسین رئیس شهر شد از آن
 بی بی اولاد نشد شادی ثانی کردند از دختر سید شاه احمد حسین توآبادی
 گردید چهار پسر یک سید شاه محمود که نوجوان رفتند از نهمان دومی
 سید محمد محمود سومی سید مقصود چهارمی سید مودود مع اهل و عیال بیهم
 اند موجود و پسر ثانی حضرت شاه محمد سلطان سید شاه اسمعیل که شادی ایشان
 از خواهر دیوان مولا بخش رئیس شهر کرد نزدیک پسر ایشان سید علی حسن نام
 از دختر مولوی سید شرف علی شد که خدا یک پسر گذاشته سید حسن بود
 پدر بزرگوار رحلت نمود شادی سید حسن از دختر شاه تبارک حسن ابن شاه
 تیمم الدکاومی شد الاخاف الرشید میر مظفر علی سید شاه یحیی علی که از دختر
 شاه ضار الحق توآبادی منسوب شدند نام ان بی بی مخدومه بوده آنحضرت را
 دو پسر دهم دختر ذکر دختران هر سه بالا مذکور شد یک از شیخ شار حسین شد که خدا
 لا ولد رفت دومی از شاه مظفر الحق سومی از شاه غفور الحق منسوب شدند
 ذی اولاد اند پسر دوم شاه یوسف علی مجذوب صفت بودند اولاد نیست
 الا پسر کلان مولوی سید شاه اشرف علی کاشف رموز خفی و جلی
 که خدا شدند از دختر میر حسین بخش کور جوئی اولاد شد دختران و پسران پسر
 کلان سید شاه حسین علی که از دختر مولوی فرحت علی که خدا شد نزدیک دختر

دو و پسران بی بی مریم گداشته وفات یافتند دختر از میر و اجد حسین ابن
 میر اسمعیل علی که خدا نام پسر کلان شاه محمد قاسم از دختر شاه عبدالحمین که خدا
 پسر شد موسوم بنام محمد حسین ثانی را نام شاه محمد و اجد و شادی ایشان
 یکی از دختر شاه امیرالدین شد و شادی ثانی از دختر شاه نظام الدین
 ابن شاه غفور الحق گردید اله تعالی ذی اولاد کند چون شادی دوم کردند
 میر مظفر علی دو پسر و یک دختر بوجود آمدند همه که خداوند اولاد نماید نام
 پسر کلان شاه هدایت حسین مدعو خیراتی و شادی کردند اولاد نشد
 ثانی سید عالم علی عرف براتی از دختر شاه سلامت علی و روسی شادی کردند و قبل
 ازین نیز یک شادی شد از کسی اولاد نشد اسماصل فابض و تصرف بر کل مملوکه
 سید مظفر علی و غیره اولاد سید شاه یحیی علی قدس سره اند یعنی شاه
 محمد قاسم ابن شاه حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی اکثر قیام

بزرگاه رهوه دارند ان درگاه زیارت گاه است

شجره نسب مع ذکر اولاد قاضی سید عبدالفتاح عرف قاضی شمس

و انا پوری بیان بر چند نمر

باید دانست که میر سید علی شیر جاجنیری ابن میر سید علی کبر جاجنیری سیادت
 رضوی که نسب نامه ایشان بالا مذکور شد در پشت سیادت رضوی از مقام
 جاجنیر بحضرت بهار آمده در محله گنهره اقامت نمودند وقت غزای کفار

غازی شد آخر بہ کید کفار شدند شہید بعد چند پشت نسب یکی از اولاد ایشان
 سید زین العابدین از بنجا برخاستہ خاطر کشتہ جانب شمال رفتند کہ مذاقات
 جائے پسند کردہ بموضع بھومانڈر پر گنتہ مکیہ ضلع ترمپٹ مشغول بہ کرجن
 و شغل کشتکاری فرزند میر سید زین العابدین میر سید میر بود مذلف ایشان
 میر سید ابوالفتح پسر ایشان میر سید عالم انہ قاضی سید عبدالفتاح
 از دربار شاہی منصب قضا بر گنتہ پھلواری کردہ حصول مع اہل و عیال
 از تہ مقام آمدہ بموضع دانا پور پر گنتہ پھلواری ضلع ٹپتہ اقامت نمودند
 شادی قاضی بڑے در وطن خود در اتران شدہ بود و نیز شادی پسر ایشان
 میر سید عماد الدین در انجا شدہ بود کہ بعد والد ماجد منصب قضا و اقا
 دانا پور بحال ماند الا یک دختر بود قاضی سید بڑے سماۃ مجید النساء کہ خدا
 شان منظور بود و در شرف اینچہ از آخر از میر سید جہان ابن میر سید قطب الدین
 باقری نسب کردند شادی ذکر سید صدر جہان ممدوح مع کیفیت اولاد در آخر
 بٹھریج خواہد نکاشت درین اوراق ذکر فرزند ان پسر می قاضی عبدالفتاح

عرف قاضی بڑے بہت

شجرہ اولاد رضویان ساکن دانا پور

واضح باد قاضی سید عماد الدین رضوی ابن قاضی سید بڑے بعد انتقال والد
 ماجد خود سررشتہ قضا بہت سال ماند در عہد بادشاہ نور الدین جہانگیر و زیا پور

نام والده ایشان نور بی بی بود و نام زوجه ایشان بی بی ایمنه
 چهار پسر ایشان بود و دختران چنانچه بگذرتمسبب شد از خواهر زاده
 ایشان یعنی از میر سید عبد لوا حد ابن میر سید صدر جهان مذکور که
 ذکر اولاد ایشان نوشته خواهد شد در ضمن ذکر فرزندان میر صدر جهان
 علیه الرحمته دومی دختر منسوب شدند از میر سعید عبد الرسول قادر منسوب
 که از بغداد شریف بطور سیاحت آمده بودند و در آنجا پور بعد اقامت
 ایشان در صحبت حد صورت نجابت و شرافت عیان شد و کیفیت نسب
 بحضرت عوث الثقلیین دختر از هجرت ایشان دادند میر سید عبد الرسول
 یک پسر میر سید اسحاق ابن بی بی رقیه دختر قاضی سید عماد الدین الای
 سید اسحاق در عالم جوانی ناکتخار حلت کردند باقی چهار خواهر ایشان
 دختران سید عبد الرسول از آنجمله دو دختران یکی بعد دیگری بزوجهیت
 میر سید قطب ابن سید احمد کبیر ابن سید علی ابدال ابن حسین شاه
 بنگالی بادشاه و یاز بنگاله نام هر دو بی بی جمال و بی بی کمال بود و ذکر دست
 هر دو در ذریه میر سید قطب تا قبل نکاح شده شد و کیفیت سید جهل الدین
 عرف سید بولن باقی دو دختر که خدا در کفویت شدند بی بی طینه زوجه
 میر سید جهانگیر ابن میر سید کبیر پسر کلانی قاضی عماد الدین دومی بی بی
 مبینه زوجه میر سید حسین ابن میر سید اولیا که میر سید اولیا خواهر زاده قاضی

عمادالدین بودند کیفیت فرزندان ایشان طویل است آینه تحریر خواهد شد
 الا چهار پسر بودند سید قاضی عمادالدین کلانی میر سید اکبر مذکور که ذکر
 اولاد ایشان بعد از همه نگاشته خواهد شد طویل است الا پسر ثانی قاضی
 سید ابو الفتح که بعد والد ماجد منصب قضا ماند چند سال شادی ایشان
 از بی بی عصمت النساء بنت شیخ محمد یحیی فریدی کورجوی گردید پسر سید
 اولیا ابن میر سید صدر جهان بودند الا اولاد نشد وقت رحلت منصب قضا
 و ترکه ایمه خود بیکه از برادرزاده میر سید عبدالمقدر دادند هنوز آن ترکه
 در فرزندان او شان موجود و مقبوض سوم پسر قاضی عمادالدین میر
 سید شهاب الدین بودند شادی ایشان در حضرت بهار گردید از سماء
 فاضله دختر شاه عب السلام در اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره
 آن بی بی عمه شاه و جبه الدین ابن شاه ذکی الدین سجاده نشین بودند
 یک دختر و یک پسر میر سید شهاب الدین شدند نام پسر بود میر سید بدر الدین
 که خدای ایشان از سماء لطیفه النساء بنت میر سید اکبر شادینی از دختر
 عم خود چونکه بیاقت و جاهت ظاهری بسیار داشتند ایشان را رسوخیت
 تمام در بار سلطنت دہلی از امر او ارکین بود صاحب خوش تحریر و خوش
 تقریر بودند و علوم همت بودند سداقتا در بار شاهی کردند حصول بوجه شایسته
 و نیز و طیره بزرگان سلف در ذکر و عبادت الهی بودند مشغول تا که سلسله نشتر

خاندانی نرود و یک پسر و یک دختر ایشان نیز بودند نام پسر میر سید علی
 عرف سید فضل بود و دختر میر سید محمد باصر ابن محمد میر سید حسین که خدا شند
 نام زوجه بود مسماة سید ایک پسر ایشان از بطن این بی بی بوجود آمد
 سید خیر الدین اصغر نوجوان وفات یافتند بعد این اعتقاد نماند
 پسر چارمی قاضی عماد الدین میر سید جلال الدین بودند شادی ایشان
 در قصبه منیر در اولاد حضرت مخدوم که دولت تیسری شد از مسماة سکینه
 بود از بطن آن بی بی یک پسر شدند سیدی میر سید نجم الدین شادی ایشان
 در بنی اعمام یعنی از دختر میر سید شهاب الدین از مسماة فطیحه یک پسر ایشان
 سید بدر الدین ناگزاد طاعت کردند و شادی ثانی میر سید نجم الدین ابن میر سید
 جلال از بی بی قطیعه عرف گهاسی سدنبت میر سید قطب ابن سید احمد کبیر از آن
 بی بی یک دختر شدند نام بی بی لطیفه زوجه میر سید وجهه الدین عرف سید بولن اولاد
 تمانده پسرند دختر سیدی میر سید نجم الدین را پسر کلانی قاضی سید عماد الدین
 میر سید اکبر بودند شادی میر سید اکبر از مسماة ربیعہ دختر مخدوم شاه
 عبدالمجید نوآبادی گردید از بطن این بی بی سه پسر و دو دختر شدند پسر
 کلانی میر سید جلال کبیر شادی ایشان از بی بی مدینه دختر میر سید عبد الرسول شد
 با ایشان یک دختر و سه پسر کلانی پسر میر سید محمد که شادی اول ایشان
 از بی بی رضانی دختر شاه موسی صفی پوری که از اولاد مخدوم شاه صفی

بود مگر دیدار بطن این بی بی یک دختر مشامة رقیه عرف بی بی چھٹیا والده
 حضرت شاه محمد سین ابن میر سید محمد باصر که جدا جدا این فقر بودند اولاد
 و اسباط مانند الا شادی ثانی حضرت میر سید محمد از بی بی فاطمه عرف جھاون
 خواہر سید شاه اعظم نوآبادی ابن میر سید محمود کردید از ان بی بی اولاد
 اولاد دخترے ماند و پسر دوم میر سید جہانگیر میر سید حامد بودند بی بی
 قیعمہ دختر شاه ذکر با فریدی نسب کورجوی گردید یک دختر از ان بی بی
 شد مسماة نصیر از وجہ میر سید مظفر ابن میر سید محمود ابن میر سید محمد ابن
 میر سید صدر جہان بودند یک دختر ایشان گردید پسر سوم میر سید جہانگیر
 میر سید ولی بودند شادی ایشان از مسماة آمنہ دختر عم خود میر سید
 عبدالقادر رشید یک دختر ایشان مسماہ امیمہ زوجہ میر سید وجہ الدین
 عرف سید بولن زیدی نسب مذکور الصدرد والد میر سید محمد حسن کیفیت فریت
 ایشان با قبل تحریر شد پسر دوم میر سید اکبر میر سید مکارم کہ شادی ایشان
 در موضع بی بی پور شد از مسماہ ضعیفہ عرف رجو دختر شاه محمد پوٹس یک دختر
 و یک پسر شد نام دختر بی بی مکارم وجہ سید شاه اعظم عرف سید سائبا نوبک
 والده حضرت شاه محمد مبارک قدس و نام پسر میر سید اکرم کہ خدائی ایشان
 از بی بی رشید دختر میر سید جہانگیر گردید ازین بی بی دو پسر و یک دختر مسماة
 بنی زوجہ میر سید شاکر ابن میر سید مخم نوآبادی و نام پسر میر سید محمد عوث

که از بی بی بی خواهر حضرت شاه محمد مبارک که خدا شدند چونکه آن بی بی بی
 کامله بودند در ادا الهی ماندند اولاد نشدند و پسر ثانی میر سید عیاش الدین شادی
 ایشان نیز در بنی اعمام شد اولاد نشد اولاد و نترت ماند به میر سید مکارم
 پسر سوم میر سید اکبر بودند میر سید عبدالمقصد شادی ایشان در بار
 در فرزندان حضرت بلخی گردید از بی بی زبیده یک پسر و یک دختر ایشان
 نام پسر قاضی سید رکن عالم که شادی ایشان از سماه عفو را گردید و دختر زوی
 محمد قائم قائم پوری که فرزند شاه اسمعیل برادر محمد دوم شاه عبدالمجید بود
 یک پسر و یک دختر ایشان مسماة و آنحضرت زوجه شاه بدرالاسلام برادر شاه
 محمد علی کورجوی اولاد نشد الا پسر بودند میر سید عالم در عهد ایشان عمده قضا
 آمد قضا ازین خاندان شد جدا که خدائی ایشان شد از حضرت بهار بجله
 مفتیان از مسماة سکینه دختر میر سید محبوب عالم الحصول و دو دختر ایشان
 شدند مسماة اقلیه و مسماة و سلیمه سماه اقلیمه زوجه شیخ الیاریاد شیخ محمد
 دو پسر ایشان شاه مراد علی و شاه شمس الحق پسر ایشان وزیر علی ساکن
 هرگایان و دختر شاه محمد یار زوجه شاه و عدالدی چلواری نواسه حضرت
 شاه مجیب الدیک دختر ایشان زوجه مولوی شاه ابوتراب ابن حضرت
 نعمت الدیک پسر شد شاه عبدالکریم اولاد نماند و نام پسر شاه و عدالدی شاه
 محمد یوسف یک دختر ایشان زوجه مولوی محمد حسین ابن حضرت شاه نعمت الله

اولاد ایشان نیز مانند و نام پسر کلان شاه محمد یار شاه مراد علی که از دختر شاه
 عاشوری انصاری که خدا شدند دو پسر ایشان شاه داود علی که شادی
 ایشان نیز در بهار محله انصاری شد دو پسر ایشان شاه ممتاز حسین الفتن
 الایسر دوم شاه مراد علی شاه محمد که یک دختر ایشان زوجه شاه ظهور الحق
 ابن مولوی ظهور الحق الا دختر دوم میر سید عالم بی بی و سلیم شادی ایشان
 در موضع بی بی پور گردید از میر سید امجد علی که پسر خواهر میر سید قاضی کن عالم
 بود یک دختر این بی بی سماء کلیمه عرف بی بی گویند زوجه قلندر علی ابن
 شیخ ابوتراب فریدی که جوئی یک دختر و پسر با نام طفلی وفات یافتند الا یک
 پسر نام نامی میر سید حسین بخش بودند سیادات باقری یک دختر ایشان
 از محل اولی زوجه مولوی سید شرف علی نور آبادی ابن سید شاه سحی علی و از
 زوجه ثانی دختر شاه احمد علی داماد شاه علیم الدین سجاده نشین دو دختر و یک پسر

شاه انظر حسین

خاتمه کتاب انساب در بیان اجداد این خاکسار معروف سیادات
 باقری در ذکر اولاد میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
 ابن سید تقی الدین عرف میر سید بو ذهی کالپوسی بیان بریک

اصل و سه فرغ و چند شجره شجر

باید دانست سبب تشریف آوری میر سید تقی الدین بو ذهی از وطن بدین صوبه

رفتم به ملاقات او پدر او میر امجد حسین بمن گفتند برادر پدر تو هفتم از بنی
 اعمام این گفت آمده بحضرت والد صاحب عرض نمودم فرمودند لاریب از اولاد
 سید حامد هستند چه که مینا پوری اند و موقع مینا پور و حیدر دران میر سید حامد
 هستند بدین وجه نسب برادری کردند میان و نیز از میر امجد علی ساکن حرده
 ملاقات مذہب تشیعہ داشتند خود را اولاد میر سید بو ذری می گفتند از فرزندان
 میر قائم و میر داکم القصبه چون جناب حضرت میر سید قطب الدین در شهر طشته
 شدند مقیم شغل بود شیوه پیری و مردی طور خاندان قدیم جستجوست میر سید
 صدر جهان در خاندان شرفا جا بجا کردند اتفاق وقت قاضی سید عبدالفتا
 عرف قاضی بڈمی در وانا پور منصب قضا پر گنه پھلواری بود مذاق است
 انسیادات رضوی نسبت و ختر خود در خاندان شرفا میخواستند عندالادرا
 از جانبین شد قبول کتختائی میر سید صدر جهان از بنی بی حجد و ختر قاضی
 سید طبری شد الا اقامت میر سید صدر جهان در خانه آبانی ماند و در بار
 شاہی دہلی عمدہ جلیل کردند حصول بخطاب امیر الامراے پسر شانی میر
 سید قطب الدین بود حضرت شاہ پھول برگزیدہ خدا و رسول مقبول
 اہل کمال حضور مانند و نیز خواہر شان ولیہ کاملہ بی بی انور مدعوبی بی
 چلڈھی اسم شادی نکردند قبول فاتحہ ہر دو برادر خواہر در خاندانم
 در شب برات بطور توشہ می شود مانده و شکر و روغن حلوا بغیر آب میسازند

تیار بجز فرزند دیگر نمی خورد چون فرزند داشتند فرزندان برادر را گفتند
 فرزندان نیاز تو شده بود و اما نمی خورد حتی آنکه نواسه نیز این دختر دختر
 می بزرایند با احتیاط تمام زوجه فرزند نمی بزرایند بسبب و دان نمی بینند خدا دانند
 چه اسرار است بدین گفتار فرار هر دو برادر و خواهر واقع هست و محله
 که بجز کثرت کپوری کلی و وصیت نمودند بفرزندان خود میر سید قطب الدین
 برادر حاجی پور پائین فرار پدر بزرگوار دشن نمایند مطابق کلام حدیث شریف
 البخته تحت الاقدام اما نگم چنانچه وصیت فرزند ان تممیل نمودند چنانچه
 فرار حضرت میر سید تقی الدین سید بو ذهی زیر مسجد جامع حاجی پور واقع است
 و باین مرقم میر سید قطب الدین است و زوجه هر دو بزرگ نیز زیارت
 کرده ام جاس بر فرامی هست اهل حاجت را میشود حاجت بر آرا حاصل
 چندت سکونت در عظیم آباد ماند حال دانا پور که آینه کیفیت سکونت گماشته فرار
 شجره اصل باقری نسب اولاد میر سید صدر جهان بر سه فرع

بر فرع بکیفیت هر یک ایسر

واضح باد میر سید صدر جهان از بطن بی بی مجیده زوجه ایشان سه پسر شدند
 کلان میر سید محمد بست شادی اولادشان مقیم در نواباوه کلان ایسر
 ثانی میر سید اولیا فرزندان این بزرگ نسب مصاهرت مقیم دانا پور
 پسر سوم میر سید عبدالواحد ذریت ایشان بجای قدیم آبالی شهر مینه

انتقال در آنجا در ایام سفر در اولاد شاه عبدالکرمانی انصاری که
 هنوز در آنجا مزار فاضل الانوار است بمقام خشک بکمره شادی نمودند اولاد
 شد چنانچه حضرت سید شاه ولی الله والدمجد جدا مجد در ایام سیاحت
 از اولادشان نمودند ملاقات و کردند در اک کفویت نسبی بیان کردند
 با هم سید باقری از فرزندان سید بوذهی اولاد سید علی ابن سید تقی الدین
 بوذهی واضح باو میر سید قطب الدین را و پسر و یک دختر و نیز برادر متوسط
 ماند همراه میر حامد چون سید قطب الدین را که خدائی بخانه بشر فار
 ارجو امیر سید صدر جهان پسر کلانی سفود کردید مسعود این خبر شنید
 نزد آنجناب فرستاد پیام به مصاهرت از دختر خود که بود جمیله و عقیده نجیب
 مامل نمودند در جواب هیچ نفر نمودند بار دوم بذریعه نامه شد خواستگار جوان
 نوشته فرستادند بدو کلمه بالا اخصار اسی باد شاه دین پناه تو باد شاهی منشر
 سلاطین زبده اولاد افاغنه و مغول و این فقیر حقیر خلاصه ذریت از
 سیادات است و نیز بفرقه شعرا پسر مریدی چه طور باشد قبول الحاصل مصاهرت
 تو بمن نمی زید مسعود شاه مضمون نامه دیده چمن بر چمن کسید و گردید اولاد
 جواب نوشت مختصر از بیط طول اگر از من مصاهرت نمی زید بر آنجناب
 صیغه وزارت نیز نمی زید خط دیده رک با تسمی خوش کرد فوراً ترک وزارت
 کردند و عطیله او که بود بوجه معاش برورد کردند از آنجا بر جا خاطر کشته

مع اهل و عیال غم شهر پلینه عظیم آبا و نمودند برادر متوسط خود را مجوز شدند
 همراه آوردند میر سید حامد در آمدن محبت جمله حواله کردند تا نکشای شد با جناب
 تو بطمع وزارت از و سخاوی مصاهرت خوب نیست من قطع نموده مصاهرت
 تو را فقی گشتی مغل شدی بطلب مراد هستی خیر خداوند که تو ننگ خاندان
 شدی القصد از انجاء مع اهل عیال عبور گنگ شدند جاس تجویز کرده
 بیرون شهر تکیه مسجد بنا ساخته اقامت کردند میفرمودند جناب حضرت
 جد الامجد انجاء آباد و دویب گور غریبان حالا اندر شهر داخل است
 قریب کچوری کلی محله کچور کتزه و حال اولاد میر سید حامد بسبب دعا بد برادر
 همان شد که از دختر مسعود شاه شادی نمودند بطمع وزارت نصیب نشد
 ان منصب دخترش نیز بمرد اولاد آن بزرگ ندمب رافقی دارند و
 مصاهرت در میان افغان و مغول جاری است با ستماخ آمده بعد چندت
 بین اولاد هر دو برادر مصاهرت گردید نوشته و عروس وقت مراجعت
 بارات در دریا شدند غریق بجهت متنع مصاهرت شد ما بین هر دو فریق تنی کم
 شادی نسب ناسازداری بعبور گنگ نیز نمی سود این امر فقیرت نیز
 روزی عند الملاقات میر ابراهیم علی مہجری شیعه ندمب گفتند که من از اولاد
 سید حامد ابن سید بوڑھے ہستم و هنگام قیام در قصبہ چہرہ جناب حضرت
 والد ماجد از شخص ازین حقیر رابطہ ملاقات شد پیدا ادا حسین بود نام رور

استماع است از حضرت جدلا مجد بدین طور که مستمع شدند از ابا اجداد خود هر گاه
 داود شاه بادشاه ابن محمود شاه بادشاه کالپی که از مریدان اینخاندان بود
 از وطن خود آمده سلطنت دیار شرقی گرفت و مقام جامی پور عبور گنگ شهر پنجم
 تخت گاه خود نمود چون تسلط تمام یافت بشهر کالپی عریفیه به پسر زادگان خود
 نوشت بدین مضمون که از حاضری خود معذورت بس سلطنت اینخوار میخواهد
 اگر اینخاکه صاحبزادگان تشریف آرند بر اینخوار بر دستان عالی تبار بیت
 تمامیم و اگر مع اهل تشریف آرند نذر نمایم بد معافی و بیات بهر اخراجات وغیره
 منقول است هر گاه بدینطور نامه شاهی شهر کالپی بجمعه محمود و نوره رسید
 با خود با در احوال اولاد میر سید محمد کالپی و میر سید احمد کالپی و میر سید ارشد
 کالپی شوره گردید بدین معنی که در اینجا هنوز پیری مریدی سلسله آبائی جاریست
 و ایامه و نذر در گاه بهر مدد معاش از عطیة سلطانی موجود است بهر کفان حاجت
 رفتن بدینصوب مناسبست که برویم و این را تبرک نمایم اگر چنین است دعاست
 داود شاه بادشاه از برادرانم میر سید تقی الدین سید بودی در اینخار نو
 چیز که هم از پامی اندر معذورت بسیار عیال دار رفتن ایشان پر ضرورت و تکلیف
 اوقات پائے شکسته نشسته چون صلاح اخوان چنین شد حصول جناب حضرت
 میر سید تقی الدین مع اهل و عیال از کالپی روانه شدند بدین دیار و رسیدند
 بمقام جامی پور و از شاه مکرم نمود و بیعت کرد و حصول و معین نمود و بیات

بهر کفایت بهد معانی می نگارند چون تشریفات همراه آنحضرت زوجه بودند و سه پسر
 یکی میر سید قطب الدین که شاد می این بزرگ در وطن خود از دختر عم بی بی نعمت
 دختر میر سید عبدالحی ابن میر سید جلال الدین گردیده بود و نام زوجه حضرت
 سید تقی الدین سید بوذهی بی بی خدیجه بود و عرف بی بی پھول چنانچه موضع
 پھول کپور بطور نزر بهد معانی بی بی صاحبه نموده بود و می پسر میر سید علی نو جوان
 القصد بعد چند می داود شاه لیاقت جوهر و صفاتی دیده منصب وزارت بخدمت
 میر سید قطب الدین تفویض نمود و یک موضع خاص به صرفت آنجناب نمرود
 از مجال موضع چیمر موسوم شد بنام قطب پوچیمر هر گاه جلال الدین اکبر شاه
 نهضت از دہلی نمود بهر ملک گیری دیار شرقی داود شاه خبر آمدن بادشاه
 اکبر شنیده در خود تاب مقابله ندیده سوے دیار شرقی کرد و فرار در آنجا رفته به سلطنت
 حسین شاه بادشاه بنگاله مسلط شد آن تاب مقابله نیامده بال هران
 جان در شیر زنی شود بر باد خون ناحق بر سر من افتد با قتل ترک سلطنت کرد
 صحرائشین شد و علت چون بمقام حاجی جلال الدین اکبر شاه رسید داود شاه
 را ندید گفت فرار شنید پس داود شاه بحضور بادشاه دست بسته بجزد خواهی رسید
 بادشاه قلم عنقو جرم کشید خراج برود مقرر نمود تا ج بخشش کرده روانه سوی دہلی شد
 مسعود شاه بغاوغ بالی سلطنت نمود و منقول است همراه لشکر داود شاه میر سید
 پسر سوم میر سید بوذهی نیز بزانصوب روانه شد هرچرا که در آنجا جد کرده بودند

مانند اولاد ایشان حالادر کورجی اند

فرع اول شجره اصل

واضح گردد که خدائی میر سید محمد پسر کلانی در نوا ماده خورد گردید و اولاد
حضرت خواند شیخ گردید و زنی اعمام حضرت محمود شاه عبدالمجید
نوابادی ساکن نواباده کلان از بی بی هدیه از بطن این بی بی پنج پسر شدند
یکی میر سید محمود و دومی میر سید عبد الزراق سومی میر سید عبد الوهاب
چهارمی میر سید تاج الدین پنجمی میر سید نظام الدین شادی این برادر
هم چنان گردید در اطراف جوار بکفایت شرفا رنادر الا کیفیت ذریت ایشان
هر یک دریافت نشد که درین اوراق تحریر می نمود الا سماع هست از بزرگان
ذریت میر سید نظام الدین در موضع رسوله پور بودند و اولاد بعضی در نظام پور
و اولاد بعضی برادر در لاهور الا بفرمود شاه کریم بخش مجذوب ساکن
تنمه از اولاد بنیستگان میر سید عبد الزراق ما میر سید نظام اند می گفتند
نسب مصاهرت دیار دیار بعد پیدا شد الا کتبی میر سید محمود در نواباده
کلان شد از بی بی تاجا بنت محمود شاه عبدالمجید ابن حضرت محمود شاه
عبدالمجید که ان بی بی عارفه صاحب کمالات و کرامات بودند در خاندانم هست
مشهور از نوقت اقامت اولاد میر سید محمود در نواباده شد چرا که دیگر اولاد
پسری نماند باید دانست میر سید محمود در از بطن این بی بی دو دختر و پسر

شدند اول کیفیت دختران بعد ذکر آن که طویل است یک دختر نام بود
 بی بی فاطمه عرف بی بی جهانون زوجه میر سید محمد امین میر سید جمال
 و اناپوری از بطن این زوجه اولاد نشد بعد انتقال شوهر در نواباوه شدند
 مقیم دومی بی بی کریمه از شیخ امان الله که خدا شدند سه پسر ایشان یکی
 شیخ عظمت الله دومی شیخ احمد الله سومی شیخ عزت الله از جمله شیخ احمد الله
 لا ولد پسر شیخ عظمت الله شیخ شریعت الله اینها از فرزندان مخدوم شاه صفی
 صفی پوری بوده اند الا اقامت این صاحبان از پشت چند موضع قائم بود
 بوده است یک دختر میر شیخ امان الله بودند سماءه حیاتن در قرآن که خوان
 شدند و احوال شادی شیخ عظمت الله و شیخ شریعت الله دریافت نشد الا
 شادی اول شیخ عزت الله پسر سوم شیخ امان الله از دختر شیخ اسمعیل ولد
 مولوی محمد قائم قائم پوری شده بود که از یک بندگان مخدوم شاه عبدالعزیز
 نوابادی بودند از بطن این زوجه یک پسر سمسبی شیخ اله یار که از دختر
 میر سید عالم ابن قاضی سید رکن عالم رضوی دانا پوری شد شادی
 از بطن آن بی بی مسماة اقلیما شیخ محمد یار پسر شدند و الله شاه مراد علی و
 شمس الحق کیفیت تبصریح بالاس این تحریر شد و شادی دوم شیخ عزت الله
 از بی بی ابدال دختر حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره گردید از بطن
 آن بی بی یک دختر بی بی ملیحه نام زوجه میر سید نصیر الدین احمد دانا پوری

قدس سره و نیز تربیت معنوی عمر شد تمام کمال عزت و جاه و جلال شادمانی
 اول ایشان گردید از دختر بی بی حسیبا روجه شاه عنایت حسین که داماد
 و خواهر زاده شاه فتح علی شعیبی بودند ساکن شیخپوره نام بی بی بود بی بی حسیبه
 اولاد نشد از آن بی بی تا که رحلت کردند شادمانی ثانی از دختر قاضی محمد حسین
 خواهر سید عابد حسین گردید انهم فوت شدند اولاد شد از عقد ثالث که نام
 بی بی گلاب بود یک صبیحه متولد شدند سماء و حبیباً النساء سید شاه علی احمد
 ابن سید شاه ولی احمد بلخی که خدا شدند چند دختران از بطن ابن عنیفه شدند
 هر یک یک جایجاد در شرفان سوختند فرزندان دختر می اندک که پسر نیز تولد شدند
 در عالم طفولیت فوت شدند شاه احسان الدین دو برادر و چهار خواهر
 بودند اولاد یک خواهر بی بی لکھو شاه نور الدین احمد عرف شاه بساکن
 و شاه کریم الدین و شاه منیر الدین احمد عرف شاه محمدی اند کیفیت اولاد
 ایشان در فرزندان حضرت مخدوم الملک نوشته شد باقی حال خواهران
 هر سه دریافت نشد الا برادر ایشان میرزین الدین یا میر حسین الدین عرف
 میر حسین بودند همزه میر برکت علی فرید پوری یک دختر ایشان روجه
 برهان علی خان مادر محمد حسین خان فرزند ایشان مهدی علی خان و پسر ایشان
 مادی علی خان موجود اند و دو پسر یکی میر امانت علی اول شادمانی ایشان
 میر برکت علی فرید پوری یعنی از خواهر مولوی سید امان علی شده بود که دختر

حضرت
 سید
 محمد
 حسین
 خان
 فرزند
 شاه
 محمد
 علی
 خان

شد زوجه شاه قمرالدین احمد ابن شاه منیرالدین احمد عرف محمدی چون آن فوت شد هرگاه شادمی ثانی میر محمد روح از دختر مولوی نصیر الحق نمود نزدیک پسر دود دختر شد بعالم ضعیفی یک دختر باز نسوب کردند از شاه قمرالدین مذکور و یک دختر زوجه میر الفت حسین پسر نواسه میر حسین مذکور و پسر انام علی الحق میر حسین را یک دختر دیگر نیز بود مادر سید اختر حسین و جده سید الفت حسین مذکور و پسر دیگر منشی سید عبدالعلی خوشنویس داماد حضرت شاه اولیاء علی

مذکور الصدر در اینجا ترکی تمام شد

شماره دوم در بیان حال دختر ثانی میر سید محمد ثانی مسماة بی بی

عابده زوجه شاه فتح علی شععی

واضح باد بی بی عابده دختر ثانی حضرت میر سید محمد ثانی از جناب شاه علی شععی نسب شیخپوری که خدا شدند از لطن این بی بی سه پسر دود دختر یک بی بی حسینا که از شاه عنایت حسین شیخپوری خواهر زاده شاه فتح علی مرحوم که خدا شدند دود دختر شدند یک زوجه منشی سید محمد خلیل که اولاد نماند کیفیت دیگر معلوم نشد الا یک پسر شاه ولایت علی نوجوان رحیل ملک بقا شدند و می شاهی امجد حسین مدعو پیر جمی که در عهد نواب احمد علی خان زوی اقتدار بودند اول شادمی ایشان از دختر خال خود میر سید نورالدین احمد شد از مسماة مرادون النساء چون از آن بی بی

اولاد دختر شاه علی بی بی از دختر شیخ محیب شد از لطن آن بی بی دختره اولاد شد

سید اکبر و دوسر و دو دختر بوجود آمد یک دختر زوجه حضرت شاه محمد مبارک
 مسماة مدینه ثانی مسماة زاکیه زوجة شیخ عتیق الدرعف شیخ کندهائی ابن
 شیخ ولی الدرعف مسماة دعوسن گردینام پسران آنجناب بود سید شاکر دومی
 نام سید رؤف کتخالی هر دو برادر در دانا پور از دختران اعمام شد

اولاد ثماند جز اولاد دخترے

نمره سوم در ذکر میر سید محمد مظفر فرزند سوم میر سید محمد ابان میر سید محمد و
 برانند میر سید محمد مظفر اشتهار تبریت تعلیم از برادر اعظم بود و شاد می ایشان
 از بی بی رحمتہ دختر میر سید حامد ابن میر سید جهانگیر گردید یک پسر شد از ان
 بی بی مسمی سید حیدر نوجوان بمرد اعقاب ثماند ذکر فرزند ان میر سید محمد ثانی
 باز اعاده مینمایم تبصریح نام پسران میر سید حامد محمود و میر سید نور الدین
 و نام دختران مسماة باصره زوجة اولی حضرت سید شاه ولی الدعا بن حضرت
 شاه محمد حسین و دانا پوری از بطن این بی بی دو دختر و یک پسر نام پسر بود
 غلام نبی بعمر دو سال بمرد اولاد دختران دختر کلانی مسماة باصره بی بی مجیده
 از میر سید احسان الدین ردمی نسب ساکن بالنسب میگیم که خدا شد ناز بطن
 این بی بی یک دختر شد و دو پسر نام دختر بی بی نجیده که خدا از شیخ
 محمد منیر انصاری بهاری که پسر روح عثمان بی بی بودند در صغر سن بیوه
 شد اولاد نشد پسر کلانی میر احسان الدین سید شاه ابولیا علی بیعت

ایشان را و تربیت بطریقه عالیہ قادریہ از حضرت شاه نعمت اللہ قادری
 مجیبی وارثی سجادہ نشین پهلوانی و شادی ایشان نیز در قصبہ پهلوانی
 گردید از خواہر شاه محمد اشرف عرف اچھو میان ابن سید شاه رحمۃ اللہ
 عرف شاہ دومین ابن شاه بزرگ عالم ابن سید شاه احمد ابن سید شاه محبوب عالم
 ابن سید شاه عزیز الدین ابن سید شاه حبیب الدین ابن حضرت مخدوم شاه
 فرید ابن مخدوم شاه اسمعیل ابن مخدوم شاه محمد جمال ابن سید شاه انور
 عرف شاه بیگمہ ابن مخدوم شاه حاجی ابن سید فضل الدین ابن حضرت
 شاه سم الد سفید باز تنیم اللہ گردید کہ در اولاد حضرت مخدوم ساه مہم اللہ
 بودند نواسہ حضرت مخدوم شہاب الدین پیر چنگو ت نام زوجه بود بی بی ویت
 کہ عمہ مولوی محمد جمہ و مولوی محمد یعقوب پدر مولوی رضی الدین مولوی محمد برہم
 صدر اعلی بودند ابنان شاه محمد اشرف الغرض از بطن این بی بی یک پسر شدند
 نوجوان رحلت کردند نام بود محمد اقصیا و نیز یک دختر سماءہ مدیحہ عرف مدو
 زوجه نشی سید عبدالعلی ابن میر زین الدین عرف جتین برادر میر سید احسان
 مذکور العسکری البابین بی بی اولاد نشد و پسر ثانی سید احسان الدین زبیر طویل
 منشی بعدیل خوشنویس منشی سید محمد خلیل تربیت نظام ہر از خال شد سید شاہ
 شمس الدین حسین و خوشنویسی تلمیذ نواب احمد علیخان بیعت ایشان را
 بطریقه عالیہ ابو العسکریہ نقشبندیہ از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابوالبرکات

ابن جناب حضرت سید شاہ محمد حسین قدس سرہ الا اولاد نش

شمره اول شجره اول بزرگ فرزندان میر سید محمود ابن میر سید محمد

باید دانست میر سید محمود سپہ میر سید اعظم عرف سید شاہا دویمی میر سید
معظم سومی میر سید مظفر میر سید اعظم عرف سید شاہا سپہ کلانی کہ صاحب
کمالات بودند و تصرف و کرامات بانحضرت بیعت و تربیت باطنہ یکی از انخوان
دانا پور از میر سید محامد زانا پوری بطریقہ عالیہ چشتیہ بود حصول عارفانہ
بودند صاحب وجد و حال با کمال شادمی آنحضرت در دانا پور شد از بی بی
مکنا دختر میر سید مکارم رضوی دانا پوری از ان بی بی یک دختر شاد بی بی
بتی زوجہ میر سید محمد عوث از میر سید مکارم اولاد شد الا خلف الرشید
حضرت بودند حضرت شاہ محمد مبارک قدس سرہ شمع بزم شایخین زمانہ
حالات آنحضرت چنین است کہ در او اہل عمر از وطن بہ نیت تحصیل علم ظاہر
و باطن ساحت کردند اختیار با ہمتا در بارہ بحیات والد ماجد جوہ بیانست
بزرگان بعد تحصیل علم ظاہر از شہر دہلی رفتند بسوی حیدرآباد ملک کن
از عمدہ الشایخین العرۃ العارفین ملاومت شد حصول بیعت کردند بطریقہ
عالیہ قادریم و از تربیت العلم باطنہ یافتند رتبہ کمال و خدمت مانند
چند سال چون بست سال گذشت در بہت سفر و مفارقت پدر بزرگوار طلب
والد ماجد خود را بنجاسوی سوطن مراجعت کردند از والد ماجد خود نیز در

حاضری صحبت و قائق باطنه انکشاف شد چنانچه والد ماجد نیز از طرف خود
 بسلاست خاندانی مجاز کرده و بر وسع خود سجاده نشین خود نمودند چونکه
 استعداد وافر داشتند بطلب فیض باطنه بعد انتقال والد ماجد در عظم آباء
 رفته بصحبت حاجی تاتار ماندند انجناب را طریقه تربیت و تعلیم سرسبز
 مجدد و به بود و رشت ظاهر شد بسیار فیضیاب شدند مردمان اطراف و دیار
 در زمان نواب علی درو خان مهابت جنگ و عمر شریف نیز فریب نود سالگی
 رسیده بود که رحلت کردند شادی از دختر عم الاوسط گردید از بی بی یکم
 دختر میر سید محمد عظم و دو دختر و یک پسر شدند بانحضرت نام دختر بی بی
 ابدال زوجه شیخ عزت الله مذکوره بالا دختر ثانی بی بی دولت جهان
 که یکی از حارقه کامله بودند زوجه حضرت سید شاه محمد حسین و انا پوری آن
 میر سید محمد باهر و پسر انا نام بود میر سید محمد ایشان را نیز بیعت و تربیت
 از والد ماجد خود بود شادی میر سید محمد ثانی از بی بی حیاتن دختر ابن شیخ
 امان الله گردید بی اولاد شدند و پسر و چهار دختر بعد از ذکر فرزند دوم و

سوم میر سید محمد و خواهر نگاشت چرا که در طول است

شماره دوم در بیان کیفیت میر سید محمد عظم از پسر میر سید محمد

واضح با و میر سید محمد عظم را بیعت و تربیت و تعلیم معنوی از برادر اعظم خود شادی
 ایشان در و انا پور گردید از بی بی خاتون دختر میر سید عبدالمقتدر ابن میر

بی بی زوجه شاه لطافت علی شیخپوری والدہ میر عبدالحسین کہ ذکر اولاد
 ایشان نموده شد پس دوم بی بی عابدہ زوجه شافع فتح علی مذکور سید
 شاه ابراہیم حسین عرف شاه بھجو جو کہ ایشان را بیعت بطریقہ فرود
 از جناب حضرت مولوی سید شاہ حسن رضا قادری منعمی شد حصول
 و نیز تربیت معنوی شادی آنجناب در موضع رسولپور گردید و دختر شند
 یکے سما بیکن زوجه مولوی فرحت علی کورجوی یک دختر ایشان بی بی
 مریم زوجه شاہ حسین علی ابن مولوی سید اشرف علی مذکورہ بالا ذمی اولاد
 شدند دختر ثانی سماہ رحمن زوجه سید معظم ابن میر مظفر حسین عرف
 میر گلکو یک پسر و یک دختر ایشان پسر سید امیر الدین و دختر را نام سماہ
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین ابن میر فرحت حسین و کیل صدر سکن
 بہہو یک دختر ایشان سماہ براتن زوجه میر لطافت حسین والدہ سید شاہ حسین
 و شاه ابراہیم حسین را از بطن منکوحہ دو دختر بودند نیز ذی ولداند و یک پسر
 شافعمت حسین و دختر ثانی شاه فتح علی و بی بی عابدہ سماہ اما مالہنسا
 زوجه شاہ خادم حسین عرف شاه بھجو سجادہ نشین آستانہ حضرت
 سید محمد پیر و مٹریا چون اولاد نشد کہ معاش از جانب زوج خود بسکی
 بنت البنت برادر مذکور الصدروادند مالک ملکیت نمودند آن معاش
 بقبضہ میر لطافت حسین و اما میر شجاعت حسین مرحوم بہت میر لطافت

ازین بی بی چهار دختر نیز اند علاوه پس سید حامد حسین شادی سید شاه حسین
 ابن میر لطافت حسین از دختر مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید و احمد
 شد ذی اولاد اند ما شاء الله ان نور دید لیاقت هرگونه دارند عبرتی و فارسی
 حیثیت تمام الله تعالی اولاد یعنی پسر با و عطا فرماید شمره سوم در ذکر دختر
 سوم میر سید محمد ثانی مسماة بی بی مریم که خدائی ایشان بقصبة منیر ارشاه
 کرامت الله ابن شاه نجابت الله گردید اولاد نشد شمره چهارم در ذکر دختر
 چهارم میر سید محمد ثانی مسماة عارفه از میر غلام جیلانی علوی نسب ساکن
 نظام پوره که خدا شدند از لطن این عقیقه یک دختر و یک پسر شد میر
 غلام محمدانی که از دختر شاه نور الحق نوآبادی که خدا شدند اولاد نشد دختر
 بی بی عارفه مسماة معرفه بادشاه جنگلی که از دختر شاه شمس الحق ابن شیخ محمد
 که خدا شدند و اما دشاه جنگلی شاه محمد اسحاق اصل سکونت قصبه بجاژه انصا

انصاری نسب را قرآن مولود اعط الحق

شمره اول شجر اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد میر سید محمد ثانی

انور باد پسر کلانی میر سید محمد ثانی میر سید حامد محمود که زیب سجاده مجد بزرگوار
 بودند ذی اقتدار صوبه اس شادی ایشان از مسماة ترکیبیا دختر مولوی
 شاه احمد نوآباده خورد و شد یک دختر ایشان مسماة یحیی که شادی ایشان
 از شاه ضیاء الحق اس شاه نور الحق ساکن نوآباده خورد گردید دختر ایشان

که کی مسماة مخدومه زوجه جناب حضرت شاه سیدی علی که ذکر ذریت ایشان بالا آمد
 دومی مسماة مستقیمه اولاد نشد با ایشان سومی مسماة سکینه زوجه شاه محمد یعقوب
 حسین الحق شوکر اولاد ایشان در نسب اجداد بیان شد حاجت تحریر نکردیم
 شمره دوم شجره اولی فرع اول اصل اول در بیان اولاد فرزند ثانی
 میر سید نورالدین ابن میر سید محمد ثانی بر چهار نسب هر چهار پسر
 باید دانست میر سید نورالدین احمد ابن میر سید محمد ثانی بعد برادر کلانے محیط و
 قابض بر معاش پدروی و جد می شدند تا قبل در حیات برادر خویش مطیع مانده
 بر برادر کلانے ثانی هر چهار خواهر ان را از ترکه آبائی محروم ساختند و کار خود
 پر داختند بلکه حاصل کرده حضرت شاه ولی الدار ابن حضرت شاه محمد حسین
 که زوجه خود مسماة ناصره دادند در انهم شریک شدند شادی میر سید نورالدین
 یکی بعد دیگری ازدود دختر شیخ شریعت الدار ابن شیخ عظمت الدار و دختر شیخ
 امان الدار کردید از هر دو بی بی دو دوسر شدند نام زوجه اولی بی بی فاضله
 بی بی فصلو از لطن ابن بی بی دو دوسر و یک دختر زوجه ثانی نام بود بی بی

حکیم دو پسر از ایشان

نسب اول شمره دوم

در ذکر پسر کلانی میر سید مظفر حسین عرف شاه کلن نیزه سید محمد ثانی
 بیعت ایشان اجداد مجربا از پد بزگوار بود صاحب سجاده شادی اول

ایشان در موضع هاسه از دختر میر ولی اللہ محمد میر سید عظیم الدین رضوی
 شده بود نام زوجه ایشان معلوم نشد یک پسر شد ازین زوجه میر سید معظم
 و اما شاه ابراهیم حسین ابن شاه فتحعلی زوج مسماة رحمن یک دختر مسماة
 حیاتن زوجه میر شجاعت حسین مذکور الصدر پسر سید شاه امیر الدین که از دختر
 میر اسمعیل علی ابن سید فرزند علی ساکن بیدگل عظیم آباد که خدا شد یک دختر
 و یک پسر ایشان دختر مسماة علیمہ زوجه سید محمد و احد ابن شاه حسین علی
 لا ولد در مکہ معظمہ و قات یافت و نام پسر سید مظفر حسین که از دختر میر سید
 بہاری و اما و میر سلام علی ساکن جوہری کتخداست المدقاعی زوی ولد نام
 و از شادی دوم میر مظفر حسین دو دختر که ازدو پسر مولانا مسافر حمہ المد علیہ
 کردند اشد کیفیت ذریت دریافت اشد الا پسر عالیقدر میر مظفر حسین سید
 ہدایت حسین دعوی جلو اول شادی ایشان از بی بی حسینا دختر شاه
 محمد یعقوب علیہ الرحمہ شدہ بود اول اشد از شادی ثانی کہ از خواہر شاه
 محمد علی شیخپوری شد و پسر نام یکے سید سخاوت حسین نام دومی یا نصیت
 از خواہر این ہر دو برادر زوجه شاه امین الدین احمد ابن شاه امیر الدین
 علیہ الرحمہ سجاد نشین بہار و خواہر شاه مظفر حسین مسماة مرادن زوجه

شاه امجد حسین عرف پیر می مذکور الصدر اولاد نشد

نسبت دوم ثمرہ دوم و تجرہ اولی فرع اول اصل اولی در بیان

دکتر سید شاه فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد

چو شیده مباد میر سید فرحت حسین عرف شاه جان ابن ثانی میر سید نور الدین احمد
 ییافت ظاهری کرد و فر بسیار داشتند که خدائی ایشان از دختر نشی علی حیدر
 که یکی از فرزندان مخدوم شاه صفی صفی پوری بودند که دید عمر خود بلیاقت معشیت
 بگرد و فر گذرانیدند از منته تقدیری کسی اولاد نشد برادرزاده کلانی میر سید
 محمد معظم پسر میر مظفر حسین پسر منته ساختند و حصه ترکه معاش خود بان
 فرزند دادند مالک قابض آن ترکه پسرشان سید شاه امیر الدین گشته حال پسرشان

نسب سوم شمره دوم شجر فرج و اصل اولی در ذکر اولاد میر سید احمد حسین

پسر سوم میر سید نور الدین احمد

انور باد پسر سوم میر سید نور الدین احمد میر سید احمد حسین بودند که ییاقب
 وحیثیت ظاهر و باطنی بسیار داشته در مزاج امدت و تزک بود کمال شادی
 ایشان از مسماة لطیفقا بنت حضرت سید شاه اطیب الله اولاد و
 سجاده نشین میر سید محمد قادری امچهری گشتند از لطن ابن بی بی دو دختر
 و یک پسر شدند دختر اول روجه میر محمد حسین ابن میر حامد حسین دو دختر و
 یک پسر ایشان یک دختر و سه پسر سید افضل حسین دو پسرشان دوم دختر
 شاه فرید الحق ابن شاه ظهیر الحق و نام پسر سید امجد حسین و نام
 و الله شیر سید شاه فضل حسین قادری ایشانرا بیعت از جناب حضرت

جدا جد من حضرت سید شاه غلام حسین دانا پوری و تربیت باطنیه از حضرت
 سید ساه یحیی علی رحمة ایشه علیه بفضلہ تعالی ہر گونه زیادت و حیثیت ظاہر
 و باطنی دارند صاحب سیقہ شادی اولین ایشان از دختر خال شدہ بود
 یعنی از مسماة و حیدن دختر سید شاه عبدالرشید عمی عرف شاہ جہی ابن حضرت
 سید شاہ اطیب اللہ رحمۃ اللہ علیہ پھر می چون از ان یک دختر شد
 اشم نامند و بعد عرصہ کردہ زوجه انتقال جنب نام بموضع نیاوان برگزیدہ
 او کری کہ معاش جانب حصہ مادری و خسر پورہ ہست تکلف بسیار با عرا
 حال خود نیمایند سر سال از دختر میر محمد اسمعیل ابن میر فقیر اللہ ساکن اپورہ
 شادی ثانی کردہ اند بفضلہ تعالی یک دختر تولد یافتہ شد نام عوث بانڈی
 نہادہ اند بجزمت حضرت پیر دستگیر عوث الثقلین ترقی حیات کشید و

خواہر خور و سید شاہ فضل حسین زوجه شاہ محمد باقر مرحوم ذی اولاد شد

شمارہ چہارم از شجر اولی فرع اول اصل در بیان ذکر اولاد میر سید

حامد حسین فرزند چارمی میر سید نور الدین احمد نوادہ

بہرین باد شادی میر سید حامد حسین از دختر قاضی بہنکو ساکن مادہ گڑ
 و بیعت ایشان را نیز از حضرت جدا جد این فقیرست کہ قبر است جدی
 برادر بودہ اند صاحب توقیر و ذی تدبیر بود میر حامد حسین صاحب اندک
 سہ پسر دود و نتر با ایشان بخشید و آنہا نیز پوری اولاد ہستند پسر کلانے میر سید

حامد حسین مذکور الصدر داماد میر احمد حسین عم خود دختر کلمانی ایشان از سید
 افضل حسین عرف محمد حسین ابن سید شاه غلام حسین سلوی که خدا شد و پسر
 یکی از ان سید الفت حسین که شادی اول از دختر شاه مظهر الحق گردید چون آن
 زوجه اولاد گذاشته رحلت کردند شادی ثانی از خواهر شاه فرید الحق این
 شاه ظهیر الحق گردید دختر دوم سید محمد حسین که از شاه فرید الحق منسوب است
 ذی اولاد نیست و نام پسر سید محمد حسین شادی این عزیز بجای بهترین
 و صاحب ذی ثروت بود فضا نموده یعنی از دختر پسر میر مقصود علی ساکن
 لکھو جالپور شادی کرده اند الله تعالی توفیق بخشید پسر ثانی میر سید حامد حسین
 میر سید کریمت حسین که لیاقت ظاهری بسیار داشتند که خدائی ایشان
 از دختر شاه احمد علی بهاری گردید یک پسر و دو دختر ایشان شد پسر سید
 ولایت حسین منقود و دختران منسوب بخانما سے بہتر مذکور الصدر
 ذی اولاد اند پسر سوم سید امانت حسین نوجوان فوت شد خدا ^{ایشان} انا خلف
 چهارم میر سید کفایت حسین که انیس ہجرت انفقیر اند صاحب بقیہ و
 تدبیر شادی ایشان از دختر میر احمد علی ساکن کراے پسر اسے گردید بود
 چو آن بی بی قضا کردند باز بطرف شادی نشد اقتضا اولاد ندرد بجز برادر
 بیعت این پسر و برادران از والد ماجد خود است صاحب اجازت و کلمانی
 بیعت از جناب سید شاہ محی علی قدس سرہ بطریقہ عالیہ چشتیہ گردید چرا کہ

اسلات مایان همه چشمتی طریقه پیدا شدند و خواهر ثانی ایشان زوجه

میر اسمعیل علی ابن میر فرزند علی اولاد شادان بی بی

فرع دوم اصل محل اولاد سوم میر سید صدر جهان ابن میر سید قطب الدین
 باقری نسب در بیان اولاد میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان
 واضح باد حضرت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان که هر سر رشته
 پیری و مریدی و تربیت تعلیم آبا و اجداد بودند بهیت ایشان از اولاد واجد خود بود
 چندے نیابت قضا خسر و خال خود میر سید قاضی عماد الدین نمودند آخر انهم
 ترک نمودند شادی ایشان از دختر میر سید قاضی عماد الدین ابن قاضی
 عبدالفتاح قاضی سید پڑے دانا پوری که خال ایشان بودند گردید از بی بی
 و اصله عرف و صلاً دختر قاضی سید عماد الدین از رطبن این عقیقه کتبت
 و دو پسر شدند نام دختر بی بی صدر اشادی در بی اعمام شد و نام پسر کلان
 میر سید محمد فضل و ثانی را نام محمد اجل که در عین سباب جوان ناگند
 رحیل ملک بقاشدند اعقاب نماذ الا شادی سید محمد افضل از بی بی
 میمنه دختر سید جلال الدین ابن قاضی سید عماد الدین گردید از رطبن
 زوجه و دختر خال یک پسر و یک دختر تولد گردید دختر ناگند اوقات یافت
 نام پسر میر سید عبدالشکور که جوهر ذاتی و صفاتی چند داشتند بسیار سلیقه و
 دانشمند و موشیار در اقران مفخر و ممتاز در بار خاهی بمده جلیل القدر سرور از

شادی ایشان گردید از بی بی ربیعہ دختر سید امام الدین ابن میر سید نظام الدین
 ولد میر سید محمد اولی در بی اعمام خود الله تعالی بایشان یک دختر و یک پسر بخشید
 و حضرت آنکه خدا رحمت نمود الا پس نام پسر میر سید ارشد که لیاقت صوری و معنوی
 سیداشتند بیعت آن بزرگوار در خاندان خود از ابا جدر بطریقہ حشمتیہ نصریہ بود
 شادی میر سید محمد ارشد از بی بی علیمہ دختر خرد میر سید محمد باصر ابن میر حسین
 ابن میر سید اولیا ابن میر صدر جهان شده بود از بطن این بی بی یک پسر
 و دو دختر بوجود آمد نام یک دختر سماء نعیمہ معروف بچیلن سادی ایشان
 و اقرا ن شده بود اولاد و نام دختر ثانی سماء لیل اعرف سماه لالن
 زوجه شفاء قطب الدین عرف شاه لسان که ازین بی بی اولاد ماند بعد ذکر
 پسر عالیقدر تبصریح مذکور خواهد شد نام پسر میر سید محمد اصلاح که بر وطن
 خاندانی ابا جدر و خود مدت العمر ماندند تکبیه خانه آبائی که جو رکڑه محله کچوری کلے
 الاسه شادی نمودند کی بعد دیگرے از کسی زوجه اولاد نشد شادی اول
 از سماء علیحہ خواهر محمد حسن ابن سید و جبه الدین عرف سید بولن و عقد
 نکاح و فات یافتند اولاد نشد ثانی شادی گردید از سماء عاشورگر دختر
 سید محمد مهدی کیے از سکنا ی قلا بہارا از انم فرزند پسر نشد چون وفات
 یافتند شادی ثالث نمودند موضع مذکور بخانہ کیے از شرفا ابدار تاجیات
 آنجناب زمره بودند مگر اولاد نشد برادر زوجه ثالثه بعد رحلت شان آنخانہ را

آباد داشتند هرگاه مایان بهر زیارت بزرگان میر تقم دران احاطه چند هزار اجده
 پیشین ست حضرت میر سید صدر جهان و میر سید اولیا و میر سید حسین و میر
 سید محمد ناصر و میر سید سلیم اجداد این فقیر و احوال اجداد الا اولاد و دختر
 ماند زوجه حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بساوند و دو پسر ایشان یکی
 محمد عوث عرف منشی و دوم شادی ایشان از مسماة فیصمه دختر شاه وحید الاسلام
 گردید یک دختر شد ایشان را که برادر عمزاد منشی امیر ابن مولوی عزیز الله
 که خدا شد مسماة سوپن لاولد رحلت نمودند برادر ایشان مولوی فرحت علی
 ابن منشی محمد عوث که به لیاقت صوری و معنوی معمور بودند و علم عربیت صرف
 و فقه و فارسی شادی ایشان از مسماة بیگن دختر شاه ابراهیم حسین فوآباد
 یک دختر شد بی بی مریم زوجه سید شاه حسین علی یک دختر و دو پسر گند شسته رحلت نمودند
 نام فرزندان محمد قاسم ست محمد و احمد ذی ولد و یک منکوحه منشی محمد عوث
 عرف و دوم بود مسماة وزیرا پسر دوم حضرت شاه قطب الدین عرف شاه بسا
 مولوی عزیز الله رحمه الله علیه که در علم عربی تکمیل داشته و در عبارت علم فارسی دین
 دیار لائانی و خوشتر و پرهنر ذی جوهر بیت ایشان را بطریق عالی از والد خود بود
 الا طریق معنوی از برادر زاده خود قبول کردند یعنی از جناب حضرت
 سید شاه قمر الدین حسین ابن حضرت سید شاه شمس الدین حسین جناب لولبعبا
 استادی در فنون بودند و جاهت ظاهری در سن پیری و بعضی نیز بود بسیار

شادی آنجناب شد از مسماة بی بی جمین دختر بی بی ناظمه زوجه شایان الدین
 نوآبادی بفضله ازین بی بی چهار پسر شدند ذمی علم و پر جوهر از جمله کیستنی میر الت
 تذکور الصدردومی مولوی محمد اکبر شدند با ایشان دو پسر آخر نام نامدومی شاه
 محمد اصغر و جیه ذمی علم پسر شادی ایشان در قصبه نسیر گردید از دختر شایان
 لطف علی ابن شاه محمود بفضله ولاد موجود یک پسر شد محمد خلیل بعیدل
 شادی ایشان از دختر مولوی سید اشرف علی شد یک دختر و پسر موجود دختر
 منسوب است از شاه مقصود پسر عالیقدر مولوی احتشام حیدر السید ^ت
 بخشید مزید حیات و نام پسر چارمی شاه خیرات علی در خویش رانی که ستنی
 اند از جوهر صفاتی چون انجام شادی ایشان در کفویت نشد از منکوحه خود
 اولاد دارند دختر و پسر و معاشرت نمود از اولاد منکوحه پدر که بودند ازین
 منکوحه نیز دو دختر پسران چهار و دو ناگتخار حلت کردند یک میان رضو
 که تحصیل علم ظاهر شده بود از تربیت پدر بزرگوار نوجوان قضا کرد و ذمی را
 نام بود سیله ذمی هنر هر دو دقات یافتند یک بعد دیگر از اولاد موجود اند
 ذمی اولاد یک نام امداد و ذمی میان محمدی که پیشه تجارت مینمایند دلالی
 میکنند دختران نیز منسوب جا پچاند ذمی اولاد اند در اینجا ضم شد ذنیت

حضرت میر سید عبدالواحد رحمة الله علیه

فرع سوم اصل نخل اولی در بیان ذکر اولاد دوم میر سید اولیا ابن

میر سید صدر جهان

چون از بیان کیفیت کفویت صاحبان نوآباده کلان اولاد میر سید محمد اونی
 و صاحبان کورجی ذریت میر سید عبدالواحد پسر سوم میر سید صدر جهان فراغت
 یافت مینویسد ذکر فرزندان میر سید اولیا ساکنان قصبه دانا پور و افصح گردید پسر
 سید اولیا بودند تارک دنیا بصره و هو مشغول و یاد خدا گاه به روزگار زیاده
 نکردند بار شاهی عمده افتایا قضا بنحانه نشیند شکسته پا والد ماجد ایشان را
 بحضرت میر سید صدر جهان ابن حضرت میر سید قطب الدین باقری نسب منسوب
 بود پدر بار شاهی امیر الامراء بن خطاب حسین الملک وقت آخر ترک نمودند
 ماغزند بیا و خدا بعت ایشان را از پدر بزرگوار خود بود بطریق عالیہ خشتیہ نصیریہ
 الحصول شادی میر سید اولیا در موضع کورجی گردید که در کتاب شاهی است
 نام آن چشتی پور عنایت الدار مسماة محکم دختر شیخ محمد یحیی ابن شیخ ذکریا
 فریدی که بودند از اولاد شیخ فیض الدار فرزندان حضرت بابا شیخ
 فرید الدین شکر گنج القصبه از لطن این بی بی شدند و در فرزند تیره بلند کلان
 نام بود میر سید حسین عزت سید حسینی و اما میر سید عبدالرسول قادری نسب
 که داماد قاضی عماد الدین رضوی بودند و ثانی پسر بودند میر سید سلیم که خدائی
 ایشان از دختر خال خود شدند نام زوجه شان بی بی نصیبیه بود دختر شیخ
 معین الدین ابن شیخ محمد یحیی فریدی کورجی از لطن زوجه شان یک دختر

و پسر شدند متولد نام دختر بی بی و اسمی که از شیخ محمد درویش که خدا شدند
 یکی از صاحبان کورجی نانامی شیخ محمد مراد والد ماجد شاه قطب الدین عرف
 شاه بساوند بودند جز ایشان کسی دیگر اولاد نیست نام پسر میر سید سلیم میر سید
 محمد علیم نوجوان رحیل ملک بقا شدند اعقاب نامند جز فرزندان میر سید حسین
 عم شان باید شنید شادی میر سید حسین از بی بی مبینه دختر میر سید عبدالرسول
 شد از بطن این بی بی یک دختر و یک پسر شدند میر سید محمد باصر نام دختر بی بی
 رقیبه که از برادر عمزاد میر سید محمد الحکیم که خدا شده بودند هر دو نوجوان
 شجره در بیان کیفیت و حال میر سید محمد باصر این میر سید حسین ابن

میر سید اولیا ابن میر سید صدر جهان

واضح باد سال یک هزار و ده هجری ولادت میر سید محمد باصر گردید کیفیت ایشان
 برین مختصرت ایشان را بود از پدر بزرگوار بطریقه عالییه فصریه حصول و نیز در
 تعلیم معنوییه ضبط مراقبه و مشغول و نیز حثیت و لیاقت ظاهری تحصیل کتاب
 عربی و فارسی و فقه اصول با این همه بود و در فزون بر لیاقت اقرون و در
 فن تیر اندازی کمال در عهد خود و پیشال چنانچه رساله تالیف کرده بودند
 یافته انرا از حضرت بزرگوار نزد خود و در داین خاکسار عبرت ساگلی
 رسید بودند از قضای الهی والده ماجده ایشان گردند انتقال چون از خدا
 مخدومه گشتند فارغ البال و والده ماجده خود را بمسغولی ذکر حضرت ذوالجلال

نوبت ترویج نهاده بود زمانه مغتنم نگاشته قصد سفر کردند بمر بست و پنج سال
 واضح باد زمان ولادت آنحضرت در عهد اخیر جلال الدین اکبر بادشاه
 و در عهد سلطنت معظم شاه کردند انتقال چهار سلطنت دیدند و معاودت
 نمودند بمر شصت و پنج سال الغرض سیر کردند هر دیار و امصار آخر ماندند بهمبشی
 و مصاحب محمد معظم بهادشاه ابن عالمگیر بادشاه بمقام شهر و ما که جهانگیر نگر
 چندے ماندند بعد هچکده داری و محافظت کو تو ال شاهزاده زفاقت ایشان
 پسند نمود و بخشش تیسری برین امضا شد چند سال هر گاه خطاب بانتهاب سیر
 بشاهزاده موصوف از شاه او رنگ زیب عالمگیر بدین مضمون عبارت جامه
 تیلوانی در بر و چیره زعفرانی بر سرین شریف رسید بچهل شوش تفت برین ریش
 و فاش مصاحبین سابقین شاهزاده ترک روزگار کردند چون همدشینان قدیمی
 شاهزاده شدند معزول آنحضرت زفاقت شاهزاده نکرده قبول هر چند شاهزاده
 بهادشاه بهر زفاقت کرد اصرار بسیار اقبال کردند زینها زینها ترک عمده
 جلیله کردند قصد مراجعت وطن اختیار هر گاه بوطن تشریف آوردند چند سال
 گذشته بود که والد ماجد آنجناب کرده بودند انتقال پیدا شد حزن و طلال کمال
 در شهر پلنه سجان آبابی کسے را نیافتند جز یک برادر عمزاد میر عبد الشکور
 ملاقات کرده آمدند بسوی دانا پور در اینجا یافتند از بزرگان و برادران باستان
 میر شهاب الدین و میر رکن عالم ابن میر سعید عبد القادر و میر سعید کارم دیگر

عزیزان در اقران بودند ملاقات ساختند و صحبت با ایشان چندے اقامت
 در قصبه و انانپور پر دستند از دل قصد ترک سفر کردند روزی از روزها
 عند الملاقات از میر سید محمد رضوی که بر اخلاقی حقیقی بودند و از عمر انجناب
 نیز بودند ده سال کمتر مجوز شدند بهر متاهل انجناب چنین تذکره افتاد و جوا
 فرمودند ای برادر عمر من رسید قریب هفتاد و قصد متاهلی چکنم اگر واقعی باشد ترجیح
 نسبت حصول اولاد کدام کس و دختر خود با این ضعیف خواهد بود بیان متبسم شده
 میر سید محمد فرمودند ای جناب معنی القاب از شادی اولی دختر است بهر
 تا که خدا الحمد له خیال کفویت بود برآمد مقصود بزودیت شما میدهم اگر نصیب
 اولاد فهو المراد اولاد هر دو برابر و واحد باشد بفضل حضرت باری سلسله اولاد
 بود جاری باصرا تمام آخر کردند قبول واضح باد شادی اول میر سید محمد
 ابن میر سید جهانگیر قریب بست سال شده بود در موضع صفی پور از بی بی
 رضائی دختر شاه موسی صفی پوری که زبده اولاد محمد و عم شاه صفی بودند
 گردیده بود از بطن این بی بی دختر تولد شده بود بد بی بی رقیه نام مدعو
 بی بی حقیقتا خورد سال ایشان را گذاشته والده ایشان بودند بخانه پدر
 پرورش یافتند بصورت خانه تقریر شادی ثانی از دختر میر سید محمود
 نوآبادی کرده بودند از ان بی بی کسی اولاد نشد و عمر بی بی رقیه در ان زمان
 نوزده ساله بود و سن جد اعلی میر سید محمد باصر بود بلا شصت سال یا هفتاد

آخرش بروز سعید و حمید تجویز کرده در عقد نکاح بزوجیت در آمدند شادمانی بجا
 رسید گریخی خالق که در آن سن و سال بزوجی اله تعالی ششش اولاد بخشید
 دو پسر و چهار دختر هر یک چون شمس و قمر سعید اختر بیان اولاد آنجناب در تیره
 کیفیت آنحضرت خواهد نگاشت هر گاه آنجناب محل القاب ترک حلیل عمده کرده
 به اقامت آماده شدند توکل علی الله تکیه خانقاه آبابی شهر پشته شد به تقسیم
 بمشغول یاد او تعالی بصراط استقیم پار از رفتن شکسته سلسله ملاقات اهل دنیا
 گسته متوقع فضل خداوند کریم بقیه عمر خود را در چلپکشی و گوشه گیری بسر ساخت
 هر دم دمی بزرگ یاد او تعالی می پردازد اعتدال لبان حق را ضرور است از لذایذ دنیا
 ترکش و جوب لازم آنحضرت در مشایخه حق تیر قامت را کمان ساخته بسا
 و برگ آب و نان توکل بقیضه آورده بهدت مراد خود نشانه کرده آخر بنام
 حق بزرگ حق که بودند باین ستم حق روزی قربان جان خود ساختند ز به
 استهانی که سهم سهم رضا الهی گشته خمر کار خاک توده گرد و طائر روح حق سال
 محبت آمده وصال حق یابد و کار از لب سو فارد رگنزد و چونکه آنحضرت در قرن بزرگی
 داشتند کمال رعایت عبارت تحریر کرد برین منوال دو پسر و چهار دختر در
 دنیا گذاشته بمر یک صد و سانزده سال کردند انتقال در سنه یک هزار و
 دو هجری سفر فرمودند جناب حضرت جدا مجد چون بسال یک هزار و یکصد و هجده
 شاه او رنگ زیب عالمگه ما د شاه نمود انتقال و با خود با برادران اعظم شاه

و عالیقدر و معظم شاه ملقب بهادرشاه که تحت نشین بمقام دہلی شدند بر
 تخت نشینی سلطنت در پیش آمد منازعت واقع شد جنگ جلال آنها ختمیت
 یافته کردند انتقال و تخت نشینی بر شاہزادہ معظم ملقب بہادرشاہ با
 بحال در آنوقت بہادرشاہ از رفاقت آنحضرت آمد خیال از آنجا فرمان رسید
 بنام آنحضرت بہر وزارت طلب نمود باو شاہ ابوالناصر حضرت میر سید محمد صاحب
 جناب اقدس و اعلیٰ تکریم فرمان شاہی نمودند نہادند بر سر و بر پشت فرمان
 تحریر نمودند عذر بعبارت بہتر اول این بیت نوشتند مقولہ حضرت سعدی
 علیہ الرحمۃ عفو فرما یند تقصیر بدین تحریر سے اگر طالبی کا ین زمین طو کنی ۴
 نخست اسپ باز آمدن پی کنی ۴ غریب نواز عالی جاہ دین پناہ ہر گاہ لائق
 خدمت شاہی نما ند بسبب رسیدن سن کبیر چون ہوش و حواس سجا نما ند کہ
 کہ آرد سجا اداب شاہی تو فری مینوی کہ کرمی دارم خون میشود کہ سنہ میخور اند ہر گاہ
 میشوم من بر ہنہ می پوشاندا بتی نما ند با ین ضعیفی خبر سے حرص و ہوس اللہ
 باقیست و بس این عذر کردہ خلعت شاہی منصب وزارت و افس داد
 ہر چند ائمان ترغینا للینصحت گفتند اگر خود نمی آری شرط خدمت سجا د نمی آری
 بدلہ خود کیے از فرزندان خود را بفرسی این معنی نیز پسد خاطر نیا فتاد فرمودند
 فقیر دارد دو پسر کیے اہل جذب ست نومند و زور آرد از طریق خدمت شاہ
 بخبر دومی مصروف بیاد الہی بعبہ جوانی مشغول بمشاہدہ ذات ربانی کی بود

در حوض مله و در کی باشد لذت ذیبا را شائق بهر دو یک نیست بهر فرستادن لائق
 کشتی عمر من رسید بگرداب تباہی اینها چه دانند و اب شاہی میفرمودند بعد
 انہم غدر از جانب بادشاہ رد و بارہ رسید بطلب فرمان شاہی بدین معنہ
 اگر چه در جواب تحریر ساختند بایجاب عمدہ وزارت جواب سات مکرینو نسیم بان معنت
 ستاہ تانہ شوم رو بر حق تعالی وعدہ خلافت از کسے فرزند ان خود را فرسیند تقصیر
 معاف آخر کار آنحضرت از ہر دو پسر کردند استفسار از طلب شاہ نامہ را پسر کلان
 میر سید عبدالقادر بخشوش حوالی سرت از بادہ ذکر سکر بانی گفتند بادشاہ
 مرا خوراندن نمی تواند ہستم بسیار خوار تہہ وزارت بیج نیست نزد فقہر خاک
 چون پرسیدند از پسر ثانی از میر سید محمد حسین مقبول ربانی حد ما در می شان
 میر سید محمد ایشا نرا مگر گفتند در کتابہ و گفتند نخواہی کہ فرزند تہہ بلند مرا نامہ
 بدر بادشاہ مجرانی انشاء اللہ تعالی یقین قلبی ام عیان است چنانکامی حضرت باری
 جہہ سانی کہ بادشاہ وقت شود رو برد این پسر مجرانی سبحان اللہ ان بزرگوار
 چنان بود ندید و حق مشغول کہ داشتند فی پروائی بچہ طول غماض کردند از طلب دنیا
 بے اعتنائی بار سوم کسے نامہ را از جانب ہما و شاہ بادشاہ از اسجا کہ خاک نشنان
 کو سے قناعت را بطلب مرگ طبعی غایت انہ نشی ست کمال کہ روزی خود را
 سپردن است بجا کہ گوزی جالی لباس ابریشمی خوشتر نامہ و خدمت شاہی آخر
 چون کمان خم شدست از قوت و زور سخن کسیکہ بیکد و قدم نامہ ماتد قوس

عرصه فلکی طی نماید ضرورت که اشهب اندیشه و نیار آخر پی کردن پیش آمد میفرمودند
هرگاه زوجه آنحضرت در دنیا پور و برود آنحضرت کردند انتقال که دوام بخانه آبا
ماند به سرور حال فرزندان خود را نیز بر دامن جدادری ایشان گذاشته بخانه آنقا
آبائی شهر پخته اقامت کردند عمر آخر بسر کرده واقع شد انتقال در آنجا است
مزار پائین پدر و جد بزرگوار بحکله کچور کمره کچوری کلی بعد چند سال اولاد دختر را
که خدا کرده حضرت میر سید محمد رحمة الله علیه یافتند بدست احدیت وصال

شماره اول شجره اصل

حضرت میر سید محمد باصر را بودند دختر کلائی بی بی صبیحی بتوکل خدا عمر
بسر کردند در چله عزت خانه نشینی از آنجا که عارقه کامله بودند زوی شعور بودند از هر
پایه معذور که خدائی پسند نام در یاد الهی بسر شد عمر بمشغولی حق که بمجوردوی
بود مستحق بالا از صد سال شد کردند انتقال از همه خواهران و برادران بودند کلائی

مزار آستانه سهوه درگاه است

شماره دوم شجره اصل

در ذکر دختر ثانی مسماة بی بی سیدا بود نام آنمخدومه که خدا شدند در بنی اعمام
و احوال از میر سید فضل الدین عرف سید فضلوا ابن میر سید عبدالدین بسر
توجوه آمده بود بنام سید صدر الدین دوازده ساله بمرد شماره بیاب بر و اعقاب

ایشان نماند

شجره سوم شجره اصل

بزرگ و دختر سوم بی بی علیمه که از میر سید ارشد ابن میر سید عبدالشکور
شدند کتخاد و دختر و یک پسر بنام میر سید محمد صالح کیفیت ذریت ایشان

بالا شد بخوبی مذکور

شمره چهارم شجره اصل

در ذکر دختر چهارم میر سید محمد باصنام بود بی بی واحده که خدا شدند از شیخ
وحیدالدین ابن شیخ محمد سعیدالدین کورجوی فریدی نسب متولد شدند از اطمین
این بی بی دو پسر و دو دختر نام دختر یکی بود بی بی زاهده بنت بی بی
واحده از شاه نور علی ابن شاه محمد ولی کورجوی شدند که خدا کرد
دختر ایشان یکی بی بی و اصله زوجه شاه وحید الاسلام دومی بی بی
ناظمه زوجه شاه تاج الدین نوآبادی مذکوره بالا حال دختر ثانی که خدائی در یافت
نشد نام پسران شیخ وحیدالدین مذکور شیخ معین الدین عرف شاه جکوری
نام پسر دوم شیخ علام حیدر عرف میان گهسیا که مستثنی بود در اقران بودند
وزور مثل کشت زنی پهلو ان نقل مینمایند که ده منی توپ شاهی را یک بر تار
از دست باز و انداختند درین باره هیچ تامل نداشتند روزی یکی از برادران
براه کورجی رسیدند بر اسب سوار ازین نومند بلاقات شد چشم دوچار
اندر بیان گفتگو ساعد دست بر پشت اشب نهاده تا ویر نمودند کلام بجز تفسیر

قصده فتن کردن بر اسپ شد خرام آن اسپ از گمگم زورش در فتن نتوانست کشت
 به پست او زود فوراً شد رهوار بدین طوق قصه شهنواری است بسیار شادی در
 اقران اخوان شده بود اولاً نشد الا شیخ غلام حیدر پسر دوم نیز بودند تبونند
 حاجب قوت و قوت اگر بر دو برادر یک جانب میشدند جانب دیگر نیز کافی
 بودند این تنومندی از عنایات الهیت الا علم ظاهر نمیداشتند هر دو
 برادر مگر پسر سید غلام حیدر منشی بیدل نام بودند منشی تقی الدین بودند شاعر

ذمی فنون بهر امور مدبری ماند

شماره پنجم شجر اصل نخل اولی

در بیان حالات پسر گلان میر سید عبدالقادر این حضرت میر سید محمد با
 آنجناب سر مست حال و تنومند بودند بسیار خوار بیکبار میخوردند بست آثار و در عالم
 فاقه چند روز هم نمی خوردند ایام ولادت اصحاب بسال کهنه و هشتاد و هجری تا عمر
 چهل سال ماند ذمی حیات در پایه ثبات از نزد جی بیخ نبود سر و کار بی شعوری
 بود مستایه دار و در دانا پور زیر درخت سپستان ست منرار پائین قبر آنجناب

اهل ورزش و ورزش نمایند

شماره ششم شجر اول اصل در بیان حضرت سید شاه محمد حسین خلف

ثانی حضرت میر سید محمد باصر

استماع است از حضرت جد لا مجد که ولادت حضرت میر سید شاه محمد حسین قدس

در سنه یک هزار و نود و هفت گردیده بود و این پنج و نیم شهر سبج الاول عشر شریف بالا از
 سال هفتاد و پنج یا شش سید عمر بنیزده سالگی که فرمان شاهی رسید بعد از آن
 بشش سال گردید انتقال بدر بزرگوار آن عالی تبار تا آنوقت قصد ترویج نشد
 بود مشغول در عبادت و ریاضت و شغل و اشتغال بیعت و تربیت و تعلیم ^{طبی}
 شد از جدادری حضرت میر سید محمد ضوی هرگاه رسیدن شریف بجز نمود
 سی سال بفرمان جدادری شادی کردند اقبال انجام شادی شد از بی بی دو ^{بین}
 دختر خجسته حضرت سید شاه محمد مبارک قدس سره مقتدای عارفان نور آباد
 آن عصمت ماب عارقه کالمه بودند با وجودیکه در زوجیت شوهر آمدند با اینهمه بودند
 مشغول بذکر حق ذات خدا از لطف آن بی بی سید المجدوبین شاه محمد مبارک
 دو پسر و یک دختر آمدند وجود اولاد اهل کمال نیز اهل کمال شمره شجره لسانی
 سید شاه نصیر الدین احمد که بیعت و تربیت ایشان بطریق عالیستیمه
 نصیریه بود حصول از والد ماجد خود شادی ایشان گردید از دختر خاله خود یعنی
 از بی بی ملیحه دختر بی ابدال بنت حضرت شاه محمد مبارک قدس سره اولاد
 کس نشد در موضع مقام کانپور رفته گردید انتقال بالا بمرحل سال در آنجا

بودند مردان اجنباب

شمره دوم شجره در ذکر دختر خجسته دختر بی بی اقیبا دعوی بی حجاب
 که خدا شد نماز میر سید محمد حسن ابن میر سید وجهه الدین سید بولن رمدی لفظ

بوجود آمدند پس آن چهار سهر یکی عالی تبار یکی از ان کلائے میسر سید مظفر علی والد
 ماجد حضرت سید شاه سیحی علی دومی سید غنظفر علی زوج بی بی رشید اعرف بودند
 سومی سید حسن علی چارمی سید قطب علی از دوسپران اولاد شدند و هنوز موجود فرزندان
 شان

شماره سوم اصل نخل در بیان حالات سید شاه ولی الله پسر کلائی حضرت

شاه محمد حسین

واضح باد پس کلانے از سید اسالکین سید الخدیوین حضرت سید شاه محمد حسین بودند
 از سر حقیقت و معرفت اله آگاه حضرت سید شاه ولی الله ولادت ایشان
 در سنه یک هزار سی و چهار در دامن فیض میامن پدری و مادری پرورش یافتند
 تربیت ظاهری از پدر بزرگوار بهجت و تربیت و خلافت از جد مادری حضرت
 سید شاه محمد مبارک قدس سره بعمر بست سالگی کردند شادی از دختر
 خال خود از بی بی باصره دختر میر سید محمد ثانی از لطن آن زوجه و دو دختر
 تولد شدند دریت ایشان هنوز باقیست کیفیت این تبصریح بالا مذکور شد الا از
 زوجه ثانی سه اولاد یک دختر دو پسر انجناب معالی القاب را بطار امرار اکین
 سلاطین داشتند بسیار مردان کثیر سیاح امصار و دیار بعلاقه مرشد آباد بودند
 مردان بسیار سهرگاه والد ماجده انجناب محذومه زمان بی بی و دولت جهان
 عمر چهل سالگی بجار صه لاحقہ دفعتاً کردند انتقال والد ماجد آنحضرت را پنداشد
 لعل حزن و ملال آخر از بزرگی رسید صدای کلمه الحق در گوش برفت ظاهری

حواس و هوش تا چهارده سال ماند در حیات کیفیت جذبه بود طاری کشف و کراآت
 آنجناب اکثر بمشهورست بطوبه پیشین گوئی و بعد سه سال جدادری آنحضرت نیز
 کردند انتقال ویرانگی خانه شد بصورت نو عداگر برادر دوم میرسید نصیرالدین را
 نمود و هیچ دختر و پسر از آنجا که یا خود ما زن و شوهر بودند تند مزاج بصورت بد مزاجی
 ناموافق بود فروع آمد قصد سفر کردند می آرند مرزاخان بیگ نواب
 مرشد آباد را بودند یک از اراکین و بودند آنحضرت را افضل المریدین و سرشین
 روزی عرض ساختند در تشریف آوری آنحضرت هرج واقع میشود بسیار خوب است
 در اینجا طلب فرمائید ایل و عمیال حضرت عالی تبار چونکه مزاج تند بود آمده بر سر
 جلال فرمودند همه با کردند انتقال که اسامی طلب درین حال شده بودند سکوت
 واقعی امر بر دل ایشان ثبوت عرض کردند شادی ثانی نمایند درینجا فرمودند
 همچنین اراده دارم جاسه تجویز نمایند مرزاخان بیگ فرستادند پیام بخانه
 قاضی زادگان که از مریدان آنحضرت بودند بمقام کشن نگر گهگره چنانچه
 قاضی ولی محمد ولد قاضی محمد شجاع قریشی نسب و نسب مادری اینها
 از انصار قرابت یکی از مریدان و اثنی الا اعتقاد بودند دختر خود را دادند بزوت
 کردند اقبال آخر کار انجام شد عقد و نکاح نام آن زوجه مسماة ماهی بی بی بود
 دختر قاضی ولی محمد ابن قاضی محمد شجاع ابن قاضی شیخ رفعت الله ابن قاضی
 سلامت الله ابن قاضی محمد علی ابن شیخ محمد سح ابن شیخ محمد فصیح تاهفت

کرسی یافتیم آسانی تحریر نمود این بزرگوار اهل معاش زمیندار بودند کاشتکار محصول
 در نجابت آن بزرگوار هیچ شک و شبهه نیست از صورت و میرت اشکار گرفته تعین
 چه اعتبار بعد چند سال از لطن آن بی بی دختر متولد شدند نام بود بی بی سعیده
 بعد دو سال شان بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت شهر محرم الحرام تبارنج و هم
 تولد یافتند فرزند اکبر عالی حضرت سید شاه غلام حسین بخانه جد مادری بیبا
 شرقی در دانا پور آمده تولد شدند فرزند دوم سید شاه شمس الدین حضرت
 جد الامجد سه ساله عمر داشتند حسب طلب برادران نجابت سواری کشتی آوردند و در
 مع اهل و عیال بسوی وطن در روزگان کشتی در قصبه نوآباد ه شد فرود آمدند
 از کشتی به ملاقات اخوان سید دعوت از خانه اخوان الامحل اولی زنده بودند
 باستماع شدن پریشان کلمه کلام جاری شد بر زبان اشاره باین وان ناقص
 الصلان را در نجابت و شرافت آن زوجه حجت باشد و تکرار الانز و عقلا نیست
 هیچ حجت چه شرق نمی ماند بشرقی دیار احمد شد مصاهرت مایان واقع شد
 بخانه فقرا که نجابت و شرافت بهترین و متعین را واقع شد مصاهرت در
 ابر الشرافت کترین بهر حسین و ترین میفرمودند آخر رسیدند در مقام دانا پور
 بخانه فرود آمدند کرده از دریا عبور حضرت سید المخذ وین سید شاه محمد حسین دیدند
 فرزند پور کمال شدند سرور از ان روز خانه ویرانه کردند آباد و دوستان شاد و شمنان
 بیبا و بسال یک هزار و یکصد هفتاد و دو آخر زمی جمه جناب حضرت سید شاه شمس الدین

تولد یافتند بعد انتقال حضرت سید السخردین سه چهار ماه جبر این داده بودند آنحضرت بطور پیشین گوئی اجماعاً و المنه هر برادر بودند آفتاب و ماهتاب ذمی اعتبار صاحب اقبال یکے جدا مجدد ذمی جد مادری این خاکسار از هر دو فرزندان شدند و انشمند و بهوشیار ذمی اسرار و دختر بی بی سعیده جوان شد مکه خدائی شد از میر مراد علی ابن سید حسن رضا ولد سید محمد رضا ابن سید عاشق علی کاکوسی الالبی اولاد وقتند

از نیعالم و ذکر فرزندان فرزندان بعد ذکر اولاد حضرت خواهد شد

شجره اولی اصل نخل در کیفیت و بیان جناب حضرت سید الوصالین
سید شاه غلام حسین قدس سره ابن حضرت سید شاه ولی الله

باید دانست ولادت آنحضرت بمقام کشتن نگر بخانه جد مادری شد بسال یک هزار و یکصد شصت و هشت و هم شهر محرم الحرام ازین روشندانم آنحضرت سید غلام حسین والد ماجد آنحضرت از ظهور آنحضرت شدند کمال سرور گرچه از محل اولی بودند دختران ذمی شعور میفرمودند چون سن فقیر از چهار سال چند ماه گذشت بتقریب مکتب جمع نمودند اقربان و اخوان وقت مکتب هر دو برادر رفتند بحضور والد ماجد آنحضرت مکتب بهمیره حضورست در پیش تشریف در اینجا بر ندا غازی بسم الله از و نمایند الحاصل تشریف آوردند مرا گفتند بخوان بسم الله الرحمن الرحیم چون خواندم فرمودند بگورب یسر و تمم و بالخیر تعمیل آنهم نموده قدری شیرینی ازان در دهن این فقیر نهادند و نیز بدین تشریف دادند والد ماجد من عرض نمودند پیش این گویا نمایند

فرمود پیش در سست ترقی ذهن و دوا م بس معنی بسیم الله و تمجید با تخیر
 میفرمودند بدولت آن حافظه و ذهن شد حصول و زبان خود بر آورده و چنانچه
 هر چند که حضرت ظاهر تحصیل چندان نبود الا مقدر که از آنحضرت ببحث و
 تقریر نمود در تراویح حفاظت القمه میدادند حال آنکه ناطره خوان بودند میفرمودند
 دختران محل اولی را که در آنکه خدا در شرف اقران که مذکور بالا شد و فرمان بادشاهی
 بطور التوجه مدد معاش مال پور و غیره کرده حصول محل اولی حواله کردند که صرف رکافت
 خود سازند ازین شدن نمیتواند اجرا نمودن فرمان شاهی برادران شما صوبه
 رش اندر آن شریک نصفانصف نمایند بحق محنت و قرابت محبت بدانطور
 تمییل بعه در زمان بادشاه عالمگیر ثانی رفته حصول ملاقات کرده که
 زمان سلطنت پیرانگنده شده بود چند فرامین دهبیات یکجا کرده فرمان آوردند
 و پیش نظر پیر بزرگوار دست بسته گذارینده هر گاه معانته نمودند فرمودند ای ولی
 درین فرمان ضاد ضاد نوشته است بسیار عرض ساختند ضاد ضاد چه معنی دارد
 ای پیر بزرگوار فرمودند حاکم وقت اخر فریق دیگر خواهد شد این معافی بار اضبط
 خواهد کرد این کلمه گفته از دست خود کردند آن فرمان چاک حیر که اهل جذب بودند
 ستان به پاک فرمودند ای ولی مشو لول روزی بر آستانه تو برسد بادشاه
 دین پناه بطلب این فقیر خواهد دید مرا هست وقت آخر کرم مناسی و دعوت
 کنی و هر چه دید گیری را ندیده پذیری تا فرزندان تو اهل نیا نشوند و دست مبارک بزدان

نهاد که لغزش می شود و یک دندان بر آوردند و فرمود این را بگیر با دستان
 بهر خزان تحفه فقیر می فرمودند شش ماه شده بود آنحضرت یافتند وصال حضرت
 ذوالجلال که تلمیذ ثانی کرد و انتقال شهید شدند از دست افغان موفقی بکابل
 بنیبره ایشان غایباً پدر با دستان مقرر شد و با دستان عالم شاه در آن زمان
 بسفر بود و در شرقی دیار اینجوار نقل میکنند در قصبه سهرام بودند که بر سر ایشان
 چتر شاهی جنبانیدند از اینجوار سیده در حضرت بهار بوسیده آستانه فرار نمودند
 ملاقات مشایخان اینجوار روزی خبر رسید که با دستان با فوج دارالکین می آیند
 به ملاقات حضرت سید شاه محمد حسین در قصبه دانا پور حضرت سید شاه علی التت
 قدس سره قریب فرار و الداجد زیر درخت کهنه فرو شطرنجی گسترانیدند و بر عت
 ماحضر بر اسد چون با دستان شاه عالم رسید بشاه راه قریب فرار پسیند
 دائره حضرت سید شاه محمد حسین کدام جاست عرض ساختند دائره نیست
 شکسته و بیست و کمنه مسجد و این است مراد فرود آمده بوسه فرار داده فاتحه
 خوانند پسیند کسی از فرزندان آنحضرت هستند موجود پای التماس ساینند هر دو
 برادر بعفت هر یکی کلانی آنحضرت هستند و ثانی است این فقیر بگلگیر شدند و شد
 مصافحه از هر دو نشستند میفرمودند عمر من در آنوقت هفت ساله بود و برادر من
 شمس الدین دو سال داشتند عمر والد ماجد از دست شریف دندان آنحضرت نذر نمودند
 بهر حرز و کیفیت کردند بیان که آنرا در سر هر چه دستار نهاد بهر تعویذ استند عا

ما حضرة کردند آنهم کردند قبول و مراد دیده پرسیدند این فرزند کیست گفتند
 این فقیر زاده است فوراً از دست خود مراد گرفته برزافو خود نشانند و پرسیدند
 نام شما چیست گفتیم غلام حسین ازین کلمه شدند سرور لاریب جمله سیادت
 اند غلام حسین یعنی فرزند حسین پرسیدند چه بخوانی گفتیم پند نامه سعدی
 کرمیا فرمودند بیتی که یاد آمد بخوانی خواندم حسب حال تو وضع ز
 گردن فرازان نیکوست + که اگر تو وضع کنی خوبی اوست + باستماع این
 مرا از سینه خود کردند ضم و بهر مرد معاش فرمان بصیغه التمجیه شد تخریر
 و سفره گسترانیده شد ما حضری چه بود وقت تناول از قسم طعام نانجوین
 و تره چولائی دال کساری نخود آمیز و سرکه اچار پیل و اچار اول درست کردند
 و تیل خوردند آنرا کردند ای شاه صاحب طعام انواع اقسام خورده ایم
 لذیذ طعام سلیمس هرگز ندیده طور نخورده ایم بیایا التماس رسانیدند طعام
 چیست طرفه طعام این قسم سلاطین خواهند خورد گفتند مطلب من چنین نیست
 چنین ذایقه دار لاریب ذایقه طعام از خانه تکلفانه انتخاب هرگز نخواهد
 بعد طلب شدند قانون گویان و چو در هر این منصب در هر موافق فرمان
 شد اگر چه با شاه وقت در مدعا فی بطور ایمه و تار در گاه انتخاب کرد
 در پرگنه بجلو آرمی میداد بسیار عرض کردند برین زمین قناعت نماید این
 خاکسار چنانچه زمین معاش از بودی غالی پیمایش با پندوسی و هشت بیگه است

بقبض و دخل و در مدعانی موجود وقت دایر ضبطی هم واگداشت شد و صرف
 فرزندان آنحضرت است حالا صرف وارد صادر کمتر صرف دیگر دیگر میفرمودند
 بعد رفتن بادشاه بسوی دہلی والد ماجد را قصد گشت بسبب پرگندگی کار مطلب
 از صوبہ وقت اجراء نمایند در انوقت قاسم علیخان بود و صوبہ شہر ٹینہ عظیم آباد
 و بد بہ صولت او بسیار بود روزی بہ اجراء فرمان حاضر در بار صوبہ بہ شدند
 و انوقت نواب قاسم علیخان صوبہ شہر ٹینہ عظیم آباد بود بسبب نواب
 جعفر علیخان مالک ہر سہ صوبہ ٹینہ و او و لیسہ و صوبہ بنگ بود و از
 طرف شان نواب قاسم علیخان نائب کہ داما و شان بودند بطور رابطہ
 از ہر دو صاحبان بود بسیار بلا تامل و عرض عرض سگی داخل در بار شدند
 مغلیان و افغانان تیغ برہنہ و ہر دو بار می بودند گزر کسے میشد بشو آتاکا
 چنین بود در اینجا ہتمام میفرمودند در ان زمان نواب قاسم علیخان از خبر
 و انگریز و گردان بودند بجدہ ہر بار شاہی بحضور عالی کہر شاہ عالم بادشاہ
 رفتہ معذرت کردہ بحال بر صوبہ ٹینہ ماندند و خطاب عالی جاہ یافتند بعد چند
 از بادشاہ روگردان شدند بآئینش کا مکار خان تسلط بر ملک یافتہ صدکا
 مطابق آئینہ الیوم لمن الملک و احد القہار ہر داشتند میفرمودند نواب
 قاسم علیخان اول والد ماجد را نشا خندہ چون السلام علیک کردہ ہنہ
 نشیند نواب را بنشہ عمدہ جلیل این جرات تکلف نامہ پسند پر سیدناست پست

فرمودند ولی الله باز پرسید نام پدرت چیست فرمودند سوره بسین از جابر خاست
 و شناخت و گفت ای برادر شاه ولی الله من ترا شناختم درین عرصه عروج
 من نه یاد کرده ام و زجه شد که تشریف آوردی فرمودند قول خدا علی است
 بیس الفقیر علی باب الامیر و نعم الامیر علی باب الفقیر تو مرادین عروج گاهای
 نسر فر از ساختی از نعم تو بگذشتی و نیز این فقیر دارد عیال بسبب آن از لطف
 فقیر بگذشتت بدر بار تو حاضر شدم و فرمان شاهی پیش نظر او نمودند و دیده بگفت
 نواب قاسم علیخان ای برادر این فرمان کدام پیش من آوردی از من بگو
 در علاقه این صوبه ازین بهتر معاش میدهم می فرمودند در مزاج والد ماجد
 من جدت بود بسیار تند مزاج جواب دادند بجزسته ای قاسم علی ترا چه شد
 استکبار پیدا کردی استکبار صورت او بارست که بادشاه وقت که سایه چهل
 اولیا بر سر او راور گیدی گفتی شاید معتوب الهی شدی این فرمان
 شه شاهان آنست که از خطاب عالی جاه یافتی وارور و تیر یافتی مرا چه
 خواهی داد آنچه که دهبی در زیر ران پرستاران خود منی این کلمه بباکانه
 گفته از اینجا برخاسته نواب گفت بنشین بنشین فرمودند بنشینیم مرا کافی است
 سوره بسین حکم بچو بداران نمود بر گیر بر گیر در باران متحیر شدند بر جرات
 کلام فقیر بعد لمح از اینجا از چشم خلایق شدند پنهان که گیر و در گیر و فوراً
 از اندرون محل او خبر رسید که پسرش بمرد نواب چشم نم شده کشید آه سرد

گیدی

میفرمودند والدین صد کرده شد بخانه نشین از گردش فلکی بر نواب قاسم علیخان
 آفتاب رسید چنان چنین این بی باکی را سبب آن بود که هر دو خسرو دانا
 چند روز بصیغه طالب علمی بودند تلمیذ جدا جدا میباشند آخر کار بر همه شد نواب قاسم علیخان
 از یورش افواج قاهره از هر جانب تسلط آنگزیدان نواب قاسم علیخان برگردد
 خود پشیمان شده بذریعہ اشخاص خاص حضرت والد ماجد را طلبیده معذرت
 بالمحاح وزاری و سفیر نمود آنحضرت را بهر صلح و مدد نواب شجاع الدوله
 که خیمه گاه او بمقام یکسری ضلع شاه آباد بود آنحضرت بیک روز پیاده پاکه
 بالا از سی کوه بود در اینجا میفرستد بر فرد دیگر تشرف می آورد و چنین بود
 طاقت رفتار درین مدت یک شب دیدند نواب حضرت والد ماجد خود سی
 شاه محمد حسین را چنین ارشاد نمودند امی ولی تو اورا مغضوب گفستی
 عالا مغضوب شد من التیس چیرا بنامه و پیامی او میکنی و دم بفقیر میرنی
 آنحضرت متنبه شده شدند خانه نشین باز برگردند از ملاقات آخر کشتی عمر
 و حکومت شد غریق کد ام را سپر گردد و بدیدی طریق میفرمودند بعد بر همه
 تسلط نواب قاسم علیخان از مرشد آباد و خود نواب جعفر علیخان آمدند
 بکمال و بدیه و صولت در عظیم آباد و چون فرستاده جناب والد ماجد را
 کردند ما و عند الملاقات کیفیت ملاقات نواب مذکور کردند بیان نواب
 جعفر علیخان شنید منقص شد از ملاقات کسر شان و فرمان فوراً نمود جبار

بعد تصحیح و بازورخصت نمود با عطای خلعت بعد چند روز نواب جعفر علی خان
 عازم مرشدآباد شدند آمدند به ملاقات بغیرخانچه در دانا پور دو روز دعوت خوردند
 بسواری بکره ار راه دریا عازم شدند سومی مرشدآباد و فرمودند جناب صاحب
 بسبب تنهائی پریشانم بهر دستگی اگر میان را همراه فرمایند صورت موافقت
 بعده والد ماجد مرا همراه نواب کردند بر بازو روپیه بنام امام ضامن علیه السلام
 میفرمودند حضرت جد الامجد این فقیر حقیر در اثبات راه نواب مرا بسیار نواختند
 در سفره وقت خوردن طعام و دستار بستن مشایخانچه از نواب بهادر آموخته ام یک
 روز دست خاص و دستار بندی نمودند آخر جد کیمه و والد ماجد من تاب مفارقت
 نیاورده خود رسیدند بمرشدآباد و مکانی خالی کرده شد قریب تر در اینجا همراه ولد
 ماجد میماندم طعام هر اقسام از جانب نواب هر روز صبح و شام می رسید و هر روز
 وقت در بار همراه والد ماجد خود می رفتم والد ماجد من بجای بهترین می لسنده و مر نواب
 از دست گرفته در کنار سگ رفتند تا دیر بر نواب نوشتند می ماندم و کلمه کلام میکردند
 خبرهای پرسیدند بدین سوال حاضریم میشد در دربار عمر سن در آن زمان ده سال
 میفرمودند روزی در جلسه دربار حسب عادت رتبه در آنوقت حضرت والد ماجد
 نبودند موافق معیاد معمولی بودم در کنار نواب عالی تبار عبده بزرگ نوشتند و آنوقت
 کس از مقررین از نواب صاحب پرسیدند که ذریب محلی القاب معلوم شیعه مذاق
 و از سنیمان چنین موافقت و اتفاق و التفات برین صاحبزاده فرزند مشایخان

سنت جماعت چنان و چنین چه سبب است برای بهبود بهترین فرمود نواب
 معالی القاب در جواب که انصاحب در زمان طالب علمی نجانده این عمده ایشان
 و سیادت بهترین مرابود جاگیر حالا مرانیز بدل بست منقوش که برای این صاحبزاده
 تجویزینمایم عمده جلیل یا منصب و جاگیر میفرمودند از انفات نواب مرچین
 بیشتر معلوم که صوبه عظیم آباد و تفویض نماید چونکه بودم خورد سال آخرین نوبت
 ناقدا بعد دو سال والد ماجد من در اینجا بودند انتقال نمود مقصود بهر دنیا بهبود
 حضرت معبود نواب صاحب را پیدا شد کمال حزن و دلال مرزا خان بیگ
 که یکی از مریدان آنحضرت بودند میخواستند در اینجا نمایند مرارا گفتیم مرامراد
 که نقش بر م بوطن و فن نمایم در جوار جد بزرگوار آخره صلاح بهر شش ماه
 نقش را سپرد کردند مع خدمتگار و اهلکار نواب آدم و اناپور صندوق ساخته
 بهر آوردن نقش پاک بسواری کشتی رتتم در اینجا رسیده از زمین تفویض نقش
 بر آورده با ضیاط در صندوق کرده از اینجا آوردم در جوار جد مجدد دفن نمودم
 از آنوقت باز قصد مرشد آباد نمودم میفرمودند در مرشد آباد وقت انتقال
 از حضرت والد ماجد عرض کردم که باد شاه بهر کفان معاش میاد بسیار حضور
 قناعت کردند بر احتصار فرمودند اینقدر بهر برادر کفایت عرض کردم
 من که دو برادر خواهم ماند چه بنحو اهد شد افزایش اولاد فرمودند اگر رضا الهی چنین است
 افزایش جمع بندی آن نیز خواهد شد بحیرت در زمان والد ماجد من محاصل پالصد

بیگم چیز سے زائد پانصد روپیہ سالانہ می آمد بزمانہ سن ہر دو برابران را ہزار
 ہر گاہ پیر و اعمام ما پیدا شدند در ماہ شال کشت یک ہزار و پانصد شد سینویسہ
 این فقیر فقیر در زمانہ مایان جمع بندی سالیانہ شد دو ہزار شکر خدا بول بالا
 حالا از نیم ہست جمع بالا اگر فرزند انم راہ قناعت برین گزینند بخوبی گذرد
 اوقات مشایخانہ و اگر خواہسد کہ ہر دکہ امارت نشیند مال قارون نیز ننگد کفایت
 درین زمانہ میفرمودند عمر کے سیزدہ سالہ بود کہ وفات یافتند پیر نزد گوار عمر
 چہل و شش سال یک ہزار و یکصد و ہشتاد و ہجری بعد دو سال در تحصیل علم ضرور
 چون فرصت یافت عمر بزرگوار مرانہ بود کہ فرزند بصلاح والدہ ماجدہ قصد
 شادی نمودند و نیز سببہ من سادی ہمیشہ گردید میر مراد علی ابن میر حسن رضا
 دلہ میر محمد رضا یک دختر شد خواہرم را نام شد حمیدہ دختر سعیدہ در زمان
 طفلی آن دختر ببرد و نیز مادرشان وفات یافتند و شادی من در موضع گوزنوا
 از دختر میر یوسف علی عزت میر سوین ابن میر یوسف علی گردید نام نہ وجہ بود
 بی بی عصمت النساء از بن آن بی بی یک فرزند نیز شد موسوم غلام سنین بہر یک
 سالہ بود مع مادر خود در خانہ چیک ہر دو وفات یافتند باز قصد تالی نساختم عمر من
 شانزدہ سالہ بود جب دنیا از دل من حق بر بود قصد بیعت و تربیت نمودم چاہم
 اتفاق بیعت از والد ماجد نشدہ بود شرفیاضی حضرت قطب العالم شاہ
 محمد معتمد فس سرہ با سماع در آمد بجزاہم التزم حضرت شاہ قطب الدین عزت

شاه و بسا و آنکه آنهم مرید و خلیفه آنحضرت بودند حاضر شده بیعت بطریقه
 عالیہ چشتیہ خضریه کردم حصول و تربیت و تعلیم یافتیم بطریقه عالیہ ابوالعلا
 چند حاضر ماند بدستور و معمول بنمایند در کیفیت ذکر و اشتغال مشغول دویم سال
 چون گذشت که حضرت نمودند بسال یک هزار و یکصد هشتاد پنج هجری سیزده شهریور
 انتقال را پیدا شد خزن لال وقت انتقال حضرت عم من عرض ساحتند
 که مجاز فرمایند ما این فرزند هست پس یکی از مشایخین بحواب فرمودند مجازت
 بعد از بیعت ایشان همان روز داده ام کافی است ان اجازت مرا زبانی است
 به از تحریر خلافت و مثال چند کسان تا آنهم بنمایند درین قبیل و قال ازین فقیر
 حقیر هر چه که مرا تربیت بیعت از جد ما جد پیر و سنگیر الحصول بعد چند سال که سن
 مبارک حضرت جد الامجد رسید به بیست و سه سال ثانی شادی شد در عظیم آبا و
 از دختر حافظ محققوب ابن حافظ عبداللطیف ابن حافظ محمد یوسف که نسبت
 آنجناب بالا نوشته ام بانساب علوی حافظ صاحب خوش باش از وطن در اینجا
 آمدند در عظیم آباد بخانه شیخ فریبی نسب شادی کردند و دختران پیدا شدند یکی
 جده من ثانی خواهر خورد جده من که از شیخ برکت الدین شیخ اهل السدیس شهر
 کتخا شد تدار بطن آن بی بی اولاد شد الا شیخ صاحب ازد و شادی از یکی
 دو پسران از یکی دختر که شد دو پسر نامی می فرمودند بعد شادی من عسم
 می پرسید نصیر الدین احمد بجای مغرب که در این شان بودند بسیار در مقام

کانپور کردند انتقال برادر م سید شانه شمس الدین حسین را پذیرفتند بجای
 پسر والده من شادی آن برادر نیز روبرو کردید بعد کرده اند انتقال استماع
 از زبانی جده ماجده که نام جداوری من بود شیخ محمد بن شیخ احمد بن شیخ
 عبدالصمد این شیخ اجداد قامت داشتند در شهر پینه بطور کاشتکار نام جده
 ماوری من بود مسماه سلطان بی بی بنت شیخ اما نعلی ابن شیخ سلطان علی
 ابن شیخ رضا نعلی درین شهر بودند از تجار در هر دو مصاهرت واقع شد نام
 مادر من بود آمنه بی بی و نام هر دو امون من بود شیخ عاشور علی و شیخ مهر علی
 این نوجوان فوت شدند لاکلان نامیون مرادیده باشی شیخ عاشور علی کبر سن
 شده بودند در اینجا کردند انتقال بحاضره اسما و نام خلاصه من بود فاطمه
 بی بی از شیخ محمد میر انصاری بودند کتخدا شیخ محمد میر ابن شیخ محمد هاشم
 و صوفی محمد دائم ابن شیخ محمد اعظم هر دو برادر عماد بودند ساکن شهر دهاک
 پسر محمد میر شیخ کرم علی برادر خالقی من به ملاقات میان بسواری کشتی
 از انجمن اهل و عیال در نیامی آمدند جای کشتی رسید در تباهی زوجه و
 پسر ایشان شدند در دریا غریق رحمت از انجا تن نهاد در اینجا رسید بر استه
 صعوبت و آفت بعد ملاقات در اینجا ماندند خواستم که در شرف شادی نشان
 نمایم قبول نکردند آخر کنیز سنویار نکاح کرده در خدمت نشان و اوم از در
 پسر و یک دختر شد یکی را نام بود عید و در میر از دختر شیخ عابد علی که خدا شد

یک پسر شد واحد علی نام و دیگر پسر اصغر مجرد ماند بعارضه ناقصه شد آخر کار
 تمام و دختر مسماة سکرن از میر عباس علی ابن میر دوست علی که خدا شد ذوی اولاد
 شد و هر گاه در اینجا سکونت کردند برادر من شیخ کرم علی در اینجا به شما توفیق نمود
 باو شان کار و بیات را انتظام بخوبی بگرداند انجام و حرم شان نیز کارخانه دار
 من میدید سپرد بود با دخانه داری اهتمام دیده باشی هر گاه ذکر آمد حضرت
 صوفی محمد و ایم قدس سره ضمیمه احوال شان نیز بنویسید یعنی حضرت صوفی محمد و ایم
 ابن شیخ اعظم ابن شیخ محمد عالم انصاری نسب اول مرید دستر شد بودند صوفی
 امانت الله رحمه الله علیه طریقه شان قادر بود و سهر سده مجددیه بود بعد از ان
 با جازت شان آمدند بشهر طینه به استفاده باطنیه طریقه ابوالعلاء بحضور حضرت
 قطب العالم شاه محمد معتمد قدس سره چند سال تربیت یافته حاضر خدمت و صحبت
 ماندند آخر خلافت این طریقه یافته حسب اجازت جانب وطن تشریف بردند آنحضرت
 و دیگر یک دختر زوجه صوفی شاه روشن علی که مرید دستر شد و خلیفه دواماد
 بودند نام پسر کلاسه صوفی احمد است پسر ایشان صوفی وجه الله که بعد انتقال
 صوفی شاه روشن علی زین سجاده شان بودند حال اولاد ایشان دریافت نشد
 با پیام حج شریک بودند ما ان زمان کسی اولاد نشده بود و پسر او سلطان صوفی
 قائم الله بود و پسر سوم صوفی شاه نور الله بود چند سال درین دیار ماندند در
 ایام جوانی بهمین این خاکسار بودند بسیار موافقت از من بود نسبت رابطه

و رابطه قرابت بعد مراجعت از سفر چون رسیدیم ندیم بسوی وطن رفتند
 و خلعت دوم صوفی محمد دایم صوفی شاه تقیه المد بودند بعد انتقال برادر
 کلاسه سجاده نشین شدند و برادری حج نیز رفته بودند از حضرت جدای بکاتبان
 اکثر بود لیس ایشان صوفی ولی الله واضح با خواهر جده این خاکسار بی بی
 است الرسول زوجه شیخ برکت است این شیخ اهل المد تا زمان حیاتش شوه خور
 در عظیم آباد مقیم ماندند و دام بعد از آن بوقت اخیر محبت عزیزان و ناپورا تافت
 شده در چنانچه قبر ایشان و والده جده من و برادر ایشان شیخ عاشور علی در ناپور
 الا والده شان سلطان بی بی که مرید حضرت شاه محبت المد قادری بودند
 در قصبه پهلوانی مدفون اند نواسگان شیخ برکت المد شاه محمد قاسم پدر
 شیخ محمد عاصم دیگر شاه محمد واجد یک دفتر ایشان برادر زاده شاه
 محمد عاصم که خداوند اینها سجاده نشین مولاناگر بودند اهل معاش و دویسر
 شیخ برکت المد شیخ سلامت المد زوجه شان غلامی مولوی اکرم الحق و
 مولوی و عیال الحق بودند اولاد نامند و پسر دوم را نام شیخ امان المد بود
 زوجه شان نیز بودند اولاد رفتند هر دو ازین جهان از آنجا که سلسله قرابت
 بود بدین تصریح نکاشت باید دانست حضرت جد ما جد من فرزندان فرزند خود
 دیده کردند بعد از شاد و پیش ساگی انتقال بسال پنجاه و چهار هجری بست یکم
 شهر محرم الحرام روز چهارشنبه بود و در ناپور و ناپور و ناپور و ناپور و ناپور

عمر کردند انتقال بر حال خاکسار شفقت و عنایت هر دو بود از دیگر فرزندان
 وقت انتقال از خلافت و جانشینی کردند سر فرزند در وقت رحلت پدر بزرگوار
 خود ده ساله بودم منویله بهر ناوابستگی تریب فرار جانب شمال احاطه مقبره
 مزار است حضرت میر سید جهانگیر قدس سره و زوجه شان بعد از پهلوی جانب
 مغرب مزار است پس شان حضرت میر سید محمد قدس سره و جانب جنوب پائین
 شان پخته مزار حضرت سید شاه میر سید محمد حسین قدس سره نواسه شان
 و در پهلوی زوجه شان بی بی دولت جهان ابل مزار اندازین بر سره عوام
 نیاز و فاتحه نمایند خصوصاً وقت انجام شادی و در پهلوی حضرت میر سید محمد
 مزار است والده من حضرت سید شاه ولی الله و در جنب جانب مغرب
 قبر والده جد الامجد من است و جانب مغرب پهلوی شان مزار است والده من
 حضرت سید شاه سلطان احمد و در پهلوی آن قبر است والده این خاکسار
 بعد از مزار است حضرت جد الامجد پیر دستگیر بعد از جد و جد من بعد از خالای من
 زوجه عم الاوسط بعد از قبر عم الاوسط زان بعد از قبر عم الخرم سید شاه مراد علی
 در پهلوی شان زوجه انتخاب اند بعد از من بسیار و خواهران من و دیگر
 عزیزان این بهر نا و اتفاق تحسیر نمود و دیگر غرض از نمایش تحریر نمود

ثمره اول شجر اولی اصل اول خاتمه در احوال عم کلائی سید شاه

وحید الدین احمد

واضح با و فرزند کلانی حضرت جد امجد سید شاه مولوی وحید الدین احمد بودند و ولادت
 ایشان بسال یک هزار و یکصد و نود و هفت هجری در شهر رمضان المبارک بود
 بر ذریکاتبه تحصیل علم ظاهر و معیت بطریقه عالییه قادریه از مولانا شاه ظهور الحق
 قادری نمودند و بعد از دوازده سالگی در علم قریب فرغ بودند و تربیت و تعلیم باطنیه
 بطریقه عالییه ابوالعلاویه از جناب حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره
 بودند و نوبت خلافت رسید و صحبت مشایخان عصر بود اکثر و چند سال در ایام جوانی معهود
 بخدمت جلیله حاکم وقت بودند سرشته دارد شهر آبا و اجدادت ده سال آخر ترک
 روزگار نمودند و بعد مسجدی سالکی شادی شد از بی بی مسماة امین النساء دختر
 نقشبندی سید محمد حسین ابن نقشبندی سید محمد علی الله تعالی بخش اولاد چهارم
 و چهارم دختر سه پسر بطولیت مرودند و دختران از خواهرزاده و برادرزادگان که فاضل
 شدند و ذی اولاد نیز چهارم سید عثمانیه الله انچه که از زوجه عم کلانی
 دریافت شد اصل نسب بالا در اینجا نیز پیدا کرد چه بر صحت نسب مصابرت است
 میر سید عالم علی زیدی نسب ساکنن یاره بودند پسر نشان سید حاج علی پسر ایشان
 سید احمد علی از دطن مفارقت کرده به حصول مدد معاش روانه دمای و شرتی
 شدند خلاصه شهر نیکاله بمقام سوکاپه در آنجا سکونت کردند تا یار پیدا شدند
 جلیله صورت روزگار پسر ایشان نقشبندی سید محمد علی جلیل القدر حکام بودند
 استاد حاکمان وقت دو پسر ایشان کلانی نقشبندی سید محمد شاه با وجود حجاب

علی بسیار صنعت داشتند سه پسر ایشان یک دختر و منشی محمد حسین را سه دختر و یک
 پسر منشی سید ولایت حسین بطور ایشان سر رشته دار کورٹ اپیل بودند
 در جلسه ستر جانکس صاحب بهادر و نیز استاد بودند مقرب و ممتاز زرقا بردو
 بعد انتقال والد خود حاکم وقت این عمده به پسرشان بجال داشت تا حیات
 با وج جلیله مانند پسر کلانی منشی محمد شاه سید دلاور علی و ثانی سید اعظم علی
 هر دو داماد عم خود بی کریم النسا زوجه کلانی و بی بی ولی النسا زوجه برادر
 ثانی هر دو ذوی اولاد و پسر سوم سید کاظم علی نوجوان رحلت کردند و شادی
 میر ولایت حسین از دختر عم نیز کردند از مسماة عمده بیگم دختر منشی محمد شاه شش
 دختران میر ولایت حسین مرحوم که خدا درین دیار از شر فاجعه جواری و دختر در
 اکبر آباد از هر دو برادر اعیانی که خدا از قاضی باقر علی مسماة و حسلا و از حکیم
 دارت علی مسماة صدر اوکلان مسماة فیمما در موضع کرانی پسر ساری و مسماة فضل
 از میر فرحت حسین و مسماة مجیبا از میر مظفر حسین هر دو برادر اعیانی ساکن قصبه
 چهره و یک دختر انام معلوم نیست در ضلع علیکده کول در خانه شرفا که خدا
 یک پسر نام سید اصغر حسین شادی اول از دختر سید میر سخا در که آبا
 شد ثانی بعد وفات زوجه اولی از دختر اخینا عمه زاده شاه محمد سجاد شد
 از هر دو اولاد نشدند و پسران قاضی باقر علی اولاد علی و حاجی باسط علی
 و پسر حکیم دارت علی نظام علی خان صدر وکیل یا مسماة هنوز آنها موجودند

دو دختر میر فرحت حسین مسماة سراجا النساء و دو پسر میر مظفر حسین امیر حسین
 و نظیر حسین و پسر منشی دلاور علی میر لطف علی و یک خواهر شان که از میر اصالت
 که خدایه میر اعظم علی را و دو پسر سید لطف علی و مولوی سید احمد علی آئینه معلوم
 حالا ذکر اولاد عم الاعظم مینمایم که که خدائی شد واضح باد دختر کلانے مسماة
 بخشا النساء زوجة اونی اخی الاعظم شاه محمد قاسم دو فرزند از لطن این
 زوجت شدند هر دو در صلت کردند بصغری بعد از آن مادر شان فوت شدند
 دختر ثانی عم کلانے مسماة عبد النساء زوجة سید شاه فدا حسین ابن سید شاه
 فرید الدین ایشانرا از لطن این بی بی یک دختر شد جمیله نام بعبرت سالگی
 شد عمر تمام و نام پسر امیر حسن آنهم بعد وفات مادر بچرا و اولاد نماند و دختر سوم
 عم کلانے را نام بی بی ام البتول عرت قبول از برادر سید هدایت حسین شدند
 که خدا یک دختر شد نام نظیر النساء که خدا شده از سید ارشاد حسین ابن
 امیر حسین امام ابن سید شاه دارت علی بهاری ذی اولاد شده بی اولاد
 ازین عالم و نام پسر آن برادر سید نصیر الدین احمد و شادی ایشان شد
 دختر نیز شدند هر دو فوت شدند از پسر دوم سید علیم الدین از دختر میر محمد حسین
 این میر علی سجاد پهلوار دی که خداست یک پسر سید رحیم الدین و چند خواهر
 ایشان ده دختر چهارم عم کلانے نام تلج بی بی و است الرسول عرت رسولاً
 از برادر کلانے بیانی این خاکسار که خدا یعنی از سید شاه علی حسین که خدا

شدند وی اولاد یک پسر و یک دختر و سید عنایت الدار خواب هر خور د این فقیر
 که خدا شدند یک دختر شد بصغر سنی بمرد بعد اولاد نشد الا از حرم چند پسر و
 دختر اند و کیفیت اولاد برادر خود آینه تبصره شرح خواهد گاشت
 ثمره دوم در بیان اولاد دختر حضرت سید شاه غلام حسین یعنی

ذکر فرزندان بی بی حفیظا النساء زوجه شاه تراب الحق

باید دانست نام عمه آنحضرت مسماة حفیظا النساء که از برادر کلان خور و بودند
 و از سه برادر کلان زوجه شاه تراب الحق ابن شاه طیب الدار ابن مولوی امین الدار
 حضرت شاه طیب الدار و اسه شاه سیف الدار مژدی بودند ذکر نسب بالا
 تحریر شد الحصول این بی بی در زمانه خود راجه بودند و عبادت الهی پر سلیقه
 و سخیه و مطیع والدین تا عمر خود در دنیا پدید بحوار پدید بر گوار ماندند خانه نوسا تمه
 بسبب کثرت اهل و عیال الدار تعالی پنج پسر و چهار دختر بخشید بمجموع سیالگی
 رو برد والدین کردند انتقال چهار پسر و دو دختر گذاشته فرزند کلانی سید
 شاه محمد قاسم تربیت علم طاهر از خال الاعظم یافتند وی استعداد نشی
 بنظیر بودند و اکثر نوکری جلید پیش حاکم وقت بودند بیعت ایشان را از حضرت
 سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره بطریقه عالی نقشبندیه و تربیت باطنه
 از حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و اجازت خلافت ارشاد
 و بیعت از سهرورد و اجازت ابتدا و تا انتها تربیت و تعلم فیوض باطنی بیار ان

می نمودند هرگاه ترک نوکری کردند و وطن آمده زین سجاده شدند بارشاد
 مرشد پیری و مریدی فیضیاب از ذات با برکات ایشان شدند بسیار ثبوت
 و پنج سالگی کردند انتقال ابناء یک هزار و دویست و هشتاد و یک هجری بروز
 پنجشنبه فرار واقع است در حضرت منیر باستانه حضرت مخدوم یحیی میر
 قدس سره شادی اولی که از دختر کلان خال کلانی شده اولاد شده مادر پسر
 هر دو کردند انتقال اولاد ناماند شادی ثانی از مسماة امیر النساء دختر میر حیدر
 شد در بهار محله باره درمی از ایشان نیز شدند دو پسر و یک دختر بصغر سنی
 وفات نمود الا پسر آن جوان شده رحلت کردند اولاد صلبی ناماند بجز فرزندان
 برادران و فرزندان معنوی اگر چه او شاد این فقیر بودند الا درک صحبت نیز
 مرا حصول شد با وجود این تعظیم این خاکسار میفرمودند بهر آنکه زوجه ایشان
 میرد این فقیر حقیر اندسجان العجیب مراتبات با برکات بودند
 شمره دوم یک خواهر ایشان از همه برادر بزرگ و ایشان خورد مسماة اولاد
 عرف امون از سید مرتضی علی ابن میرامان علی ابن میر اشرف علی ساکن
 رهومی که خدا شدند یک پسر و سه دختران ایشان شدند الا همه بصغر سنی برودند
 بیعت ایشان از زوج عمه خود از شاه فخرالدین حسین بطریقہ عالیہ
 چشتیه مودود بود الا تربیت و تعلیم معنوی بطریقہ عالیہ ابو العسلانیه از
 جناب حضرت سید شاه فخرالدین حسین قدس سره یافتند بطریقہ یکبارگی از

اهلکمالان بودند نسبت عالیله ماده جذب در آخر عمر در جذب الهی بودند و حساب
 کلمه بحق افسوس زندگی و فایده دینی و چهار سالگی رحلت کردند بسیار مردان
 دستگردان ایشان می شدند بسال یکینارود و صد و پنجاه و سه هجری وفات
 یافتند شمره سوم پسر ثانی عمه این فقیر سید شاه محمد و اجدادین شاه ترا بحق
 رحمة الله علیه که مردم ذمی فنون و پیرهن بودند و استعداد فارسی بود بسیار
 و تربیت و تعلیم معنوی بطریقه ابوالعلاء ایلیه ایشان را نیز از حضرت قطب العصر
 سید شاه قمرالدین حسین قدس سره بود و فکر را معنی خیر طبیعت بود صاحب
 وارده در و حال صاحب اثر و تاثیر که بر حاضرین اثر می نمود و در شعر و سخن درک
 خوش مذاق بودند و پیشه تجارت کردند با انمه عفت از کار خود نبود وقت اخیر
 بیعت از حضرت شاه مظفر حسین ابن و خلیفه حضرت حکیم شاه فرحت الله
 قدس الله سره هم کردند و اجازت پیرو مریخی از خال کلانی یافتند میر
 دستگردان ایشان نیز بودند بعد شصت سالگی رحیل ملک بقا شدند بسال یکینار
 و صد و هشتاد و چهار ولادت ایشان بسال یکینارود و صد و بیست و چهار هجری
 به ماه ذمی قعه ازین حقیر محبت بسیار داشتند و در چند فن تلمیذی ایشان ارد
 این حقیر شادوی ایشان بعلاقه بهار در قرآن شد بموضع نور پور از مسامه
 تحفه النساء دختر شیخ بهادر علی و دختر و یک پسر از بطن این زوجه شدند
 ذمی اولاد نام پسر نشی سید محمد وزیر که در فارسی حسیت دارد و بی نظیر

و شاه است متخلص عطا تربیت باطنه یافت از عم خود حضرت سید شاه
 مبارک حسین قدس سره این حضرت قطب العصر حضرت سید شاه قمر الدین
 قدس سره و بیعت ایشانرا از حضرت عم کلان شاه محمد قاسم قدس سره
 اوقات بر زرگار حاکم وقت چندمی بسر کردند حالاً در تجارت مشغول اند که خدا
 ایشان از خواهرزادی ام یعنی از دختر سید شاه امیر السدان میر تقی الله
 از مسماة است الصغری اولاد پسران شدند حالاً سه پسر اند موجود کلانیه
 مولوی محمد کبیر که در عربیت و فارسی کسب نوکری حکام زمانه در انگریزی
 نیز فوقیت دارد بهر کار در برادران فوق است بیعت ایشان نیز از حضرت
 جد کلانی مدوح و تربیت معنوی از جد اصغر سید شاه محمد سجاد حاجی المحمّد
 احمد در کسب بطون نیز دارد کمال در شاعری بهیدیل که خدائی از خدمت
 خالاتی مسماة و همین النساء دختر سید محمد و م بخش ابن میر شجاعت علی مرحوم
 ذمی اولاد است یک پسر و دو دختر موجود اند پسر ثانی شاه محمد وزیر محمد ظمیر
 حصول بیعت ایشانرا نیز از جد اصغر است که خدائی نیز شد پسر نیز هست
 موسوم محمدیحیی و پسر سوم را نام محمد صغیر است در تحصیل علم مشغول است
 دختر کلانی محمد و جد مسماة بخت النساء که خدا از سید ابوالبرکات معروف
 بشاه برکت ساکن موضع مدن پور بیعت ایشان را از حضرت سید شاه علیهم الدین
 بلخی الا تربیت معنوی ایشان را نیز از حضرت سید شاه مبارک حسین

قدس سره بفصله ذمی اولاد و دختران و پسران دارم و دختران در اقران که خدا
 اند بعضی ذمی اولاد اند الا پسران صغیر اند محمد خلیل و محمد طویل الله تعالی خوشنود
 دارد و دختر دویم شاه محمد واجد علیه الرحمه از بخت زاده ایشان سید فضیلت
 ابن سید شاه تصدق حسین که خدا شد یک پسر گذاشته بنام محمد ظهور نوجوان رحلت
 کرد و فرزند نهم است الله تعالی عمر طبعی کشد و ذمی علم مانند باقی از محل ثانیه دو
 دختران اند یکی که خدا از شاه واجد حسین شهبسرای ذمی اولاد نام پسر ایشان
 محمد رضا زمانی دختر جاس که خدا و نام شاه محمد واجد محمد امین بیعت از والد خود
 نموده است ذمی اولاد است بنام محمد معین و حسین و متین خیر باد شمره
 چهارم پسر سوم حضرت شاه تراب الحق مرحوم شاه محمد یوسف مرحوم
 از طفولیت تا جوانی تحصیل علوم کرده کمال صلاحیت طبع بود و نگویا عارف بالله
 کار دنیا کس نکرده و خوشنود بود و بعد بمر بفته سالگی قضا کردند ازین فقیر کمال محبت
 دانش پیدا شدند هم در دوشیر

شمره پنجم در بیان کیفیت حضرت شاه محمد سجاد حاجی خمینی

ام و آبا را نور العین و واضح باد شاه محمد سجاد ذمی ارشاد ابن عمه خاکسار مولدش
 و هم در دو هم عمر این فقیر خفیر اند از خورد سالی در تحصیل علم هم سبق چندمی اوقات
 سر ز نواری حاکم وقت نمودند همراه اخی کلان بیعت ایشان را نیز از حضرت
 قطب الشایخین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره در تربیت و تعلیم

سنوی از حضرت قطب العصر شیخه فخرالدین حسین خال الاعظم قدس سره و مجاز بیعت
 از حضرت اخوی کلانی و بعد ترک روزگار پنج بار جهت زیارات بسوی حجاز تشریف
 بردند حج نمودند و زیارت حریم شریفین ذات بابرکات اند و در فن شاعری
 دارند کمال در اردو فارسی ساجد تخلص است فیضیاب از ایشان اند بسیار
 و مریدان کثیر از وقت ترک نوکری چنانچه پیرگان مرشد زاده ایشان بیعت کردند
 و تربیت یافتند خوش اوقات اند فیضیاب صاحب وجد و حال پیرایه کمال اند
 شادی ایشان گردید از مسماة بصیر النساء مدعو براتن دختر میر محمد عاصم
 برادر عمه زاد ایشان بودند بفضل اولاد شد کثیر چند شدند رحیل بلکه بقا و خترا
 پسر الاموجود اند چهار دختر همه با کتبی را جای یکی از میر نصرت حسین که بیوه است
 اولاد ندارد و دیگر از سید عبدالحکیم ذمی اولاد نام پسران محمد عظیم و محمد علیم سنوی
 که خدا از حکیم امیر اکثر ذمی اولاد چارمی از محمد غزال ذمی اولاد است بعضی را
 بیعت و ارشاد است بعضی را فقط ارشاد و الا پسر عالیقدر را نام سید محمد شاکر
 مولد حسین قیام اکبر اباد شد ذمی لیاقت اند و حسبیت نظامی بفرسی خوب
 شاعرانند بی نظیر بیعت ایشان را از حضرت عم کلانی و نیز تربیت و اجازت
 شادی ایشان از مسماة نعیمه دختر سید ولایت حسین گردیده است ذمی دلدار
 اند دخترانند موجود بسیار طبع ذکا و فهم رسا اند و مشغول کتاب بینی بسیار
 و مجاز اند از هر اعمام به نسبت تربیت و احد بیعت و محبت این فقیر حقیر نیز بوده اند حال

شماره هشتم

در ذکر دختر ثانی عمه این فقیر مسماة بی بی کاسوم که از میر عیوث علی شدند که خدا
 بیعت دارند از خال الاعظم خود خواهر عزیزه صاحب عنفت و عصمت از بطن
 این بی بی دو پسر شدند یکی عمر دراز که خدا شد عمر دراز مانند ثانی پسر مزید پسر شاه
 فظییر حسن سلمه موجود است بپایه ثبات و تعلیم و ذمی شعور در علم عربیت
 بے نظیر و عبارات فارسی نیز تحصیل کثیر بسیار و طبیعت دارد صلاحیت بیعت
 و تربیت ایشان از خال خود یعنی از حیات انخی سید شاه محمد سی و نهمین

ارشاد که خدائی شد از دختر سید ابوالبرکات ذی اولاد است

شماره شجره ثالث اصل اولی در محابده حضرت سید شاه فرید الدین احمد
 رحمة الله علیه مرید و خلیفه و ابن حضرت سید ابوالاصلین سید شاه

غلام حسین و ذکر فرزندان ایشان تصحیح

باید دانست و لاوت حضرت عم الاوسط عمده المشایخین سید شاه فرید الدین احمد
 در سال یک هزار و دویست و دویست و هجری بماباه رمضان بدینوجه رمضان علی نام شد
 مدعو شاه مضمون بود و بیعت ایشان را از والد ماجد خود بطریقه عالیه قاوریه
 و تربیت معنوی بطریقه ابوالعسلاویه از جابجا از بزرگان این سلسله نیز
 حیثیت عربی و فارسی بود کمال الالبخر اخذ بیعت تدریس دادند و نبار
 ارشاد شد خیر گیری معاش مقبوضه دایم می نمودند شادی ابن حضرت

اردو دختر کلانے غم خود کردند از مسماة فصیح النسابت حضرت سید شاه
 شمس الدین حسین قدس سره زسی اولاد شدند بعد رحلت والد ماجد پنج سال
 رحلت کردند بعد پنج ماه و شش سال سر سال یک هزار و دو صد و پنجاه و نه شهر محرم الحرام
 پانزدهم تاریخ بود از اولاد سه پسر ماند و دو دختر آن قضا کردند یکے مخدومه
 نام نام پسر کلانے سید شاه فدا حسین بیت ایشان را از جد بزرگوار خود
 بطریقہ عالیہ چشتیہ و تربیت باطنہ از اخی الاعظم شاه محمد قاسم علیہ الرحمۃ بعد
 والد خود جانشین شدند بتولیت نہایت پر سلیقہ بودند و خلیق و مسافر سپور
 نام آوری کردند خاندان ہمہ روسا و شہر درگرو و اخلاق بودند شہرہ آفاق
 با وجودیکہ از تحصیل علم ظاہر بودند مگر سال ولادت آنجناب در اوائل شهر
 ربیع الاول در سن یک هزار و دو صد و ستمی ہجری بعمر شصت و سه سال
 کردند انتقال بسال یک هزار و دو صد و ہشتاد و پنج ہجری مرقد ایشان در
 قصبہ منیر ہم پہلوی انجی کلانے وفات شہر رمضان شریف تاریخ
 پانزدهم حصہ ترکہ خود بوارثان صلیبی بہ ہم شرعی اوند و دو برادر زادہ خود را نیز
 تعلیم و تربیت نمودہ از وارثان گردانیدہ بہر کہ حصہ دادند سوائے آنکہ برادر
 خورد بودند موجود ندادند بے ہمہ وارثان ترکہ را خوردنوش نمودند با وجودیکہ
 موجود اند شادی آنجناب از دختر ثانی عم کلانے شدہ بود یک پسر و دختر
 متولد شد با یام صغیر سنی فوت شدند مذکور العبد الالار حرم سہ پسر و سہ دختر

یک دختر که خدا سده رحلت نمود نام حرمت بود لاریب صاحب عفت بود
 و دو دختر مته شوهران خود اند موجود و پسر کلانے نیز اند موجود سہمی رجب علی اہل
 مقصود والد تعالیٰ اینہم را بخشید صورت بہیو و توفیق عبادت بخود سید شاہ
 ہدایت حسین ولد ثانی حضرت سید شاہ فرید الدین احمد علم ظاہری موافق ضرورت
 داشتند و ہمیشہ بصیغہ مختاری حاضری در بار داشتند الا منکسر طبیعت ذوی جوہ
 کہ بہر خود بیچ نہ داشتند اتفاق بہت ایسان نشد الا تربیت یافته بطریق معنوی
 از خال الاعظم حضرت سید شاہ قمر الدین حسین قدس سرہ بطریقہ عالیہ
 ابوالعلا یہ بود کہ خدائی ایشان نیز از دختر سوم عم کلانے گردید از مسماۃ امت ابوالبتول
 و پسر و یکے دختر متولد شدند دختر از ہمہ کلانی ذوی اولاد شدہ مع اولاد و قات
 یافت الا پسران موجود کہ خدا اند جا بجا کلانی سید نصیر الدین احمد ثانی سید
 علیم الدین احمد از دختر میر محمد حسین ابن میر علی سجاد پھلاواری کہ خدا چن
 دختران الا یک پسر سہمی ابوسعید رحیم الدین مہر شد و مرید جناب اخی المعظم
 سید شاہ علی حسین بہت و سید نصیر الدین را کہ خدائی دقتہ بہ نہی شد یک دختر شد
 بمرد و زوجہ نہی شادی ثانی نہی نمود و انہم فوت شد و سنگرفہ این فقیر ست و ثانی
 مرید عم کلانے خود و مگر ہر او دم برگزیدہ دارین میر سید حسین پسر سوم حضرت
 عم الا وسط میر سید فرید الدین احمد ضروری علم ظاہری دارند محتاج تحریر از کسی
 نیستند کہ رو بد و آزد بیست ایشان را از جناب حضرت سید شاہ خواجہ ابوالبرکات

قدس سره و تربیت مغویه از حضرت پیرمرد سید شاه قمرالدین حسین
 قدس سره بطریقه عالیہ ابوالعلانیہ و مجاز نیز از اخی کلانی اندشادی اولی ایشان
 از مسماہ محمد و مہ دختر شاه امیر علی مرحوم گردیده بود و نیز لطف بودند این فقیر
 چون زوجه کردند انتقال و اولاد نیز نشاندشادی ثانی از دختر میر امام بخش رئیس شهر

بنوز اند زوجه موجود آلا از اولاد نیز اند بمقصود

شمره چهارم شجره فرج سوم اصل اولی در بیان حالات و اولاد سید
 السالکین حضرت میر سید سلطان احمد پیر سوم حضرت سید کو ابر
 سید شاه غلام حسین قدس سره

واضح باد ولادت با سعادت آنحضرت بسال یک ہزار و صد و شش ہجری
 بمہ شعبان المعظم روز چہار شنبہ یانچ دو از دہم این حضرت در فرزندان والد
 اجل و اکمل و ذمی اقبال بوده اند خوب صورت جوان بسیرت لائق تحسین سر عرفان
 تربیت و تعلیم در کتاب عربی و فارسی آنچه کہ بود از والد ماجد خود بود الا از تحصیل
 ظاہری حبیت افزون نمود چون پہلوان صاحب قوت و زور بیت آنحضرت
 بود بطریقه عالیہ قادیر از حضرت تاج العارفین مخدوم شاه حسن علی
 کہ یکے از خلفا کملین حضرت قطب العالم مخدوم شاه محمد نعم قدس سره بود
 و تربیت معنوی بطریقه ابوالعلانیہ منعمہ و خلافت از آنحضرت بود در جوانی حسب
 ارشاد شد نامریدان بسیار و حسب خواهش کہ بسعی بازوے خود اوقات

همیشه بود مشغول طبله روزگار حکام بودند بسیار راحتی و خوشنود و گاه بی خانه نشین
 شده کردند مشغول کتاب گانهی کردند تجارت الغرض بشدند گاه بی کسی آقران و دوستان
 محتاج و عالی همت و ذمی مروت صاحب جود گرم و سخاوت همیشه مانند زیجا
 و ششم شادی حضرت سید نیز از دختر عم از سماة قاوره میگیم مدعو افت النساء
 بنت حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین قدس الله سره اغریز
 اولاد شد پنج دو دختر و سه پسر پسر او سید علی حسن سه ساله وفات یافت
 رو برو مادر و پسر و جد و جد الا دو دختر و دو پسر مانند بعد رحلت والدین بسال
 یکزار و دو صد و چهل دو هجری بمصر شش سالگی سموم شده کردند انتقال ششم
 شهر ذیحجه روز دوشنبه رو برو والدین خود همه باغریزان و بزرگان مخزون
 و گلین شدند بر طلال دختر کلان زانحضرت سماة ولایت النساء که خدا شدند از
 سید امیر آمد بن میر فقیر الله بودند صاحب عفت و حیا بیعت ایشان را بطریق
 عالیة نقشبندیه از خضر خود حضرت سید شاه غلام حسن مشهدی بود و بیت با
 نیز از برادر خود حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره ذمی مراقبه و
 مشغول بکار الهی با وجود اعمه الله تعالی اولاد پنج سیده دختر و سه پسر یک پسر
 در صغر سن بمرد الا کلان که خدا شده نوجوان ذمی اولاد شد نام بود و وجهه الله
 مدعو بنی حسن ثانی پسر سید لطف الله عرف ابو الحسن نوجوان هر دو وفات یافتند
 الا دختران ذمی اولاد شد کلانی دختر سماة زهرا از سید محمد و بخش این سید

شجاعت علی ساکن سامن که خدا یک پسر و دو دختر کی دختر زوجه محمد کبیر بود
 زوجه سید فضل امام و نام پسر سید ظهیر الحسن که خدا از دختر برادر حمیم
 سید محمد کاظم یک دختر است موسوم عظیمه فاطمه و ثانی شادی نیز در آوان
 خود نمود و دختر ثانی امت الصخر از وجه نشی محمد وزیر ابن سید شاه محمد واحد
 مذکور الصدور ذکر اولاد نموده شد و دختر سوم مسماة ولی النساء که خدا از سید کمال الدین
 نواسه حضرت سید شاه جمال الدین حسین دو دختر و دو پسر گذاشته کمال الدین
 وفات کردند یکی دختر که خدا از سید حامد رسول نبیره میر علی سجاد پهلوانی فرزند
 داود و میهنوز نا که خدا نام پسران خیر الدین حسین ذی شعور است آن پسر
 و نام ثانی تبارک حسین هر دو هنوز اندک الا بشغل تحصیل علم و روزگار اند دختر
 ثانی حضرت میر سید سلطان احمد مسماة شمس النساء که در عمر ازین فقیر نخواهد
 خورد بود بیعت بطریق عالیه قاوریه نمود از حضرت جد ماجد سید الواسلین و
 مشغولی باطنه بودند که خدا شد از پسر عم کلانی سید عنایت الدیک دختر
 شده بود سه ساله بمر نام بودم النساء که اولاد نشد بمر بنجاه و شصت
 سال رحلت نمود مثل عارفه زمانه بدر تسبیح الهی است دوم شهر ربیع الثانی شعبان
 بسال یک هزار و صد و نود و پنج هجری رحلت کرد و تدفین هم پهلوی خواهر کلانی خود
 پسر کلانی حضرت میر سید سلطان احمد قدس سره اضی کلانی ابن فانی جنا
 معالی القاب سید شاه علی حسین برگزیده دارین سال ولادت آنحضرت

بسال یک هزار و صد و بیست و شش هجری دهم شهر ذی قعدة روز یکشنبه فوت
 خلعت والد ماجد جوان شانزده ساله بودند تحصیل علم ظاهر کتاب درسی فارسی از
 هر یک اعمام خود نمودند روزمره فارسی درست است بعبارت مربوطه نوکری
 چند بار نزد حکام زمانه کرده اند که خدائی ایشان از دست خورد و عم کلانے گردید از سما
 امت الرسول عروت رسولا از لطن این بی بی بعد چند سال شادی اولاد شد
 دو دختر و یک پسر در اول تربیت و تعلیم طریقه ابو العلامه از حضرت خال الاعظم
 جناب حضرت سید شاه قمر الدین حسین یافتند تا حیات آنحضرت ذکر اشغال
 تعلیم میپرداختند چون از اینجا کشود و فایده مترتب نگشت بعد انتقال آنحضرت
 بیعت بطریقه نقشبندیه ابو العلامه شهر آله اباد رفته از جناب حضرت قطب ^{شکر}
 مظهر کرامات حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره ساختند بعد
 در صحبت بابرکت حاضر شده جناب حضرت شیخ المحققین حکیم شاه مظهر حسین
 قدس سره جانشین و خلف الرشید حضرت و اصل باند حضرت شاه
 فرحت الله قدس سره مخاطب به حس و دست فیض طریقه مذکور گرفتند
 بعد طی ذکر اشغال و تعلیم اسرار باطنه مادون بخلافت شدند و نیز خلافت
 از جناب حضرت عمده العارفین سید شاه خواجه ابوالحسین قدس سره
 ابن و خلف الرشید حضرت قطب العاشقین مادون ماجازت اخذ بیعت بطریقه
 گردیدند بفضلهم از هر دو جاننعمت یافته سجاده ارشاد و ترشد بپرشته پیری ببردند

رسیدند اکثر باران قیضیاب انداز نعمت سینه گنجینه ایشان چنانچه خلف الرشید
ایشان را بیعت و تربیت از ایشان است و نیز بنیره برادر خالائی مرید دستر شده
بعد از رحال اخی سید شاه فدا حسین علیه الرحمة بمنصب تولیت آمدنی و بهیات
نشستند با نظام سرداری و زمینداری از عرصه سه سال بعارضه مجبور اند آمدند
صحت بخشید یک دختر کلانی ایشان کنیز فاطمه سه ساله در گذشت ثانی یک پسر
موجود بنام سید رکن الدین حسین که از دختر عم سید شاه کاظم حسین کندی
گردید ذمی اولاد است و دست موجود بنام زین الدین حسین طال العمه
و دو فرزند کلانی و ثانی در گذشتند و دختر ثانی اخی اعمانی بی بی ظهور و اطمه
و عوا محبت النساء از صاحبزاده خود جناب حضرت سید شاه مبارک حسین قدس سره
که خداست یعنی از سید شاه رضی الدین حسین ذمی اولاد اند بعد فوت
دختر و لدی موجود است الله تعالی ترقی عمر کند و حال اسن شریف اخی کلانی از هفتاد
بالا الا هنوز باین حالت بمشغولی و ذکر مشغول اند و برادر کترین ایشان است

این حقیر مسکین عطا حسین فانی کیفیت خود در خاتمه تحریر خواهد ساخت

نمره پنجم شجره بخت فرع سوم اصل اولی در ذکر محمد حضرت سید شاه
مراد علی فرزند چهارم حضرت سید الواصلین سید شاه غلام حسین
قدس سره مع ذکر اولاد

باید دانست اگر چه میر سید محمد الدین احمد عرف سید شاه مراد علی اند فرزند چهارم

الا باوصاف حمیده از همه برادران مکرم به نسبت جوهر ذاتی و صفاتی سبحان اسد
 ولادت آنحضرت بسال یک هزار و دو صد و نود و هجری باه سوال المکرّم تاریخ
 یازدهم روز پختنبه واقع از بیان حضرت پیر دستگیر جدا مجدّ قدس سره کی
 کمالیت و علم عربی و فارسی و نظم و شعر بود بسیار و در حکمت حکیم صادق حساب
 دست شفا و خوشنویس خوش تحریر و خوش قلم رو در قم نجفی و جلی و هر خط تحریر
 می نمودند بهیت حضرت را بطریقه عالیّه نقشبندیّه ابوالاسلام از جناب حضرت
 قطب العاشقین سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره و نیز اجازت
 و خلافت یافتند از آنحضرت مانند در صحبت تربیت الا کشود فیصن باطنه بطریقه
 مذکور از جناب انخی الاعظم خود حضرت سید قمرالین حسین قدس سره که او منانا
 و همزلف نیز بود و انداختی عماد و تلمیذ می نجویش رقمی از انخی عمده او نشی سید محمد حلیل
 برادر حلیل بعد تحصیل ظاهری و باطنه بمطرب گشتند در حکمت شاگرد رشید حافظ
 غلام نبی خان بودند و استاد حاکم وقت و نیز عمده که توالی نمودند بمربت
 سه سالگی شادی آنحضرت از بی بی حیات النسابت سید شاه ولی احمد بلخی
 علیه الرحمه گردید و اولاد شد و دو پسر و چند دختران پسر خورد مسمی سید اشرف حسین
 بصغر سننی رحلت نمود و نیز چند دختران الایک دختر کلانی سماه میریم النسا که خدا
 شدند از سید شاه مبارک حسین قدس سره از بطن این عقیقه شدند و دختران
 وفات شدند به کم سنی بعد از آن انهم رحلت کردند و فرزندان را بمندرتبه بلند را نام

سید کاظم حسین سلمه که در تحصیل کتاب عربی و فارسی از همه اخوان دارند
 وقت و نیز کتاب حکمت خوانده در مطب نشسته علاج بیماران مینمایند
 دست شفا هست و هر یک غریزان در کتب درسی نیز شاگردانند حصول بیعت
 ایشان بطریق عالیہ چشتیہ از جد امجد حضرت سید ابو اصدلین سید
 شاه غلام حسین قدس سره و سینه از نعمت باطنه نیز خالی نیست
 اگر چه ارشاد ظاہری از کسی جانست که خدائی ایشان از دختر خال خورد
 سید شاه حسن احمد ابن سید شاه ولی احمد بلخی گردید نام ان بی بی
 مسماة فریدن النساء از بطن این عقیقه چندان اولاد شد و سه پسر و یک دختر
 به کم عمری رحلت کردند حال او و دختر و یک فرزند موجود که خداوند دختر کلانے
 منسوب از سید ظہور الحسن ابن سید مخدوم بخش و ثانی منسوب از سید کریم
 مسماة امت النساء ذی اولاد هر دو آند مذکور الصدر الا پسر که نام سید
 عطا معین الدین المدعو سید شرف الدین احمد است تحصیل علم ظاہری
 عربی و فارسی و کتاب حکمت از والد ماجد خود نمود و نیز کتاب عربی از استاد
 دیگر پر عیثیت است الا ذکاوت کثیر بیعت از پدر بزرگوار خود حصول است
 بفرزندمی این فقیر مقبول است اللہ تعالی ترقی نماید و توفیق حس تدبیری
 و ہدزاید که خدائی از دختر خاله این گردیده است ہنوز اولاد نیست اللہ تعالی
 عطا فرماید و طور آبا و اجداد بخشند و بخشند عمر ترا بد بسال بکینار و صد و شصت

هجری هفتم شهر ربیع المرجب بعمر پنجاه و یک جناب عم المحترم اوستاد محی مولائی
 حضرت سید شاه مراد علی کردند انتقال فرارست در جوار والد ماجد خود
 عالی تبار با یا می که سفر حج بود این خاکسار بسال یک هزار و دویصد و شصت
 هجری اله تعالی این برادر سعید کونین حکیم سید شاه کاظم حسین را و اولاد
 ایشان را نیز اید عمر بخش که بالفعل زیب سجادگی جدا مجد نیز خود اند اگر چه چاک
 ذکر حمید سید شاه شمس الدین حسین جدا دری درینجا موقوع بود چونکه ذکر مصابرت
 آنحضرت است ما قبل آن ذکر میان حضرت سید شاه عبدالمنان قدس ^{بنیاد}
 مقدمه شجره طیبه قادریه نسب حضرت سید شاه مظفر حسین ^{عظیم} جلال
 و پیر و تکیه حضرت سید شاه عبدالمنان قادری مع ذکر اولاد ایشان
 واضح باد ذکر نسب ابا اجداد حضرت سید شاه مظفر حسین قادری و حضرت
 سید شاه عبدالمنان قادری بالا نوسه است درین کتاب به نسبت دوم باب
 اولی و ذکر فرزندان حضرت محبوب بجانی عوٹ الاعظم محی الدین سید عبدالقادر
 جیلانی رحمه الله علیه الالبیان کیفیت که یک کرسی نسب ضرورتاً معلوم گردد
 بنام معلومان حال باید دانست حضرت سید احمد کبیر ملتانی قادری از اولاد
 حضرت سیدی سیدت الدین عبدالوہاب ابن حضرت عوٹ الثقیین از
 ملتان تشریف آورده در شهر دہلی بزبان سلطنت بادشاہ عالمگیر خانقاہ خود
 بیرون دہلی در وازہ شاہ جهان آباد یعنی در دہلی قدیم پاپاسا خند و بارشاد

مرشد یاران و مریدان فیض باطنه بخشیدند رجوع خلایق گردید باژدهام در
 حصول فیض عام بادشاه و اراکین شاهیه معتقد گردید این بزرگ را با اجازت
 از بغداد شریف آمده چند پشت و اینجا اقامت پذیر شدند در ملتان
 یعنی حضرت سید شاه شمس الدین ابن سید شاه میر ابن سید شاه علی ابن
 سید شاه مسعود ابن سید احمد قادری ابن سید سید صفی الدین صوفی ابن
 حضرت سید الدین عبدالوهاب خلف الرشید کلانی حضرت عوث الاعظم سید
 عبدالقادر جیلانی محبوب سجانی رضی الله عنه و خلف حضرت سید شمس الدین
 قادری سید محمد قادری و ابنه سید عبدالقادر ثانی یکبار در دہلی آمده چند اقامت
 کرده باز بسوی ملتان کہ وطن جدید شد از برگان تشریف بردند پس ایشان
 سید عبدالزراق ثانی ابنه سید حامد قادری ابنه سید موسی قادری صاحب
 ایشاد قادریه باز تشریف آوردند در دہلی در زمان سلاطین پیشین چند سال
 بسبب مجوزی مردمان معتقدین درین شهر شدند منقسم زان بعد تشریف بردند سو
 ملتان ابنه محمد کیمی ابنه سید او و فرزند ایشان بودند حضرت سید احمد کبیر
 ملتانی ملقب بسید عیاش الدین چون تشریف آوردند اقامت کرده باز تشریف
 بردند نیز بمعیت ایشان یکے از فرزندان حضرت سیدنا عید الغریر کہ فرزند
 سومی عوث الثقلین بودند حالا از فرزندان ایشان سجاده نشین بغداد شریف
 جائے عزالت نشین شدند و سالها در صحرا و بیابان اوقات بسر نمودند

و فرزند ایشان بودند حضرت سید شاه عبدالعزیز یانی خلف ایشان
 سید محمد سر فرزند لقب با امین از جائے و در مدرسہ مخفی حال شہر بودند و واضح با
 ولادت جناب حضرت سید شاہ مظفر حسین ابن سید احمد کبیر ملتانی درین شہر
 وہلی در سال یکہزار و ہفتاد و ہجری بسن شعور بعت و تربیت تعلیم باطنہ طریقہ
 قادریہ از والد ماجد خود حصول ساختند و وقت انتقال والد ماجد سی سالہ بودند
 انتقال آنجناب بسال یکہزار و نود و نہم ہجری کار معاینہ آمد فتوحات تدریجہ
 روزانہ بیشتر بود از مردان و متقین امر بر سلاطین بسیار کسان بر سفرہ
 ہمنوال طعام علاوہ نگر خانہ بودند بعد انتقال والد ماجد خود تا حیات ایشان
 بدستور کار خانہ ماند اگرچہ راجہ اندیا معتقد خین بودند مثل مردان یکے ازان
 راجہ خیالی رام و پسر شان راجہ سادہ و رام ببرکت دعا برین حضرت بمطلب
 رسید انتہای عمر گردید کسی فرزند بود چونہ اندیشی در عالم خواب مشرف از جمال حضرت
 محبوب بجان شدند از انجا ارشاد شد ای فرزند مظفر چرا میمانی پر ملائیل و چہ
 داری خیال اولاد در نصیب تو نیست این امر محال خواہر خورد را کہ اورا مثل
 دختر پروردی و میدانی در نصیب او اولاد ہست اورا کتھ کن ازیکے فرزند ام
 کہ دار نام محمد سر فرزند لاریب ہست با امین از ہر گاہ از خواب شدند بیدار
 و کشتند ہوشیار شدند در تجسس و تلاش ان نامدارا خیر ملاقات شد چتہ و نشان
 در یافتند بجانہ آوردند خواہر خود بی بی پارسا را بساعت سعید در زوجیت

او شان دادند بعد عرصه فرزندے از بطن آن بی بی متولد شدند بسال یکمیزاد
 و یکصد و بیست و یک هجری از دیدار شدند خوشنود و موسوم نمودند شاه
 عبد المنان تاجیات خود بعد از ذبیحیت تربیت و تعلیم بطریق عالیہ قادر یہ
 کردند و بجای فرزند صلبی پنداشتند چون رحلت آنجناب شد بسال یکمیزاد
 و ہفتاد ہجری این حضرت پنجاہ سال عمر داشتند بحضور اراکین شہر و متعین
 و مستر شہین شدند سجادہ نشین ترکہ دستور نیازات و اعراض بود بجا آوردند
 از دورات تا سال عمر پنجاہ و پنج مجرد بودند کہ خدای تمودہ بودند روزی صین
 وضو دست خود بر روی مالیدن و بر زبان آوردند درین سن اللہ تعالی و عدہ
 اولاد و میفرماید کہ ام کس دختر خود باین فقیر خواهد داد در آنوقت سید محمد ہمدی
 ابن سید عسکری کہ از فرزندان حضرت سیدنا عابد الزرقانی خلف ثانی حضرت
 محبوب بجانی رضی اللہ عنہ بودند و اراکین سلطنت بادشاہی مخاطب بہ الہدی
 از مریدان محصوین حضرت سید شاہ عبد المنان قدس سرہ بودند و نسبت
 عرض ساختند یا پیر دستگیر برین خاکسار عجب معاملہ گذشتہ است چند دختران
 شدند و وہ سالہ شدہ بعارضہ و احد فوت شدند حالاً این دختر بودہ است
 دہ سالہ نیت کردہ بودم کہ بکنیزی حضور دہم و ربیت چنین کلمہ ارشاد شد
 زہی نصیب کہ آن رتبہ و شرف بر وجیت حضور یا بد آخر از ان حضرت عقد
 نکاح واقع شد بزوجیت در آمدن نام آن مخدومہ بی بی اشرف النساء بود

عرف فرزانگیکم و سن سرین حضرت سید شاه عبدالمنان نجاه و هفت
 سال بود باید دانست نام والده حضرت سید شاه مظفر حسین بود بی بی
 زبیده و نام زوجه آنحضرت بود بی بی قویما مدعوبی بی صاحبه و نام والده
 حضرت سید شاه عبدالمنان بی بی پارسا و نام والده حضرت سید محمد مهدی
 بود بی بی رسیدا و نام زوجه آنجناب بی بی سیدا بود اینقدر در نیاز نسبت
 از زبانی محمد و مه شنیده یاوداشت بهر علم عزیزان نگاشت القصده بطری
 زوجه آنحضرت اول دختر متولد شدند نام محمدی بیگم در دلی پیام صغری
 رحلت یافتند بسال یک هزار و یک صد و هفتاد و نهم هجری فرزند بی درین عالم بوجود
 آمدند در دلی موسوم شدند بسید علام عبدالقادر اعزان و مریدان را
 از ظهور ایشان سرت شد کمال هرگاه حضرت سید شاه عبدالقادر بمهر چار ساله
 شدند حسب اتفاق وقت تشریف آوری جناب حضرت سید شاه عبدالمنان
 قدس سره تشریف دیار یعنی شهر عظیم آباد پیش آن گردید که یکی از مغز مستفیدین
 راجه سادهورام حکم بادشاه وقت تبدیلی منصب از انجا بدینصوب شد
 و علاقجات محال دبیات این جوار بدله الحوار عطا شد چون راجه مذکور آمد
 اقامت چند سال درین شهر نمودند خواستگار تشریف آوری آنحضرت شدند
 عریضه نوشتند که آب و هوا اینجوار بر سر اعتدال و از زانی غله به نسبت انجا کمال
 حضوری سرفراز فرمایند بر تهر بر راجه مذکور حضور تنها به تضریح تشریف آوردند

چندے استقامت کرده بعرض راجه مذکور از شهر دہلی متعلقان خود راجع اہل
 و عیال و مریدان با کمال طلبی چند وقت تشریف آوری بیکم صاحبہ اکثر مریدان
 و معتقدین اینخامدان آمدند ہمراہ یعنی شیخ نجابت علی برادر حکیم قاضی سلامت
 از قرۃ کبویہ و نیز حکیم فاروق والد حکیم محمد حسین و حکیم قادری جد حکیم ابوالحسن
 و مریدان متمم کار خاص میر و گاہی و میر جمعیت علی عرف میر ہنگام وغیرہ مع
 پرستاران بجمعیت و ریجا آمدند راجه مذکور ہر یکے حسب لیاقت بنواخت
 کہ بعد برہمی کار و بار ہم ازین شہر فرقتند در اینجا رحلت ساختند سواری زرنانی
 بگردون رتہ شاہی آمدہ بود ان زرگان و ان بر اسپان فوق داشتند عمر
 حضرت سید شاہ عبدالقادر چار سال چند ماہ بود در اینجا آمدہ بعد یکسال
 دختر کلانی تولد یافتند از انجا کہ در شہر عظیم آباد متولد شدند نام عظیم الشان
 تھا وہ شد زان بوجہ عمارت مکان بہر اقامت و خلوت طیار شد بارہ دری و
 خانقاہ بہر عرص بزرگان انہم استماع است از زرگان و بہر عمارت از زمین
 کہ کل می بر آوردند خندق شدہ بود مشہور گڑھی شاہ عبدالمنان خالا انرا دیدند
 جاے حیرتینما دآن بطور افسانہ ماند کجا شد آن کار خانہ کا شانہ نمی نماید
 جامعہ کربیت ویرانی آرند چون بسال یکہزار و یک صد و ستائز و سہ تولد یافتند
 دختر کلانی بعد سہ سال تولد شدند دختر ثانی سماءہ فہیما النساء و بسال یکہزار
 و یک صد و نو دہ ہجری متولد شدند دختر ثالثہ یعنی حرہ مادری این خاکسارہ

بی بی لطف النساء این محذومه بود و در چند ماه که انتقال جناب حضرت شاه عبدالمنان
 قدس سره شده بود بعمر هفتاد و هفتاد و پنج سال بمشایخ چهاردهم شهر ذی قعدة بسال
 یک هزار و یک صد و نوده و یک هجری بعمر دوازده سالگی بود و حضرت سید شاه
 غلام محمد القادر اجازت سلاسل خاندان خود رو بر کرد دادند و فرمودند عالم
 صبی است شما بیعت کسی از مشایخ زبان نمائی بروز چهارم حاضرین معتمدین
 ایشان را زین عجاذه نمودند بعد دو سال بطریق عالیة قادریه بیعت حصول
 ساختند از جناب حضرت مولانا حسن رضا قدس سره که جانشین او مید
 و خلیفه حضرت قطب العالم محذوم شاه محمد محم قدس سره بودند زبان سید
 از ایشان سلسله بیعت اجرا شد و خواهر گلان خود را در زوجیت دادند بمیر سید
 محمد جعفر خان منصبدار ابن نواب علی حیدر خان ابن علی صفدر خان
 و خواهر متوسط را بر زوجیت میر فیض بخش ابن سید حیدر بخش دادند که ایشان
 از شرفار و رئیس این شهر بودند میر فیض بخش را یک پسر شد بنام سلطان علی
 بصغر سنی وفات یافت بعده والده شان و از بطن خواهر گلان یک دختر متولد
 شدند اول سماة امیر النساء امانی بیگم ذی اولاد شدند و یک پسر نیز
 شده بود سہمی غلام رسول آنهم بعد رحلت والده بگذشت ازین عالم راحه
 مذکور به صرف خانقاہ معین کرده از سر کار سارن و چنپارن و در و سیر روز پیش
 ولوبارگانوں و چند دیہات ہمہ ریاد شد دیہات کہ خدا را امانی بیگم از سیر خواستند

ابن میر بهادر علی ساکن شیخپوره گردید یک دختر متولد عبد النساء جوان شده
 ناکتخدا رحلت کردند الا پس که نام نامی سید ولایت حسین تربیت کمال
 یافتند از حال اعظم حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره و شادی از دست
 سید جمال الدین حسین گردید اولاد ایشان هستند موجود چونکه حضرت سید شاه
 غلام قادر را از جد مادری سید شاه شمس الدین حسین بسیار ربط و محبت بود
 که هر دو بزرگ مرید یک مبر بودند بعد انتقال شان حسب وصیت شادی
 انحضرت کردند از خواهر ثالث انجناب مسماة لطف النساء که مایان از دریا
 ایشان استم و مشهور بود درین شهر این شعر بطور ناسه یک طرف کفر
 ایک طرف اسلام پیرو ملتان مرید ساد هورام در صحبت بابرکت آخر اسلام
 قبول نمود مومن شد یک رئیس همدرد سال بگذارد و صد و دو تا پنج یازدهم
 شوال المکرم رحلت کردند حضرت سید شاه غلام عبد القادر عمر بست و سه
 سال بعد رحلت والد ماجد یازده سال بقیه حیات بوده تعلیم تربیت باطنه
 بمردان کردند نام آبا و اجداد را نمودند بلند آلا شادی نکرده بود و حضور وقت
 انتقال چنین کردند مقال که فرزندان من عین فرزند خواهر خورد است
 والد ماجد نیز همین فرمودند بودند آخر همان شد تا حیات آنحضرت و بعد
 وفات کارخانه مشایخی و پیران بگردید و فرمودین جده ماجده والده این فقیر
 و نیز جناب جد مادری راه بسجاوت داده شروت از دست مبارک او نذر بهر
 اند

پنج نهادند بجز زورینه از سر کار انهم تاجات حضرت جدادری ماندند آن
 نزد این خاکسار موجود است یادگار

شجره دوم از فرع سوم اصل اولی و کیفیت حالات جناب حضرت
 سید شاه شمس الدین حسین جدادری این خاکسار تنمّه ذکر فرزند آن

و اولاد عالی تبار

واضح باد جناب حضرت شمس السالکین سید شاه شمس الدین حسین این حضرت
 سید شاه ولی الدجنت آرامگاه ولد حضرت سید الخردمین حضرت سید شاه محمد حسین

قدس سره نسب باقری برادر اعیالی و ثانی حضرت جد امجد این فقیر یعنی سید

شاه غلام حسین قدس سره ولادت یافتند در سال یک هزار و یکصد و هفتاد

و دو دوم با یکم شهر جادی الاول بعد انتقال جد امجد خود تربیت و تعلیم علم ظاهر

آنچه که شد بحضرت ایشان از انجی کلانی چون استعداد شد کتاب عربی از مفتی

مسبح المدخواند و نیز صلاحی خوشنویسی حروف که مفتی صاحب نوذند خوشنویس

باید دانست آنحضرت بودند و حج کمال با کتبه صورت جمال فکر و ذهن رسا

در علم خیر از انجمله طلب کیا هم بود و با شان و شوکت ملاقات راجه های

دیار و بادشاه در و بی رفته از شاه معین الدین اکبر بادشاه ثانی بکمال

اعزاز و توقیر تسبیح خاک پاک نذر دادند و خلعت و لوق شایانه یافتند آنرمان

بادشاه در ملک سلطنت پنج حکومت نبود باقی که تعداد مواضع از معانی

بجز نام شاهی و از حضرت مولانا سید شاه حسن رضا قدس سره که خلیف
 و جانشین حضرت قطب عالم مخدوم شاه محمد منعم قدس سره کردند
 بیعت بطریقه عالیّه قاوریه کردند حصول و از تربیت و تعلیم باطنه مستفید
 مشرف بخلافت شدند باصرار حضرت انجی کلانی عود و الله ماجده تا اهل شد سال
 یک هزار و دصد سه شهر محرم الحرام آخر یعنی از جناب مسماة لطف النساء بنت
 حضرت سید عبدالمنان صاحب قدس سره اگر در زمانه خود بسبب پیری و
 ضعیفی و معذوری پایی بود و جد و حال الا بر رخ عالی عیان بود کیفیت
 مراقبه و مشاهد حق و ذمی قوت در سوارسی کمالیت داشتند در فن
 سپاهگری دخل کمال طلب دنیا بهر اندوخت نبود الا بر کفایت اهل و عیال
 الا مردم سخی حوصله بلند داشتند چند سال برفاقت و بهمنشینی نواب شیخ الدوله
 و نواب اصف الدوله تا زمان وزیر علی خان آخر ترک کردند بسبب بلند طبعی
 شد خانه نشین تبوکل خدا چون انجام شادی شد عمر سی سالگی در آن سال
 آخر در چهاردهم ذمی قعه بر روز عرس حضرت شاه عبدالمنان قدس سره تولد
 یافتند فرزند کلانی زبیه بلند حضرت سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
 ولادت از لفظ ظهور محمدی برآمد الله تعالی سه پسر و چهار دختر بانحضرت
 عنایت فرمودند دختر کلانی مسماة بی بی فصیح النساء که از سید شاه فرید الدین احمد
 که خدا شدند ذکر فرزندان ما قبل تحریر شد و دختر ثانی بی بی الفت النساء

که از والد ماجد حضرت سید شاه سلطان احمد که خدا شدند هر دو از برادران
 عمزاد مذکور شد ذکر اولاد دختر خور که از نهمه برادر خواهر بودند خور مسماة مسیح
 فاطمه بیگم که خدا شدند از میر سید نسیم الدین سید رحیم الدین ولد سید فهمیم الدین
 اهل سکونت در یاپارکشن پور کیشود ضلع تربت الاسبب مانعت خاندانی
 گاهی نرفتند بخسره پوره در خانه داری و آبائی مانند در حلت کردند چون در تقدیر
 نفضا اولاد نشد برادر زاده خود سید شاه مبارک حسین را و این خاکسار عطا
 پیردش کردند مانند پسران خود بسال یک هزار و دویست هفتاد و نهمه بگری حلت نمودند
 و یک پسر سید برکت حسین و دختر مسماة قدیر النساء ازین خواهر خور دکلائی و از هر دو
 برادر خواهر خور دسه یا چهار ساله شده وفات یافتند الا پسر ثانی ذی ولد شد
 سید شاه جمال الدین پسر ثانی حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره
 ولادت شد ایشان یک هزار و دویست و ده هجری بقدر ضرورت تحصیل و علم بود
 که محتاج از تحریر نبودند الا در سپاهگری دخل داشتند بسیار چندی برفاقت
 ماند بر اجه گویا بسبب اقامت حضرت پیر دستگیر خود جناب حضرت سید
 شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره هر حال در علم موسیقی نیرداشته
 بسیار دخل شادی آنجناب بجانہ رئیس شهر نامور شیخ فتح محمد ابن شیخ نور محمد
 شد از مسماة حیث النساء یک دختر شد از بطن ابن بی بی مسماة عفو
 از سید ولایت حسین ابن میر سخاوت علی که خدا شدند الد تعالی اولاد بخشید

شش پسر و یک دختر سه پسر فوت شدند بطغولیت و جوانی الا پسر کلانی سید
 کمال الدین حسین که خدا شد از دختر خواهر کلانی این خاکسار و دوسر و
 دو دختر اندیکه که خدا و می تا که خدا نام پسران خیر الدین حسین و تبارک حسین
 مذکور الصدر الا پسر ثانی سید ظهور الدین حسین که خدا از دختر کلانی این
 فقیر حقیر و پسر سوم سید صغیر الدین حسین که خداست از دختر حکیم قربانعلی
 در اقران جدی خود یک دختر شده بود مرد هنوز دیگر فرزندش الا دختر بی بی
 نعیما النساء که خدا شد از شاه محمد اکبر ابن شاه محمد سجاد در مدینه
 شجره طیبه لاثانی در حالات فرزند کلانی یعنی حضرت قطب العصر
 سلطان السالکین عمده العارفین سید شاه قمر الدین حسین قدس سره
 سر معالی ابن سید شاه شمس الدین حسین قدس سره

برکت جان من بود سر جو نیم سپاسی تو
 خلد برین ست جامی تو قربت حق رضای تو

فرحت دل شود مرا از مدح شنای تو
 مرشد پاک مقتدا زنده آل مصطفی

چونکه تویی خدا نما عاشق شد خدای تو
 مشکه بحق رسیده ام از سبب لای تو
 فیض چو شند ز من ظهور بود همه عطای تو
 سر همه چشمم خود کنم خاک در سراے تو
 میکشد از دیزین سخن از روی نقای تو

مظهر ذات کبریا مصدر فیض مرتضی
 سر خدا سفید ام جلوه پاک بیده ام
 خاکدست سگ حضور سیر نمود دور تو
 از ولایت در دلم تابیدت اگر رسم
 کرد فراق تو بمن بهوش نماند جان من

فیض نگاه شاهین کرد اثر برین چنین گشتم ارا ن طرب گرین چون نشوم سدا

هستی ای شاه قمر وین هست مرا بدل یقین

هست غلام کترین فانی خاکپایے تو

باید دانست جناب حضرت قطب العصر قدوة الکاملین ارشاد السالکین سید
 شاه قمر الدین حسین فرزند کلانی جدادری این خاکسار یعنی حضرت سید شاه شمس الدین
 نواسه جناب حضرت سید شاه عبدالمنان قادری خواهرزاده حضرت سید شاه
 غلام عبدالقادر قادری که مفقود بود بوجود این اکمل المحققین بیدرو پسر
 این فرزند عالی گهر دلادت با سعادت آنحضرت بسال یکزار و دصد و سه هجتم
 ظهور محمد چهاردهم و یقوده روز دوشنبه بروز عرس جدادری خود حضرت
 سید شاه عبدالمنان قادری لاریب از ظهور حضرت نام آبا و اجداد روشن تر
 مثل شمس و قمر

عین در صورت قمر دیکھا

سر بر تھے و طلائق تعریف

جلوه حق جو بھر نظر دیکھا

ہی نہ ممکن جو ہو سکے توصیف

ستور کردند جانب جدادری سجادہ براہ حق مستعد و بفیض بخشی خلایق امادہ معلوم
 باو آنحضرت در عمر ہفت سالگی نمودند ختم قرآن از تعلیم قرآن زبان و مادت
 چہارده سالگی تحصیل علم ظاہر بہ کتاب فارسی و عربی و منطلق صرف نحو کردند
 تمام از درس اوستاد خود حضرت مولانا شعیب الحق عرف مسافر

عالی مقام کسی را تاب بحث و تقریر نبود از آنحضرت علاوه ازین ذمی فنون دخل
 در علم موسیقی کمال بر قلب همیذا سر و جد و حال اگر چه کتاب حکمت و طب بخواند
 الا علاج مرخصان باستانه میگردد بسیار بصحت میرسد در سن بیست و دو
 سالگی اول فضیلاب از جناب حضرت سید شاه یحیی علی انخی شدند بعد به نجات
 قدوده ایشانچنین جناب حضرت اسرار منجلی مخدوم شاه حسن علی قدس سره
 در تربیت صحبت یکماه چون در الوقت فائده مترتب نگاشت زان بعد حاضر شده
 و خدمت با برکت مظهر اسرار حضرت سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس
 حاضر شده تربیت و تعلیم باطنه از ذکر و شغل مراقبه یافته فیض اندوز شدند درین اثنا
 بسبب غیبت آنحضرت خانه نشین غرت گزین گشتند حسب اتفاق شریف آفرین
 جناب حضرت واصل بالله حکیم شاه و رحمت الله المخاطب حسن دوست
 از لطف و عنایات خود حضرت را همراه خود در قصبه چمپیره بردند در اقامت شش ماه
 در اینجا در تربیت و صحبت ماندند نسبت طریقه بخود می و استغراق دست داد
 و فکر که درین طریقه مثل جان است تا آنوقت صورت نسبت بود حصول گشت
 در آنعرضه انتقال آنحضرت هم گردید باز برابطه سابقه حاضر خدمت و صحبت
 حضرت سید خواجه ابوالبرکات قدس سره رسید از نکات این طریقه و اسرار
 آگاه شدند بسبب این طریقه علم و آگاهی ملک شد آخر صاحب ارشاد و چنان شدند
 که از نظر من الشمس است حالات آنحضرت و فیض طریقه سهروردیه از در بزرگ

حصول شدیکی شاه عبدالرحمان که بخرقه بدل طریقه سدا سها گیه که
 می یونند از حضرت موسی سهاگ کبر و به نبشاتی ان شغل شغال و ذکر از فیض
 معمور گشتند که یاران را در وقت و جد حال طور رقصیه میشو و قوی تر نسبت شد مذکر جلی
 بعد از مرزا جان سهروردی بخرقه بدل ذکر قمری گرفتند و آن بدگیره یاران تعلیم
 نفرمودند بخیر مرزا الف بیگ مرحوم میفرمودند آنچه که از مرزا صاحب گرفته هم بمرزا دادند
 علاوه ازین او پیسید بود بغیضان روحی از مرزا فیض آثار حضرت مخدوم
 شهاب الدین پیر جگوت قدس سره و ذیر فیض روحی حضرت نور الدین
 عبدالرحمن جامی و حضرت مخدوم شیخ مصلاح الدین سعدی و حضرت امیر
 رحمه الله علیه بدان وسیله در تغنی بود کمال شده بدین فیضان مالا مال
 گشتند اهل کمال هر گاه همه فیضان بر قلب شد طاری فیضان ارشاد و تشریف
 شد جاری و خلافت نیز از هر جا شد حصول که در شهر عظیم آبا و شهر و فیضان رسید
 و در و در اتفاق بیعت تا اندم نشده بود بعمر اخیر در شهر آبا و رفته از پیر دستگیر
 حضرت سید شاه ابوالبرکات حصول نمودند و اجازت بیعت نیز یافتند
 الا که رامردی ساختند جز تربیت و تعلیم یاران و یاران را نیز لیاقت یافتند
 بعضی را مشرف بخلافت ساختند و در زمره عزیزان خود خلافت بخشیدند
 یکی باخی الاعظم حضرت سید شاه محمد قاسم برادر عمه زاد این فقیر و هم
 مشرف ساختند ازین نعمت عظمی باین فقیر حقیر هر چند بهرا خدا بیعت خلقت شدند

دامنگیر غدره با فرمودند بقوله خواجگان پیشین در شعی بنده نما در یاری کبشانی بعد
 حصول هجرت چند ماه ماندند بقیه حیات سبحان فتوح نذرانه از کسی نکرده و نذر
 و نه ادای عرس بزمه خاص نبود معمول الا بهر مجالس که تشریف می بردند میسر
 بودند نمایان و بغیر آنحضرت انصرام عرس نیز نمی سعد عثمان نه ترکه از معاش
 پدر می گرفتند بوجه معاش میفرمودند من تاب نداریم این قماش بخیر تو کسب
 تجارت آنهم نه و دوکان باراری یک مکان را دنیا نام کرده بودند تا دو پاس
 اول وقت معاملات دنیاوی بود در خرید و فروخت شالی و غیره و کیفیت غذای
 آنحضرت چه نوسید یکوقت دال خشکه و بوقت شب نان دست پزی به روغن گاهی
 بدرقه تبرکاری و غیره هر چند ترک حیوانات در غذا نبود بر آن عادی نمی شد
 بل بجز می فرمودند فقیرا هر دو چیز باید حیر یاد از غذا ما در لباس لباس پتکلفت
 می پوشیدند بطور بادشاها نه که بدانطور کسی را نمی شد میسر و نه عادت بود
 خوردن طعام رسمیه و عزت و یک وقت معمول بود در س مدریس عزیزان
 و از نصف روز تا شام وقت شبه یک پاس بیاران در حلقه مراقبه بود و بریت
 و تعالیم در زمان والدین مجوز می بسیار و اصرار اول شادی در قصبه بهما گردید
 بمحل بلخی از مسماة لی بی ریاضاً النساء دختر خجسته اختر سید شاه ولی احمد
 بلخی از بطن آنخودمه تولد شد نزدیک فرزند ارجمند تر به بلند سید شاه
 مبارک حسین بعد یک سال آن زوجه کردند انتقال خود گذارشته نونهال

و در اسن جده ماجده و عمه پرورش یافتند زان بعد بعرصه کثیر حسب اتفاق
 وقت شادی ثانی کردند قبول از سماءه بی بی با دشا به سگم دختر خواجه محمد یوسف
 رحمه الله علیه احرا ری از لطن آن بی بی نیز تولد یافتند یک فرزند سید
 سلامت حسین نام شد بعد یک سال بصعربی شدارتحال بعد یک سال والد
 ماجده نیز آن نونمال کردند انتقال گو یا عم آنحضرت بحساب بخردی بگذشت
 از یک فرزند شدند فرزندان که هنوز موجود اند بهر نام و نشان قره العین مایان
 بسال یکا زار و دو صد و چهل هجری والد ماجده آنحضرت کردند انتقال بسال یکا زار
 و دو صد و چهل و نه آغاز سال هجری با هضر کردند والد ماجده آنحضرت
 انتقال اشعار تاریخ وصال آنحضرت از دستاوی بلغ الشعر امولوی ذاکر علی
 صاحب بنارسی یا دست نوشته می آید که ما و ما نذ بناظرین

قطعه

عالمی معمور شد از شور و شین	قطب عصرم چون از نی عالم گذشت
شد بواهب شاه شمس الدین حسین	با تفسی شوریده دل ارشاد کرد

و نیز این خاکسار گفت بزبان اردو و صورتی و معنوی چبسته حسب حال

قطعه

جب کیا نانا فی میرے انتقال	دوسری تاریخ تھی ماہ صفر
بارہ سو ہجرت پر تھا اونچاس سال	روز جمہ اور تھا وقت عصر

جب کیا فانی نے اس میں فکر و غور مادۃ تاریخ یون لایا نکال
 شمس دنیا دین جب ہوگی غروب پائے ذات احدیت کا وہ وصال
 انقض بعد ہفت سال انتقال حضرت عداوری آنحضرت پیر و مرشد نیز یافتند
 وصال بسال یکہزار و دو صد و پنجاہ و پنج ہجری بستم شہر شعبان المعظم وقت
 صبح صادق روز چہار شنبہ تاریخ تالیف کہ از خواجہ حسین علیخان مرحوم برگزیدہ
 از کلام مینماید درین اوراق ارقام
 قطع

شمس یاد رہا بس ماتم ہست

روز ہجرانت یاشب تاری

قمر دین بنور حق پیوست

چرخ میگوید از سر زاری

توصیف چند آنکہ گنم زبانم از بیان و تقریر قاصر و از تحریر قلم ظہور محمد سال
 ظہور آنحضرت و عمر شریف پنجاہ و دو سال از لفظ حمد مے بر آید لی آخرت
 سال رحلت تعمیہ است از سر حرمت مزار فیض آثار در احاطہ مسجد
 در جو از حضرت قطب العالم حضرت مخدوم شاہ محمد معتمد عالی تبار فیض

از بصرت نماید بہار

عشر تمام

عین در صورت قمر دیکھا

جس لوہ حق جو بھر نظر دیکھا

ایسا کوئی نہیں بشر دیکھا

مرتب فقر و شان شاہی میں

بخشستہ او نکو سیم وزر دیکھا
 او سکود ہوش و بیخبر دیکھا
 آپکو جب چشم تر دیکھا
 باعث عشق یہ اثر دیکھا
 او نسا منعم نکوئی بشر دیکھا
 اسکو ہر بار غور کر دیکھا

اونکے در کی کئی گدائے جو
 جسکے اوپر پڑی نگاہ فیض
 فرحت افزا ہوئے کیونکر دل
 اونسین برکات کی ہوں پاتا بو
 شمع علی بنی تین ہین کہتے لوگ
 وہ نہ آئینگے میری جائے تن

جیسے دیکھا ہے آپکو فانی
 غیر کو پھر نہ آنکھ بھر دیکھا

شمرہ شجرہ طیبہ فرع سوم اہل اولی در ذکر و محامد حضرت سید شاہ
 مبارک حسین خلف الرسید ربہ مجید حضرت قطب العصر مع
 ذکر اولاد امجاد سان

انور باداخی فی الدارین ولی نعمت جناب حضرت مرشد زاوہ سید شاہ
 مبارک حسین قدس سرہ ولادت یافتند بسال یکہزار و دو صد و سی و دو
 ہجری بروز پنجشنبہ شہر ذمی قعدہ چہار دہم مادہ تاریخ ولد آنجناب
 منقولہ بدل بخانہ فیض کاشانہ بعد ولادت خاکسار یک و نیم ماہ جاے
 تولد واحدست الحاصل تحصیل کتاب عربی و فارسی کتاب منطق مقبول
 فقہ اصول از والد ماجد خود انچہ کہ نمودند حصول و تربیت و تعلیم بذکر و

مشغول و بیعت بود از حضرت جد امجد خود بطریقه عالیہ نقشبست را ابو سلمانی
 یعنی از جناب حضرت سید شاه شمس الدین حسین قدس سره و خلافت
 و جانشینی سجاده از نزد بزرگوار جد امجد والد عالی تبار مزاج منکسر بود
 ذوق فنون عمارت پسند اخلاق منزه تعلیم تربیت یاران مشغول یک وقت
 حسب معمول برادر خال زاد در ضاعی بودند این خاکسار هم در و ده هم بر بزرگوار
 زائد انس موافقت بود خوش رقم تحریر عمارت نیز در برجه معقول و شاعر بی نظیر
 شادی اولی روبرو حضرت پیر مرشد شده بود از دختر خاله یعنی از دختر عمی
 سید شاه مراد علی نام آن زوجه بود بی بی هر کیم دو دختر شدند از آن بی بی
 بعد چندی هر سه یافتند و قات زان بعد شادی ثانی از دختر مامون شان
 کردند از مسماة براتل النساء و دختر سید شاه حسین احمد ابن سید شاه ولی احمد
 یک دختر از آن زوجه نیز شد هر دو بمردند شادی سوم گردید در خواجه زادگان
 از دختر خواجه محمد و اگر علیه الرحمه اولاد شدند در عالم حیات یک بعد مات
 بصغر سن و دوقزند وفات یافتند الا که داشتند چهار هر یک ذمی علم و همیشیا
 یک سید منیر الدین حسین که از دختر صغیر این فقیر کتختند بیعت بود
 ایشان را از عم الا عظم سید شاه محمد قاسم رحمه الله عالیہ بطریقه عالیہ
 ابو العلاء و تربیت و تعلیم غیر معنویہ الا در اصل او بیسیه بود ناجد ما خود
 درین سن و سال در تحصیل عربی و فارسی بودند اهل کمال حافظ قرآن

شده در عمر بست و پنج سالگی نوجوان کردند انتقال بسال یک هزار و دصد
 و هشتاد و هفت هجری جاے حسرت است و غم و الم دومی سید شاه
 عزیز الدین حسین که این نیز در علم عربی و فارسی حیثیت دارند و از بیعت
 ایشانرا هست از عم الاصف سید شاه محمد سجاد مسند نشین ارشاد برادر
 عمزاد هر دو این خاکسار و نیز تربیت و تعلیم بدان طریقہ ست سومی سید
 شاه شرف الدین حسین این نیز ذمی علم اند پر شعور در عربی و فارسی
 شاعر بیعت ایشان نیز از حضرت عم الا عظم مدوح شادی این هر دو برادر
 کردند بمقام سیوان از و قران شیخ غلام محمدانی شیوخ عثمانی و غیر
 دومی کردند انتقال فرزندان اند سپر چارمی سید رضی الدین حسن
 که در و اناپور از دختر سید شاه علی حسین صاحب که خداست ذمی اولاد
 بیعت ایشان نیز و تربیت از عم الاصف بار تبه و منزلت برتر حضرت سید
 شاه محمد سجاد والد تعالی ذریت ایشان را دارد و ایما شاد مبارکباد و بجز
 بقیمہ شجرہ و کیفیت حال خود مینویسد خاکسار مسکین سید عطاء حسین

ابن سید سلطان احمد

مخفی مباد سنه ولادت خاکسار در سال یک هزار و دصد و سی و دو شهر رمضان
 شریف روز پنجشنبه در فرموده تاریخ جناب حضرت جد ماوری بود ^{ست} ^{نیز} ^{بسیار}
 طفل نیکو سیر عطار حسین بنز مسانه سعید گشت ظهور

بودیوم الحنسیس وقت فطور	بست و سه بود از مه رمضان
چونکه شد گفتنش بدل متطور	سال تولید صاحب اقبال
بینظیر اولیا د بود این پور	شدند اهر ضمیمه شمس الدین

فرستاده یکی از مشایخین عالی تبار بزرگه از مریدان آنجناب در عقربا پیام
ولادت تشریف آوردند و خبر ولادت این حقیر دادند بعد تولد نام عطا الله
نهادند چون نام جمیع اخوان بود بدینطور فداحسین و علی حسین آخر کار
عطا حسین شد مشهور سبب تسمیه بلفظ قاضی اینکده قاضی عطا الله
یکی از اجداد بودند این خاکسار را نام نهادند حضرت جد مادری عبد الزیر
بدین نام مخاطب نیز شد از در عالی حسب اتفاق واضح با و تا هفت سال
عمر بعلاّت گذشت از عمر هفت سالگی تا سن چهارده تحصیل علم عربی و فارسی
نمود از عم محترم حضرت سید شاه مراد علی رحمة الله علیه که ده ساله
عمر بود وقت انتقال والد ماجد در دامن شفقت مرا پروریدند از علم بهره اند
ساختند و نیز دو سال کتاب عربی خواند از مولوی غزیز الدین حیدر کسنگ
و کتاب طب از مختصرات خواند از جناب حکیم محمدی ساکن دسته علاقه حضرت بهار
در عربیت چندان دخل ندارد تا نسخه کافیه خوانده است فصل الهی در کاست و تفسیر
قرآن مجید تا پانزده پاره کلام عربیت تکلم از سبب حاضری حرمین شریفین شجره بعبارت در
پیرنج طریق تالیف کرده او نیز در و چند تالیف است مختصر و مطول و خطب عید فینیب ده

خطبه نیز عید الفطر و عید الفصحی و خطبه هر جمعه تا سال تمام قریب نجاه کتاب تصنیف
 و از ده مجلس مولود آنحضرت سردر کائنات از لفظ تالیف نبی سن تالیف می بر آید و
 مولود بهار نسیم نظم و مولود جدید و مولود مجید و مولود جمید و جز باشد و مولود قادر به بنام
 کرامات عویشیه و مولود معینه و انوار قطبیه و لمعات فریدیہ و فیض نظامیہ اسرار نقشبندیہ
 و مولود شرفی و مولود علانیہ هر یکی در احوال هر بزرگان نامی و چهار ملفوظ بزرگان
 و چهار ششوی سحر و گنجینه اولیا و افسانه و پذیر و سر عطا یک دیوان فارسی و یک
 دیوان اردو و اسرار اشغال معمولات اشرف و کتاب دقیقه السالکین سی جز و کتاب
 کیفیت العاقین و چهل جز تمام و کتاب دقیقه السالکین چهل جز و کتاب
 حقیقت العاقین و چهار مولود و صدیقیه و فاروقیه و عثمانیه و مولود مر توفی تذکر الشهاب
 و فوائد کبیره در معالجات چندان نویسد البته لائق طبع است از کتب با فواید
 عوام این بیان نمایش حیثیت و استعداد خود نیست از معائنہ دریافت
 خواهد شد شعر فضل حق در کار هر دو در کار هر دو کیا بگری السدی سر کار هر دو
 القصه عبر شانزده سالگی بیعت بطریقہ عالیہ چشتیه حضرتیه منعمه از جناب
 سید شاه غلام حسین سید الواصلین جدا مجود نمود و پنج سال
 حاضر الخدمت شده تربیت و تعلیم بطریقہ ابوالعلا یه از حضرت پیر مرشد
 سید شاه قمر الدین حسین خال الاعظم اوستاد المحترم گردید از هر دو جا
 بخلافت شرف یافته علاوه ازین فیضان اولیہ در بست و یک سالگی

تا هفت سال بروزگار ناپائیدار برفاقت حاکم وقت بسر نمود و بجهت و دو
 سالگی متایل شد شادی گردید در قصبه بهار از دختر شاه امیر علی صاحب
 فردوسی که از اولاد حضرت مخدوم الملک قدس سره اند بجهت هشت سالگی
 ترک روزگار کرده سفر اختیار کرد پنج سال در سفر ماند و بار بار تا ملک حجاز بهر
 زیارت حرمین شریفین مکّه معظمه و مدینه منوره و زیارات بزرگان بعد
 پنج سال معاودت نمود و حاصل بسیار بکینزار و دو صد شصت و پنج هجری بجهت
 سی و سه سالگی درین قصبه صاحب گنج رسیده اقامت پذیر شد بجهت تعلیم مریدان و مشتقان
 هنوز بدان مشغول است زیاده کیفیت تحریر طول است حالاً مع اهل و عیال
 اقامت گزین در قصبه شد از اسی و سه سال گذشت عمر نیز بانجام رسیده
 به شصت و شش مدعا چنانچه بالآخر بدعا خیر از عزیزان دارد از اولاد این فقیر
 حقیر یک پسر و دو دختر شد نام فرزند سید عطا قطب الدین که از دختر
 خال خود شاه وزیر علی مرحوم که خداست دو فرزند او بصغر سن فوت شدند حالاً
 یک پسر موسوم است سید عطا نظام الدین نوجوان به تحصیل علم
 مشغول است و دختر کلانی از سید ظهیر الدین حسین که خاندانی اولاد است
 دو دختر و دو پسر موجود اند دختر کلانی شان عنایت فاطمه عرف مجید النساء که
 از سید ظفر الدین ابن سید مجید الدین بهاری و ثانی خورد سال است و پسر کلانی
 شان از نام نور الدین حسین و ثانی از نام عطا شمس الدین حسین باقی چهار

دو دختران و دو پسر به غرضی رحلت کردند و دختر ثانی این فقیر حقیر از سید
 شاه میرالدین حسین که خدا شده بود بنوه است اولاد ندارد و الله تعالی
 آنمه را خورسند دارد زیاده چهر بزرگوار و مریدان تا بشهر بمبئی و اینجا درین دیار
 بسیار چند برابر آلا اکثر و بر دے این فقیر کردند که تمام باقی نذگان مانند
 نذکره در بیان حالات سیادت رضوی نسب که در موضع ابدال مذکور
 واضح باد یکی از بزرگان از مشایخان قدیم که آنرا بالا از دو صد سال گذشته
 از سیادات مشهدی تشریف آوردند درین دیار بدان موضع کردند که
 اختیار هنوز اولادشان در آن موضع هستند موجود سابقین بودند ما منسوب
 قضا و افتا حالا از سیرزاده ملکی اندز میندار قرابت از آنها بمصاهرت رفت
 در شرفار اینجوار و نیز از خاکسار باید دانست نام آن بزرگ بود حضرت
 مینا مشهدی رضوی نسب بچند نسب نسبت از حضرت امام علی موسی
 علیه السلام می پیوند در سامی بزرگان بالا دریافت نشد پسر حضرت
 سید مینا مشهدی حضرت سید عارف مشهدی ابنه سید معروف
 فرزندان شان سید بر سید ابنه سید محمد اسحاق ابنه سید محمد صالح سید
 ایشان یکی سید نور علی پسر شان حکیم امجد علی ابنه حکیم احمد علی ابن حکیم
 محمد افاق پسر شان حکیم محمد اسحاق که از دختر خود سید احمد علی دیوردی
 که خدا شد نذلا ولد از پنهان رفتند پسر دومی سید محمد صالح سید کریم الله ابنه

سید اطیب السدانہ سید یوسف علی ابنہ ناظر سید احسان علی پسر ایشان سید
 آل نبی کہ موجود اندیک پسر ایشان سید اولاد حسین و چند دختران و پسر خواہر
 سید احسان علی منشی اقبال علی ابن شیخ واجد علی برادر قاضی جواد علی
 بمنشی اقبال علی صاحب دو پسر یکے قاضی افضل علی دو بی شیخ عبدالوہاب
 کلانے را دو پسر یکے را امام مقبول حسین و نام ثانی محمد لطیف و خواہر زاده
 منشی اقبال علی سید فرحت حسین ابن سید احمد حسین موجود اند و نام پسر ثانی
 سید احمد حسین سید محمد تقی اند کیفیت ایشان معلوم نشد الا پسر سومی سید محمد صاحب
 کہ بودند از ہمہ برادر کلانی قاضی سید بڑے ثانی ایشان را پنج فرزند یکی قاضی
 سید احمد علی کہ تا فرزند ایشان منصب قضا باقی ماند و می سید امجد علی سومی
 سید فرو علی چارمی سید اسد علی پنجمی مولوی سید اشہد علی قاضی سید
 احمد علی را یک محل یک پسر و از محل ثانی سہ پسر شدند پسر کلانی قاضی احمد علی
 مفتی سید ارشد علی یک پسر و یک دختر فرزند و دو بی سید ریاض علی دو بی
 سید امیر حسین دو پسر ایشان از دختر اسد علی یکے مظہر حسین دو بی انظر حسین
 و نام پسر سید ارشد علی سید شہاد علی عرف میر چند و دو شادی ایشان شد
 از شادی اول دختر شد و ثانی شادی از دختر شاہ عبدالکریم مان پوری شد اولاد
 اولاد نماد و پسر ثانی قاضی سید احمد علی قاضی ارشد علی یک دختر ایشان زوجہ
 میر غلام امام ابن سید گدا علی سہ پسر ایشان احمد امام و محمد امام و اصغر امام ہر

ذمی ولد و پسر سومی قاضی سید احمد علی سید امجد علی چارمی سید بشارت علی
 هر دو لا ولد و پسر اسد علی سید امجد حسین ذمی ولد اند که خدائی ایشان در
 پهلوانی از دختر میر علی سجاد گردید پسر است بنام احمد حسین و سید امجد علی را
 یک پسر و دو دختر دختر کلانی زوجه شاه رحیم بخش یک پسر به بهاری شاه
 عبدالکریم نبیره ایشان موجود دختر ثانی زوجه میر مصاحب علی چند دختران و دو
 پسر سید اله بخش دومی سید عبدالسبحان ذمی اولاد هستند و خلف سید امجد علی
 میر ولایت حسین پسر ایشان میر حیات حسین سه خواهر ایشان یک زوجه شاه
 رحیم بخش دومی زوجه میر مصاحب سومی زوجه ادلی شاه عبدالحکیم شامی ایشان
 در شیخ پوره گردید از خواهر میر عباس علی یک دختر شد زوجه سید اله بخش بخشی
 ذمی اولاد اند و پسر سید افرید علی سید اسد علی و سید خورشید امام سومی را تا اند
 یا و نام ذمی اولاد هر یک اند و کیفیت اولاد مولوی اسد علی دریافت نشد الا
 مولوی مشهدی ابن مولانا احمد علی احمدی پهلوانی داماد انجناب اند قاتی
 یعنی از حالات این سیادت فرصت شد و نیز از مجبان این دیار مینویسد حال
 از شیوخ اکابر جواری مشایخان عظام قصبه پهلوانی که معروف اند در هر اصهار
 و دیار بعد ذکر اولاد فرزندان مخدوم بدرالدین شهباز پوری

تمت کتاب بزرگ مشایخان قصبه پهلوانی جواری اولاد حضرت

جعفر طیار

بیرون است در مقدمه کتاب هذا ذکر آمده است از اولاد حضرت جعفر طیار از اینجی
 که بزرگان آمدند بزرگی مسمی امیر عظامه العبد از اولاد بسیار حضرت جعفر طیار
 درین دیار تفصیل شان می نمایم در اولاد آن عالی تبار در قصبه پهلوانی
 بودند یکی از مشایخین کبار شاه ظهور العبد والد ماجد حضرت شاه مجیب العبد
 قادری یکی از خاصان اهل اللہ در اینجا شدند غزلت نشین ایشان از بیت
 و تبریت معنوی بطریقه قادریه قلندریه شد از حضرت شاه عماد الدین قلندر
 که برادر بزرگ خسران حضرت بودند و نیز استفاده باطنه و ارشاد از حضرت مولانا
 محمد وارث رسول نما قادری درین قصبه شدند متوکلانہ غزلت گرین و نیز
 خانقاه پیریم بود درین قصبه و میگویند تا دوازده سال قریب تربیه بهمین ریاضت و
 مجاهده کردند زیر درخت تمبرهندی رجوعات خلوات شد پدید کیفیت و کرامات
 شد هویدا آخر از وحام خلقت شد از مردان خانقاه ثبات عمارات بلند القصه
 از برادرزادی پیران حضرت نیز تولد یافتند با حضرت یکدختر و دو پسر یکی را نام شاه
 عبدالحق پسر ایشان شاه نورالحق و دخا بهر ایشان پسر ایشان مولوی
 شاه ظهور الحق ابن شاه نورالحق ابن شاه ظهور الحق نو اسه شاه غلام نقشبند
 ابن شاه عماد الدین قلندر اند الحاصل مولوی شاه ظهور الحق را پنج پسر و دو دختر
 یکی از نسوب از مولوی منظر نبی شاه بهار پوری دویمی که جدا از مولوی علی
 ابن مولوی عبد العلی و نام فرزندان مولوی شاه نصیر الحق و مولوی شاه

ظهیر الحق داماد مولوی نواز شمس علی ابن مولوی عبدالعلی سوم مولوی شاه
 امیر الحق که هنوز سجاده ابائی خویش آند پسر ایشان شاه ارشد الحق چارمی
 مولوی صفیر الحق داماد قاضی مخدوم عالم نجفی مولوی فقیر الحق بعض اذختران
 مولوی نصیر الحق رانیز فرزند نیست و دختر اینقدر دانست که نکاشت فرزند
 دومی حضرت شاه مجیب الدین شاه عبدالحی یک دختر ایشان زوجه مولوی علی
 والد ماجد قاضی علی اشرف ذمی اولاد شده از جهان لا ولد رفتند و پسر شاه
 عبدالحق شاه شمس الدین چهار پسر ایشان یک مولوی محمد علی چهار پسر ایشان
 یک مولوی قلندر والد شاه غلام دستگیر و بی مولوی قطبی و در انام یاد دارند
 الا پسر دومی شاه شمس الدین را شاه ابو الفضل بودند یک دختر ایشان
 زوجه اول مولوی محمد سجادی این حضرت شاه نعمت الدین قادری مشرف
 یک دختر و یک پسر شد با ایشان از آن محل شاه محمد مصطفی هم عمر بودند این حقیر این
 کبیر مفقود الخبر و نام پسران شاه ابو الفضل نام کلانے میان شاه حسین
 و نام ثانی شاه احمد حسین که هم عمر و شفیق قلبی این خاکسار بودند بعد سفر حج
 مشرف زیارت آستانه حضرت غوث پاک شده در بغداد بدانجا رجعت کردند
 و پسر سوم حضرت شاه شمس الدین ابن شاه عبدالحی شاه ابوالقاسم بود
 از دختر صفیر و حضرت شاه نعمت الدین قادری از سماه شمس النساء که خداست زنده
 یک پسر ایشان مولوی شاه محمد صوی که پر یافت دومی اخلاق بودند که نکاشتند

ایشان از دختر عم خردشاه مجتبیٰ ابن شاه شمس الدین چارمی گردید آلا اولاد
 نشد اولاد دختر محل اولی حضرت شاه مجیب الله قادری شاه نور ابووند یک دختر
 ایشان زوجه مولوی محمد قادری ابن حضرت شاه نعمت الله رحمة الله علیه فتح
 با و از شادی ثانی حضرت شاه مجیب الله قادری دو دختر و یک پسر شدند پسر
 یک دختر شاه و عبد الله که جد صحیح و جد مادر ایشان هر دو بمنزله بودند نام جد
 و پدر ایشان یا همان شادی اول شاه و عبد الله در نو اباده شد از خواهر شاه
 مراد علی مرحوم از بطن ان عقیقه یک پسر و یک دختر متولد شدند نام پسر شاه
 محمد یوسف و دختر شاه و عبد الله زوجه مولوی ابو تراب رحمة الله علیه و از شادی
 ثانی که در جواریه بار شد نجوبی دریافت نیست الا یک صاحبزاده شاه محمد مصطفی
 که شادی ایشان از دختر جناب استاد مولوی محمد امام شادیک دختر و سه پسر
 ایشان شاه نعمت مجیب و شاه صفت الله و سوم شاه اشرف مجیب و دختر
 شاه محمد مصطفی زوجه ثانی قاضی علی اشرف ابن مولوی علی اکبر باید دانست
 دختر دیگر حضرت شاه مجیب الله قادری از مولوی شاه وحید الحق که خدا
 شدند و پسر ایشان و کیفیت دختر دریافت نشد یعنی پسر کلانی نام نامی
 بمرتب عظامی مولانا احمدی رحمة الله علیه و ثانی مولوی علی اکبر رحمة الله علیه
 یاد دارم ایشان را بجز یک پسر مولوی علی اشرف دیگر بود باور ایام طفولیت
 رفته باشد الغرض شادی اول مولوی علی اشرف مرحوم از دختر عم کلان خود

مولانا احمدی شدیک پسر متولد شد مولوی احمد کبیر نوجوان بعالم عفتوان رحلت کردند
 بعد مدت شادی دیگر از دختر شاه محمد اصطفی تزویج شد یک پسر شد از بصارت
 معذوره ساله شده بمرد و یک دختر هست بیوه بی اولاد شادی در قرابت شده
 و مولانا احمدی رحمة الله علیه از شادی اولی سه دختر و دو پسر دختر کلانی زوجه
 مولوی محمد امام رحمة الله علیه و ثانی زوجه مولوی ابوالحیات رحمة الله علیه
 و ثالث زوجه قاضی علی اشرف مذکور و خلف کلانی مولوی بادی علیه رحمة
 که از دختر صغیره جناب حضرت شاه نعمت الله قادری قدس سره کد خدا شدند
 از مسماة بی بی شرفا از بطن آن بی بی دو پسر شدند یکی مولوی فضل الله ثانی
 مولوی شرف الدین والد شاه بدر الدین الا دیگر شادی نمودند مولوی هادی
 صاحب از آن نیز یک پسر شد شاه فضل حسین و فرزند ثانی مولانا حاجی محمد ابراهیم
 مورد رضا و تسلیم ذمی اولاد شدند الا از کیفیت مصاهرت و ذریت
 ایشان مطلع نیست و از شادی ثانی مولانا مدوح یک دختر زوجه دوم
 مولوی محمد قادری و پسر مولوی محمد مهدی شادی ایشان در شهر پلینه شد
 از دختر مولوی اشهد علی یک پسر و یک دختر بوجود آمدند و اما دو پسر و بر و
 ایشان بملک بقا چیل بعد عرصه تری که مسماة جمیله دختر مولوی اسمعیل یافتند
 و از شادی سوم مولانا مدوح یک پسر سمس مولوی محمد عارت و چند خواهران ایشان
 با بجا که خدا شدند ذمی اولاد هستند و مولوی اسمعیل از محل ثانیه پسر مولوی

شاه وحید الحق بودند و پسر ایشان مولوی محمد اسحاق و مولوی حسن و یک دختر
 سماة جمیله هر گاه از ذکر اولاد هر دو خواهران حضرت شاه نعمت الله قدس سره ^{یافت} _{در صحت}
 احوال آنجناب مشیخت آید بینوید و واضح باد شادی جناب حضرت شاه نعمت الله
 رحمه الله علیه در قصبه چهره بوضع گنگنه از قصبه حکیم باسوعلیه الرحمه یعنی تالی
 از بطن آن بی بی اولاد شدند غیر آن که بطولیت رفتند هفت پسر موجود و دو
 دختر خلف کلانی مولوی شاه ابوالحسن قدس سره متخلص به فرد لاریب همه
 کمالات بودند و شادی اولی ایشان از دختر مولوی عبدالمغنی یعنی از خواهر
 مولوی شاه عبدالفنی گردید یک پسر شدند مولوی شاه علی حسن عرف ابوسیان
 جوان شده کمالات صوری و معنوی رسیده شادی شد از سماة بی بی بتول دختر
 کلانی مولوی محمد امام قادری نو جوان رحیل ملک بقاشدند اولاد نماند و شادی ثانی
 مولوی فرد رحمه الله علیه از قصبه مولوی عبد العلی گردید از بطن ابن زوجه
 اولاد شدند اکثر اولاد و پسر و یک دختر که خدا شده و فاتی یافتند کلانی مولوی
 شاه نور العین که سجاده نشین بعد پدر بزرگوار شدند شادی ایشان از دختر
 عم خورد مولوی محمد حسین صاحب شده بود وقت رحلت ایشان فرزند بی بود
 خورد سال قضا کرد بعد ایشان سجاده نشین برادر ثانی شدند مولوی شاه علی
 حبیب الله علیه و زوجه ایشان هر دو از دختران مولوی رعایت حسین
 ابن مولوی ولایت حسین ابن مولوی عبد العلی از هر دو بطن اولاد دادند و دختران

و پسر درینجا مناسب افتاده که ذکر فریت مولوی عبدالعلی مرحوم نمایم باید دانست
 بمولوی شاه عبدالغنی سه دختران یکی زوجه مولوی محمد اشرف والد مولوی محمد وجه
 و ثانی زوجه مولوی شاه ابوالحسن فرد ثالث زوجه مولوی عبدالعلی یک دختر ایشان
 زوجه ثانیه مولوی فرد مرحوم پنج پسر یکی مولوی ولایت حسین پدر بزرگوار مولوی
 رعایت حسین دومی مولوی نواز ش علی یک دختر ایشان بود زوجه مولوی ظمیر الحق
 ابن مولانا ظمیر الحق سومی پسر مولوی عیسی که از دختر مولانا ظمیر الحق که خدا شکر
 یک پسر ایشان داماد جناب مولوی فرد مرحوم و چارمی مولوی کمال ستوده
 بعد از جلیله شد مالا مال لا ولد کردند انتقال پنجمی مولوی محمد یونس نوجوان
 بردند و مولوی عبدالغنی خلف الرشید مولوی عبدالغنی با وجود علم شریعت
 و طریقت که داشتند بی بی حافظ قرآن نیز آنحضرت ذی شان ازین عالم
 لا ولد رفتند جانشین شان پسر خواهر زاده شان شاه و جید الحق ابن مولوی
 محمد وجه اندشادی ایشان نیز از دختر مولوی رعایت حسین شد خاتم ثانی
 جناب حضرت شاه نعمت الدقدس سره مولوی شاه ابوتراب رحمه الله علیه
 آنجناب بے نظیر منشی در علم صوری و معنوی بودند ثنادهی ایشان از دختر
 شاه و عدالد شده بود رحمه الله علیه یک پسر ایشان بودند ذمی علم
 و ارسته حال صاحب سلیم مولوی عبدالکریم در سن نهم رسیده رحلت کردند اولاد
 دونه بانجناب دیگر اولاد شدند فرزند سوم بودند جناب اوستاد مولوی محمد امام

عالی مقام بر تبه شادوت شدند اختتام از دختر کلانیه مولانا احمدی رحمة الله عليه
 که خدا کرد و در دو پسر و سه دختر تولد شدند و دختر کلانی زوجه ابو میان شانی
 زوجه پسر شاه اصطفا مذکور و دختر خورد لاله بمر و پسر کلانی مولوی آل احمدی
 حدیث و حاجی عمر پسر بسفر کردند متاهل شدند و فرزند شانی مولوی نور احمد که از دختر
 برادر عمزاد و خالاتی مولوی محمدتکلی که خدا شد نزدیک پسر ایشان را نام معلوم
 مولوی منظور احمد داماد کلانی شاه علی حبیب مرحوم بانی کیفیت اولادشان
 دریافت نیست فرزند چهارم جناب معلی القاب استادی مولوی شاه
 ابو الحیو اة که از دختر ثانیه مولانا احمدی علیه الرحمة که خدا شدند و در پسر
 کلانی مولوی محمدیحیی که از دختر عم که خدا شده وی اولاد اند و پسر شانی شاه محمد
 بعارضه طحال اند جوانی رحلت کردند و فرزند پنجم آنجناب شیخ مات حضرت
 شاه نعمت الله قادری جناب معلی القاب مولوی محمد قادری که مجمع صفات
 بودند موصوف از دختر شاه نور یک دختر شد پیدا که زوجه مولوی محمدیحیی شدند
 از بطن آن عقیقه دو پسر و یک دختر شدند کلانی مسمی غلام دستگیر اند جوانی
 رفتند بلکه بقائمانی مولوی عنایت رسول مقبول اهل قبول نوجوان رفتند
 الا اولاد گذشتند و خواهر ایشان زوجه مولوی نور احمد مرحوم زیاده نام مرقوم
 فرزند ششم آنحضرت مولوی محمد سبجایا مولوی علی سبجایا که با وجود تحصیل
 علم ظاهری بر طریق فقر غلبه داشتند که خدائی اول ایشان از دختر مولوی

ابو الفضل شده بود ثانی شادی از دختر خال خورد ایشان گردید یعنی
از دختر حکیم مظفر پسر اندم وجودیکے مولوی عمر در از نام دیگر ان
ندارم یاد فرزند هفتم مولوی محمد حسین بودند شادی اول ایشان
از دختر خال کلانی حکیم واعظ الہ شدہ بود فرزند ان موجودند خلف کلانی
مولوی ید الہ یا مولوی مولائی شدند رحیل ملک بقا کیفیت اولاد
در یافت نشد الا دختر مولوی صاحب زوجہ شاہ نور العین بودند باخر
عمر بہ زیارت حرمین شریفین رفتہ حج ادا ساختہ در انجا کردند

انتقال اناللہ وانا الیہ راجعون

ذکر اولاد حضرت مخدوم شاہ بدر الدین ہشیار پور می قدس
باید دانست این بزرگ از سیادات عظمیٰ سلوی نسب بودہ انظر بقیہ
فردوسیہ میداشتند بچند واسطہ خلف و خلفا حضرت مخدوم الملک
قدس سرہ از انجا کہ بودند جواری این خاک از ذکر فریت نگاشت
انچکہ یافت کہ نسب نامہ علی التسلل الایمانت کہ من نگاشت
باید شنید فرزند ان ایشان کیے بصیغہ آل اند و ثانی اولاد در فرزند
آل انجناب کیے شاہ مظہر احمد پدر بزرگوار شاہ اقبال حسین حسر
شاہ میان حان مکسوی بلکہ حسر ہر دو برادر و فرزند ثانی مولوی
مظہر نبی یک دختر ایشان زوجہ ثانیہ مولوی محمد سحی باقی کیفیت

فریت ایشان نامعلوم آلامی آرنذبیره بنده محمدم بر پشت
 پنجم بودند میر محمد سعید ابن سعید محمد حبیب زاده در یافتت نیست
 ذمی اقبال که خدائی ایشان در قصبه دانا پور شد در قرابت
 ملکیان دانا پور کے شیخ زاده در انجانہ چند زنان بودند بیوه
 و فرزندان صغیر سن چونکہ صاحب شعور و تمیز بودند فراہین
 بادشاہی در آنجا یافتند بر گرفتند و رسوخیت صوبہ یافتہ
 حضوری در دربار بادشاہی گردید منصب جاگیر یافتہ بخطاب
 چودھری شدند معروف چودھری محمد سعید حسان
 گردند صیغہ زمین داری حصول سکونت نیز گردید و قصبہ
 دانا پور کہ معروف محلہ چودھرانہ است الغرض یک پسر
 ایشان چودھری غلام وارث نام بایشان پسران
 شدند چہ از ہر یک نامدار یک چودھری غلام شرف دومی
 چودھری غلام حسین سوم چودھری غلام حیدر چہارمی
 چودھری غلام امین ہر دو برادر سوم و چہارم عمر یافتہ
 لالہ در فتند از نیعالم الایسر چودھری غلام حسین
 بودند چودھری دوست علی اولاد ایشان شدند از محل ثانیہ
 الا از ہمہ کلانے بودند چودھری غلام شرف

یک پسر ایشان چو دهر می غلام نجف و سه خواهر
 ایشان دختران چو دهر می غلام شرف یکی جان بی بی
 عرف بی بی جنو شادی ایشان در موضع کرائی بر سر ای آینه
 حال اولاد ایشان دریافت نشد و می بی بی منون شادی
 ایشان در قصبه چمبره بجله بیان وان بود از میر سلامت علی
 گردید در انا پور شدند مقیم یک پسر ایشان میر مقصود علی
 و خواهر ایشان بی بی نمودن زوجه ادنی میر عبد علی صاحب
 لاولد بمرد مسماة مغفوره و دو پسر و یک دختر بود بمیر
 مقصود علی یکی سید فقیر علی دومی سید امیر علی که خدا شده لاولد
 بمرد و خواهر ایشان نیز در ایام صغر سنی فوت شد باید دانست
 دختر چو دهر می غلام شرف از همه کلانی مسماة زینب النساء
 دو دختر ایشان یکی بی بی زینب دومی بی بی رحمت زوجه چو دهر
 میر دوست علی ابن چو دهر می میر غلام حسین و بی بی زینت زوجه مفتی برکت الله
 یک دختر ایشان مسماة قدیر النساء که مولوی سید منور علی صدر اعلی ابن میر منور علی
 ساکن موضع شیخ پوره که خدا شدند و پسر ایشان میر نور علی قاضی یک پسر ایشان
 عمرد در انا و مولوی سید شاه حسین ابن مولوی سید
 واجد حسین ابن میر قادر بخش مرحوم و پسر دوم مولوی منور علی

سید اظہر علی والد میر شمس المہدی شادوی اولی ایشان بموضع
کاندھے گردید از دختر میرا مجد علی ذمی اولاد اند و خواہم

ایشان زوجہ سید محمد کلیم ابن سید قمر علی برادر میر نور علی

ذکر اولاد چو دہری غلام نجف

باید شنید شادوی چو دہری غلام نجف عرت چو دہری
ڈوما از دختر ہمزلف شیخ عبد المجید پہلواری گردید کہ شیخ
عبد المجید ہمزلف شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے
بودند الحصول چساہ سپرویک دختر از بطن این عقیقہ
بچو دہری غلام نجف شد فرزند کلانے سید عابد علی
کہ کبمال عنبر و شان صنیعہ زمین داری انجام کردند و نیز داوند
رونق بہ تجارت شادوی اولے ایشان از خواہم میر مقصود علی
شدہ بود شادوی ثانی از مسماة و جہا عرف مسماة و جو دختر
شیخ غلام حیدر ساکن موضع روہاے گردید یعنی از خواہم
مفتی عثمان قادر مرحوم اولاد این بی بی نشہ چنانچہ میر
عابد علی صاحب باین ثروت و اقبال ازین عالم لا اولد فرستند
المنہ عن پسر ثانی چو دہری غلام نجف میر خورشید علی
کہ مدام عمر بسلسلہ روزگار بسر کار حکام بسر ساختند

شادی ایشان بموضع پهلواوری شد از مسماة سکران دختر مولوی بدیع الزمان
 ابن شیخ عبدالمجید و مولوی بدیع الزمان داتا بودند شیخ غلام حیدر از مسماة
 حیانتن که خدا الحصول از بطن مسماة سکران یک دختر شد مسماة رحمن که از سید
 محمد عظیم ابن میر قمر علی که خدا شد ذی اولاد اند یک پسر ایشان سید نصر الله و
 خواهر این زوجه مولوی وحید الدین صدر اعلی و پسر سوم چودھری غلام نجف
 سید احمد علی که از دختر شیخ قطب الدین ابن شیخ عبدالمجید که خدا شد ذی اولاد نشد و پسر
 چهارم سید وصی احمد عرف سید محمد ولی سه شادی ایشان کردند از بطن کس
 اولاد نشد بالکل مالک تر که زوجه ثالث شد و دختر چودھری غلام نجف مسماة
 طاہرہ زوجه میر قمر علی ابن میر روشن علی دو دختر ایشان و سه پسر یکی سید
 محمد عظیم مذکور الصدر داماد میر خورشید علی مرحوم دومی سید محمد کلیم داماد سید نظر
 ابن مولوی منور علی سومی پسر محمد علیم و خواهر کلانی ایشان زوجه سید حاج حسین
 مسماة حمیدہ یک پسر شده بود و پسر دومی خواهر ثانی ایشان زوجه سید نور الحسن خوا
 ناظر سید فد اعلی در اینجا کیفیت ذریت چودھری محمد سعید خان انجام یافت
 چیزی ذکر صاحبان موضع نچوره که قرابتیان ایشان اندی نگار و دختر
 باویکی از سیادت نامی که نام یاوند ارداز اولاد حضرت حسین صغیر ابن حضرت امام
 زین العابدین رضی اللہ عنہ کہ سلسلہ مسلسل بالادریافت نشد چونکہ اولادشان
 ذمی اقبال شدند و قرابت داری شد و قح حسب یاد مینویسد یعنی ان بزرگ

رئیس بود چهار پسر بودند ذریت دو پسر مولوی منور علی و سید قمر علی یعنی شادوی میر
 روشن علی از دو دختر عم اوسط شد از یک بطن مولوی سید منور علی و از دیگرے
 میر قمر علی که کیفیت اولاد بالا تخریر شد و از نیرگان پسر چهارم میر نور علی و نیز
 فقیر بخش هر یک ذی اولاد اند و پسر کلانی برادر دو یکی میر بهادر علی وومی میر حیدر علی
 ابمان میر نور علی پسر میر حیدر علی منشی سید عبدالعلی و نیز بهادر علی صاحب راسه پسر
 شدند و سه دختر پسر کلانے میر سخاوت علی که از دختر سید محمد جعفر خان که خدا شد
 یک پسر ایشان سید ولایت حسین و یک دختر و پسران سید ولایت حسین سید
 کمال الدین حسین و سید ظهیر الدین حسین و سید صغیر الدین حسین در قرابت خواهر زاد
 این خاکساران پسر دوم میر بهادر علی ناظر سید فدا علی یک دختر ایشان که از مولو
 علی حسن عزن حسنوا بن مولوی افضل علی که خدا شد از و سید نور الحسن موجود اند و
 پسر سوم میر مقصود علی کیفیت ذریت شان دریافت نشد الا پسر یک خواهر بر سه
 برادر سید حامد حسین و اما کلانی میر قمر علی بودند و میر فرحت حسین ساکن تنبیه برادر
 میر برکت حسین و میر اسد علی هر سه خال این هر سه برادر ذمی اقبال بودند
 و میر فرحت حسین راسه پسر میر سخاوت حسین و میر ولایت حسین و میر شجاعت حسین

اولاد دختر می هر سه برادران موجود اند

ذکر آبا اجداد سید حسین علی

یکی از اجاب منشی سید فضل الدین احمد که از سیادت رضوی اند کیفیت نسب ذریت

آنچه که معلوم هست این نویسنده از آنجا که فرزند از جنبد نشی مرحوم میر سید حسین علی که از
 یاران قدیم جناب حضرت انجی الاعظم ولی محترم جناب حضرت سید شاه محمد قاسم
 قدس سره اند و نیز کامیاب صحبت جناب حضرت پیر مرشد قطب العصر سید شاه
 قمر الدین حسین قدس سره اند و نیز مشرف از زیارت جناب مظهر اسرار
 سید شاه خواجه ابوالبرکات قدس سره اند علت غائی تحریر بدین نحو که یک مخلص
 قدیم محب صمیم این فقیر حقیر نیز اند و نیز بفضل اکثر برادران ایشان از حصول ثروت
 بیعت از جناب حضرت انجی الاعظم قدس سره و هم دیگر عزیزان ایشان حقیقت
 سلسله بیعت از جناب انجی سرمنشئه اتحاد و جلیس اند که ارشاد سید شاه محمد عباد
 دام فیضه و برکاته هست درین کتاب ذکر نسب و اولادشان ضرور واجب شد حالا
 تحریر مینماید

در اینجا ذکر نسب میکند تحریر حسب سلسله توقیر

جد البجد میر سید حسین علی سید فیض المدعوف شیخی میان از سیادات رضوی مطهرت
 مقام مالک گرام نو دارد بقصبه بجد و بی ضلع مرزا پور خلف الرشید ایشان سید باب
 خلف شان سید محمد زمان فرزند ایشان چهارم کی ذی لیاقت و اقدار از ان بعد
 سکونت شان بقصبه داوود گز ضلع بهار گردید پس کلانی ناظر سید فضل محمد
 پسر ایشان یکی سید وارث علی که از دختر عم سید فضل احمد که خدا شده ذوی اولاد
 شدند پسر ثانی ناظر فضل محمد مرحوم میر و اصل علی که بطریق ندهب والد خود

مانند ثالث سید فضل حسین و وپسر ایشان سید اکبر حسن و سید اکبر حسین و
 نام پسر سید وارت علی سید وارت حسین خلف ثانی سید محمد زمان سید فضل الدین
 پسر ایشان سید حسین علی مذکور الصدور و پسر ایشان یکی سید محمد صدیق دومی
 سید اکبر حسین و چند دختران پسر سوم سید محمد زمان سید فضل الدین پسر ایشان
 سید طفیل علی و خواهر ایشان یکی منسوب از سید حسین علی دومی منسوب از سید
 رکن الدین ابن سید فضل امام ذکر سید فضل امام ابن سید محمد زمان الحصول
 شش پسر سید فضل امام شدند یکی سید رکن الدین مرحوم مذکور الصدور دومی
 سید امیر الدین سه پسر ایشان سید ضمیر الدین و سید حبیب الدین و سید ولایت حسین
 سه سوم سید فضل امام سید سراج الدین هنوز دومی اولاد نیستند چارمی سید
 فتح الدین لا ولد پنجمی سید جلال الدین پسر ششم سید فضل امام سید امیر الدین حیدر
 بنه سید سجاد حسین نواسه سید حسین علی باقی پسران سید محمد زمان سید
 فضل حسین که در عروج ماند بسیار پیش حاکم وقت در شهر بریلی الا بشیعه مذکور
 در مذمت تعصب و برادر کلانی و خود را احمد گفته ذرات این برادران خفی المذهب
 و ابو العلامی مشرب شدند الغرض و و پسر شدند سید فضل حسین سید محمد حسین
 پسران این دو یکی سید محمد تقی و سید تقی و نیز چند دختران بودند سید محمد زمان
 از جمله فرزندیک دختر سید قربان حسین که بیعت ایشان را از بزرگی بطریق قادریه
 بود و ارسته حال وارده جذب کمال صاحب ذوق و شوق و فرزند دختر دیگر

شیخ ذوالفقار علی که مونس این فقیر بودند و فیضیاب درین طریقه از حضرت
 پیر مرشد قطب العصر بودند و او را یک دختر سید محمد زمان زوجه شاه بند هولا هوری
 که از خلفا حضرت شاه رکن الدین عشق قدس سره بودند و ولد رحلت کردند حالا
 بتفصیل ذکر ذریت شان نمایم آنچه که معلوم و شادی ایشان اکثر ذرعی اعمام است
 که تفصیلاً معلوم نیست سید احمد حسین و ولد میر طفیل علی و سید جنت حسین و ولایت
 و سید ضمیر الدین پسران سید امیر الدین حیدر مرحوم موجود اند و سید علی بخش
 و ولد سید ضمیر الدین و پسران سید افضل حسین سید اکبر حسین و سید اکبر حسن

تمت

خاتمه الطبع از قلم شکسته رقم به چیدان کججریان شیخ امیر الدین احمد
 چشته صاحب گنجی خلف الاکبر شیخ نصیر الدین احمد حشمتی ابن الاصحفر

شیخ خیر الدین حسین حشمتی ساکن موضع پائنده لوپر گنه شاهجهان پور
 ضلع پنه کی از فرزندان جناب حضرت خواجہ معین الدین حشمتی قدس سره العزیزین
 سلطان

بعد حمد خالق کون و مکان نعت پیغمبر آخر الزمان و منقبت ایام طهارت حیدر کریم
 و شاعر صاحب کبار احمد مختار بر جمله حضرات گل گلشن سیادت گوهر آبدار
 دریای نجابت اختر تابنده بهرج شرافت عالی حسب و الانسب
 واضح باد که درین زمان حمید و وقت سعید نسخه نایاب مذکور انساب

حضرت سادات رفیع الدرجات لایق پسند متقدمین و سود مند
 متاخرین از تالیفات واقف رموز اسرار عرفان کاشف و قایل
 ایقان باده کش میخانه و وحدت جبرعه نوش جام محبت مقبول بارگاه بزرگان
 جناب حضرت سید شاه عطا حسین صاحب تخلص فانی عزلت گزین
 محله رام ساگر منجملات قصبه صاحب گنج ضلع گیا حسب بریک بلنج شیخ
 محمد کاظم صاحب تخلص کوب زمین قصبه صاحب گنج خلف الصدق شیخ
 شجاع علی صاحب باہتمام معدن لطف و کرم منہل جو دو ہم جناب
 شیخ نور الدین بن جیوا خان صاحب مالک مطبع حیدری
 و صفدری مطبع نامی و گرامی صفدری واقع بندر بلہی بتاریخ
 ۲۲ رمضان المبارک ۱۳۰۶ ہجری نبوی مطابق ۱۱ اگست ۱۹۲۳ عیسوی
 بصحت تمام از زلیویر طبع فرہین شدہ او نیزہ گوش روزگار گشت خداوند
 مقبول و مطبوع ایل عالم نماید بجنہ و کرمہ فقط

لا شجاعت علی ابن الاصفہر
 شیخ نعمت مستظفرت الاصفہر شیخ رمضان علی
 وکیل دریس قصبہ مذکور ابن شیخ حسین
 صاحب سکے ازاد و ساس قصبہ مذکور ابن شیخ حسین
 علی الدینانی بادشاہ ہند علی موصوف خور آباد
 دہلی شیخ رفیع الرحمن متعلقان خود را آباد
 مکان را کہ شہر قوم خود را آباد
 بلوچ چتر جاقوم خود را آباد
 ساختند بدو وقت آبادی قصبہ صاحب گنج ضلع گیا
 و کالت عدالت ہمراہ مستر تاسد لائے صاحب بہادر
 گزین شدند قصبہ مذکور سیدہ سکون
 بلوچ صاحب گنج ضلع گیا

کاتب کتاب ہذا نثار احمد بریلوی ست

قطعه تالیخ طبع طبغ از شیخ محمد کاظم صفا کوکب ابن شیخ شجاعت علی
صاحب ساکن قصبه صاحب کج ضلع گلیا تلیند شید سید میرالدین احمد
صاحب کینی و میر خوشی علی صاحب نفیس

بود تا قیامت نسب را تسلسل
بجام بلورین رخ شاد مل
چو سنبل پسرین فروشته کاکل
همانا تو گوئی که شد دسته گل
بگو شتم ندرا کرد گشت تسلسل
۱۳۱۱

چرخوش طبع شد کنز الانساب کزوی
بهر لفظ او جلوه گر روی معنی
سواد سطورش بصفح بیانش
چهارونق آب و زگش برآمد
زها تف چو پدید کوکب سن او

ایضا

لباس طبع در بر کرد امروز
رسم کردم گل تر رونق افروز
۱۳۱۱

محمد افند کوکب کنز الانساب
بسال اختتام الطباعش

ایضا

بتالیفات فانی خوش اوقات
چپا اب مخزن نسب سیادت
۱۳۱۱

هوئی مطبوع جبیره کنز الانساب
لکها کوکب نی سال از روی ابجد

ایضا

بزنگ شمس طالع گشت هرگاه
نو شتم قدوه سادات فریجا
۱۳۱۱

زبرج طبع کوکب کنز الانساب
بتالیخ شیوع الطباعش

قطعه تاریخ طبع از طبع شریف الوان سخن سید حسین علی

باطبع مطبوع آمده و کشف نخل صفیا
ما تفت بمن گفتا بگو تاریخ حال او بی

صد شکر حق جل و علا کاین سخن از فرد صفا
طبع لبسال طبع او چون شید بنگر سر فرو

اشتهار

چونکه حاجی سید عطا حسین
معروف بعبد الرزاق صاحب مصنف
کتاب بذائق تصنیف را بر اقم همه فرموده اند
لنذا مید که کسی بدین اجازت را قم قصد طبع
این کتاب نکند و زنده از روی مواخذة
فانون بجرم از کتاب طبع کتاب
موهوب صورت نقصان بطور خواهد آمد
المستر
نورالدین بن جیواخان

آخرى درج شدہ تاریخ پر یہ کتاب مستعار
لی گئی تھی مقررہ مدت سے زیادہ رکھنے کی
صورت میں ایک آئہ یہ سیدہ دیوانہ لیا جائے گا۔

کہتے ہیں کہ
 جامعہ اسلامیہ
 ۱۔ اراکین علیٰ عین تقابلہ
 مجلس توجیحات نصاب
 ۲۔ اساتذہ جامعہ
 اراکین و التوجیہ
 ۳۔ علیہ ان
 ۴۔ علیہ ان
 ۵۔ علیہ ان
 ۶۔ علیہ ان
 ۷۔ علیہ ان
 ۸۔ علیہ ان
 ۹۔ علیہ ان
 ۱۰۔ علیہ ان

